

خبرنامه



سال یازدهم، شماره صد و سوم، آذر ماه ۱۴۰۲

**دکتر داوری: نفس احترام به «علم و پژوهش» نشانه دانشمند و دانش دوست بودن است**



**دکتر نجفی: با علوم انسانی باید مشکلات و اولویت‌ها را بهتر بفهمیم**

**دکتر فوزی: «پژوهشگری» سبکی برای زندگی است**

(رونمایی از سه اثر دکتر داوری و قدردانی از پژوهشگران برتر)





### بیانات مقام معظم رهبری

یک مسئله، مسئله تقویت روحیه پژوهش و جویندگی در دانشجوست ... از جمله کارهایی که باید انجام بگیرد، این است که جوری نظام آموزشی باید طراحی بشود که جوان ما به تحقیق، طلبکاری در تعمیق علم و دانش علاقه‌مند بشود ... باید افراد برگزیده و شاخص بنشینند نظامی را طراحی کنند که جوان ما میل به پژوهش، تعمق و تحقیق پیدا کند.

دیدار نخبگان علمی و استادان دانشگاه‌ها

۱۳۸۷/۰۷/۱۳





ژپو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



### فهرست

- ۳ \* دکتر نجفی: با علوم انسانی باید مشکلات و اولویت‌ها را بهتر بفهمیم.....
- ۴ \* دکتر فوزی: «پژوهشگری» سبکی برای زندگی است.....
- ۶ \* دکتر داوری: نفس احترام به «علم و پژوهش» نشانه دانشمند و دانش‌دوست بودن است.....
- ۸ \* رونمایی از کتب دکتر مجتهدی و قدرانی از پژوهشگران برتر.....
- ۱۳ \* نام هیأت علمی پژوهشگاه در جمع بانوان پژوهشگر ایرانی پراستناد.....
- ۱۴ \* جلسه شورای پژوهشی.....
- ۱۷ \* همایش ملی «فرهنگ، رسانه و تحولات نسلی در ایران».....

#### نشست‌ها و سخنرانی‌های هفته پژوهش

- ۳۲ \* نسل امروز؛ بیم‌ها و امیدها (موانع انتقال ارزش‌ها و آرمان‌ها به نسل‌های جدید).....
- ۳۷ \* جنبه‌های غیراقتصادی تورم در ایران.....
- ۴۱ \* تورم و اثرات آن بر رشد اقتصادی در ایران.....
- ۴۳ \* واکاوی علل تورم و راهکارهای کنترل آن در ایران.....
- ۴۵ \* نماینده ایده‌آل برای مجلس؛ نمونه موردی سیدحسن مدرس.....
- ۴۸ \* موزه‌ها و علوم انسانی؛ موزه‌ها و زیبایی‌شناسی تمدن اسلامی.....
- ۵۲ \* علوم انسانی و تمدن‌سازی.....
- ۵۵ \* مهارت‌افزایی و ارتباط با بازارهای اقتصادی علوم انسانی.....
- ۵۶ \* رویکرد کشورهای عربی خلیج‌فارس در قبال جنگ غزه.....
- ۶۳ \* نشست نهم تا سیزدهم همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی».....
- ۹۳ \* بررسی انتقادی کارنامه شیعه‌پژوهی ویلفرد مادلونگ.....
- ۹۵ \* نقش عهد جدید در فهم عروج عیسی در قرآن.....
- ۹۷ \* تمدن‌پژوهی به‌مثابه دیسیپلین میان‌دار در علوم انسانی.....
- ۹۸ \* پرورش تفکر کودکان و نوجوانان؛ راه بنیادین تمدن‌سازی.....
- ۱۰۰ \* نگاهی به کتاب امرمطلق، مطالعه‌ای در فلسفه اخلاق کانت.....
- ۱۰۱ \* کاربرد پیکره‌های زبان فارسی و اهمیت آن در پژوهش‌های ایران‌شناسی و جهان‌ایرانی.....
- ۱۰۶ \* نگاهی به کتاب علم تربیت در ایران.....

#### یادداشت‌ها

- ۱۰۸ \* «استعمارشناسی در جهان عرب» و خوانش منویات و مقاصد استعمارگران در جامعه عربی.....
- ۱۱۰ \* تنودور هر تسل، پیامبر یهودیت معاصر.....

# مراسم کرامیداشت هفته پژوهش

در مراسم هفته پژوهش سال ۱۴۰۲ مطرح شد

**دکتر نجفی: با علوم انسانی باید مشکلات و اولویت‌ها را بهتر بفهمیم**



مراسم رونمایی از سه اثر دکتر رضا داوری اردکانی به مناسبت فرا رسیدن هفته پژوهش، ۲۰ آذرماه در تالار تمدن پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد و دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به برخی زوایای وجودی پژوهشگاه و حوزه‌های فعالیت این مرکز علمی و پژوهشی اشاره کرد. دکتر نجفی در ابتدای سخنانش ضمن خوشامدگویی به حضار گفت: به برجسته‌ترین استاد علوم انسانی کشور، استاد داوری اردکانی خوش آمد عرض می‌کنم همچنین هفته پژوهش را به چهار نسل از محققان علوم انسانی که در جلسه حضور دارند، تبریک عرض می‌کنم.

دکتر نجفی با اشاره به شخصیت برجسته دکتر داوری ادامه داد:

دکتر داوری تأثیرگذارترین فرد علوم انسانی شاید در نیم‌قرن اخیر یا جزو چند نفر تأثیرگذار کشور باشند که این تأثیر فقط در رشته فلسفه نبوده و در سایر رشته‌ها و جامعه علمی کشور هم مؤثر بودند. همچنین استاد داوری نسبت منطقی و فکورانه‌ای با تحولات نیم قرن اخیر کشور، یعنی انقلاب اسلامی دارند.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با تمرکز روی واژه «پژوهش» تأکید کرد: ابتدا ما باید بدانیم فرق پژوهشگاه با سایر دانشکده‌ها یا دانشگاه‌ها چیست؟ ما به همراه گروه جدید مدیریتی در پژوهشگاه روی این موضوع تمرکز کرده‌ایم که ما در پژوهشگاه علوم انسانی برای چه کار می‌کنیم و تفاوت ما با دانشکده‌های علوم انسانی چیست؟ علوم انسانی قرار نیست مشکلات «عملی» کشور را حل کند بلکه ما باید بتوانیم با علوم انسانی مشکلات کشور را درست‌تر درک کنیم و اولویت‌ها را بفهمیم و صورت مسئله خودمان را تصحیح کنیم. پژوهشگاه از این منظر به بازخوانی تجربه و اندیشه آثار دکتر داوری محتاج است و ما به ادبیات فاخر ایشان نیازمندیم. ما نسبت به دوستان و ناقدین دکتر داوری احترام قائمیم که ادبیات ایشان ادبیات مؤدبانه، سنگین و عمیقی بوده و از این جنبه سرایت این ادبیات از فلسفه به کل علوم انسانی شاید امر مهمی باشد.

دکتر نجفی ادامه داد: در تفکرات دکتر داوری شناخت دو حوزه تمدنی اسلام و غرب وجود دارد که شاید از استاد خودشان، فارابی این موارد را آموخته باشند. این دانش، پنجره‌ای است رو به دو حوزه تمدنی اسلام و غرب که نسبت بین این دو در اندیشه‌های دکتر داوری موج می‌زند. امروز هم ما در حوزه علوم انسانی کشور به این تجارب نیاز داریم.

وی در ادامه سخنانش با تجلیل از تلاش‌های علمی استاد کریم مجتهدی بیان کرد: دکتر مجتهدی هم استاد نمونه ما هستند که خداوند به ایشان طول عمر و سلامتی عطاء کند. از دکتر مجتهدی یک جمله در خاطر دارم که می‌گوید، از نظر برخی تعصب بد است اما من (مجتهدی) معتقدم تعصب خوب است. تعصبی که بعد از علم، آگاهی و تحقیق در فرد ایجاد می‌شود، تعصب مثبتی است و من این تعصب مثبت و آگاهی را به‌خصوص در نقد «عابدالجبری» دکتر داوری، تغییر می‌کنم به یک غیرت ملی و وطنی که ایشان از عقلانیت در ایران و تمدن اسلامی در کتابشان دفاع کردند. این مسئولیت‌پذیری و تعهد ایشان به فرهنگ کشور جای تجلیل و قدردانی دارد، ما هم در هفته پژوهش به‌سر می‌بریم و اینجا هم پژوهشگاه است و ما از ایشان تقاضا می‌کنیم به ما یک خط راهبردی ارائه دهند تا مسیر خودمان را بهتر بفهمیم.

## گزارشی از تحولات پژوهشگاه در مراسم هفته پژوهش: دکتر فوزی: «پژوهشگری» سبکی برای زندگی است



دکتر یحیی فوزی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه علوم انسانی هم در مراسم هفته پژوهش ۲۰ آذرماه برای دقایقی در تالار تمدن سخنرانی کرد. وی سخنانش را با تبریک هفته پژوهش به فعالان عرصه پژوهش و پیشرفت علم و دانش در کشور و همچنین تشکر از کسانی که از پژوهش پشتیبانی می‌کنند، آغاز کرد و گفت: سخن گفتن در مورد «پژوهش» آن‌هم در جمع پژوهشگران کاری سخت است چون پژوهشگر به یک معنا با پژوهش زندگی می‌کند و صحبت کردن در مورد خود پژوهش مثل داستان ابن‌سینا و شیخ سعید ابوالخیر است که این دو، حدود سه روز با هم خلوت کردند و گفت‌وگوهای مختلفی با هم داشتند. بعد از سه روز شاگردان ابوسعید از او پرسیدند، یا شیخ! این ابن‌سینا را چگونه دیدی؟ ابوسعید پاسخ داد، «آن چیزهایی که ما می‌فهمیم، ابن‌سینا می‌گوید».

دکتر فوزی ادامه داد: پژوهشگری نوعی سبک زندگی و شیوه حیات ماست و از این جهت ما باید مقداری به این سبک بپردازیم، حالا اگر ما بخواهیم به ویژگی‌های سبک زندگی اشاره کنیم، شاید بتوانیم چند نمونه معرفی کنیم. شاید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک زندگی پژوهشگری، «مسئله محوری و حقیقت‌جویی» است. به هر حال همیشه پژوهشگر دنبال مسئله است و به زندگی این‌گونه نگاه می‌کند و حقیقت‌جویی از دغدغه‌های اصلی پژوهشگر به‌شمار می‌رود که در همه زندگی‌اش جاری می‌شود.

«خلاقیت» یکی دیگر از ویژگی‌های یک پژوهشگر است در واقع «پژوهشگری» یک کار پاره‌وقت نیست و پژوهشگر با پژوهش زندگی می‌کند و حتی یک پژوهشگر با فکر کردن درباره مسئله پژوهشی و تحقیق، خوابش می‌برد یا حتی پژوهشگر در حال قدم‌زدن به پژوهش‌های خود فکر می‌کند. پژوهشگری یک فعالیت خلاقانه است یک ایده را رشد و پرورش می‌دهد و مثل گل حرس و مواظبت می‌کند و بعد یک موجود و یافته جدید ایجاد می‌شود. «پژوهشگری» همچنین یک کار خلاقانه است و خلق اثر می‌کند و یک کار الهی انجام می‌گیرد و به همین دلیل می‌توان گفت، پژوهشگر به خودش افتخار می‌کند همان کاری که خدا پس از خلق انسان انجام می‌دهد و پس از دمیدن روحش در وجود انسان از خودش تشکر می‌کند و می‌گوید، «فتبارک الله احسن الخالقین». پژوهشگری همچنین یک فعالیت لذت‌بخش است و پژوهشگر از تلاش خود برای اکتشاف حقایق و تبیین، تحلیل و آینده‌پژوهشی یک مجهول لذت می‌برد و لذت فهمیدن یکی از نیازهای متعالی بشر است.

دکتر فوزی ادامه داد: پژوهش جنبه عاشقانه هم دارد و پژوهشگر عاشق است و اگر عاشق نباشد، نمی‌تواند کار کند. پژوهشگر با چنین خصوصیات پژوهش خود را لحظه‌به‌لحظه اصلاح می‌کند و مثل مادر فرزندش را پرورش و رشد می‌دهد. اگر عشق در کار پژوهش تجلی پیدا کند، نتیجه، یک کار و اثر فاخر می‌شود. علاوه بر این پژوهشگری کار فروتنانه است و انسان هرچه وارد دریا می‌شود، به عمق کار پی می‌برد و می‌فهمد که هنوز با حقیقت و واقعیت خیلی فاصله دارد. وی با اشاره به سخنان قبلی دکتر داوری در این جمع افزود، فروتنی دکتر داوری اردکانی برای انسان درس‌آموز است.



این استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه به بعد دیگر پژوهش اشاره کرد و گفت: در نهایت پژوهشگری فعالیتی اثربخش است و اثر فردی، اجتماعی و ملی دارد. جهل‌زدایی، ارتقاء فهم عمومی، نشان دادن راه درست و فهم منطقی از علل چالش‌ها، تفسیر و تبیین پدیده‌ها، ارائه توصیه‌های راهبردی برای سیاست‌گذاران همه اینها می‌تواند به زندگی بهتر برای مردم و جامعه و رساندن جامعه به خیر و سعادت کمک کند. علاوه بر اینکه اثر فردی پژوهشگری، تقرب و رضایت الهی است که همواره در دستورات دینی به تعقل و آموختن و پژوهشگری توصیه شده و خداوند به قلم پژوهشگران سوگند یاد کرده است.

تحولات پژوهشگاه و ایجاد نشاط علمی

دکتر فوزی در ادامه به نحوه فعالیت‌های پژوهشی پژوهشگاه اشاره کرد و گفت: چند جمله هم در مورد موضوعات پژوهشگاه در این مدت عرض کنم که چند کار مهم طی دو سال گذشته انجام شده است. یکی از کارهای مهم، ایجاد ریل‌گذاری جدید برای تغییر در سازوکار پژوهش در پژوهشگاه بود که آئین‌نامه‌های جدیدی با کمک و اجماع رؤسای پژوهشکده‌ها و شورای پژوهشی و اعضای هیأت علمی تهیه شد که نتیجه آن موجب تنوع‌بخشی به طرح‌نامه‌ها، ایجاد انعطاف لازم برای بروز خلاقیت‌های پژوهشی و... بود ترویجی‌سازی و توجه به تقویت تنوع محصولات پژوهشی از جمله موارد دیگر است که گروه‌ها و پژوهشکده‌ها از اختیار و محوریت در تصویب طرح‌ها برخوردار شدند و مسئولیت آنها در این ارتباط افزایش یافت. آزادی عمل پژوهشگران تقویت شد و اثر بخشی اجتماعی علوم انسانی مورد توجه قرار گرفت. همچنین در این مدت سعی شد، محیط آرامی برای پژوهشگران ایجاد شود بحث‌گرن، ترفیع، پایه‌های عادی و تشویقی، بحث ارتقاء و تبدیل وضعیت اعضا و برخی موارد دیگر در این عرصه تسهیل شد و ۲۷ نفر از اعضای پژوهشگاه به مرتبه دانشیاری و پنج نفر به مرتبه استادی ارتقاء یافتند. الان هم در مرحله‌ای قرار گرفته‌ایم که بیشتر به گفت‌وگوها و اولویت‌های پژوهشی و توجه به تمایز و برندسازی پژوهشکده‌ها و پژوهشگاه فکر می‌کنیم و این یکی از بحث‌های مهم در شورای پژوهشی است که ادامه دارد. این موارد بحث‌های مهمی هستند و کمتر روی آن کار شده است که امیدواریم، بتوانیم به یک نتیجه خوبی برای نقشه راه آینده پژوهشگاه دست یابیم.

حالا در پژوهشگاه موضوعات بسیار مهم کشور مثل؛ تورم، رسانه و کودک، علوم انسانی و تکنولوژی، هویت ملی و روش‌های نوین پژوهش در علوم انسانی و غیره مورد توجه قرار گرفته‌اند و ما طی سال تحصیلی گذشته ۱۰ همایش ملی و بین‌المللی درباره این موضوعات برگزار کرده‌ایم که نتیجه آن با پیش‌همایش‌ها منجر به صدها ساعت سخنرانی و گفت‌وگای علمی بوده است و نشاط علمی خاصی در پژوهشگاه ایجاد شده است. همچنین در یک‌سال گذشته پروژه «استعمارشناسی» با ده‌ها پروژه پژوهشی هم با مشارکت بالای اعضا مواجه شد. با نام‌گذاری هفته پژوهش امسال به نام «علوم انسانی و تمدن‌سازی» این بحث نیز دنبال خواهد شد. در این سال ده‌ها پروژه پژوهشی و ده‌ها کتاب و حدود ۳۰۰ مقاله منتشر شد و نشریات پژوهشگاه ارتقاء مناسبی یافتند. کارگاه‌ها و کرسی‌های نظریه‌پردازی فعال بودند. بحث دانش‌بنیان‌ها در علوم انسانی مطرح شد و در حال پیگیری است و در مجموع پژوهشگاه در حال یک تجربه و تحول مهم است که امیدواریم این تحول به ارتقاء جایگاه پژوهشگاه بالندگی علوم انسانی کشور کمک کند.

دکتر فوزی در خاتمه سخنانش یادآور شد: هدف اصلی این جلسه تجلیل و تشکر از پژوهشگران و محققان علوم انسانی است. به همین دلیل بر اساس آئین‌نامه انتخاب پژوهشگر برتر تعدادی از پژوهشگران و اعضای هیأت علمی به‌عنوان پژوهشگران ممتاز، پژوهشگران پیش‌تاز، پژوهشگران برتر و پژوهشگران قابل تقدیر و پژوهشگران فعال انتخاب شدند و مورد تشویق قرار خواهند گرفتند. به‌علاوه از دانشجویان برتر و سردبیران و کارشناسان نشریات موفق تجلیل

و قدردانی به‌عمل آمد. وی همچنین تأکید کرد: افراد برجسته و اثرگذار در پژوهشگاه زیاد بودند و همه این افراد واقعاً قابل تقدیر و تجلیل هستند. به‌هر حال امیدواریم بتوانیم پژوهشگاه را به جایگاه واقعی‌اش برسانیم و همه کمک کنیم، و همان‌طور که گذشتگان هم در این مسیر تلاش کرده‌اند ما هم بتوانیم پژوهشگاه را چند گام به پیش ببریم و تأثیر اجتماعی علوم انسانی را در راستای بهبود وضعیت جامعه و ایران اسلامی افزایش دهیم.



دکتر داوری:

## نفس احترام به «علم و پژوهش» نشانه دانشمند و دانش دوست بودن است



مراسم هفته پژوهش پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در بیستم آذرماه به حضور دکتر داوری اردکانی در این مرکز علمی-پژوهشی مزین شد تا ضمن رونمایی از آثار این استاد برجسته علوم انسانی، وی برای دقایقی سخنرانی کند و آخرین یافته‌های علمی‌اش را با ما در میان بگذارد.

دکتر داوری در آغاز سخنانش گفت: برای حضور در پژوهشگاه، احساس وظیفه می‌کردم تا به هر زحمتی که هست بیایم و ادای احترام کنم. من مدت کوتاهی در پژوهشگاه خدمت کردم. خدمت ناچیز! از بابت این خدمت جناب دکتر نجفی مرا مورد لطف خود قرار دادند که بیش از حد استحقاق بنده بوده است. این جلسه به معنای احترام به علم و پژوهش است. نفس احترام به علم و پژوهش نشانه دانشمند و دانش دوست بودن است. قبلاً شاهد برگزاری مراسم بزرگداشت افراد بوده‌ایم، اما انعقاد مجلس بحث و نقد برای بزرگان از کارهایی است که سابقه نداشته و این کار با پیشنهاد و ابتکار استاد عزیز ما دکتر میری و استقبال دکتر نجفی انجام شده است.

وی ادامه داد: امسال در این پژوهشگاه لطف بزرگی به من شده است. ابتدا همایشی در نقد آراء من برگزار شد. بسیاری در این همایش از در همنوایی وارد شدند؛ برخی نقد کردند و بعضی بدون اینکه وارد بحثی شوند، مخالفت کردند. من از هر سه گروه متشکرم. اما گروه دیگری به شخص من پرداختند. سفارش می‌کنم که وقتی در کار علم هستید، به «شخص» کار نداشته باشید. «انظر إلی ما قال و لا تنظر إلی من قال»، کلمه‌ای است از مولای بزرگ ما امام علی (ع). پرداختن به «شخص» کار علم نیست اما بحث، نقد، مخالفت و استدلال کار علم است.





او ادامه داد: در این شش ماه از سوی پژوهشگاه به من لطف زیادی شد و پس از اینکه مراسم تقدی برای بنده برگزار شد (داوری در ترازوی داوری)، چند ماه بعد مجله‌ای در اینجا منتشر شد به نام نقدنامه که همه مباحث آن اختصاص داشت به کتاب «فارابی، مؤسس فلسفه اسلامی» که مجموعه مقالات من است. پنجاه، شصت سال پیش، در دانشگاه تهران به همت بزرگان علم و فرهنگ کشور سمیناری بین‌المللی در مورد فارابی برگزار شد. کسانی که به فلسفه اسلامی آشنا بودند، از هم‌وطنان و افراد نامداری از خارج کشور، از جمله «محسن مهدی» در آن حضور داشتند. من هم یک سخنرانی ایراد کردم، با عنوان «فارابی، مؤسس فلسفه اسلامی».

این استاد فلسفه با بیان این پرسش که منظور از این مؤسس بودن چیست؟ گفت: کاش! استادانی که نقد کردند، وارد این بحث می‌شدند و عیب آن را می‌گفتند. آیا فارابی اصلاً مؤسس هست یا نیست و اگر هست، چگونه مؤسس است و این «مؤسس بودن» چه معنایی دارد؟ مبنای من روشن است. در اینکه فارابی آراء یونانیان را آموخته و تحت تأثیر آنان بوده، تردیدی نیست. اعتراف خودش است که اگر من در عصر ارسطو بودم، در زمره بزرگ‌ترین شاگردان او بودم. این سخن تعارف نیست. هرکس در فلسفه به معنای مابعدالطبیعه اثری دارد، شاگرد افلاطون است. در این تردید نیست. نه اینکه از جای دیگر نیاموخته باشد، اما مسیر فلسفه از یونان آغاز شده است.

او ادامه داد: حکمت را با فلسفه اشتباه نکنیم. حکمت همیشه بوده است. از آغاز خلقت آدم حکمت بوده و همیشه هم خواهد بود؛ البته کم‌وزیاد می‌شود. حکمت چیزی بیش از فلسفه است. حکمت تقسیم به نظر و عمل نمی‌شود. ما امروز حکمت نظری می‌گوییم، اما فلسفه نظری را در نظر داریم؛ وگرنه حکمت نظری نداریم. حکمت عمل و نظر آمیخته است. نهج‌البلاغه که می‌خوانیم، سراسر حکمت است؛ از بای بسم‌الله تا تای تمت. این استاد فلسفه گفت: من وقتی گفتم فارابی مؤسس فلسفه اسلامی است، می‌خواستم بگویم که فارابی فلسفه را ادامه می‌دهد، اما مسیر را عوض می‌کند. یک «گشت تازه‌ای» ایجاد می‌کند. آنچه برای من مهم بود، تشخیص این گشت است که این گشت چگونه رخ می‌دهد.

قبل از فارابی فعل دین به فلسفه پرداخته بودند. فلسفه در اسکندریه، در شام، در انطاکیه و در خراسان و مرو مورد بحث و چون‌وچرا بوده و آثار مهمی نوشته شده است؛ یعنی این‌طور نبوده که از زمان ارسطو تا زمان کندی، هیچ کاری در فلسفه انجام نشده باشد. اما آنچه فارابی پیشنهاد کرده، مطلب تازه‌ای است که امیدوارم مورد بحث و نقد دوستانم قرار بگیرد. آن مطلب این است که فارابی تلقی از ماهیت را تغییر داده است. برای ارسطو، ماهیت، ماهیت امر موجود است. برای فارابی ماهیت تعریف دیگری دارد. ماهیت امکان است. اگر ملتفت این تحول بزرگ در مهم‌ترین مسئله فلسفه که اساس فلسفه است، نشویم، مشکل حل نمی‌شود. این تشخیص فارابی مبنایی شد برای گشایش راه تازه. او در این گشایش، اصل وحدت دین و فلسفه را طرح کرد. سیاست را که پیش آورد، برای نشان دادن وحدت دین و فلسفه بود. وحدت که می‌گوییم، یعنی سیر به سوی وحدت. او که وحدت ایجاد نکرده، او طرح وحدت کرده است. این طرح آغازی شده برای تاریخ فلسفه اسلامی که دین و فلسفه به هم نزدیک می‌شوند یا کوشش می‌شود این هماهنگی و همراهی صورت بگیرد.

داوری در بخش پایانی سخنانش یادآور شد: برای من مایه افتخار است که در هفته پژوهش در پژوهشگاه، در مرکزی که وظیفه‌اش با دانشگاه تفاوت دارد، حضور پیدا کنم. من هیچ مطلب خاصی در مورد پژوهش ندارم که بگویم! راه پژوهشگاه الحمدلله روشن و هموار است و سابقه خوبی هم دارد و کارهای درخشانی کرده و کارهای ممتازی می‌کند، من فقط برای این مجموعه آرزوی توفیق دارم. یک کلمه دیگر عرض می‌کنم و تمام! یکی از همکاران و دوستانم به مناسبت چاپ یک مطلب بی‌هنگام از من! نوشته است که این ادبیات، ادبیات داوری نیست و داوری حق ندارد گله کند که به آثارش توجه نشده است و مورد بی‌اعتنایی بوده است. کسی که این را نوشته، تقریباً با آثار و شخصیت من آشناست. پس از خواندن این مطلب، هم متعجب شدم و هم اینکه به ایشان حق دادم. شاید لحن من طوری بوده که چنین معنی می‌کرد. اگر واقعاً داوری گله‌ای داشته که به او توجهی نشده، خیلی کافری کرده است! من هرگز چنین فکری نداشتم همان‌طور که گفتم در ۹۰ سالگی شرف این را پیدا می‌کنم که در چنین محضری سخن بگویم، بس است. اگر فقط همین از لطف و احسانی که در ۵۰ سال اخیر دیدم، اصلاً حرف نمی‌زنم که یکی یا دو تا نیست. اگر همین کاری که در این شش ماه برای من انجام شده، انجام شده بود؛ من سر به آسمان فخر می‌سودم. بنابراین من اصلاً گله‌ای ندارم و گله من از کسانی است که به علم کاری ندارند و فقط به موافقت یا مخالفت با «شخص» می‌پردازند! ما داور نیستیم ما خدا نیستیم و حکم را به او واگذار کنیم ما در مورد اشخاص اگر وظیفه داریم، در مقام «قضا» حرف بزنیم، حرف دیگری است اما اگر تماشاگر و ناظر هستیم، ما حق نداریم در مورد «شخص» داوری کنیم و داوری را به داور واگذار کنیم. از همه شما متشکرم، امروز روز بسیار خوبی برای من بود من توانایی این سخن گفتن را نداشتم و حضور شما مرا به وجد آورد و در خدمت شما بود که توانستم چند کلمه بگویم و امیدوارم نامرتب‌نگفته باشم از همه شما تشکر می‌کنم، به خصوص از جناب آقای دکتر نجفی و دکتر میری. والسلام

## مراسم «رونمایی از سه اثر استاد داوری»

مراسم رونمایی از سه اثر دکتر رضا داوری اردکانی ۲۰ آذرماه در تالار تمدن پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این مراسم ضمن رونمایی سه اثر استاد داوری اردکانی (داوری در ترازی داوری، برنامه فیلسوف و نقد و بررسی کتاب فارابی، مؤسس فلسفه اسلامی) که در انتشارات این پژوهشگاه منتشر شده است، از نفرات برتر هفته پژوهش نیز با اهداء لوح یادبودی تجلیل به عمل آمد که در ادامه گزارش تصویری این مراسم از نظرتان می‌گذرد:





## قدردانی از پژوهشگران برتر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نام و نام خانوادگی	عنوان
کریم مجتهدی	استاد ممتاز
رضا داوری اردکانی	
الهام ابراهیمی	پژوهشگران پیشتاز
مسعود قیومی	
حوریه احدی	پژوهشگران برگزیده
علیرضا ملایی توانی	
نورالدین محمودی	
مصطفی شهرآئین	پژوهشگران شایسته تقدیر
علی سالاری شادی	
طاهره کمالی زاده	
محسن بهلولی	پژوهشگران فعال
سیروس نصرالله زاده	
مهدی معین زاده	
محمدحسن نیلی	مدیر مسئول / سردبیران نشریات برای دریافت رتبه الف و امتیاز Q1
طاهره کمالی زاده	
شهرام یوسفی فر	
یوسف محمد نژاد	
زهرا حیاتی	
طاهره ایشانی	
مسعود صفایی مقدم	مدیران اجرایی نشریات برای دریافت رتبه الف و امتیاز Q1
زهرا صادقی	
لیلا جدیدی	
آمتیس جواد شهیدی	
اعظم ریاحی	
ناهید فتحی	
مختار مومنی	دانشجویان برگزیده
ریحانه روزبهانی	
سید علی لطیفی	
سیدامیرحسین موسوی	
رضا صادقی	









## نام هیأت علمی پژوهشگاه در جمع بانوان پژوهشگر ایرانی پراستناد

دکتر آزیتا افراشی، استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در حوزه موضوعی زبان و زبان‌شناسی به‌عنوان یکی از پژوهشگران پراستناد معرفی شد.



به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به نقل از روابط عمومی مؤسسه استنادی و پیش علم و فناوری جهان اسلام ISC، دکتر سیداحمد فاضل زاده، رئیس مؤسسه ISC گفت: بانوان بخش مهمی از جامعه هستند که در پیشرفت جوامع انسانی نقش آفرینی می‌کنند. در دیدگاه مقام معظم رهبری، مناسب‌ترین زمینه برای فعالیت اجتماعی زنان، عرصه‌های علمی است. ایشان می‌فرمایند: «کارهای دانشگاهی و علمی از هر نوعش برای زن مناسب است. زن اگر بخواهد استاد شده، تعلیم و تدریس کند، کتاب بنویسد، کارهای فرهنگی بکند؛ در هر رشته‌ای که باشد فرق نمی‌کند؛ چه رشته علمی محض باشد، چه رشته‌های علوم انسانی، تجربی و دینی باشد، تفاوتی نمی‌کند».

وی افزود: یکی از شاخص‌های مرجعیت علمی، تعداد دانشمندان پراستناد هر کشور است که خوشبختانه بانوان پژوهشگر ایرانی در عرصه مرجعیت علمی در سطح ملی و بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای دارند. طبق آخرین گزارش این مؤسسه، ۵۵۷ بانوی پژوهشگر ایرانی پراستناد در میان پژوهشگران پراستناد حضور دارند که ۱۲,۷۵ درصد از پژوهشگران پراستناد کشور را تشکیل می‌دهند.

گفتنی است، ۴۶ نفر از بانوان پژوهشگر در ۱۳ حوزه موضوعی کسب و کار، مدیریت و حسابداری، علوم جغرافیایی، روان‌شناسی، علوم اجتماعی، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، زبان و زبان‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، زبان و ادبیات، علوم تاریخی، الهیات و معارف اسلامی و سایر حوزه‌ها امتیاز لازم را کسب کردند که دکتر آزیتا افراشی، استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در حوزه موضوعی زبان و زبان‌شناسی به‌عنوان یکی از پژوهشگران پراستناد این حوزه معرفی شد.

## در چهل و سومین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه صورت گرفت: تشریح اهمیت و نقش «ترجمه» در تمدن اسلامی

چهل و سومین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳ آذرماه با حضور اعضای شورا تشکیل شد. در این جلسه علاوه بر تنفیذ و تصویب برنامه‌های پژوهشی انفرادی (نوع الف و ب) پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه‌های مختلف پژوهشگاه و برخی دیگر از طرح‌های ترجمه‌ای و تألیفی پیشنهادی مرتبط با طرح کلان ملی «استعمارشناسی در ایران»؛ برنامه‌های در نظر گرفته شده برای هفته پژوهش در سال جاری توسط دکتر یحیی فوزی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه تشریح شد. در بخش دیگری از این جلسه دکتر سیدمصطفی شهرآئینی، رئیس پژوهشگاه فلسفه، درباره نقش ترجمه در تمدن اسلامی صحبت کرد. در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، پس از درود و صلوات بر پیامبر خاتم صل... علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، به دکتر علیرضا ملایی توانی، عضو جدید شورای پژوهشی خوشامد گفت و اظهار امیدواری کرد، با بهره‌گیری از دانش و تخصص‌های مختلف اعضای شورا، این شورا بتواند به‌شکلی عمیق‌تر و جدی‌تر به بررسی ابعاد مختلف مسائل علمی و پژوهشی پرداخته و با برنامه‌ریزی مناسب در جهت ارتقاء جایگاه پژوهشگاه و افزایش کیفیت پژوهش‌ها حرکت کند.

### تشریح برنامه‌های پژوهشگاه در هفته پژوهش

دکتر یحیی فوزی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی با اشاره به برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته برای برگزاری هفته پژوهش سال جاری در پژوهشگاه از تاریخ ۱۵ تا ۲۲ آذرماه، گفت: با توجه به تصویب شعار هفته پژوهش پژوهشگاه با عنوان «علوم انسانی و تمدن‌سازی» گفت: غایت و هدف اصلی علوم انسانی فراهم آوردن زندگی بهتر برای مردم و رساندن آنها به خیر دنیوی و اخروی است که به معنایی می‌توان گفت، همان تمدنی است که تحقق این هدف را برآورده می‌سازد. معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه با اشاره به برنامه‌ها و بخش‌های مختلف در نظر گرفته شده برای هفته پژوهش شامل: رونمایی از کتاب‌های منتشر شده استاد برجسته فرهنگ و فلسفه کشور دکتر رضا داوری اردکانی و برخی از آثار منتشر شده در زمینه کرسی‌های نظریه‌پردازی؛ رونمایی از وبگاه کتابخانه مینوی؛ ارائه گزارش از آثار مختلف پژوهشی به‌ویژه طرح ملی استعمارشناسی و... را از جمله برنامه‌های متنوعی برشمرد که در این هفته علاوه بر ارائه سخنرانی‌ها و نشست‌های مختلف پیشنهادی از سوی پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشی پژوهشگاه برگزار می‌شود. دکتر فوزی تأکید کرد: برنامه اصلی هفته پژوهش روز دوشنبه ۲۰ آذرماه برگزار خواهد شد و تجلیل از پژوهشگران در قالب پژوهشگران ممتاز؛ پژوهشگران پیشتاز؛ پژوهشگران برتر؛ پژوهشگران شایسته تقدیر؛ پژوهشگران فعال در عرصه پژوهش؛ پژوهشگران برگزیده دانشجویی و... انجام خواهد شد. تشریح اهمیت و نقش ترجمه در تمدن اسلامی



سپس مطابق برنامه‌ریزی مقرر برای سخنرانی یکی از رئیس‌ان پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشگاه در زمینه علمی در شورای پژوهشی؛ دکتر سیدمصطفی شهرآئینی، رئیس پژوهشکده فلسفه، درباره نقش ترجمه در تمدن اسلامی و اهمیت آن صحبت کرد.

دکتر شهرآئینی با اشاره به اینکه نخستین فضایی که ترجمه در آن مطرح شد، متون مقدس بوده است گفت: اگر بپذیریم دین یکی از کانون‌های اصلی شکل‌گیری یک فرهنگ است، وقتی اقوام و فرهنگ‌های مختلف با هم مواجه شده‌اند، اولین نیاز ترجمه متون مقدس‌شان برای آشنا ساختن سایر فرهنگ‌ها با یکدیگر بوده است. وی سپس به مقایسه ترجمه متن مقدس مسیحیان و مسلمانان و نقش ترجمه در آنها پرداخت و ادامه داد: متن مقدس در اروپا ابتدا به زبان عبری، بعد یونانی و بعد آرامی بوده و سپس به لاتینی ترجمه می‌شود. زبان لاتینی زبان علمی در قرون وسطی بوده که در دسترس مردم عادی نبود و مردم آن را متوجه نمی‌شدند. از این رو متن به واسطه خوانش کلیسای کاتولیک و کشیشان به مردم منتقل می‌شد. اولین ترجمه‌ها از متن مقدس در اروپا با لوتر به آلمانی در قرن ۱۶ و ۱۷ صورت می‌گیرد.



دکتر شهرآئینی با اشاره به در دستور کار قرار گرفتن ترجمه قرآن به زبان فارسی پس از ورود اسلام به ایران گفت: ترجمه قرآن به زبان فارسی از همان سده‌های آغازین صورت گرفته و ترجمه‌های درخشانی همچون ترجمه میبدی و ابوبکر عتیق نیشابوری به فارسی در اختیار مردم قرار می‌گیرد. بر این اساس برخلاف جامعه مسیحی که به متن مقدس به صورت مستقیم دسترسی و ارتباطی نداشتند، در ایران ترجمه‌های متعددی در قالب‌های مختلف در دسترس مردم بوده است. رشیدالدین فضل‌... همدانی به کسانی که در سراسر جهان اسلام در زمینه آثارش تألیفاتی داشته‌اند، جوایزی اهداء می‌کند و این حرکت علاوه بر آنکه نشانگر حرکت پایاپای ترجمه از عربی به فارسی و از فارسی به عربی بوده، به نوعی منجر به رسمیت بخشیدن به زبان فارسی نیز شده است.

رئیس پژوهشکده فلسفه عدم ارتباط میان مسیحیان با متن کتاب مقدس و وقایع روی داده در طول قرون وسطی در اروپا به واسطه سیطره کلیسا را یکی از دلایل نگرش‌های منفی به دین در غرب و شکل‌گیری علوم انسانی سکولار برشمرد و گفت: در غرب علوم الهی با محوریت آخرت شکل گرفتند و در مقابل علوم انسانی که غرب جدید را شکل دادند، سکولار هستند. در ایران به دلیل عدم فاصله و میانجی در ارتباط میان متن مقدس یعنی قرآن با مردم، چنین وضعیتی شکل نگرفت و به همین دلیل اگر امروز در پی نهادینه ساختن علوم انسانی اسلامی در کشور و ایجاد تمدن نوین اسلامی-ایرانی هستیم، یکی از راهکارهای نائل‌شدن به آن بازگشت به ترجمه متون کلاسیک عربی به زبان فارسی امروز است تا از این رهگذر بتوانیم پل و معبری برای تحقق این هدف بیابیم. امروزه در غرب شاهد ترجمه‌های مختلفی از آثار توماس آکوئینی هستیم که برای عموم مردم قابل فهم و در دسترس باشد، اما چنین ترجمه‌هایی از آثار و متون ابن‌سینا، فارابی و... در اختیار نداریم. «تمدن» نیاز به مواد اولیه‌ای دارد که از یک طرف از راه ترجمه متون نگاشته شده در سنت ما و از طرف دیگر از راه نگاه نقادانه به متون غربی فراهم می‌آید. انتقاد از ارزش کافی قائل نشدن به کار ترجمه

دکتر شهرآئینی با انتقاد از تخصصی و کار درجه اول ندانستن ترجمه در کشور، از بها و ارزش کافی قائل نشدن برای ترجمه انتقاد کرد و تأکید کرد: در غرب ترجمه یک فعالیت تخصصی درجه یک محسوب می‌شود اما در ایران چنین نیست و ضرورت دارد نگاه به ترجمه در کشور تغییر کند و در دانشگاه‌ها و مراکز علمی به‌ویژه در پژوهشگاه به تربیت متخصصانی زبده همت گمارد.

سپس اعضای شورای پژوهشی به طرح دیدگاه‌ها و نظر خود درباره مباحث مطرح شده در زمینه ترجمه پرداختند. وضعیت و کیفیت آثار ترجمه شده در کشور؛ لزوم ترجمه آثار اصیل دانشمندان ایرانی در قرون گذشته به زبان فارسی امروز به‌منظور آشنایی جوانان و نوجوانان با اندیشه‌ها و افکار آنان؛ دیرپایی سنت ترجمه در ایران از عصر هخامنشی و ترجمه‌های صورت‌گرفته از اوستا؛ اهمیت توجه به تفاوت در سطح و سبک نگارش مترجمان برای انتقال مفاهیم؛ ضرورت نگرش خلاقانه در تألیف متون و... از مهم‌ترین محورهای مورد بحث و تبادل نظر اعضای شورا در این بخش بود.

### تنفیذ و تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه

دکتر مهدی معین‌زاده، مدیر پژوهشی پژوهشگاه، عناوین و مجریان برنامه‌های پژوهشی انفرادی (نوع الف و ب) پیشنهادی اعضای هیأت علمی از پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی مختلف پژوهشگاه از جمله پژوهشکده دانشنامه‌نگاری؛ پژوهشکده مطالعات اجتماعی و پژوهشکده تمدن اسلامی را قرائت و اعضای شورا با تصویب و تنفیذ برنامه‌های پژوهشی پیشنهاد شده موافقت کردند.

همچنین در این بخش از جلسه شورا، سه برنامه پژوهشی ترجمه‌ای و تألیفی پیشنهادی اعضای هیأت علمی پژوهشگاه مرتبط با طرح کلان ملی «استعمارشناسی در ایران» نیز به تصویب اعضای شورا رسید.

بررسی پیشنهادی پژوهشکده فلسفه برای برگزاری همایش‌های «پرسش از فلسفه تطبیقی»، «مطالعات فلسفی دین» و همایش دیگری در زمینه‌های مرتبط با فلسفه اسلامی معاصر در سال آینده و گزارش دکتر مسعود رضایی، مدیر نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت پژوهشگاه از فرایند و وضعیت تدوین برنامه راهبردی پژوهشگاه از دیگر بخش‌های جلسه شورای پژوهشی بود.



## گزارش همایش ملی «فرهنگ، رسانه و تحولات نسلی در ایران»

همایش ملی «فرهنگ، رسانه و تحولات نسلی در ایران؛ روندها، چالش‌ها و راهکارها»، ۲۱ آذرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور علاقه‌مندان و دانش‌پژوهان برگزار شد.

در آغاز مراسم دبیر اجرایی همایش، دکتر احمد شاکری به مهمانان خیرمقدم گفت. سپس دبیر علمی همایش، دکتر سیده‌زهرا اجاق، ضمن خوشامدگویی به حضار، گفت: امیدوارم در این همایش حرف‌ها، نظرها و صداها‌ی جدیدی بشنویم و لحظات مفیدی در کنار هم داشته باشیم.



دکتر اجاق در تعریف واژه «نسل» شرح داد: «نسل» به‌عنوان یک ساختار اجتماعی متشکل از یک گروه سنی خاص یا مجموعه‌ای از چند گروه سنی است که رویدادهای تاریخی و اجتماعی مشابهی را در طول زندگی‌شان تجربه می‌کنند. اهمیت تنوع نسلی در این است که موجب تنوع ارزش‌های اجتماعی می‌شود و ضمن ایجاد نشاط و پویایی اجتماعی، توان مدارا و سازش‌پذیری انسان‌ها را افزایش می‌دهد.

دیجیتالی شدن و عاملیت‌گرایی انسان‌ها موجب تحولات برجسته‌ای در اجتماع شده است. چارچوب‌های فکری زیادی برای توضیح این دگرگونی‌ها پیشنهاد شده‌اند که وجه مشترکشان، حضور همه‌جایی رسانه‌هایی است که سبک زندگی نسل‌های مختلف جامعه را، از کودک تا

کهن‌سال، درگیر خود کرده است. اهمیت رسانه‌ها و سایر اشکال ارتباطی در این است که هویت و تعلقات نسلی را شکل می‌دهند. رسانه‌های نوین ماهیت دوره‌های مختلف زندگی از کودکی تا سالمندی و پیری را تغییر داده‌اند و مؤلفه‌های تعیین‌کننده زندگی همچون دین، علم، سلامت، محیط‌زیست، سنت، کسب‌وکار، تجارت و غیره را دگرگون ساخته‌اند.

این عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ادامه داد: تحولات رسانه‌ای از یک‌سو با ایجاد تغییر در فضای درونی هر یک از این حوزه‌ها، تفاوت فضای زیست گروه‌های نسلی را کاهش داده‌اند و از سوی دیگر، تفاوت گروه‌های نسلی را براساس میزان مهارت و فهم‌شان از فناوری‌های نوین افزایش داده‌اند. اندرکنش این روندها همان‌قدر که می‌تواند هراسناک و عامل گسست نسل‌ها تلقی شود، می‌تواند خوشایند بوده و به عامل پیوند نسل‌ها تبدیل شود. تلاش ما دستیابی به پیوند نسلی مطلوب و ارزش‌گذاری بر تنوع و مداراست. همچنان‌که یکی از دلایل اصلی توجه به موضوع ارتباطات بین نسلی، شناخت و ایجاد راه و روش‌هایی برای پیوند نزدیک‌تر و محکم‌تر بین نسل پدر/مادر بزرگ‌ها با نوه‌هاست. بدین خاطر که جمعیت جهان در حال پیر شدن است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰، تعداد ۲۲ درصد جمعیت جهان بالای ۶۰ سال سن داشته باشند و ۸۰ درصد آنها در کشورهای با درآمد کم و متوسط زندگی کنند. از طرفی روند خانواده‌های جهان به سمت تک‌فرزندی یا کم‌فرزندی است. نیازهای فیزیکی و عاطفی سالمندان در کنار نیازهای شناختی و عاطفی کودکان و نوجوانان دلایل قانع‌کننده‌ای برای مطالعه علمی و یافتن راه‌های مناسب ارتباط بین این دو نسل است.

این در حالی است که موضوع نسل‌ها در حوزه مطالعاتی ارتباطات و مطالعات فرهنگی عمدتاً از دیدگاه مصرف رسانه‌ای نسل‌های مختلف و اثرات آن بر تحولات سیاسی و اجتماعی مورد توجه بوده است. این دیدگاه با وجود ارزشمندی آن در فراهم ساختن امکان شناخت ویژگی‌های هر نسل در تعامل با رسانه‌ها با این نقد روبه‌روست که پوزیتیویستی، مبتنی بر جبرگرایی فناورانه و رویکردهای پست‌مدرن است. به‌ویژه آن‌که از نظر تاریخی نخستین اندیشمندی که مصرف رسانه‌ای را متغیر اصلی در تحولات اجتماعی و سیاسی در نظر گرفت، مارشال مک‌لوهان بوده است و سایر نحله‌ها با وجود مفهوم‌پردازی‌های به‌ظاهر متفاوت، مبانی روش‌شناسی و نظری مشابهی در تحلیل این رابطه در پژوهش‌های ارتباطی و فناوری‌های ارتباطی دارند. از این رو برای پرهیز از ساده‌سازی بیش از حد و تعمیم‌های افراطی، هم به پژوهش و شناخت مسائل غیررسانه‌ای در حوزه ارتباطات احتیاج داریم و هم نیازمند نقد روش‌شناسی پژوهش‌های ارتباطی هستیم. اتخاذ رویکردهای بافارمند و دقیق می‌تواند در توضیح این رابطه مناسب باشد.

دکتر اجاق تأکید کرد: مشاهده اهمیت و اثرگذاری ایده‌آل‌ها و خواسته‌های گروه‌های جوان جمعیتی در ایران از یک‌سو، و ظهور روزافزون فناوری‌های و محتواهای رسانه‌ای متنوع برای کودکان و نوجوانان از سوی دیگر، موجب تمرکز توجه پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات به موضوع نسل و تحولات نسلی در ارتباط با فرهنگ و رسانه‌ها شد. نتیجه این دغدغه برگزاری همایش فرهنگ، رسانه و تحولات نسلی در ایران: روندها، چالش‌ها و راهکارهاست تا فضایی برای به اشتراک‌گذاری دانسته‌هایمان از وضعیت موجود و هم‌فکری برای مشکلات و مسئله‌های نسلی، و ایجاد زیرساخت‌های گفتگویی و راهبردی پیوند نسلی فراهم شود.

وی در مورد برگزاری این همایش شرح داد: پیشنهاد برگزاری همایش در اردیبهشت به تصویب شورای محترم پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رسید. پس از تشکیل کمیته علمی همایش، سه محور موضوعی با تأکید بر سیاست‌گذاری، دانش و فناوری، و زیست جهان ایرانی برگزیده شدند. در این بازه هشت پیش‌نشدت در راستای سه محور همایش برگزار شدند و در مجموع ۲۰ سخنرانی انجام شد. فراخوان همایش در خرداد ماه انتشار عمومی یافت و در مهلت تعیین شده ۵۳ چکیده به دستمان رسید. پس از داوری، ۲۷ چکیده واجد استانداردهای علمی شناخته و انتخاب شدند. تاکنون ۱۱ نفر از نویسندگان این چکیده‌ها، مقاله کامل خود را برای همایش ارسال کرده‌اند که امیدواریم با برگزاری این همایش و فراهم‌آوری محتوای مناسب بتوانیم موجب تولید گفتگومان درباره اهمیت راهبردی این موضوع برای تمدن‌سازی، پیشرفت، پایداری و امنیت کشورمان شویم.

دکتر اجاق در پایان سخنانش یادآور شد: لازم می‌دانم از ریاست و معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی جناب آقای دکتر نجفی و جناب آقای دکتر فوزی تشکر کنم که با مساعدت و نکته‌سنجی‌های مناسب خود در طول این فرایند در برگزاری بهتر همایش ما را یاری کردند. همچنین باید مسرت خود را از این بابت ابراز کنم که انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها و انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان پس از کلید خوردن همایش با درک اهمیت موضوع و هم‌راستایی آن با اهدافشان، ضمن استقبال از همایش، با تأکید بر فایده‌مندی و اهمیت کاربردی موضوع همایش، انگیزه و اراده ما را برای برگزاری این رویداد علمی افزایش دادند.

### دکتر فوزی: امیدوارم این همایش به شناخت چالش‌های رسانه‌ای برای کودکان و ارائه راهبردها و پیشنهادهای سیاست‌گذارانه بینجامد



در ادامه دکتر یحیی فوزی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به سخنرانی پرداخت و درباره اهمیت موضوع همایش توضیح داد و گفت: مسئله‌ای که جوامع مختلف در دنیای امروز با آن مواجهند کارکردهای دوگانه رسانه‌هاست. از یک‌سو گسترش سبک زندگی جدید در ایران و نیازهای امروزی بشر همچون بسیاری از کشورهای دیگر استفاده از این رسانه‌های جدید را اجتناب‌ناپذیر کرده است، به طوری که این رسانه‌ها در حوزه‌های مختلف فعالند و از سوی دیگر حضور و گسترش رسانه‌ها موجب ایجاد چالش‌های جدی در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و حقوقی در جوامع مختلف از جمله جامعه ایران شده است، لذا نیازمند تحلیل جامعی از

ماهیت رسانه‌های جدید و ارائه راهبردهای لازم جهت مواجهه بهینه با چالش‌های رسانه‌ای در عرصه سیاست‌گذاری و استفاده توأمان از فرصت‌ها و مواجهه هوشمندانه با آنها هستیم که این مسئله موضوع این همایش است و بخشی از ابعاد این مسئله در حوزه تحولات نسلی قرار است در این همایش مورد بحث کارشناسی قرار گیرد. این استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کارکردهای اطلاع‌رسانی، آموزش، سرگرمی، فرهنگ‌سازی، اقتصادی و سیاسی رسانه‌ها را تشریح کرد و سپس مواجه‌شدن با رسانه به‌مثابه تکنولوژی را از رویکرد فلسفی توضیح داد. وی گفت: بر اساس دیدگاه جبرگرایانه، تکنولوژی دارای ذات و هستی معین و خودمختاری است. تکنولوژی بی‌طرف نیست بلکه متضمن ارزش‌های خاصی است و هر تکنولوژی بار ارزشی خاصی دارد و الزامات خاصی را به‌دنبال دارد.

در مقابل این دیدگاه، رویکرد ابزاری به تکنولوژی مطرح است که بر اساس آن تکنولوژی‌ها، امری خنثی و بی‌طرف هستند و انعطاف‌پذیرند و می‌توان از آن برای مقاصد متفاوت استفاده کرد و هیچ معنا و ارزش جبرگرایانه‌ای در ذات این تکنولوژی نیست و تکنولوژی ابزاری است در خدمت اهداف بشر و انسان‌ها می‌توانند بر اساس خواست خود از این تکنولوژی استفاده کنند. در واقع بر اساس این دیدگاه رسانه‌ها فقط ابزارهایی برای ارسال محتوا و پیام هستند و واقعیت‌های بیرونی و محتواها اهمیت بیشتری در تغییرات جوامع دارند.

دکتر فوزی با توجه به نقدهای این دو رویکرد توضیح داد: رویکردهای تلفیقی که بر ماهیت برساختی یا اقتضائی تکنولوژی تأکید دارند، از اهمیت بیشتری برخوردارند. بر اساس این دیدگاه تکنولوژی، هرچند یک پدیده خنثی نیست و مبتنی بر فلسفه و نیازها و اهداف خاصی طراحی شده است، اما تحت تأثیر اراده کاربران در سیر پیشرفت خود و تحت تأثیر شرایط و محیط اجتماعی و تحت تأثیر نیازها و انتظارات می‌تواند دچار تحول و تصرف شود، لذا تحول تکنولوژی امری زمان‌مند و مکان‌مند است و تحت تأثیر اراده کاربران می‌تواند از انعطاف لازم برخوردار باشد. اینکه وضعیت فرهنگی هر جامعه، ماهیتی انفعالی یا فعال داشته باشد، می‌تواند در برون‌داد رسانه‌ها مؤثر باشد. فرهنگ و رسانه با یکدیگر تعامل دارند و تعامل آنها، انسان اجتماعی را شکل می‌دهد. پیام رسانه نیز یا خود، فرهنگ است یا برای انتقال فرهنگ، انتشار یافته. همچنین رسانه‌ها در دنیای امروز یک ابزار استراتژیک قدرت به حساب می‌آیند و این امر نیازمند استراتژی مشخص برای مواجهه با آن و افزایش فرصت‌ها و کاهش تهدیدها در مقابل آن است.

این استاد دانشگاه با ذکر مسائل و موضوعاتی که در مقابل فرهنگ، رسانه و نسل‌ها پدید می‌آید، اظهار امیدواری کرد: این همایش بتواند با ورود به جزئیات و مباحث مختلف این حوزه، ضمن مطالعه چالش‌ها و ارائه راهبردها، نگاهی جدید به موضوع رسانه و چگونگی استفاده از آن در فرهنگ‌سازی ایرانی-اسلامی داشته باشد و همچنین به شناخت چالش‌های رسانه‌ای برای کودکان و ارائه راهبردهایی برای استفاده بهینه از رسانه‌ها و پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری بینجامد. وی در خاتمه از دبیران محترم علمی و اجرایی، و اعضای کمیته علمی و همه حامیان و مشارکت‌کنندگان در همایش تشکر کرد.

### محور نخست: فرهنگ، رسانه و سیاست‌گذاری

محور نخست این همایش با عنوان «فرهنگ، رسانه و سیاست‌گذاری» با حضور چهار سخنران برگزار شد که دکتر منصور ساعی، عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات مدیریت این بخش را بر عهده داشت.

#### اهمیت توجه به نسل‌ها در جهان رسانه‌ای شده



نخستین سخنران این بخش دکتر محمد آقاسی، مدیرکل دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه با رویکرد انتقادی به سیاست‌های فرهنگی رسانه‌ای حوزه کودک و نوجوان در زمینه «اهمیت توجه به نسل‌ها در جهان رسانه‌ای شده» سخنرانی کرد. دکتر آقاسی توضیح داد که در ایران، حوزه نظری و عملی سیاست فرهنگی و سیاست رسانه‌ای را از هم تمیز نمی‌دهیم و آن را یکی می‌دانیم در حالی که اشتباه است. جامعه در حال پیچیده‌شدن است هر چقدر جامعه پیچیده شود، فضا و روابط نیز پیچیده‌تر می‌شود، نیاز به سیاست بیشتری در این فضا داریم. وقتی از جامعه پیچیده حرف می‌زنیم، منظورمان جامعه‌ای پر از

عناصر است. عناصری شمالی چهار سطح سیاست‌گذاری؛ ۱. اسناد جهانی و بین‌المللی ۲. اسناد بالادستی ملی ۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ۴. استاد دولتی که سیاست‌گذاری رسانه‌ای در عرصه کودک و نوجوان واجد شش ایراد هستند که عبارتند از: عدم تعریف دقیق مفهوم کودک و نوجوان، سیاست‌گذاری ژوپیتری و بی‌توجه به محیط، بی‌توجهی به مکان و زمان، فقدان متغیر استراتژیک، و ابهام در میدان اجرا.

این مدرس دانشگاه با این نتیجه‌گیری به سخنان خود پایان داد که سیاست‌گذاری برای کودکان و نوجوانان باید در فضای واقعی باشد و این واقعیت با پیمایش و تعریف دقیق مفاهیم صورت می‌گیرد و با فرا رفتن از خود پنداره‌های سیاست‌گذاری ممکن می‌شود.

### فضای مجازی و تغییر شیوه‌های حکمرانی

دومین سخنران این بخش دکتر سیدرضا حسینی، معاون کاربردی‌سازی علوم انسانی و فرهنگی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با موضوع «فضای مجازی و تغییر شیوه‌های حکمرانی» سخنرانی کرد و گفت: تغییرات بنیادی در یک جامعه را عالمان، نخبگان، روشنفکران و تحصیل‌کردگان رقم می‌زنند. حکومت‌ها و نهادهای سیاسی با بهره‌گیری از ابزارهای قدرت مخصوصاً رسانه‌ها ضمن تولید محتوای همسو و موردنظر بر افراد روشنفکر و تحصیل‌کرده تأثیر می‌گذارند و آنان نیز با شیوه‌های مختلف همچون آموزش، پژوهش، ترویج و تبلیغ بر توده‌های مردم تأثیر می‌گذارند و از آن طریق موجب شکل‌گیری افکار



عمومی جامعه می‌شوند. براین اساس افکار عمومی جامعه را می‌توان به افکار عمومی نخبگان و افکار عمومی توده‌ها تقسیم کرد.

این استادیار پژوهشگاه توضیح داد: اکنون با گسترش فضای مجازی و بهره‌برداری حداکثری کودکان، جوانان و نوجوانان از این فضا پنج تغییر عمده را در الگوهای فرهنگ‌پذیری به شرح زیر مشاهده می‌کنیم:

الف) حکومت‌ها و نهادهای رسمی همچون گذشته توانایی نظارت و اعمال قدرت بر فضای مجازی را ندارند.  
ب) رسانه‌های دیجیتال به واسطه فرا رفتن از مرزهای حاکمیت ملی به راحتی خود را در برابر حکومت‌ها پاسخگو نمی‌دانند.

ج) جریان فرهنگ‌پذیری همچون گذشته جاده‌ای یک‌طرفه نیست که نخبگان افکار عمومی توده‌ها را تحت تأثیر قرار دهند؛ بلکه اکنون بسیاری از مسائل توسط توده‌ها طرح می‌شود و نخبگان در برابر آن بیش از آنکه فعال باشند، منفعل هستند.

د) نسبت سواد رسانه‌ای و اطلاعات عمومی به دلیل استفاده کودکان، جوانان و نوجوانان از فضای مجازی در خانواده و مدارس که عهده‌دار فرهنگ‌پذیری جوانان بودند به گونه‌ای محسوس تغییر کرده است و جوانان همچون گذشته برتری فکری فرهنگی خانواده‌ها و معلم‌ها را نمی‌پذیرند.

ه) به دلایل متعدد الگوها و شاخص‌های حقیقی انسان متعالی در فضای مجازی تغییر کرده و مورد پذیرش جوانان قرار گرفته است.

دکتر حسینی در خاتمه سخنانش نتیجه‌گیری کرد: هدفمندکردن و همسو کردن فضای مجازی و محتوای آن با نظام فرهنگی، سیاسی، اجتماعی یک ملت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که در حوزه کلان‌راهبردی، نخبگان دانشگاهی می‌توانند با ورود به موضوع، به پیش‌بینی روش‌های مدیریت فضای مجازی و ایجاد اجماع ملی پیش‌قدم باشند.





### زیست برخط کودکان: ملاحظاتی در باب امنیت و ایمنی دیجیتال کودکان



سخنران سوم این بخش دکتر معصومه تقی‌زادگان، عضو هیأت‌علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بود که با عنوان «زیست برخط کودکان: ملاحظاتی در باب امنیت و ایمنی دیجیتال کودکان» سخنرانی کرد. این استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات توضیح داد: چشم‌انداز فضای مجازی با ترکیبی از فرصت‌ها و مخاطرات، سازنده فضای زیست کودکان در سراسر جهان است. اینترنت و فضای مجازی از یکسو فرصت‌های بی‌نظیری که نسل پیش تجربه‌ای از آن نداشته‌اند، را در اختیار کودکان قرار می‌دهد و از سوی دیگر زمینه‌ساز مخاطرات و دل‌نگرانی‌های فراوانی درباره تجربه کودکی آنها می‌شود. از یکسو آموزه‌های تحقیقاتی دهه‌های اخیر از

والدین می‌خواهد، میزان استفاده کودکانشان را کنترل کنند و از سوی دیگر فضای مجازی بستر آموزش، سرگرمی، ارتباطات اجتماعی و... کودکان نسل جدید است. این وضعیت در شرایطی رخ داده است که همه کودکان دانش و مهارت لازم برای حفظ ایمنی و امنیت دیجیتال خود را ندارند و به گفته یونیسف میلیون‌ها کودک در معرض خطر برخط قرار گرفته‌اند.

دکتر تقی‌زادگان در ادامه بر لزوم توجه به تمایز خطر و آسیب پرداخت و ضمن توضیح درباره مسائل مربوط به ایجاد نرم‌افزارهای بومی بر ضرورت توجه به حقوق کودک به‌ویژه حریم شخصی کودک در تأمین امنیت رسانه‌ای تأکید کرد.

### تحلیل سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه فضای مجازی با تمرکز بر تحولات نسلی



سخنران آخر این بخش فاطمه کریمی دردشتی، دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه امام صادق (ع)، سخنانش را با عنوان «تحلیل سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه فضای مجازی با تمرکز بر تحولات نسلی (مورد مطالعه: تحلیل اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران)» ارائه کرد و به توضیح درباره کار مطالعاتی خود پرداخت و این‌طور شروع کرد که در عصر فضای مجازی که نقش رسانه به‌خصوص شبکه‌های اجتماعی در خانواده‌ها پررنگ شده است، تحولات نسلی بیشتری به چشم می‌خورد و باتوجه به اقتضائات زمانی و مکانی، پیامدهایی که به همراه دارد، متفاوت است و میزان تأثیر منفی آن بر جامعه به شرایط مختلفی از جمله فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد. از این‌رو لازم است برای هر

جامعه‌ای جهت پیشبرد اهداف خود در حوزه‌های مختلف، برنامه‌ای جامع لحاظ شده و جهت رسمیت بخشیدن و الزام به اجرایی‌شدن آن، اسناد مرتبط تدوین شود. از این‌رو، سیاست‌گذاری صحیح فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای مردم‌سالاری دینی شکل گرفته و به‌عنوان یک الگو برای جهانیان مطرح است به همراه اجرایی‌شدن به‌روز و به‌موقع سیاست‌های تدوین شده، می‌تواند دارای نتایج و اثرات مثبتی باشد تا برای دیگر جوامع نیز قابل استفاده شود. هدف این پژوهش، رسیدن به شبکه مضامین سیاست‌گذاری فرهنگی در حوزه فضای مجازی با تمرکز بر تحولات نسلی بود تا با ارائه راهکارها و پیشنهادها، در کاهش شکاف نسلی حاصل از این تحولات مؤثر باشد.

کریمی توضیح داد: در این کار از روش اسنادی، جهت جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز تحقیق استفاده شده و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته و همچنین با استفاده از روش تحلیل مضمون، مضامین اصلی و فرعی پژوهش استخراج شده‌اند.

این دانشجوی دانشگاه امام صادق (ع) تصریح کرد: درک خصوصیات نسل آینده، تحقق زیست‌بوم فضای مجازی سالم و ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی از جمله مضامین استخراج شده در این پژوهش است. وی تصریح کرد که لازم است در فرایند سیاست‌گذاری رسانه‌ای برای کودکان بر فهم سازوکار و روند انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر توجه شود که شامل خانواده، آموزش دهندگان (معلم یا مربی)، رسانه‌ها و فضای عمده جامعه، تجربه‌های زندگی و تعاملات اجتماعی، ارتباطات اجتماعی، تاریخ و سنت‌ها هستند. در خاتمه او تدوین برنامه راهبردی با هدف تقویت تفکر انتقادی و ارتقاء سواد رسانه‌ای را به‌عنوان راهکار پیشنهاد داد.

### محور دوم: فرهنگ، رسانه و دانش و فناوری

محور دوم این همایش با عنوان «فرهنگ، رسانه و دانش و فناوری» برگزار شد که پنج سخنران این بخش به ارائه سخنان خود پرداختند. دکتر داود مهربانی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مدیریت این بخش را به عهده داشت.

#### تحول نسلی، هوش مصنوعی و اخلاق

سخنران اول دکتر افسانه مظفری، عضو هیأت علمی و دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، در سخنرانی خود با عنوان «تحول نسلی، هوش مصنوعی و اخلاق»، نسل را به انسان‌هایی تعریف کرد که در یک دوره زمانی متولد و زندگی می‌کنند. دکتر مظفری به تشریح نسل‌بندی غربی از ایکس تا زد پرداخت و بیان کرد: یکی از ابزارهایی که بر شکاف نسلی تأثیرگذار بوده وسایل ارتباطی جدید و شبکه مجازی است. همچنین امروزه هوش مصنوعی کمک می‌کند تا نحوه برقراری ارتباط این نسل با مردم و دیگر گروه‌ها و اشتراک‌گذاری اطلاعات متفاوت باشد.



او ادامه داد: معمولاً ما در توالی نسلی با تحولات زیادی روبه‌رو بودیم و تعارضات و تقابل در بین نسل‌ها دیده می‌شود. نسل جدید باسوادتر و شهرنشین‌تر شده‌اند. اگر بخواهیم در ایران به بررسی مهم‌ترین تغییرات اجتماعی تحولات نسلی و چيستی آنها بپردازیم، باید بگوییم که نسل جدید باسوادتر و شهرنشین‌تر شده و با توجه به در معرض بودن تکنولوژی‌های جدید، ایدئولوژی‌های متفاوت‌تری هم دارند.

دکتر مظفری گفت: متأسفانه ما نسبت به نسل جدید نوعی ره‌اشدگی و درماندگی تصمیمات داریم و برنامه و طرح و ایده‌ای برای آنها نداریم. اگر سیاست‌های ما ناکارآمد باشد و با همین شرایط حاضر، جلو برویم، این نسل در معرض آسیب‌های زیادی قرار خواهند گرفت. نسل جدید در معرض هوش مصنوعی هم هست. هوش مصنوعی مزایای زیادی دارد، از جمله توانایی پردازش دقیق اطلاعات در زمان کم، نتیجه‌گیری و پیش‌بینی را دارد و می‌تواند رفاه و راحتی را فراهم سازد. همچنین ما با نوعی شفافیت اطلاعات روبه‌رو هستیم. البته هوش مصنوعی چالش‌ها و مسائل و مشکلات خود را هم دارد. به‌همین خاطر در این فرصت، اخلاق برای هوش مصنوعی را مطرح کردم. باید در هوش مصنوعی ملاحظات اخلاقی را در نظر گرفت، چرا که به این مسئله در حوزه هوش مصنوعی توجهی نمی‌شود و باید امکانات را برای این مهم فراهم کنیم تا علاوه بر استفاده این نسل جدید، نسل قدیم هم بتواند از آنها استفاده کند. هوش مصنوعی دارای سوءگیری از پیش تعیین شده است که همین باعث بروز اطلاعات نادرست می‌شود. هوش مصنوعی، حریم خصوصی را زیر سؤال می‌برد با توجه به آن میزان اطلاعاتی که به ما می‌دهد، حریم خصوصی ما خدشه‌دار می‌شود و اشتباهات زیادی هم دارد.

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی در توضیح این‌که حال ما چطور ملاحظات اخلاقی در هوش مصنوعی را ایجاد و رعایت کنیم، یادآور شد: ۱. نیاز به همکاری‌های بین‌المللی داریم و باید به سمت تقویت یک استاندارد بین‌المللی با کشورها و سازمان‌ها برویم. ۲. می‌توانیم یک سری خط و مشی و مقررات ایجاد کنیم که البته دستورالعمل‌ها باید شفاف باشند. ۳. استاندارد اخلاقی داشته باشیم که در جهان این موضوع وجود دارد و سازمان ملل و دیگر نهادها این استانداردها را رعایت می‌کنند. ۴. آموزش و آگاهی به نوجوانان را بالا ببریم. در مجموع باید به‌نحوی از هوش مصنوعی استفاده و بهره ببریم که ملاحظه اخلاقی داشته باشیم و مسئولیت اجتماعی را از یاد نبریم.

### کاربست هوش مصنوعی در حکمرانی با تأکید بر ملاحظات نسلی

سخنران دوم نشست دکتر سمیه لبافی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، سخنرانی خود را با عنوان «کاربست هوش مصنوعی در حکمرانی با تأکید بر ملاحظات نسلی» ارائه کرد. او در سخنرانی خود به روند در حال افزایش مقالات و پژوهش‌های مربوط به هوش مصنوعی پرداخت و به آزمایشگاه‌هایی که در دانشگاه‌های اسلو یا MIT وجود دارند و مسائل کودک و هوش مصنوعی را تحلیل می‌کنند، اشاره کرد.

دکتر لبافی توضیح داد: در این آزمایشگاه‌ها، نگرانی‌های مرتبط با مواجهه کودکان با ابزارهای هوش مصنوعی را مطالعه می‌کنند که بهتر است سیاست‌گذاری برای هوش مصنوعی در ارتباط با کودکان و نوجوانان



مبتنی بر شواهد در میدان واقعی باشد.

### دگرگونی نسلی در زندگی علمی دانشگاهی

سومین سخنران دکتر زهرا محمدی، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور بود که درباره «دگرگونی نسلی در زندگی علمی دانشگاهی» صحبت کرد. مورد مطالعاتی وی دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و شهید بهشتی بود. وی توضیح داد: در دهه‌های اخیر دگرگونی‌هایی در دانشگاه‌های ایران روی داده که قابل تأمل است. هدف پژوهشی که گزارش می‌دهم، مطالعه کیفی تحولات نسلی دانشگاهیان و علل و پیامدهای آن در نیم‌قرن گذشته بوده است. روش تحقیق کیفی و از نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. نمونه‌ها به صورت هدفمند



از میان استاد تمام‌های سه دانشگاه تهران، تربیت مدرس و شهید بهشتی انتخاب شدند. داده‌ها با ۵۲ مصاحبه اکتشافی اشباع شد و با نرم‌افزار اطلس تی‌آی مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که اخلاق‌مداری و رعایت هنجارهای آکادمیک به سمت امور صنفی و ارتقاء پیش می‌رود، پول و منفعت فراتر از علم رفته است، شیوه جامعه‌پذیری از استاد-شاگردی به دانشجوی محور تغییر یافته است، ارتباط عاطفی حضوری به تعامل علمی غیرحضوری تبدیل شده و سنت اقامت در پردیس به فعالیت بیرون از پردیس تغییر یافته است. دکتر محمدی در خاتمه سخنانش نتیجه‌گیری کرد: با وجود مشترکات میان سه نسل، دگرگونی در سبک

زندگی علمی دانشگاهیان اتفاق افتاده و دانشگاه نخبه‌گرایانه آموزشی به سمت دانشگاه توده‌گرایانه و کارآفرین پژوهشی پیش می‌رود. درآمذزایی از علم، ارزش‌های ذاتی آن را تحت تأثیر قرار داده و کمیت بر کیفیت غلبه کرده است.



### تحول دیجیتال و روابط بین نسلی‌ها در ایران



سخنران چهارم نشست دکتر ساعی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سخنرانی خود با عنوان «تحول دیجیتال و روابط بین نسلی‌ها در ایران» توضیح داد: تحول دیجیتال محصول انقلاب صنعتی چهارم و تغییری شگرف در روابط و عملکرد یک سازمان، یک کشور، یک جامعه و یک خانواده و افراد با محوریت فناوری‌های تحول‌آفرین است. اینترنت اشیاء، رایانش ابری، اپلیکیشن‌های تلفن همراه، رسانه‌های اجتماعی، واقعیت مجازی و افزوده، همزاد دیجیتال، تحلیل‌گری داده، هوش مصنوعی و بلاک‌چین از مهم‌ترین انواع فناوری‌های تحول‌آفرین هستند.

دکتر ساعی با اشاره به سطح روابط موجود ادامه داد: امروزه با چند مدل روابط روبه‌رو هستیم، روابط یک سازمان با تیم کارکنان و همکاران (سازمان‌های دیجیتال و هوشمند بی‌مکان و بی‌زمان، کارکنان دورکار و کارکنان تسهیل‌گر فناوری)، روابط یک کسب و کار با مشتری (مشتری به عنوان ذی‌نفع، تولیدکننده ارزش، مصرف‌کننده ارزش و منتقل‌کننده ارزش)، روابط حکمرانی با شهروند/شبکه‌وند (دموکراسی دیجیتال، شفافیت، جامعه پلتفرمی، حکمرانی خوب، پاسخ‌گویی، دسترس‌پذیری، مدارا و رواداری سیاسی...)، روابط ربات‌ها و هوش مصنوعی با انسان (تراشه‌ها، سنسورها و سایبورگ‌ها و انسانی طبیعی)، روابط بین گروه‌های نسلی (خلق ارزش‌ها و دنیای مشترک، مدارای نسلی، همکاری درون و بین‌نسلی، ارتباطات و روابط افقی، زیست جهان دیجیتال، شبکه خویشاوندی و خانواده دیجیتال).

این عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و ارتباطات ادامه داد: دولت‌ها و سایر بازیگران در نهادهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی از ذی‌نفعان تحولات دیجیتال هستند. همه ذی‌نفعان درگیر مقابله با چالش‌های اجتماعی، زیست محیطی، معیشتی، و کیفیت زندگی نظیر آلودگی هوا، سالمندی، سلامت، فقر، شکاف‌های اجتماعی، تضادهای بین‌نسلی و... هستند، سعی در خلق و توسعه نوآوری برای حل مشکلات و بهبود روندها خود با استفاده از فناوری‌های دیجیتال هستند.

دکتر ساعی با اشاره به رویکرد چالش‌محور و قهرآمیز سیاست‌گذار به تحولات فناورانه گفت: سیاست‌های حکمرانی در زمینه فیلترینگ و محدودیت‌های اجتماعی فناوری مانع اصلی بهره‌گیری از تحول دیجیتال برای پیوندهای بین‌نسلی است. فناوری‌های تحول‌آفرین دیجیتال، حامل و عامل و خالق ارزش‌های نو، ناپایدار و تجدید شونده و دارای عدم قطعیت‌اند. پویایی و تغییر ماهیت تحول دیجیتال است و این نسل تکنوفیل را با نسل قبل متمایز می‌کند. وی در پایان به فرصت‌های پدید آمده از تحول دیجیتال برای گفت‌وگوی نسلی اشاره کرد و آن را فرصتی برای پیوند نسلی نامید.

### بومیان دیجیتال و نسل زد



سخنران پنجم دکتر عبدالرحمان علیزاده، عضو هیأت علمی دانشگاه گلستان سخنانش را درباره «بومیان دیجیتال و نسل زد: تأملی بر مفهوم «بومیان دیجیتال» و نسبت آن با مخاطبان جوان» آغاز کرد و گفت: مفهوم «بومیان دیجیتال» در دو دهه اخیر، به مفهومی پرکاربرد در حوزه فناوری آموزشی و تعلیم و تربیت تبدیل و از آنجا وارد حوزه‌های دیگر علوم انسانی و به‌خصوص ارتباطات شده است و معرف افرادیست که از بدو تولد در میان وسایل و رسانه‌های دیجیتال بزرگ می‌شوند. این مدرس دانشگاه ضمن واکاوی معنای این مفهوم و رویکردهای مطرح شده درباره آن به این سؤال پرداخت که آیا می‌توان مخاطبان جوان رسانه‌ها را بومیان دیجیتال دانست و آیا این مفهوم می‌تواند تبیینی از این مخاطبان به‌دست دهد؟

دکتر علیزاده تشریح کرد: نسل جدید واجد این ویژگی‌هاست: رشد با فناوری، چند وظیفه‌ای بودن و راحتی کار با گرافیک به جای متن، منتظر بازخورد فوری که بومیان دیجیتال، دانش و مهارت زیادی در برابر فناوری اطلاعات دارند، از این‌رو با مروری بر پژوهش‌های داخلی و خارجی می‌توان گفت، با وجود محبوبیت مفهوم بومیان دیجیتال، برخی از محققان و نیز رسانه‌های عمومی با ارائه شواهد تجربی، فرضیات پشت این مفهوم آن را نقد کرده‌اند.

وی در خاتمه سخنانش با توضیح این انتقادات که تمایز مهاجران و بومیان دیجیتال را چندان واقعی تلقی نمی‌کنند، هشدار داد که استفاده از مفهوم بومیان دیجیتال برای تبیین مخاطبان جوان، می‌تواند به شناختی حداقلی و ساده شده از مخاطبان جوان بینجامد و معادل دانستن مخاطبان نوجوان و کودک با بومیان دیجیتال گمراه‌کننده است.

### محور سوم: فرهنگ، رسانه و زیست جهان ایرانی

محور سوم همایش «فرهنگ، رسانه و تحولات نسلی در ایران» با موضوع «فرهنگ، رسانه و زیست جهان ایرانی» با ارائه پنج سخنرانی و با مدیریت دکتر معصومه تقی‌زادگان برگزار شد.

#### نظارت اجتماعی بر استفاده از فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی



سخنران نخست این بخش دکتر علیرضا دهقان، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران سخنانش را با عنوان «نظارت اجتماعی بر استفاده از فناوری نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی» آغاز کرد و گفت: تحولات اجتماعی موجب تحول در نظارت اجتماعی هم می‌شود و قدرت «عامه‌ها» تحت تأثیر رشد فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطات قرار می‌گیرد داشتن سواد ارتباطی لازم است. از نظر این دانشیار دانشگاه تهران سواد ارتباطی مفهومی بهتر از سواد رسانه است و ناظر به سطوح مختلف اجتماعی است و گونه‌های مختلفی دارد که شامل سواد مدرسه، رسانه‌ای، دیجیتال، عامه و عامه‌هاست.

دکتر دهقان تأکید کرد: ضرورت دارد سیاست‌گذاری‌ها با توجه به اولویت‌های نسل‌های مختلف صورت گیرد و با تشریح مثلث آموزش، مهندسی و نظارت اجتماعی یادآور شد، مشکلات و مسائل ارتباطی با راه‌حل ارتباطی حل می‌شوند.

#### هرمنوتیک نسلی و دلالت‌های آن برای ایران امروز



سخنران دوم دکتر مالک شجاعی‌جشوقانی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی، درباره «هرمنوتیک نسلی و دلالت‌های آن برای ایران امروز» سخن گفت. براساس توضیحات این مدرس دانشگاه، طبق خوانشی مشهور و اروپامحور، رخداد تراژیک و تأمل برانگیز محاکمه سقراط به‌عنوان «پدر معنوی» فلسفه در ۳۹۹ سال قبل از میلاد، سرآغازهای این سنت فلسفی را رنگ و دلالت‌های عمیق نسلی و بلکه بین‌نسلی بخشیده است. اینکه یکی از اتهامات اساسی سقراط، فاسد کردن جوانان بود، نشان از جدالی اساسی میان گفتمان فلسفی و پایدیا (تعلیم‌وتربیت) یونانی دارد. قالب عمده آثار برجای‌مانده از افلاطون هم که به گفته وایتهد، کل فلسفه غرب پانوشتی

بر فلسفه اوست، ژانر گفت‌وگویی (محاوره‌ای) یعنی گفت‌وگویی میان‌نسلی را اتخاذ کرده است. در قرون وسطی، دوره اسلامی و فلسفه جدید و معاصر هم فلسفه (نه به معنای تکنیکال و مدرسه‌ای آن) مناسباتی با ادب درس و نفس فردی و اجتماعی داشته و به‌طور خاص در فلسفه تعلیم‌وتربیت، هرمنوتیک نسلی (نسل‌ها) در مدار درس و بحث و تأمل فلاسفه بوده، هر چند این مناسبات در ادوار و نمونه‌های (پارادایم‌های) مختلف که در بالا آمده، اوج و حضيض داشته است.

دکتر شجاعی ادامه داد: در بین سنت‌های فلسفی معاصر که از قضا ریشه‌های عمیق در سنت یونانی-اسلامی-مسیحی قرون وسطایی هم دارد، «سنت هرمنوتیک» با همه تنوعش، به‌نماینده‌گی چهره‌های کلیدی همچون شلایر ماخر، ویلهلم دیلتای و گادامر و... توجه به دیالکتیک «سنت و معاصرت» را در کانون تأملات فلسفی خود قرار داده است. در این میان، ویلهلم دیلتای با تمهید مقدمات و مباحثی بنیادین در آثاری همچون: ۱- مقدمه بر علوم‌انسانی ۲- هرمنوتیک و مطالعه تاریخ ۳- صورت‌بندی جهان تاریخی در علوم‌انسانی ۴- فهم جهان انسانی و شعر و تجربه زیسته

و... از نقش آفرینی تجارب زیسته تاریخی (تجارب زیسته نسلی و عصری) در شکل‌گیری علوم انسانی و فرهنگ و جهان‌بینی سخن گفته است. در کنار تأملات فلاسفه هرمنوتیک همچون دیلتای، ادبیات مطالعات نسلی قابل‌اعتنایی در علوم انسانی و اجتماعی و با محوریت تأملات کسائی چون کارل مان‌هایم (متأثر از هگل و دیلتای و مارکس) و اورتگای گاست (فیلسوف اسپانیایی) و مکتب مادرید و به‌ویژه شاگرد گاست، جولیان ماریاس در کتاب «نسل‌ها: روشی تاریخی» و مطالعاتی در علوم اجتماعی ایران پس از تأسیس دانشگاه تهران و به‌ویژه سه دهه اخیر (عمدتاً در قالب مطالعات تجربی پیمایشی متأثر از الگوهای جهانی نظیر الگوی رونالد اینگلهارت) شکل گرفته است. در گفتمان فلسفی-الهیاتی و اجتماعی ایران پسامشروطه هم روایت‌هایی سنت‌گرایانه، ایدئولوژیک، تئولوژیک، هرمنوتیک و... از مناسبات و تحولات نسلی نقش‌آفرین بوده‌اند که برای ایران امروز درس‌های سلبی و ایجابی قابل‌اعتنایی دارند. استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با تشریح پایدیا به عنوان تربیت کودک و بحث صورت‌بندی آداب مختلف نتیجه گرفت که در سیاست‌گذاری کودک و نوجوان باید به کلیت وجودی انسانی آنها توجه کرد و برای برآوره شدن همه حقوق آنها و دستیابی به خیر جمعی اقدام کرد.

### تفاوت نسلی در استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی و خارجی



سخنران سوم دکتر یوسف خجیر، عضو هیأت علمی دانشگاه سوره، در سخنرانی خود با عنوان «تفاوت نسلی در استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی و خارجی» به گزارش یکی از پژوهش‌های خود پرداخت و گفت که پژوهش حاضر درصدد بررسی تفاوت بین والدین و فرزندان (نسل ایکس و زد) در استفاده از پیام‌رسان‌های اجتماعی داخلی و خارجی است. چارچوب نظری پژوهش وی، مدل ارتقاء یافته پذیرش فناوری کالیسیر (۲۰۱۸) بوده و مطالعه‌اش از نوع کمی و روش آن پیمایشی بوده است. جامعه آماری این پژوهش، خانوارهای شهر تهران بودند که بر اساس آخرین سرشماری مرکز ملی آمار ۳۱۲۸۴۳۲ خانوار است که بر اساس فرمول کوکران ۳۵۲ خانوار انتخاب شدند.

این مدرس دانشگاه توضیحاتی درباره روش انجام پژوهش خود ارائه کرد و شرح داد: یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین والدین و فرزندان از نظر استفاده از پیام‌رسان‌های داخلی و همچنین خارجی وجود دارد، به‌گونه‌ای که والدین بیشتر از فرزندان از پیام‌رسان‌های داخلی و فرزندان بیشتر از والدین از پیام‌رسان‌های خارجی استفاده می‌کنند. میانگین استفاده والدین از پیام‌رسان داخلی ۴/۰۱ و پیام‌رسان خارجی ۲/۷۶ و میانگین استفاده از فرزندان از پیام‌رسان داخلی ۲/۰۶ و پیام‌رسان خارجی ۴/۳۲ است. برای والدین مهم‌ترین معیار استفاده از پیام‌رسان داخلی تأثیر اجتماعی و برای فرزندان سهولت مورد انتظار، مهم‌ترین معیار بوده است.

### زیست‌جهان، فناوری‌های ارتباطی و دشواره احساس امنیت



چهارمین سخنرانی این بخش از نشست را دکتر محمدسالار کسرایی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با عنوان «زیست‌جهان، فناوری‌های ارتباطی و دشواره احساس امنیت» ارائه داد. و گفت: زیستن در جهان مدرن با وجود همه موهب آن ناامنی‌های فراوانی را برای بشر ایجاد کرده است.

این دانشیار پژوهش‌شکده مطالعات اجتماعی سپس به تشریح نظریه هابرماس درباره حوزه عمومی پرداخت که ناامنی را محصول دو فرایند مهم عقلانی‌شدن هرچه بیشتر جهان از یک‌سو و تمایزبازی زیست‌جهان بر اساس مؤلفه‌های ساختاری‌اش می‌داند. وی ادامه داد: بحث‌های آغازین در خصوص جهانی‌شدن به‌گونه‌ای خوش‌بینانه

کوچک‌تر شدن حجم دولت‌های ملی، کم‌رنگ‌شدن مرزها، فوران و وفور اطلاعات و نهایتاً شکل‌گیری یک فضای جهانی مبتنی بر آگاهی مشترک/ انسان جهانی (رولاند رابرتسون) را نوید می‌داد. ایده‌های پایان تاریخ و امثال آن هم بر این امواج خوش‌بینی افزودند. برای هابرماس گسترش فضای خرد ارتباطی می‌تواند به وضعیت‌هایی بخشی انسان کمک کند.

این مدرس دانشگاه توضیح داد: هم‌زمان با ایده‌رهای بخشی در تناظر با بسط مدرنیته، گسترش فناوری ارتباطات رخ داده که پیامدهایی داشته است. از مجموع ۳۵ شبکه اجتماعی، ۲۰ مورد از آن آمریکاست و از ۱۰ شرکت بزرگ در حوزه اینترنت، تعداد هفت شرکت، آمریکایی و سه شرکت، چینی هستند و این نشان‌گر استبداد غول‌های فناوری است.

دکتر کسرایی در خاتمه سخنانش نتیجه‌گیری کرد: گسترش فناوری و بالاخص فناوری‌های ارتباطی در عصر جهانی شدن باوجود ایجاد فضاهای بیشتری برای افزایش بیانگری ابناء بشر، نه‌تنها به رهایی بخشی بیشتر منجر نشده است، بلکه به استعمار هرچه بیشتر زیست‌جهان توسط دولت‌ها کمک کرده است.

### شیوه‌های ارتباطی برای گذر از گسل دینی بین‌نسلی



آخرین سخنران این بخش دکتر بشیر معتمدی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سخنرانی خود را با عنوان «شیوه‌های ارتباطی برای گذر از گسل دینی بین‌نسلی» ایراد کرد. او توضیح داد: یکی از ویژگی‌های جامعه ایران را در حال حاضر شکاف نسلی می‌دانند و از جمله شاخص‌هایی که برای این شکاف نام می‌برند، تحولات در حوزه دین‌داری است که تفاوت‌ها و گسل‌های جدی را در میان نسل‌ها نشان می‌دهد.

دکتر معتمدی ادامه داد: شاخص دین‌داری در این سال‌ها دچار تحول شده و شاخص دین‌داری در میان نسل جدید کاهش پیدا کرده است. در پژوهش‌های متعدد شکاف نسلی در باورهای دینی و مذهبی دیده شده

است. سؤال ما این است با توجه به این وضعیت برای عبور از این فاصله نسلی بین گذشته و حال حاضر چه کارهایی از نظر ارتباطاتی باید انجام داد؟

استادیار پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و ارتباطات پس از توضیح مدل لاسول راهکارهایی برای کاهش و عبور از گسست نسلی ارائه داد تا بتوان دین‌داری را در نسل‌های جدید تثبیت کرد. اولین شیوه ارتباطی، گذر از شیوه ارتباطی عمودی و یک‌طرفه به شیوه ارتباطی افقی و دوطرفه است. دومین شیوه، گذر از ارتباطات شفاهی و کلامی و استفاده از «تصویرسازی مناسب» برای ارائه و انتقال پیام‌های دینی است، چراکه عصر حاضر به «عصر تصویر» شناخته شده است. سومین شیوه، ارائه تصویری رحمانی و مطابق با موازین حقوق بشری از دین در مقابل چهره خشن و ضد حقوق بشر از دین است. چهارم، گذر از دین مبتنی بر «غم و حزن» به دین مبتنی بر «شادی و نشاط» است تا مطلوبیت دین در نسل‌های نو افزایش یابد. پنجم بهره‌گیری از موسیقی و به‌طورکلی هنر برای انتقال مفاهیم دینی است. ششم ارائه تصویری از دین هماهنگ و پشتیبان علم و فناوری در مقابل تصویر دین ضد علم و فناوری است. هفتم تأکید بر بُعد «اخلاقی» دین به جای تأکید بیش

از حد بر بُعد «مناسکی» دین است. هشتم پیوند دین با سبک زندگی و امور روزمره در مقابل ارائه دین انتزاعی و غیرقابل دسترس است. نهم رعایت نکات زیبایی‌شناسی توسط متولیان دینی به‌لحاظ پوشش همراه با سعه صدر در مواجهه با عامه مردم است. دهم پیش‌گرفتن رویکرد ارائه خدمات اجتماعی به عموم توسط متولیان دینی در مقابل تکیه بر قدرت و اعمال آن در سطح جامعه است. یازدهم ارائه تصویری آزادی‌خواهانه و مداراگرانه از دین در مقابل تصویر محدودیت‌گرا، اجباری و ضدآزادی از دین است و دوازدهم توجه به تنوع مخاطبان به لحاظ تحصیلی، سنی، قومی، طبقات اجتماعی و... در ارائه پیام‌های دینی است. این امر به‌ویژه در توجه به سطوح مختلف دین‌داری اهمیت دوچندان می‌یابد. سیزدهم ارائه و دفاع عقلانی از دین در مقابل تصویر دین مبتنی بر خرافات و ضد معقول است و چهاردهم ارائه تصویر دین حامی محرومان و مظلومان در مقابل دین توجیه‌گر و پشتیبان صاحبان قدرت و ثروت است. چنانچه توجه شود در همه این موارد با اصلاح رویکردهای ارتباطی مواجه هستیم که رعایت آنها می‌تواند زمینه کاهش و گذر از گسست نسلی در حوزه دین‌داری را فراهم سازد.



## محور چهارم: کودک و نوجوان

محور چهارم این همایش ملی ویژه «کودک و نوجوان» بود که با ارائه سخنرانی‌هایی برگزار شد.

### جرایم سایبری در جهان‌زیست کودکان

سخنران نخست این بخش دکتر غلام‌عباس ترکی، معاون حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور بود که درباره «جرایم سایبری در جهان‌زیست کودکان» سخنرانی ارائه کرد. وی درباره جایگاه و وضعیت کودک در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران توضیح داد و گفت: شاخص اصلی، سن رشد است. وی پس از تشریح مواد حقوقی مختلف درباره رابطه کودک و رسانه، ضمن تبیین حقوق کودک و نوجوان به ذکر نمونه‌هایی از رفتارهای مغایر حقوق کودک پرداخت و مثلاً استفاده از کودکان در فضای مجازی برای تبلیغات را معادل بهره‌کشی از کودکان نامید که مغایر حقوق کودک است.

دادیار و معاون حقوق عامه دادستانی کل کشور ضمن اشاره به این که لایحه حمایت از کودکان در فضای مجازی در کشور ما در حال اجراء است به نواقص حقوقی موجود هم پرداخت و برای نمونه گفت: سامانه رایانه‌ای در قانون ما تعریف نشده است. همچنین تشریح کرد که قانون جرایم رایانه‌ای سال ۱۳۸۸ از تعریف موسع استفاده کرده که همه انواع را دربرمی‌گیرد. براساس توضیحات دکتر ترکی ضرورت وجود پلیس اطفال در کانون حمایت مطرح شده است و خلاء اسناد بالادستی نداریم، بلکه اغلب با چالش‌هایی مواجه هستیم مانند سند صیانت از حقوق کودکان در فضای مجازی.

دکتر ترکی در ادامه به اقداماتی چون سیم‌کارت انارستان ویژه کودکان- امکان تبدیل سیم‌کارت بزرگسال به کودک در اپراتورهای تلفن همراه و تخصیص شماره ۰۹۶۳۸۰ به فوریت‌های خدمات حقوقی مجازی اشاره کرد. ایشان با توضیح جزئیاتی درباره چالش‌هایی همچون قمار اینترنتی، کاوش در تارگه‌های غیراخلاقی، خودکشی و نسبت کودکان و نوجوانان با این چالش‌ها به سخنرانی خود با این نکته پایان داد که برای اقدام هماهنگ برنامه جامع نداریم.

### سیاست‌گذاری و استانداردسازی کودک و نوجوان



سخنران دوم فتح‌الله فروغی، رئیس انجمن ناشران کودک و نوجوان با عنوان «سیاست‌گذاری و استانداردسازی کودک و نوجوان» توضیح داد که هر استاندارد نتیجه کوشش خاصی است که برای یکسان و منظم‌سازی اجزاء در یک زمینه معین به‌عمل آمده و به تصویب مقام صالحی رسیده باشد. وی افزود: نقطه مقابل استانداردسازی یا استانداردها، ایجاد تمایز است. او در خصوص استانداردسازی در صنعت نشر توضیح داد که کتاب وابسته به پدیدآورندگان خلاق است و هیچ دو کتابی شبیه هم نیستند. علاوه بر این تولید کتاب طی فرایند غیرخلاق چاپ نیز صورت می‌گیرد. بدین ترتیب استانداردسازی محصول کتاب در جریان تولید غیرقابل اجتناب

است و نیاز به رعایت برخی استانداردها برای نشر در چندین بستر (چاپی، الکترونیکی، صوتی و...) وجود دارد. او استانداردهای اندازه و مجموعه‌سازی، و ISO های مختلف را شرح داد و در خصوص استانداردسازی محتوای ادبیات کودک و نوجوان و محصول کتاب کودک و نوجوان یادآور شد، بین ادبیات کودک و بزرگسال تفاوت ساختاری جدی وجود ندارد. هر دو ادبیات هستند و تکیه‌گاه آن‌ها، جوهر ادبیات است.

فروغی شرح داد: می‌توان برای گزینش کتاب کودک و نوجوان ضوابط کلی قائل شد، اما ادبیات منشاء خلق دارد و خلق از درون می‌جوشد. ضوابط کلی انتخاب کتاب برای کودکان و نوجوانان عبارت از کیفیت محتوا، کیفیت ساخت و پرداخت، کیفیت نگارش، کیفیت تصویر، کیفیت ارائه هستند.

رئیس انجمن ناشران کودک و نوجوان انواع استانداردهای کتاب کودک و نوجوانان را کتاب تخته‌ای، تصویری، نوجوانان، فصل‌دار، پیش‌نوجوانی و نوجوان معرفی و توضیح داد. وی در پایان سخنانش با توجه به وضعیت نشر و انتشارات کودک و نوجوان نتیجه گرفت، برای ارتقاء سطح کیفیت و استانداردهای این حوزه، تولید محتوا متناسب با گروه سنی، یکی از استانداردهایی است که لازم داریم یعنی به طبقه‌بندی محتوا براساس گروه سنی نیاز داریم. به نویسندگانی نیاز داریم که مخاطب‌شناسی کرده باشند و نیازمند ناشران سفارش‌دهنده هستیم.



### رسانه‌ای شدن و هواداری کی‌پاپ در میان نوجوانان ایرانی

سخنران سوم دکتر عبدالله بیچرانلو، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، بود که همراه دانشجویش خانم متین عزیزی، کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه درباره «رسانه‌ای شدن و هواداری کی‌پاپ در میان نوجوانان ایرانی» سخنرانی کردند. آنها با توضیح خلاصه‌ای از پژوهش خود گفتند که کی‌پاپ پدیده‌ای موسیقایی است که در پی گسترش روند رسانه‌ای شدن، از طریق رسانه‌های اجتماعی از جمله یوتیوب، توئیتر، فیس‌بوک و در سال‌های اخیر اینستاگرام نشر یافته و با اقبالی وسیع روبه‌رو شده است. بسیاری از هواداران پاپ کره‌ای در دهه اخیر از طریق رسانه‌های اجتماعی، اخبار و اطلاعات آیدول‌های کره‌ای را دنبال کرده‌اند و برای ارتباط‌گیری با دیگر هواداران در سراسر جهان از رسانه‌های اجتماعی بهره گرفته‌اند. اغلب هواداران ایرانی تاکنون در هیچ کنسرت و ملاقات حضوری با آیدول موردعلاقه‌شان شرکت نکرده‌اند و فقط عضویت در گروه‌ها و جماعت‌های برخط جهانی مسیر ویژه آنها برای ادغام در جماعت‌های هواداری بوده است. حضور و فعالیت در جماعت‌های برخط هواداری تجربه‌ای متمایز و جدید برای نوجوانان ایرانی است. شواهد نشان می‌دهد این تجارب، هویت نوجوان ایرانی را در سطوح متفاوتی دست‌خوش تغییر کرده است. آنها در توضیح روش پژوهش گفتند که با روش مردم‌نگاری مجازی و تحلیل صفحات هواداری نوجوانان هوادار موسیقی پاپ کره‌ای، مضامین برساخته در این صفحات شناسایی شده است. مهم‌ترین مضامین استخراج شده در قالب دو مضمون فراگیر هویتی تبیین شده‌اند. بر اثر هواداری نوجوانان ایرانی از کی‌پاپ، هویت نوجوانان ایرانی هوادار پاپ کره‌ای در دو بخش مجزا شکل می‌گیرد: ۱. هویت هواداری در ارتباط و پیوند با ستاره و کنش‌ها و گفتارهای او؛ ۲. هویت هواخواهانه بر اثر پیوندها و تصورات واقعی و خیالی میان هوادار و آیدول‌های کره‌ای در نتیجه مشاهدات مجازی.



### پویانمایی‌های داخلی و خارجی



سخنرانان آخر این بخش دکتر علیرضا خسروی و دکتر سیداحمد عسکری هر دو از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بودند که درباره سیاست‌بازنمایی کودک در پویانمایی‌های ایرانی و خارجی؛ راهبردهایی برای سیاست‌گذاری محتوای پویانمایی‌های کودک به ایراد سخنرانی پرداختند. براساس توضیح آنها، فیلم‌های پویانمایی (انیمیشن) برای کودک و نوجوان در ایران و جهان از محبوبیت بالایی برخوردار است. در این بخش این سؤال مطرح شد که شخصیت کودک و مهارت‌های زندگی (ارتباطی) این نسل در پویانمایی‌های داخلی و خارجی چگونه بازنمایی می‌شود؟ برای این منظور به گزارش نتایج پژوهش استناد شد و توضیح دادند که این تحقیق از روش

کیفی نشانه‌شناسی «جان فیسک» بهره گرفته و با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، رمزگان محتوای پویانمایی را در پویانمایی‌های ایرانی «مینا و پلنگ» و «رستم و سهراب» و دو نمونه از پویانمایی‌های غیرایرانی «موانا» و «کوکو» مورد مطالعه قرار داده و برای ارتقاء محتوایی پویانمایی داخلی پیشنهاداتی ارائه کرده است. نتایج پژوهش دو دانش‌آموخته دانشگاه آزاد و دانشگاه تهران نشان می‌دهد، که مهارت‌های ارتباطی در هر چهار نمونه پویانمایی به‌خوبی نمایش داده شده است و در این پویانمایی‌ها با سیاست‌بازنمایی «قهرمان» و «ناجی» از شخصیت کودک مواجهیم. ویژگی‌های برجسته شخصیت اصلی داستان کودک، استقلال از بزرگسالان، دارای خلاقیت و توانایی حل مسئله، دنیای ساده و صمیمی، دارای روحیه انتقاد و پرسشگری و در نهایت اولویت دادن به خانواده و بازگشت به آن است. آنها نتیجه گرفتند که در این نمونه‌ها، کودک در جایگاه سنی طبیعی خود بازنمایی نشده و بزرگ‌تر از سن زیستی خود نمایش داده شده و دلالت‌های فرهنگی-اجتماعی، بر روابط غیرکلیشه‌ای جنسیتی و سرشار از صمیمیت، حمایت و نزدیکی اعضای خانواده دلالت دارند. پس از این سخنان، بیانیه پایانی این همایش ملی قرائت و خاتمه آن اعلام شد.

## بیانیه پایانی همایش

اهمیت کودکان و نوجوانان به‌عنوان نسل نوری ایرانی در تعامل با رسانه‌ها و فرهنگ ایرانی وظیفه برگزارکنندگان همایش را سنگین‌تر کرد. اثرگذاری رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های نوین بر فرهنگ، اقتصاد، حکمرانی، آموزش و در مجموع زیست اجتماعی ایرانیان اکنون دیگر بر کسی پوشیده نیست. سخنرانی‌های ارائه شده در این همایش ملی، تأکید داشتند که نسل مفهومی قابل تحلیل در بسیاری از حوزه‌ها از جمله گروه‌های حرفه‌ای مانند دانشگاهیان و فناوری‌ها مانند فناوری‌های ارتباطی است.

برای گفتمان‌سازی و به متن آوردن رابطه گروه‌های مختلف اجتماعی با رسانه‌ها و فرهنگ، این همایش به صورت حضوری و مجازی با شرکت به‌طور متوسط ۱۲۰ مخاطب حضوری و ۳۰۰ مخاطب مجازی برگزار شد. تنوع مخاطبان حضوری و مجازی که از شهرهای مختلف ایران در این همایش مشارکت کرده‌اند این دلگرمی را به ما می‌دهد که پیام همایش در گستره ایران شنیده شود.

ضرورت‌های جهان معاصر آکنده از رسانه و مسائل برآمده از تعامل گروه‌های مختلف اجتماعی با رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های نوین در تمام حوزه‌های کلان تا خرد، از اقتصاد و فرهنگ گرفته تا بهداشت فردی و روابط خصوصی ما را بر آن می‌دارد که دغدغه‌های مشارکت‌کنندگان در این رویداد علمی را در قالب این بیانیه به آگاهی مسئولان و علاقه‌مندان به تمدن و تعالی ایران برسانیم:

۱. ما شرکت‌کنندگان و مخاطبان سراسری این همایش بر لزوم توجه به چستی و چگونگی واقعیت ارتباطی گروه‌های مختلف اجتماعی ایرانی به‌ویژه کودکان و نوجوانان با سپهر رسانه‌های ایران و جهان تأکید می‌کنیم.
۲. پرهیز از ساده‌سازی بیش از حد و تعمیم‌های افراطی، و اتخاذ رویکردهای بافتارمند و دقیق برای توضیح رابطه نسل‌ها و رسانه‌ها را پیشنهاد می‌کنیم.
۳. لازم است که سیاست‌گذاری برای کودکان و نوجوانان در فضای واقعی و مبتنی بر شواهد در میدان واقعیت باشد و این واقعیت با پیمایش و تعریف دقیق مفاهیم، توجه به اولویت‌های این نسل و فرارفتن از خودپنداره‌های سیاست‌گذاران امکان‌پذیر می‌شود.
۴. در خصوص ایجاد پلتفرم‌های بومی امن نباید حقوق کودکان و نوجوانان به‌ویژه حریم شخصی آنها به‌بانه تأمین امنیت رسانه‌های کودکان نقض شود.
۵. تدوین منشور اخلاقی هوش مصنوعی با اتناء به همکاری‌های بین‌المللی و ایجاد استانداردهای مشترک و قابل قبول و با بازیگری و مشارکت پنج حوزه در اولویت قرار گیرد. این پنج حوزه عبارتند از: والدین، صنایع، سیاست‌گذاران، کودکان و نوجوانان (کاربران) و متخصصان دانشگاهی.
۶. پیشنهاد ما این است که در راستای توسعه خرد دیجیتال با پرهیز از کلیشه‌گرایی درباره ناتوانی یا عدم مهارت مهاجران دیجیتال نسبت به بومیان دیجیتال اقدام شود و در این راستا، تدوین برنامه راهبردی با هدف تقویت تفکر انتقادی و ارتقاء سواد رسانه‌ای پیشنهاد می‌شود.
۷. لازم است در سیاست‌گذاری‌ها به پیوند نسلی در کنار نابرابری‌های منطقه‌ای، جنسیتی و آموزشی پرداخته شود.
۸. سیاست‌گذاری کودک و نوجوان را مبتنی بر کلیت وجودی انسانی آنها و در راستای برآورده شدن همه حقوق آنها، دستیابی به خیر جمعی و پرورش تخیل کودکان پیشنهاد می‌کنیم.
۹. ما به این نتیجه رسیدیم که نیاز هست تا مباحث حقوقی مرتبط با رابطه کودکان و نوجوانان برای استفاده عمومی متناسب‌سازی شود و نظام حقوقی مربوط به محافظت از کودکان و نوجوانان در مواجهه با جرائم سایبری روزآمد و تکمیل شود.
۱۰. ما بر کارایی رویکردهای ارتباطی در فهم مسائل و تحولات نسلی تأکید می‌کنیم و خاطرنشان می‌سازیم که رسیدن به فهم مشترک میان نسل‌ها در زیست‌جهان پرتغییر کنونی از رهگذر درک متقابل و گفت‌وگو ممکن می‌شود.

# نشست‌های هفته پژوهش

نسل امروز؛ بیم‌ها و امیدها (موانع انتقال ارزش‌ها و آرمان‌ها به نسل‌های جدید)  
جنبه‌های غیراقتصادی تورم در ایران  
تورم و اثرات آن بر رشد اقتصادی در ایران  
واکاوی علل تورم و راهکارهای کنترل آن در ایران  
نماینده ایده آل برای مجلس؛ نمونه موردی سید حسن مدرس  
موزه‌ها و علوم انسانی؛ موزه‌ها و زیبایی‌شناسی تمدن اسلامی  
علوم انسانی و تمدن‌سازی  
مهارت‌افزایی و ارتباط با بازارهای اقتصادی علوم انسانی  
رویکرد کشورهای عربی حلیج فارس در قبال جنگ غزه  
نشست نهم تا سیزدهم هایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی  
بررسی انتقادی کارنامه شیعه پژوهی ویلفرد ماگلوگنک  
نقش عهد جدید در فهم عروج عیسی در قرآن  
تمدن پژوهی به مثابه دیسیپلین میان‌رشته‌ای در علوم انسانی  
پرورش تفکر کودکان و نوجوانان؛ راه‌بنیادین تمدن‌سازی  
مکاهی به کتاب امر مطلق، مطالعه‌ای در فلسفه اخلاق کانت  
کاربرد پیکره‌های زبان فارسی و اهمیت آن در پژوهش‌های ایرانشناسی و جهان‌ایرانی  
مکاهی به کتاب علم تربیت در ایران.

گزارش نشست دوازدهم از سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی:

## نسل امروز؛ بیم‌ها و امیدها (موانع انتقال ارزش‌ها و آرمان‌ها به نسل‌های جدید)

دوازدهمین نشست از سلسله نشست‌های گفت‌وگوی انتقادی با عنوان «نسل امروز؛ بیم‌ها و امیدها (موانع انتقال ارزش‌ها و آرمان‌ها به نسل‌های جدید)»، هفتم آذرماه با حضور پژوهشگران، کارشناسان، دانشجویان و جمعی از علاقه‌مندان به مسائل فرهنگی و اجتماعی به‌ویژه مسائل مرتبط با نوجوانان و جوانان در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار شد. در این نشست دکتر سیدروح‌الله شهابی، استادیار روان‌شناسی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه اخلاق و تربیت؛ دکتر سیده‌زهرا اجاق، دانشیار علوم ارتباطات اجتماعی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و ارتباطات؛ دکتر اسماعیل ناصری، استادیار روان‌شناسی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه اخلاق و تربیت؛ و دکتر احمد شاکری، استادیار مطالعات فرهنگی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و ارتباطات به سخنرانی و طرح دیدگاه‌های خود درباره موضوع نشست پرداخته و آن را از ابعاد مختلف مورد واکاوی قرار دادند. در ادامه برخی از پژوهشگران و اعضای حاضر در نشست، دیدگاه و نظر خود را در ارتباط با مباحث سخنرانان و موضوع نشست مطرح کردند.

در ابتدای جلسه دکتر فرانک جهانگرد، استادیار زبان و ادبیات فارسی و دبیر نشست، ضمن عرض خیرمقدم به حاضران و معرفی سخنرانان و زمینه‌های پژوهشی و علمی آنان، اظهار امیدواری کرد، در این نشست که به یکی از مهم‌ترین مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه اختصاص دارد، شاهد بررسی ابعاد و پیامدهای موضوع با رویکرد علمی و انتقادی سخنرانان باشیم.

### دکتر ناصری: دنیای غرب تلاش دارد تا گرایش جنسی همجنس‌گرایی را عادی و طبیعی نشان دهد



دکتر ناصری، اولین سخنران این نشست، ذیل محور بیم‌های نسل جدید به موضوع تلاش دنیای غرب، از طریق رسانه‌ها، فیلم‌ها، سریال‌ها و پویانمایی‌ها به عادی و طبیعی نشان دادن گرایش جنسی همجنس‌گرایی و تأثیر چشم‌گیر این تلاش بر پذیرش به‌هنگار بودن همجنس‌گرایی در دیگر جوامع اشاره کرد. دکتر ناصری در این حوزه به نیروهای قدرتمندی پرداخت که موجب حذف اختلال همجنس‌گرایی از کتاب راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی چاپ انجمن روان‌پزشکی آمریکا و همچنین از فهرست بیماری‌های سازمان بهداشت جهانی شده است. همچنین وی به موضوع پرخطر بودن همجنس‌گرایی در آقایان و احتمال ابتلا به HIV و دیگر بیماری‌های عفونی اشاره کرد.

این استادیار روان‌شناسی پژوهشگاه در ادامه به دومین بیم برای نسل جدید، یعنی مصرف انواع مواد روان‌گردان به‌ویژه کانابیس (مشتقات گیاه شاه دانه مثل حشیش و ماری‌جوانا) پرداخت و گفت: متأسفانه مجموعه‌ای از عوامل از جمله باورهای غلط درباره عدم اعتیاد به برخی مواد، منجر به شیوع چشم‌گیر مصرف موادی مثل کانابیس در بین نوجوانان و جوانان شده است، در حالی که تشخیص اعتیاد به کانابیس وجود دارد و افراد وابسته به آن عوارض جسمانی و روان‌شناختی آشکاری را تجربه می‌کنند. وی در پایان سخنرانی خود بر اهمیت نقش رسانه‌ها و آموزش و پرورش در پیشگیری از رفتارهای پرخطر در نسل جدید تأکید کرد.

### دکتر شهابی: نوجوان در دوره هویت‌جویی خود، به‌مثابه یک مانع برای اکتساب ارزش‌ها عمل می‌کند

دکتر روح‌الله... شهابی دومین سخنران نشست، به بررسی موانع انتقال ارزش‌ها به نسل جدید با تأکید بر دوره نوجوانی و ویژگی‌های روان‌شناختی این دوره پرداخت و گفت: نوجوانی دوره‌ای است که در آن نوجوان، تغییرات زیادی را اعم از جسمانی (که جلوه آن بلوغ است)، شناختی (که جلوه آن دستیابی به تفکر انتزاعی است)، و البته عاطفی و اجتماعی متحمل می‌شود. همین ویژگی‌ها در شرایطی می‌توانند نقش مانع را در انتقال ارزش‌ها ایفا کنند.

دکتر شهابی سپس به سه ویژگی این دوره اشاره کرد و این‌چنین شرح داد: (۱) نوجوانی به‌عنوان دوره هویت‌یابی، دوره گذار از کودکی به بزرگسالی است. نوجوان توانایی اندیشیدن به مفاهیم انتزاعی را به‌دست آورده است و به

کمک این تفکر به دنبال بازاندیشی بر آن چیزی است که در کودکی به دست آورده و سعی می‌کند با یک هویت ساخت یافته و منسجم وارد بزرگسالی شود. به نظر می‌رسد در تلاش برای این هویت‌یابی، اکتشاف مؤلفه‌های هویتی مانند ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها و تعهد به این مؤلفه‌ها اهمیت پیدا می‌کند. نتیجه این تلاش برای ساخت هویت، به تعبیر «مارسیا» چهار وضعیت است: نخست ارزش و ایدئولوژی خاصی وجود ندارد و یک وضعیت «باری به هر جهت» وجود دارد؛ چیزی که هویت مغشوش نامیده می‌شود. دوم وضعیتی است که نوجوان نه به وسیله خود بلکه به وسیله دیگران هدایت می‌شود. یعنی آنچه دیگران از ارزش‌ها می‌گویند را می‌پذیرد بدون آنکه تلاش برای ایجاد یک من مستقل داشته باشد. سوم، نوجوان یک دوره جست‌وجوی ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها و آزمون ارزش‌های مختلف دارد و خود را متعهد به برخی از آنها می‌کند. در نهایت، جست‌وجو و اکتشاف فعال را پشت سر می‌گذارد و به یک نظامی از ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها متعهد می‌شود. بر این اساس به نظر می‌رسد ما با یک فرایند خطی و متوالی هویت‌یابی مواجه هستیم که با سردرگمی، آغاز و با اکتساب به پایان می‌رسد. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد وضعیت گم‌گشتگی از حدود ۵۰ درصد در سال‌های متوسطه اول به حدود ۱۰ درصد در سال‌های دانشگاه می‌رسد. بنابراین واقع شدن نوجوان در دوره هویت‌جویی خود به مثابه یک مانع برای اکتساب ارزش‌ها عمل می‌کند. خطر هنگامی است که ارتباط خوب و انسجام خانوادگی (خانواده در سطح خرد و جامعه بزرگتر به مثابه یک خانواده) وجود نداشته باشد، در چنین شرایطی ممکن است نوجوان در جست‌وجوی هویت، به دنبال گروه‌های دیگر و هویت‌های غیرخودی برود. برقراری یک ارتباط محبت آمیز، وجود انسجام خانوادگی و اتفاق نظر در مورد ارزش‌های اساسی، پیشنهاد می‌شود.

۲) تمایل به هم‌نوایی با یکدیگر، یکی دیگر از ویژگی‌های تحولی دوره نوجوانی است. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد بیشترین میزان این هم‌نوایی از ۱۲، ۱۳، سالگی تا ۱۷، ۱۸ سالگی است. این هم‌نوایی حتی هنگامی که نوجوان می‌داند اشتباه می‌کند نیز وجود دارد. در مورد دلیل این هم‌نوایی به تغییرات تحولی دیگر در استدلال و تفکر نوجوان اشاره شده است. یکی از این تغییرات تحسولی تفکر، پدیده تماشگر خیالی است که نوجوان فکر می‌کند در معرض توجه دیگران قرار دارد و برای پرهیز از انگشت‌نما نشدن وادار به هم‌نوایی با ارزش‌ها و انتخاب‌های نادرست دیگران می‌شود. این هم‌نوایی یا تجویزی است، یعنی همسالان برخی ارزش‌ها را به نوجوان تحمیل می‌کنند یا اطلاعاتی است، یعنی همسالان یا دیگران اطلاعات را به گونه‌ای مطرح می‌کنند که نوجوان به عنوان یک واقعیت آن اطلاعات را بپذیرد و نوجوان با هدف اکتساب تأیید گروه و پرهیز از چالش با آنها از همسالان تبعیت می‌کند. برای آنکه نوجوان قربانی فاقد اندیشه در مقابل نفوذ همسالان نباشد، باید بتواند از منابع مختلف آگاهی دریافت کند.

۳) استقلال یا فردیت‌طلبی یکی دیگر از تغییرات روان‌شناختی مهم دوره نوجوانی است. در این دوره نوجوان تلاش می‌کند خود فردی و مستقل خود را تشکیل دهد. برای حمایت از فرایند تبدیل شدن به خود مستقل، نوجوان می‌خواهد توسط جامعه به رسمیت شناخته شود و به همین دلیل هم‌نوایی می‌کند. احساس این عاملیت و فردیت برای هر فردی اهمیت زیادی دارد. برخورد سخت با نوجوان و تهدید این عاملیت می‌تواند پیامدهای منفی به همراه داشته باشد و ممکن است ذهنیت نوجوان را نسبت به ارزش‌ها منفی کرده و موجب ایجاد هیجانات منفی

در او شود، ضمن آنکه رابطه با نوجوان را نیز تخریب می‌کند. بر این اساس به جای برخوردهای سلبی، باید به دنبال ارائه منطقی زیربنای ارزش‌ها برای نوجوان بود.

استادیار روان‌شناسی تربیتی پژوهشگاه در پایان سخنرانی خود با توجه به نکات مطرح شده تأکید کرد: بخشی از موانع انتقال ارزش‌ها ناشی از ویژگی‌های روان‌شناختی دوره نوجوانی است. فهم ویژگی‌های این دوره و عمل متناسب با این ویژگی‌ها مسیری است که برای حل مسائل مربوط به انتقال ارزش‌ها به نسل جدید می‌توان پیشنهاد کرد.



### دکتر شاکری: نسل امروز نسلی متفاوت در درک و فهم از دنیای پیرامون خود است



دکتر شاکری، در سخنرانی‌اش به بررسی موضوع لایه‌های فضا در ارتباطات میان نسلی پرداخت و با اشاره به اهمیت مطالعات فضا در بررسی روابط میان نسلی، به موارد مؤثر در تحلیل انواع فضا پرداخت و توجه این مسئله را در شناخت هویت نسل‌های امروزی ضروری دانست. وی تأکید کرد: آنچه در این بحث مهم است بررسی عوامل مؤثر در تحلیل انواع فضاها، انواع نسل‌ها و ارزش‌های آنها و انواع موانع موجود در شکل‌گیری درست ادبیات گفت‌وگوی میان نسل‌های مختلف است. به‌همین دلیل توجه به فضاهایی که در آن زیست ذهنی نسل شکل می‌گیرد، می‌تواند به‌عنوان یکی از مسیرهای شناخت بیم‌ها و امیدهای این گفت‌وگو به‌شمار رود.

این پژوهشگر مطالعات فرهنگی در ادامه به ارائه دیدگاه‌های خود در حوزه مرزهای فضا و سازمان قدرت در فضا پرداخت و با ذکر نمونه‌هایی از ویژگی‌های نسل‌های مختلف، نسل امروزی را که در مطالعات این حوزه به نسل زد یاد می‌شود نسلی متفاوت در درک و فهم از دنیای پیرامون خود دانست که بر اساس توجه به این ویژگی‌ها می‌توان گفتمانی نرم در تعامل با فضاهای ذهنی این نسل داشت. وی در این مورد افزود: «نسل زد در فضاهای ارتباطی خود برخلاف حضور در بستر دنیای دیجیتال، دارای حریم خصوصی بسیار بزرگی است که همین امر موجب ایجاد هویتی سیال در آنها می‌شود. همین هویت در نوآوری، گفت‌وگو و بیان احساسات این نسل نمود بسیاری دارد و از منظر نگاه فضا محور می‌توان سپهر ارتباطی این نسل را در لایه‌های متفاوتی از زمان بررسی کرد؛ سپهری که با نگاه چند زمانی به مسائل نگاه می‌کند و با ایجاد فضاهای سوم یا فضاهای حائل درصدد تولید نوعی از زبان گفت‌وگو است.»

دکتر شاکری در پایان سخنرانی خود به بیان ویژگی‌های زبانی در فضاهای ارتباطی نسل‌های امروزی پرداخت و ادبیات گفتمانی مبتنی بر اثرگذاری بر رفتار تعاملات این نسل با نسل قبل و بعد از خود را واجد شکل‌های متفاوتی برشمرد و تأکید کرد: این نسل در تعاملات با نسل قبل و بعد از خود، بیشتر به‌دنبال ایجاد اشتراک مساعی یا نوعی هم‌نیروزی مثبت درون یک جمع است و به‌همین دلیل است که با جابه‌جایی مرز فضاهای ارتباطی با دیگر نسل‌ها، هم‌زمان اهداف خود را از گفت‌وگو تأمین می‌کند.

### دکتر اجاق: جوانان در کار حفظ، تغییر یا حذف سنت فرهنگی ایران؟



دکتر اجاق، سخنران بعدی این نشست گفت: نسل به‌مثابه برساخت تغییرات سیاسی، رویدادها، انقلاب‌ها، تغییرات فناوری و پارادایمی شناخته می‌شود و به این ترتیب، می‌توان گفت که هر نسل، فضای ارزشی گفتمانی و چشم‌انداز خود را دارد. نسل مبتنی بر دو فضای عینی و ذهنی است. رشد و توسعه ناقص، شرایط اقتصادی نامناسب، دسترسی تبعیض‌آمیز به امکانات (اهمیت عنصر شانس)، انعطاف‌پذیری متناوب، تأکید نظام یا سیستم بر جازم‌های سنتی، و ظهور سازه فساد ساختاری در برساخت‌های روایتی و گفتمانی عوامل سازنده فضای عینی برای ایرانیان معاصر هستند و نمونه‌هایی از عوامل در فضای ذهنی عبارتند از: نفی فراوایت‌ها و درک متناقض از مدرنیته فرهنگی. براساس این ویژگی‌ها، مشخصه هر

نسل جدید، جست‌وجوی چشم‌انداز نوین است. اما مسئله یا انتظاری که درباره ارتباط بین نسل‌های مختلف روی می‌دهد عمدتاً مبتنی بر این است که فرهنگ پدیده‌ای ایستاست؛ حال آن‌که قابل انتقال بودن هر جزء فرهنگی دلالت بر پویایی آن دارد، زیرا هر فرد ناقل با گزینش‌گری و کاملاً هدفمند به انتقال سنت فرهنگی مبادرت می‌ورزد.

- این دانشیار علوم ارتباطات اجتماعی پژوهشگاه در ادامه به پنج نکته مهم در خصوص مسائلی که پیرامون انتقال یا عدم انتقال سنت فرهنگی توسط نسل امروز مطرح می‌شود اشاره کرد و شرح داد:
- (۱) طی مدرنیته فرهنگی، عقل متجلی در دین به سه حوزه تفکیک شده است: علم، اخلاق و هنر. هنگام صحبت درباره نقش نسل جوان در دو حوزه علم و هنر، مسئولیت زیادی برای جوان‌ها قائل هستیم و آنها را کنش‌گران اخلاق و نوآور این عرصه‌ها محسوب می‌کنیم ولی وقتی به حوزه اخلاق و نحوه تعاملات نسل جوان متمرکز می‌شویم، تفسیر و رفتارهای ما مبتنی بر نوعی هراس اخلاقی از شیوه زندگی آنهاست. این در حالی است که این سه مقوله در اصل عناصر هر سنت فرهنگی محسوب می‌شوند و برای حفظ سنت فرهنگی در انتقال بین نسلی باید دوشادوش هم منتقل شوند.
  - (۲) انتقال فرهنگی در سه جهت انجام می‌شود: افقی (بین همسالان)، مایل (توسط نهادها و عاملان جامعه‌پذیری)، و عمودی (از والدین به فرزندان). براساس مطالعات انجام شده می‌توان گفت که انتقال عمودی و والدین مهم‌ترین مسیر و کنش‌گر در انتقال سنت فرهنگی هستند. در واقع، تجارب اولیه کودکان با والدین مستقیماً ارزش‌ها و باورهای کودکان را شکل می‌دهد.
  - (۳) در همه دوره‌ها، گروهی خود را متعلق به نسل گم‌شده می‌دانند. نسل گم‌شده، نسل فراموش شده‌ای است که رفاه و استانداردهای زندگی عادی از آن دریغ شده است. نسل گم‌شده نسبت به حکومت بی‌اعتماد است و مخاطره‌آمیز شدن آن هم بدین علت است که این بی‌اعتمادی را به کودکان منتقل می‌کند و حسرت و نوستالژی به موضوعات ارتباط بین نسلی بدل می‌شوند.
  - (۴) زمانی در انتقال سنت فرهنگی، بحران پدید می‌آید که سیستم (نظام) و جامعه، اولویت‌های مشابه و دسترسی‌های متفاوتی داشته باشند. دسترسی متفاوت موجب بحران در جامعه‌پذیری (انتقال مایل) می‌شود. نظام سیاسی و اداری نمی‌تواند راهکاری برای اختلال ارتباطی سیستم و جامعه ارائه دهد و بحران عقلانیت پدیدار می‌شود. از طرفی، نظام فرهنگی هم نمی‌تواند انگیزه‌ای برای جامعه ایجاد کند. بدین ترتیب، فرهنگ، خصوصی می‌شود و نظام شخصیت از مستحیل شدن در نظام اجتماعی سرباز می‌زند. نتیجه این وضعیت، کاهش مشروعیت و تغییر نظام ارزشی و مرجعیت به‌ویژه برای گروه‌های جوان‌تر جامعه است.
  - (۵) این روند موجب بازتولید بحران می‌شود. زیرا خود دولت با استفاده از تبلیغ ارزش‌های عقیدتی به‌عنوان منشاء وحدت و همبستگی اجتماعی اقدام به حل بحران می‌کند. اما این کار به عامل بحران انگیزش تبدیل می‌شود. زیرا دولت توان حل بحران دسترسی (اقتصادی) را ندارد. در نتیجه، از یک طرف بحران مشروعیت ایجاد یا تشدید می‌شود و از طرف دیگر، مشاهده سیستم ناکام موجب تشدید بحران انگیزه می‌شود.



### طرح دیدگاه‌های پژوهشگران و اعضای حاضر در نشست

**دکتر مبلغی:** توجه به دینامیسم سپهر همگانی می‌تواند در مطالعه مسائل مرتبط با نسل‌ها راهگشا باشد



دکتر عبدالمجید مبلغی، عضو هیأت علمی پژوهشکده انقلاب اسلامی در حوزه علوم سیاسی، سپهر همگانی را سپهری بسیار پر اهمیت و پر بسامد توصیف کرد و با اشاره به مباحث مختلف در زمینه روندها و رویه‌های منجر به انتقال ایستارها و همچنین شکاف نسلی ادامه داد: چه بسا بتوان گفت، ما امروزه با آگاهی انتقال‌یابنده کمتر مواجهیم و بیشتر با آگاهی در حال ساخته شدن رویه‌رو هستیم. با توجه به دینامیسم سپهر همگانی (به قول هابرماس که نظریه عقلانیت گفتمانی را طرح می‌کند و می‌توان عناوین دیگری نیز برای آن در نظر گرفت) هرچه پیش می‌رویم بیشتر درمی‌یابیم که آگاهی بیش از

آنکه تابعی باشد از آنچه داده شده، به‌مثابه امر پیش‌داده، تابعی است از مناسبات در جریان، که هم بستر تکنولوژی آن فراهم آمده و هم فراتر از آن مقتضیات و تضمینات و ذهنیت ناشی و منشعب از چنین رویکردی کاملاً فراگیر است. اگر چنین باشد ما با یک هرم وارونه مواجهیم که هرچه به سمت نسل امروز پیش می‌آییم گویا به یک معنا این نسل آگاهی خود را بیشتر می‌سازد. هنگامی که به بالای این هرم می‌رسیم این سپهر همگانی خیلی فراخ و بزرگ می‌شود و آگاهی در صحنه به‌صورت کاملاً عملی ساخته می‌شود. در چنین نگاهی به مسئله نسل‌ها اساساً یک انتقال در پرسش پیش می‌آید؛ مسئله دیگر این نیست که آگاهی چطور منتقل می‌شود، چون اگر به‌عنوان یک واقعیت پدیدارشناسانه بنگریم، آگاهی دیگر در حال انتقال نیست و به جای بحث از انتقال آگاهی، بحث از ساخته‌شدن آگاهی است و اکنون دیگر پرسش این است که آگاهی چگونه در حال ساخته‌شدن است. به این ترتیب، نگاه ما به نسل‌ها کم و بیش متفاوت می‌شود و باید بررسی کنیم هر نسل چطور آگاهی خود را می‌سازد و چطور در ساختن آگاهی خود از منابع و مآخذ سنت یا سنن مختلف، حتی سنت‌هایی که بومی نیست ارتزاق می‌کند. به‌نظر می‌رسد این توجه به دینامیسم سپهر همگانی می‌تواند به مطالعه نسل‌ها کمک کند.

### دکتر تقی‌زادگان: توجه به تغییرات نگاه انسان به بدن خود و تسلط بر آن مسئله‌ای مهم است



دکتر معصومه تقی‌زادگان، عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات توجه به تغییرات نگاه به بدن به‌عنوان یک مفهوم مرکزی در گذر به دوره مدرن را مهم ارزیابی کرد و گفت: بدن در دوره قبل از مدرن به‌طور مشخص تحت انقیاد دین است. در این دوره تمرکز بر محدود کردن بدن با مکانیسم‌های مختلف است و در این نگرش بدن متعلق به فرد نیست، اما با تأمل در ویژگی‌های دوره مدرن و فضای اومانستی حاکم بر آن درمی‌یابیم که در این مقطع انسان‌ها برای نشان دادن آزادی خود از بدنشان به‌عنوان بستر و حتی محمل اصلی استفاده می‌کنند. با همین اشاره می‌توان به افزایش چشم‌گیر خالکوبی، تتو و... در نسل جدید

توجه کرد و اینها را نتیجه همان میل به دخل و تصرف در بدن خود دانست. این موضوع حتی در بستر و از ابعاد جامعه‌شناسانه، قابل فهم‌تر از ابعاد روان‌شناسانه است. مثال دیگر اندیشیدن به روابط متعدد جنسی است که باز هم به‌عنوان بخشی از ساختار ذهنی و تسلط بر بدن و تصمیم‌گیری در مورد بدن خود قابل بررسی است.



## گزارش نشست «جنبه‌های غیراقتصادی تورم در ایران»

ششمین پیش‌نشست از سلسله نشست‌های همایش ملی «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» با عنوان «جنبه‌های غیر اقتصادی تورم در ایران» به‌همت پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۵ آذرماه برگزار شد.

### تورم بازی باخت\_باخت بین مردم و دولت است



در ابتدای جلسه دکتر لیلاسادات زعفرانچی، دبیر نشست، با اشاره به ظرفیت بالای پژوهشگاه در تنوع رشته‌ای و تخصص‌های مختلف در حوزه علوم انسانی، با استناد به گفته «میلتون فریدمن» برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۶، تورم را نوعی مالیات دانست که بدون وضع قانون به مردم تحمیل می‌شود. زعفرانچی با بیان اینکه تورم، نه تنها ثروت مردم، بلکه روش زندگی آنان را نیز تغییر می‌دهد، به وجوه غیر اقتصادی تورم اشاره کرد. او با بیان اینکه تورم یک بازی باخت\_باخت بین مردم و دولت را ایجاد می‌کند، بیان کرد که امروز در این نشست تلاش داریم تا به برخی از وجوه غیر اقتصادی تورم اشاره داشته باشیم و از ظرفیت متخصصان امر در حوزه علوم انسانی استفاده کنیم.

### رسانه‌ها و شکل‌گیری تورم انتظاری: مروری بر عوامل و راه‌حل‌ها

دکتر سیده‌زهرا اجاق، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سخنرانی خود را با موضوع «رسانه‌ها و شکل‌گیری تورم انتظاری: مروری بر عوامل و راه‌حل‌ها» ارائه کرد و گفت: رسانه‌ها در تعامل با واقعیت، یا به بازتاب واقعیت می‌پردازند و بدین ترتیب کارکرد اطلاع‌رسانی دارند یا واقعیتی را خلق می‌کنند و با این روش، کارکردهای اقناع و سرگرمی را ایفاء می‌کنند. طی ایفای این نقش‌ها، رسانه‌ها به ابهاماتی که عموم درباره موضوعات دارند، پاسخ می‌دهند و در عین حال، می‌توانند موجب ایجاد درک خاصی از موضوع شده و انتظاراتی را پدید آورند. انتظارات ما از آینده بر رفتارهای شخصی و اجتماعی مان اثر می‌گذارند. این عضو هیأت علمی افزود: در حوزه اقتصادی، کنشگری رسانه‌ها در بازتاب یا آفرینش واقعیت، واجد اهمیت زیادی است. دریافت اطلاعات درباره افزایش قیمت از رسانه‌ها بر انتظارات تورمی اثر دارد و بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد. طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی، کیفیت زندگی، درک افراد از موفقیت خود در دستیابی به اهداف و انتظاراتشان است. تورم انتظاری با اثرگذاری بر برآورد افراد از توان اقتصادی‌شان برای دستیابی به اهداف نه تنها درک اشخاص از برآورده شدن نیازهای پایه‌ای چون آموزش، مسکن و اشتغال و کیفیت زندگی عینی را متأثر می‌سازد بلکه با تأثیر قرار دادن احساس آنها درباره عدالت یا رضایتشان از هزینه‌های زندگی بر کیفیت زندگی ذهنی اثر می‌گذارد. این موضوع به‌ویژه در شرایطی که هنوز حداقل شرایط مطلوب مادی برای انسان‌ها فراهم نشده، برجسته‌تر است.

دکتر اجاق شرح داد: مواجهه افراد در برابر اخبار و اطلاعات اقتصادی یا در راستای تثبیت نگرش‌های قبلی‌شان درباره شرایط اقتصادی است یا موجب تغییر آن می‌شود. ارزش قائل‌بودن برای اطلاعات قدیمی و به‌روزرسانی دیربهدیر اطلاعات موجب تثبیت اطلاعات می‌شود ولی رسانه‌ها با استفاده از فنونی مانند جاذبه ترس، برجسته‌سازی، چارچوب‌بندی و لحن می‌توانند موضوعات مختلف از جمله تورم را برای مردم مهم ساخته و در اولویت قرار دهند و براساس آن، پیش‌بینی و انتظار افراد از افزایش یا کاهش تورم در آینده را شکل دهند.

او بیان کرد: مطالعات نشان می‌دهند، افزایش یک‌درصدی میزان گزارش افزایش قیمت‌ها در رسانه‌ها موجب افزایش ۰/۱ الی ۰/۲ در تورم انتظاری می‌شود. همچنین اخبار مربوط به افزایش تورم نسبت به اخبار کاهش تورم تأثیر قوی‌تری بر انتظارات دارند. اخباری که حاوی اظهارات مربوط به تورم در آینده یا تورم فعلی هستند، دقت پیش‌بینی مصرف‌کنندگان را بهبود می‌بخشند ولی گزارش‌هایی که به گذشته ناظر هستند، پیش‌بینی آنها را مختل می‌کنند.

دکتر اجاق در خاتمه سخنانش ضمن اشاره به اثر رسانه از نظر اعتبار آن و جانب‌داری رسانه‌ای، اثر مخاطب و اثر تخصص بر انتظارات تورمی، نتیجه‌گیری کرد: برای کنترل انتظارات تورمی، مدیریت محتوا مهم‌تر از حجم پوشش است. با توجه به این‌که گزارش‌های مغرضانه و نادرست نه تنها در سطح خرد بر رفتار اثر دارند، بلکه در سطح کلان نیز موجب کاهش رفاه اجتماعی می‌شوند، او همچنین گزارشگری درست، تربیت روزنامه‌نگاران متخصص اقتصادی و تنظیم رابطه علمی موثق بین روزنامه‌نگاران و متخصصان را ضروری و مهم دانست.

### سیاسی شدن معیشت: تأملی از منظر الهیات سیاسی تجدد

دکتر شروین مقیمی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سخنران دوم این نشست بود و سخنرانی خود را با عنوان «سیاسی شدن معیشت: تأملی از منظر الهیات سیاسی تجدد» ارائه و بحث خود را با این سؤال آغاز کرد که چگونه معیشت، سیاسی شده و باعث نارضایتی عمومی و کلی می‌شود؟ وی با بیان این نکته که ما در جامعه ایران با ساحتی با عنوان الهیات سیاسی روبه‌رو هستیم و این الهیات در حال تغییر است، بیان کرد: زمانی که این تغییر رخ می‌دهد، تورم و انتظاراتی که به‌وجود می‌آورد به نارضایتی منجر می‌شود.

دکتر مقیمی ادامه داد: جامعه ایران پس از حدود بیش از ۱۰۰ سال از دوران تجدد خود، اکنون دوران مدرن‌شدن را سپری می‌کند و هسته سخت مدرن‌شدن جایی است که انسان باید به آن وضعی که هست و نه وضعی که باید باشد، تفسیر می‌شود. او با اشاره به گفته «هابز» گفت: انسان چیزی را می‌شناسد که خودش ساخته باشد و با اشاره به بیان «مونتسکیو» در روح‌القوانین در خصوص تقلیل‌یافتگی انسان از انسان قدمایی به انسان اقتصادی اشاره کرد که در مدرنیته، مطالبات انسان از اقتصاد شروع می‌شود، هسته سخت مدرن‌شدن، اقتصادی است و امر مؤثر ماکیاولی، اقتصادی است.



وی با بیان اینکه متأسفانه امروز نه تنها مسئله مردم، بلکه مسئله بدنه حاکمیت هم اقتصادی است و اگر ما تناقضی بین گفتار رسمی و عملکرد حاکمیت داشته باشیم، این چرخش باعث تنزل و تعارض آحاد می‌شود، تأکید کرد: متأسفانه انسان اقتصادی آرمان‌خواه نبوده و برای دستیابی به اهداف والا، خود را به خطر نمی‌اندازد و این انسان اقتصادی است که می‌تواند از درون باعث پوسیده شدن پایه وجودی جامعه شود.

### تأملی پیرامون آثار حقوقی تورم از منظر نرخ جرم

دکتر سپیده میرمجیدی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بحث خود را با عنوان «تأملی پیرامون آثار حقوقی تورم از منظر نرخ جرم» ارائه کرد. وی با این مقدمه که اساساً وقوع جرم و گسترش اعمال مجرمانه، جوامع را با بحران‌های زیادی روبه‌رو می‌کند، بیان کرد: تولد جرم‌شناسی برای کشف علت‌های وقوع جرائم بوده است. وی تأثیر جرم بر اقتصاد و اقتصاد بر جرم را دوسویه عنوان و اشاره کرد: بحث فعلی، متمرکز بر تأثیر اقتصاد بر جرائم است.

در کنار کاهش احساس امنیت، تضعیف اعتماد عمومی، گسترش رفتارهای ضداجتماعی، فشارهای روانی، گسترش جرم به صورت مستقیم موجب هزینه‌هایی می‌شود؛ از جمله تأسیس و تجهیز زندان‌ها، به‌کارگیری نیروهای بیشتر قضایی و پلیسی و البته از بین رفتن بخشی از ثروت خصوصی و عمومی. همچنین موجب اتلاف و انحراف بخشی از منابع و امکانات مادی و معنوی کشورها از سرمایه‌گذاری در آموزش، تولید، بهداشت، رشد علم به سمت مقابله با پیامدهای جرم می‌شود. بنابراین، از پیامدهای گسترش جرم در جامعه این است که رشد و توسعه اقتصادی را با مانع جدی مواجه می‌سازد.



دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشگاه

ISC  
۰۲۲-۳۲۰۸۵

ششمین نشست همایش ملی مسئله تورم در ایران  
ریشه، آثار و سیاست

**جنبه‌های غیر اقتصادی تورم در ایران**

**احکام تورم از دیدگاه فقه اقتصادی**  
دکتر سید محمدرضا امیری طهرانی زاده (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

**رسانه‌ها و شکل‌گیری تورم انتظاری: مروری بر عوامل و راه‌حل‌ها**  
دکتر سیده زهرا اجاقی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

**تأملی پیرامون آثار حقوقی تورم از منظر نرخ جرم**  
دکتر سپیده میرمجیدی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

**سیاسی شدن معیشت: تأملی از منظر الهیات سیاسی تجدد**  
دکتر شروین مقیمی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

**دبیر نشست:**  
دکتر لیلا سادات زعفرانچی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

زمان: ۵ آذرماه ۱۴۰۲ ساعت ۹ تا ۱۲

مکان: بزرگراه گلستان، تپش خیابان آینه‌وند (۶۴ غربی) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طبقه دوم، سالن ادب  
لینک پیش‌نشست نشسته همایش: <https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-b7m-ehm-flw>  
وبگاه همایش: <https://www.ihcs.ac.ir/inflationconf>  
پست‌الکترونیکی همایش: [inflationconf@ihcs.ac.ir](mailto:inflationconf@ihcs.ac.ir)

آدرس: دبیرخانه همایش: تهران، پست‌باکس ۱۶، خیابان ۱۶، تهرانی، کوچه بهک، خیابان خوارزمشاهی، پورتال سعادت‌تاسیس: ۱۳۸۸  
میدان فرهنگ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشگاه اقتصاد گد پستی: ۱۳۳۸۴۳۶۱  
شماره تماس دبیرخانه همایش: ۰۲۱-۸۵۰۰۴۴۳۳

دکتر میرمجیدی با اشاره به تعابیری از اقتصاد جرم، از جمله: شبیه‌بودن رفتار مجرم به یک رفتار اقتصادی در هزینه‌فایده ارتکاب جرم، اقتصاد مبارزه با جرم و روش‌های آن و تأثیر اقتصاد بر شکل‌گیری جوامع افزود: تورم می‌تواند بر نوع جرائم نیز تأثیرگذار باشد. وی با اشاره به «نظریه فشار مرتن» بیان کرد که این نظریه روی شرایط نابسامان اقتصادی برای وقوع جرم مانور می‌دهد و بیان می‌کند که آمال فرهنگی و ظرفیت‌های اقتصادی جوامع نباید دوگانه باشند.

این عضو هیأت علمی با اشاره به پژوهش انجام‌شده در دانشگاه تهران بیان کرد: تأثیر تورم از تأثیر بیکاری در شکل‌گیری جرم، بیشتر است. وی در خاتمه سخنانش با اشاره به این امر که میزان ارتکاب جرائم مالی به نسبت سطح تورم در جامعه افزایش یافته است، به بحث عدالت کیفری و جلوگیری از سیاست‌زدگی این عرصه پرداخت و با بیان اینکه ضعف کاربست یافته‌های تجربی در نظام عدالت کیفری، ارزش کیفری در جامعه را پایین آورده است، به برخی رخدادهای خوب حقوق کیفری در ایران از جمله جایگزینی حبس، قانون کاهش حبس‌های تعزیری و سند تحول قضایی در گفتمان قانون‌گذار کیفری که قاضی را ملزم کرده است در شکل مجازات‌ها و ضمانت‌های اجرایی، مسائل تورمی را ملاک قرار دهد، پرداخت.

### احکام تورم از دیدگاه فقه اقتصادی

دکتر سیدمحمد رضا امیری طهرانی‌زاده، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به‌عنوان سخنران پایانی نشست، بحث خود را با موضوع «احکام تورم از دیدگاه فقه اقتصادی» ارائه کرد و گفت: با توجه به رویکرد فردی فقه شیعی، مایه شگفتی نیست که درباره تورم چونان یکی از مصادیق پدیده‌های کلان اجتماعی جدید و به تعبیری مستحدثه حکم فقهی و فتوایی از سوی مراجع صادر نشده باشد. البته فضلا و برخی مجتهدان حوزه‌های علمیه درصدد بحث و تحقیق درباره موضوعات اجتماعی از دیدگاه فقه برآمده‌اند. به نظر می‌رسد آنچه در عدم پیشرفت شایسته فقه اجتماعی، باوجود نیاز دولت اسلامی به احکام موضوعات و مسائل جامعه دخیل است، گذشته از رویکرد فردی فقه، عدم درک مناسب مفهوم «اجتماعی بودن» در یک پدیده کلان اجتماعی است. دکتر امیری طهرانی‌زاده ادامه داد: یکی از اهدافی که برای احکام فقهی به‌ویژه معاملات ذکر می‌شود، عدالت است. تأکید بر هدف قسط و عدل به‌اندازه‌ای است که علاوه بر ضرورت توجه به عدالت به‌عنوان یکی از ارکان اجتهاد فقاهتی، برخی متفکران حوزه از آن به‌عنوان یک قاعده فقهی سخن گفته‌اند. البته قاعده عدالت هنوز به عنوان یکی از قواعد فقهی پذیرفته عام، مطرح نیست. استاد مطهری و استاد حکیمی عدم توجه به عدالت در دستگاه اجتهادی را بزرگترین کاستی حوزه می‌دانند. این عضو هیأت علمی بیان کرد: لازمه اسلامی بودن یک سیاست اقتصادی، توانایی آن بر تأمین مقاصد کلان شریعت است. با مراجعه و استناد به‌نصوص بیانگر مقاصد کلی شریعت و خطوط کلی رسالت، می‌توان اقامه قسط، عدل، رفع فقر و عدم تمرکز ثروت در دست اغنیاء را به‌عنوان مقاصد اقتصادی شریعت در نظر گرفت.

وی گفت: درحالی‌که مالیات تورمی از طریق انتقال قدرت خرید از صاحبان درآمد ثابت و نیمه ثابت به دولت، انتقال قدرت خرید از طلبکاران به بدهکاران، انتقال قدرت خرید از سپرده‌گذاران به وام‌گیرندگان، انتقال قدرت خرید از کارگران و حقوق‌بگیران به کارفرمایان و سرمایه‌داران، انتقال قدرت خرید از توده مردم به اقلیت اولین دریافت‌کننده نقدینگی، توزیع مجدد درآمد و ایجاد شکاف طبقاتی، افزایش نرخ مؤثر مالیات، بی‌تفاوت بودن نسبت به سطوح مختلف درآمدی، بی‌تفاوت بودن نسبت به تغییرات نامتناسب قیمت‌ها و درآمدها، اختلال در انجام تعهدات مدت‌دار و اختلال در وظایف پول، موجب گسترش بی‌عدالتی در جامعه می‌شود که مصلحت در درجه اول، در این است که دولت از حداکثر ظرفیت مالیات‌پذیری جامعه استفاده کند. اگر همچنان کسری بودجه باقی بماند، دولت می‌تواند به انتشار اوراق بهادار متوسل شود و از حداکثر ظرفیت استقراضی و مشارکتی جامعه استفاده کند. البته استفاده از حداکثر ظرفیت در این دو نمونه، بستر مساعد می‌خواهد و ممکن است این بستر در کوتاه مدت مهیا نباشد. از این‌رو، دولت موظف است در بلندمدت، بدون فوت وقت، بستر لازم برای این امر را مهیا سازد و تسامح در این امر پذیرفته نیست و موجب سلب مسئولیت دنیوی و اخروی از وی نمی‌شود.

این نشست پس از پرسش و پاسخ حضار خاتمه یافت.

لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۶۳۱>

## گزارش نشست «تورم و اثرات آن بر رشد اقتصادی در ایران»

هفتمین پیش‌نشست از سلسله نشست‌های همایش ملی «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» با عنوان «تورم و اثرات آن بر رشد اقتصادی در ایران»؛ مقارن با هفته پژوهش، ۱۹ آذرماه توسط پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار شد.



در ابتدای نشست، دکتر نرگس اکبرپورروشن عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (دبیر نشست)، ضمن عرض خیر مقدم به حضار در سالن و برخط، به اهمیت و حساسیت محاسبه شاخص‌های اقتصادی اشاره کرد و با تأکید بر شاخص قیمت مصرف‌کننده، که برای محاسبه تورم مورد استفاده قرار می‌گیرد، به این نکته پرداخت که زیربنای هر مطالعه تجربی آماری بر خورنداری از داده‌های باکیفیت است، بنابراین باتوجه به موضوع همایش، پیش از هر چیز باید دانست شاخص قیمت مصرف‌کننده چگونه محاسبه می‌شود. وی با ارائه این مقدمه از سخنران نخست دعوت کرد تا به سخنرانی بپردازد.

### اندازه‌گیری تورم در ایران



در ادامه دکتر مصطفی فرخ‌فال، رئیس گروه شاخص قیمت مصرف‌کننده مرکز آمار ایران، در سخنرانی خود با عنوان «اندازه‌گیری تورم در ایران»، به جزئیات روش محاسبه شاخص قیمت مصرف‌کننده در مرکز آمار ایران پرداخت. وی با تأکید بر اینکه مرکز آمار ایران به‌طور ماهانه به‌گرددآوری اطلاعات از نمونه‌ها و محاسبه شاخص می‌پردازد، توضیح داد: مبنای پرسش قیمت‌هایی است که کارگاه‌ها کالاها و خدمات خود را به خانوارها می‌فروشند. وی با معرفی روش طبقه‌بندی COICOP ۱۹۹۹، که مبنای گروه‌بندی کالاها و خدمات برای محاسبه شاخص قیمت است، توضیح داد که در این روش کالاها و خدمات متناسب با هدف مصرف طبقه‌بندی می‌شوند. وی با بیان اینکه مصاحبه مستقیم،

اطلاعات ثبتی، قیمت‌های برخط (آنلاین) و مصاحبه تلفنی (بیشتر برای خدمات) مهم‌ترین روش‌های گردآوری اطلاعات برای این طرح هستند، نحوه انتخاب اقلام برای قیمت‌گیری، چگونگی انتخاب کارگاه‌ها، و مشخصه اقلام نمونه را تشریح کرد.

وی همچنین به جزئیات نمونه‌گیری در این طرح پرداخت و بیان کرد: تعداد خانوارهای نمونه شهری و روستایی از سال ۱۴۰۰ به ترتیب ۱۹ و ۱۸ هزار خانوار است و اقلام مدنظر شامل ۴۶۰ قلم در مناطق شهری و ۳۳۶ قلم در مناطق روستایی است. همچنین، تعداد کارگاه‌های موردنظر در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۶۵ و ۹ هزار است و حدود ۲۶۰ هزار مظنه قیمت در مناطق شهری و ۱۲۰ هزار مظنه در مناطق روستایی در هر نمونه‌گیری اخذ می‌شود.

دکتر فرخ‌فال، با معرفی روش‌های مرسوم محاسبه قیمت نسبی، بیان کرد: روش مورد استفاده مرکز آمار ایران برای محاسبه شاخص قیمت‌ها میانگین هندسی نسبت قیمت‌ها (روش Jevons) با رویکرد لاسپیرز است. وی باتوجه به سهم قابل توجه اجاره‌بها در شاخص قیمت، به ارائه توضیحاتی در این خصوص پرداخت و بیان کرد که بیش از ۳۰ هزار خانوار مستأجر نمونه به شش گروه مساوی تقسیم می‌شوند (حدود ۵ هزار خانوار) و جهت قیمت‌گیری به هر خانوار دو بار در سال، به فاصله شش ماه، مراجعه حضوری می‌شود.

پس از آن، دکتر اکبرپور با اشاره به رابطه مناقشه‌برانگیز بین تورم و رشد اقتصادی، نظریه‌های اقتصادی در این خصوص را به‌طور خلاصه بیان کرد و با تأکید بر نتایج گاه‌ها متضاد بین تورم و بیکاری در مطالعات تجربی مختلف (اعم از ارتباط مثبت، منفی و خنثی)، توضیح داد، بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که این ارتباط اصولاً غیرخطی است، به این معنی که در نرخ‌های تورم پایین، افزایش تورم می‌تواند به رشد اقتصادی کمک کند، اما در نرخ‌های بالای تورم، این رابطه معکوس می‌شود.

### نظریهٔ مقداری پول: تولید و تورم در ایران



در ادامه، دکتر مرتضی عزتی، عضو هیأت علمی تربیت مدرس؛ در سخنرانی خود با عنوان «نظریهٔ مقداری پول: تولید و تورم در ایران»، بر این موضوع تأکید کرد که سیاست‌گذاران پولی و بسیاری از پژوهشگران از نظریهٔ مقداری پول این برداشت اولیه را دارند و مقدار تولید و سرعت گردش پول ثابت است و براین اساس با افزایش یا کاهش حجم نقدینگی تورم افزایش نوسان پیدا می‌کند؛ این در حالی است که در واقعیت، هم سطح تولید و هم سرعت گردش پول متغیر هستند. وی با اشاره به اینکه بر اساس این برداشت، تلاش دولت برای کنترل حجم نقدینگی بوده است، تشریح کرد: دو سیاست مهم محدود کردن بانک‌های خصوصی در عرضهٔ وجود و افزایش نرخ بهره مهم‌ترین سیاست‌های پولی طی ۹ ماه اخیر بوده‌اند.

دکتر عزتی بیان کرد: تحقق روابط موردانتظار در تئوری نیازمند وجود شرایطی است که الزاماً در واقعیت اقتصاد مشاهده نمی‌شوند که نتیجهٔ سیاست انقباضی درپیش‌گرفته‌شده، علاوه‌بر کاهش قیمت، کاهش تقاضا، کاهش سرمایه‌گذاری، کاهش تولید و کاهش سرعت گردش پول است؛ روندی که در نهایت، باتوجه‌به مشکلات معیشت مردم، منجر به افزایش غیرمنطقی هزینه‌های جبرانی دولت و متعاقباً افزایش نقدینگی و بازگشت روند تورمی خواهد شد. وی در بخش پایانی سخنانش اضافه کرد: راهبرد افزایش تولید سیاست صحیح موردنیاز در شرایط کنونی اقتصاد است که متعاقباً می‌تواند تورم را هم کاهش دهد. براین اساس، وی بر اهمیت و ضرورت ایجاد فضای مناسب سرمایه‌گذاری و توقف سیاست‌های انقباضی تأکید کرد.

### آسیب‌پذیری رشد اقتصادی از تورم

سخنرانی سوم و آخر در هفتمین پیش‌نشست همایش ملی مسئله تورم در ایران با عنوان «آسیب‌پذیری رشد اقتصادی از تورم» توسط دکتر اعظم احمدیان، عضو هیأت علمی پژوهشکدهٔ پولی و بانکی، ارائه شد. دکتر احمدیان پس از بیان سیر نظری رابطهٔ تورم و رشد اقتصادی، صادرات، تصمیمات



استقراض و وام، ایجاد انحراف در توزیع درآمد، پس‌انداز، و افزایش هزینهٔ سرمایه را به‌عنوان مهم‌ترین کانال‌های اثرگذاری تورم و رشد اقتصادی معرفی کرد. وی سپس با بررسی شواهد آماری دورهٔ ۱۳۷۰-۱۴۰۱، رابطهٔ بین رشد اقتصادی و تورم را به‌صورت کلی و به‌تفکیک بخش‌ها تحلیل و بیان کرد که اقتصاد کشور در دوره‌های رکودی عموماً با افزایش تورم مواجه بوده، ولی در دوره‌های رونق عمدتاً کاهش تورم را تجربه کرده است، وی براین اساس، نتیجه گرفت که رابطهٔ بین تورم و رشد اقتصادی غیرخطی است و آستانهٔ نرخ تورم برای تغییر در رفتار نسبت به رشد اقتصادی را ۲۵ درصد برآورد کرد.

دکتر احمدیان با استفاده از تجزیه و تحلیل توابع عکس‌العمل آبی رشد بخش‌های اقتصادی نسبت به شوک مثبت تورم نشان داد که بیشترین آسیب تورم به بخش کشاورزی، سپس صنعت، و در نهایت به بخش خدمات وارد می‌شود و اثر تورم بر رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت منفی است، اما در بلندمدت از اثر منفی آن کاسته می‌شود.

وی در خاتمه با تأکید بر اینکه هم‌زمانی نااطمینانی نرخ تورم با نااطمینانی سایر متغیرها نظیر نرخ ارز، نقدینگی و قیمت سهام می‌تواند اثر منفی نرخ تورم را تشدید کند، توجه به اثرات تورمی سیاست‌ها در کوتاه‌مدت و بلندمدت را در هنگام سیاست‌گذاری‌های اقتصادی ضروری دانست.

در بخش پایانی نشست، جلسه پرسش و پاسخ بین اعضاء شکل گرفت.

لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۷۲۴>

## گزارش نشست «واکاوی علل تورم و راهکارهای کنترل آن در ایران»

هشتمین پیش‌نشست از سلسله نشست‌های همایش ملی «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» با عنوان «واکاوی علل تورم و راهکارهای کنترل آن در ایران»؛ مقارن با هفته پژوهش، ۱۹ آذرماه توسط پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با همکاری معاونت پژوهشی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی (ره) در دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، برگزار شد.

در ابتدای جلسه دکتر لیلاسادات زعفرانچی، دبیر نشست ضمن تبریک هفته پژوهش و خوش آمدگویی به حضار در جلسه و مخاطبین برخط، از معاونت پژوهشی دانشکده اقتصاد علامه به واسطه عهده‌داری برگزاری هشتمین پیش‌نشست همایش ملی «مسئله تورم در ایران، ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها» تشکر و اظهار امیدواری کرد که این تعاملات سازنده بین عرصه پژوهش و آموزش بتواند منشاء آثار خیری در حل مسائل اقتصادی کشور شود. وی با مروری بر پیشینه فعالیت‌های انجام شده در دبیرخانه همایش، از دکتر عباس شاکری، استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی (ره) دعوت کرد تا به‌عنوان اولین سخنران، مباحث خود را ارائه کند.

### مروری بر جنبه‌های تاریخی تورم

دکتر شاکری سخنرانی خود را با مروری بر جنبه‌های تاریخی تورم در ایران آغاز کرد و با اشاره به آبرتورم بعد از سال ۱۳۹۶ در ایران عنوان کرد که این تورم منجر به شکل‌گیری بازی بُرد-باخت بین عده قلیلی از متفیعین تورم و باخت توده زیادی از مردم شده است. او با بیان اینکه تورم خُتشی نیست، به نظریه‌های طرف عرضه و تقاضای تورم و نیز تورم ساختاری اشاره کرد.

وی با اشاره به تاریخچه پول در جهان عنوان کرد: بعد از نظر فریدمن در خصوص بستن سرمنشاء پول، ده‌ها جانشین برای پول خلق شده و بعد از دهه ۱۹۷۰ با آزاد شدن منابع مالی در اقتصاد رابطه نقدینگی و پول بسیار پیچیده‌تر شده است. به‌طوری‌که بعد از سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی با بحث وام‌های پرخطر می‌بینیم که با افزایش نقدینگی تورم قابل ملاحظه‌ای مشاهده نمی‌شود. به‌طور عمده در ایران عنوان می‌شود که با افزایش نقدینگی ما شاهد تورم هستیم که به‌نظر می‌رسد نیازمند پاسخی مبتنی بر شواهد است و از سال ۹۶ تاکنون برای نقدینگی کشور اتفاق خاصی نیفتاده در حالی که تورم چنین شتاب گرفته است. وی با بیان اینکه قطعاً بودجه دولت نیاز به اصلاحات دارد، عنوان کرد: با وجود تورم بالا هم‌اکنون نیز بودجه دولت رشد کمی داشته است. او با تأکید بر کشف پویایی‌های تورم تأکید کرد: باید در تحلیل حکمرانی، تحلیل نظام بانکی و همه مسیرهایی که این انعطاف‌ناپذیری ماندگار را ایجاد کرده است، دقت شود.

### تقسیم‌بندی دو گروه تورمی

دکتر حسین درودیان، پژوهشگر و کارشناس پولی و بانکی، دومین سخنران این جلسه بحث خود را با تقسیم‌بندی دو گروه تورمی در کشور آغاز کرد. وی با عنوان اینکه نوع اول تورم در ایران مربوط به دوره‌های ثبات و آرامش سیاسی و اقتصادی می‌شود و ما آن را در کل دهه ۸۰ یا چند سال پس از جنگ و دهه ۹۰ تا دوره تحریم تجربه کردیم، مهمترین نماد آن را تورمی در حدود ۱۴٫۵٪ دانست. در دوره‌های غیر آرامش و ثبات کشور معمولاً با بی‌قراری نرخ ارز کشور تورم‌های بالا در حدود بیش از ۳۳٫۵٪ را تجربه کرده است.

وی با اشاره به فاصله زیاد این دو گروه تورمی در کشور عنوان کرد: در دوره‌های ثبات و آرامش، تورم بیشتر به عوامل تقاضا و نقدینگی مرتبط می‌شود و علل سنتی تورم تا حدود زیادی می‌تواند تورم را توضیح دهد، در حالی که در دوره‌های بی‌ثباتی معمولاً دسترسی واقعی به ارز می‌تواند جریان تورمی بالا را ایجاد کند. در این دوره‌ها قیمت ارز مرجع شده و قطع دسترسی‌های ارزی خود را در افزایش سایر قیمت‌ها نشان می‌دهد. در این شرایط معمولاً سیاست قیمت‌گذاری دستوری توصیه می‌شود که عملاً موفق نخواهد بود. دکتر درودیان با بیان اینکه ما معمولاً در ایران میانگین تورم همه دوره‌ها را به‌عنوان تورم اعلام می‌کنیم، بیان کرد: به‌نظر می‌رسد این میانگین انعکاس همه واقیعت تورم در ایران نیست. وی با اشاره به دلاری شدن اقتصاد ایران تأکید کرد که در دوره‌های بی‌ثباتی جهش قیمت دارایی‌هایی نظیر مسکن حتی جلوتر از رشد قیمت ارز افزایش می‌یابد. این پژوهشگر پولی و بانکی عنوان کرد: نباید در دوره‌های بی‌ثباتی و جهش‌های ارزی، ابزار ضد تورمی دوره‌های آرامش را به‌کار گرفت، چون کاربردی نخواهد بود. او نتیجه گرفت که کاهش تورم فعلی نیازمند احیاء چشم‌انداز اقتصادی ایران است.

### نکات کلیدی تورم

دکتر علی نصیری اقدم، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی (ره) به‌عنوان سخنران پایانی جلسه مباحث خود را با دو نکته کلیدی آغاز کرد. نخست اینکه تورم در هیچ مکان و زمانی پدیده‌ای پولی نبوده است و دوم اینکه باید در شرایط فعلی دستمزدها را بالا بُرد. او با اشاره به گفتهٔ «چارلز گودهارت» بیان کرد: ما هیچ نظریهٔ عمومی برای تورم نداریم. وی با اشاره به نظریه‌های عمومی‌تر تورم از جمله تئوری فریدمن عنوان کرد: اگرچه این نظریه‌ها تأکید بر این دارند که خلق پول زیاد باعث کمبود کالا و در نتیجه تورم خواهد شد، اما اعتبار خود را از دست داده‌اند.

دکتر نصیری اقدم شرح داد: اگر به درون‌زایی پول قائل باشیم، دیگر نمی‌توانیم بر مباحث «فریدمن» پایبند باشیم. اصولاً عرضه پول بعد از تقاضای پول فعال می‌شود یا به‌عبارتی نیاز به نقدینگی، قبل از خلق پول ایجاد می‌شود. در ایران قیمت دارائی‌ها از جمله مسکن و ارز باعث تعدیل سایر قیمت‌ها می‌شود و تنها کسانی قادر نیستند، قیمت‌های نهایی خود را تغییر دهند که جزو حقوق‌بگیران ثابت به‌شمار می‌روند. او بیان کرد: نمی‌توانیم مسئله تورم در ایران را به نقدینگی فرو بکاهیم. ما در ۵ تا ۶ سال اخیر شاهد سرکوب دستمزدها بوده‌ایم که تبعات اجتماعی مخربی دارد، در حالی که در این وضعیت، رشد اقتصادی سرکوب خواهد شد. وی در خاتمه سخنانش با بیان اینکه سیاست کنترل ترازنامه جز برای بانک‌های بدرفتار معنایش محدود کردن رشد اقتصادی خواهد بود، به بالا رفتن هزینه تأمین مالی برای تولید اشاره داشت و تصریح کرد: باید ایجاد موازنه اقتصادی در اقتصاد تعقیب شود و در این صورت به‌شدت نیازمند افزایش دستمزدها هستیم. لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۷۲۵>

پژوهشکده اقتصاد  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
با همکاری  
دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی  
به مناسبت هفته پژوهش برگزار می‌کند:

دانشگاه علامه طباطبایی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## واکاوی علل تورم و راهکارهای کنترل آن در ایران

هشتمین پیش نشست همایش ملی «مسئله تورم در ایران؛ ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها»

دبیر نشست:  
**دکتر لیلا السادات زعفرانچی**  
(عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

**دکتر عباس شاکری**  
(عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی)

**دکتر حسین درودیان**  
(پژوهشگر و کارشناس پولی و بانکی)

**دکتر علی نصیری اقدم**  
(عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو کمیته علمی همایش)

زمان: ۱۹ آذرماه ۱۴۰۲ ساعت: ۱۳ تا ۱۵  
مکان: دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، سالن شماره ۳  
لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-zfp-87t-j7u>

دبیرخانه همایش:  
تهران - بزرگراه کردستان  
نبش خیابان دکتر صادق آئینه‌وند (۶۴ غربی)،  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



## گزارش نشست «نماینده ایده‌آل برای مجلس؛ نمونه موردی سیدحسن مدرس»

سخنرانی «نماینده ایده‌آل برای مجلس؛ نمونه موردی سیدحسن مدرس» با ارائه دکتر عبدالرحمن حسینی فر، ۱۴ آذرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار شد. مدیریت این نشست را نیز دکتر علی سالاری شادی عهده‌دار بودند.

دکتر حسینی فر در مقدمه سخنانش گفت: دوره تاریخی مدرس، دوره سختی بود. از ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۷ش کشور با حوادث بغرنجی مواجه شد. از ناکامی مشروطه نوپا، طرح تقسیم ایران بین روسیه و انگلستان، اولتیماتوم، استبداد صغیر، قیام‌های متعدد علیه استبداد، اشغال، نفوذ خارجی، تغییر متعدد کابینه‌های دولت، وابستگی اختیاری و اجباری سیاسی و مالی نخبگان، بحران‌های متعدد فراگیر و عمومی همراه با دخالت شدید نظامیان، انحصارگری و دیکتاتوری رضاخانی، چالش سنت و مدرنیته از ویژگی‌های مهم این دوره تاریخی است. لازم به‌ذکر است این دوره تاریخی به فهم امروز ما در جامعه ایرانی کمک خواهد کرد. مسئله اندیشه‌ای است یا محور کانونی برای آن به‌عنوان مسئله می‌توان در نظر گرفت و در این بحث آنرا به حوزه حکمرانی ربط می‌دهم، شاید به رفع برخی مسائل جامعه امروز ایران کمک کند.



### بحث تاریخی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه سخنانش به بحث تاریخی پرداخت و گفت: سیدحسن مدرس، نماینده مردم در مجلس در دور دوم (۱۲۸۸ ش)، منتخب به‌عنوان مجتهد طراز، دور سوم از طرف مردم تهران (۱۲۹۳ ش) (البته برای یک سال به‌خاطر جنگ اول جهانی و اشغال ایران باوجود بی‌طرفی در جوانی شهید شد که عده‌ای نزدیک به ۳۰ نفر با مهاجرت به قم که مدرس در میان آنها بود، کمیته دفاع ملی را تشکیل دادند) و دوره‌های چهارم (۱۳۰۰ ش)، پنجم (۱۳۰۲ ش) و ششم (۱۳۰۵ ش) از طرف تهران بود. مدرس به‌عنوان یکی از نمایندگان ایده‌آل و شاخص تلقی می‌شود؛ چون در زمانه‌ای خاص که هم در داخل و هم در خارج عوامل زیادی در ایجاد ناامنی، بی‌ثباتی، بی‌حکومتی، کودتا، اختلال و ضعف در حکمرانی وجود داشت، اما توانست با تشخیص مناسب مبتنی بر اصول ایران‌خواهی، منافع ملی و مصالح عمومی؛ به‌صورت شجاعانه به ایفای نقش درست خود بپردازد. او مخالف پذیرش هشدار (اولتیماتوم) روسیه در ۱۹۱۱ و قرارداد ۱۹۱۹ بود. جمله معروفش در رد اولتیماتوم این بود که اگر قرار است از بین برویم (استقلال و آزادی) چرا با دست خود برویم. این جمله در فضای مجلس آن‌روز در نپذیرفتن هشدار روسیه تأثیرگذار بود. هر چند بعد از آن مجلس منحل شد و هشدار پذیرفته شد. در این دوره از مدرس به‌عنوان نماینده مخالف استعمار و طرفدار وطن و ملجاء و پناه مردم می‌توان یاد کرد. دکتر حسینی فر شرح داد: در روزهای روی کار آمدن رضاخان بعد از کودتای اسفند ۱۲۹۹، آیت‌الله مدرس مخالف اعتبارنامه نمایندگانی بود که به زور نظامیان وارد مجلس شده بودند و در کودتا نقش داشتند و با خودسری‌های رضاخان که ناشی از روحیه دیکتاتوری او بود، مخالفت می‌کرد. با طرح جمهوری وی هم مخالفت کرد. البته این مخالفت‌ها منجر به سیلی خوردن مدرس از یکی از نمایندگان شد و همین باعث بلوایی در داخل و خارج مجلس شد. نفس مخالفت و البته به‌همراه نظر مناسب به مصالح مردم داشتن در شرایطی که همه طرفدار دیکتاتوری بودند، باعث ماندگاری مدرس شده است.

مدرس اعتقاد داشت که با شکل‌گیری مشروطه و مجلس نمایندگان مشروطه، نارس ظهور کرده است؛ چرا که کسی مانند رضاخان از کشور و حکومت با عنوان «رژیم من» و «مملکت من» یاد می‌کند و مجلس را «طویل» و تهدید به بستن می‌کند. مدرس برای حفظ استقلال مجلس و نظارت عالی آن بر دولت و رعایت اصل به اصطلاح تفکیک قوا و تربیت و معرفی نمایندگان که حافظ مصالح کشور و مردم باشند اصرار می‌کرد و تلاش داشت قوانین را هم در راستای مصالح مردم وضع کند.

### مدرس نمایندگان

آیت‌الله مدرس «به‌حق»، مدرس نمایندگان و قوه مقننه است. از جمله درخصوص اصولی برگرفته از قواعد دینی که برای قانون‌گذاری در نظر مدرس بود و لازم است تأکید شود شامل: اهم مهم کردن، دفع افسد به فاسد، تفریع و جزئی کردن احکام مورد قبول و مناسب، لزوم قانون‌گذاری در جایی که نص یا قاعده‌ای در موردش نیست (حوزه مباحات و منطقه الفراغ)، تنقیح قوانین، تبدیل قوانین اولیه به قوانین ثانویه و تبدیل قوانین ثانویه به احکام حکومتی از منظر شرعی در هنگام تصادم با موانع، در نظر گرفتن عرف عام و خاص (با در نظر داشتن ویژگی عرف در حال تغییر و تبدیل) و با در نظر داشتن مصلحت و ایجاد نظم از وظایفی بود که هنگام تعارض و تراحم، مجلس بر عهده بگیرد. بنابراین نظرات و دیدگاه‌های مدرس در مورد مجلس و قانون‌گذاری در راستای نحوه مناسب حکمرانی است.

### مدرس، مجلس و نیاز امروز جامعه برای ارتقاء حکمرانی

نمایندگان مجلس، نماینده کل جامعه تلقی می‌شوند. به‌خاطر همین جایگاه نمایندگی یک کسوت ملی تلقی می‌شود. در فضای فقدان نظام حزبی مورد قبول رسمی که عملکرد فراگیر و پیوسته داشته باشند نقش فردی نمایندگان مهم می‌شود. البته نظام احزاب فراگیر و پیوسته همواره ایده‌آل است و فعالیت فردی در قالب نماینده مستقل به دلایل سیاسی، اقتصادی در حوزه‌های پرجمعیت که اکثر شهرها این‌چنین هستند، به‌نظر ناکارآمد و ناکافی است. انتخاب بر اساس فعالیت احزاب دائمی که مرام‌نامه و برنامه‌های مدون دارند، می‌تواند به کارایی و کارآمدی و تحقق برخی اهداف مردم نزدیک شود.

### امام خمینی (ره): سعی کنید مثل مرحوم مدرس را انتخاب کنید

وی با اشاره به فرمایش بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، ادامه داد: امام خمینی (ره) فرموده بودند که: «سعی کنید مثل مرحوم مدرس را انتخاب کنید» که این عبارت در راستای جمله «مجلس در رأس امور است» می‌تواند تلقی شود. اهمیت مدرس به‌عنوان یک نماینده مستقل و طرفدار منافع و مصالح ملی برای انقلابیون ۱۳۵۷ در کنار نهاد دانشگاه که نقش فعالی در پیروزی انقلاب داشت به‌گونه‌ای است که این سمبل‌ها و نمادها روی پول کاغذی جدید نقش بسته بود و عکس آنها روی این پول‌های کاغذی ده تومانی رؤیت می‌شد.

تأکید بر مدرس به‌عنوان نماینده‌ای ایدال، سیاستمدار مردم‌واره، آگاه به زمان، نیازشناس نسبت به جامعه، منطبق با شرایط، شجاع، متخصص فرا رونده از عادات و رسوم اسیر در سنت و قالب‌های سنتی (رفع موانع تحجر) شریعت‌شناس و اصولی، مصالح‌شناس جامعه، احساس مسئولیت درست (تأکید بر نهادی است که وی در آن به ظهور رسید و جان خود را فدای نظرات و دیدگاه‌هایش کرد. نهادی که از حقوق مردم، در قالب قانون درست و مناسب، مراقبت و پاسداری می‌کند.



دکتر حسینی فر بیان کرد: نهاد مجلس در حالت خاصی قرار دارد که همیشه از جانب اصحاب قدرت و ثروت مورد طمع قرار می‌گیرد و وجود نمایندگان مستقل و آزاده و نترسی که بدون داشتن تعلقات فردی و طمع شخصی از حقوق عمومی مردم و منافع و مصالح عمومی در آن دفاع کنند، کار نسبتاً سخت و شبه‌محالی است. تأکید بر مدرس تأکید بر این حقوق است که کسی چون مدرس تلاش داشت به‌نوعی آنها را در زمانه خودش دنبال کند. به‌عبارت دیگر ارتقاء نقش مجلس و نمایندگی برای ارتقا حکمرانی شایسته است.

امروزه با توجه به دو وظیفه «قانون» و «نظارت بر اجرای قانون» که برای مجلس تعریف شده هر دوی آنها باید در مورد نحوه و ضمانت اجرای آنها مورد بازنگری قرار گیرند؛ چرا که با حکمرانی نسبت دارد. قانون‌گذاری و نظارت، وظایفی است که به نمایندگان آگاه و شجاع و بی‌توجه به لابی‌های متفاوت، نیاز دارد. قانون‌گذاری، باید معطوف به وضع حال و آینده باشد و نمی‌توان روی شاخص‌ها برای نمایندگی تأکید کرد که بی‌توجه به حال و آینده جامعه باشد. زیرا در ایجاد نقص در حکمرانی شایسته، تأثیر دارد.

از روزی که نمایندگی و پارلمان تأسیس شد تا به امروز مسیر جدیدی برای رفع نیازها و تحقق خواست‌های آنها باز شده است و مردم در همه اوقات و به‌خصوص روزهای انتخابات خود را مُحق می‌دانند مطالبات و خواست‌های خود را از آنها مطرح کنند. در این میان هر چه سطح نیازهای جامعه بالا باشد نوع مطالبات از فردی به جمعی و از نیازهای اولیه به ثانویه تغییر می‌کند.

دکتر حسینی فر در خاتمه سخنانش با اشاره به شاخص‌های نمایندگی تصریح کرد: شاخص‌های نمایندگی مهم هستند؛ در این زمینه از جمله مؤلفه‌های لیاقت «آگاهی از منافع ملی» و «فهم مناسب برای قانون‌گذاری»، «نیازشناسی واقعی جامعه یا آگاه به زمانه»، «منطبق با شرایط» و «شجاعت پیگیری حقوق قانونی مردم و نداشتن ترس»، «نداشتن طمع یا نفع صرفاً شخصی» هستند که مرحوم مدرس از نمونه‌های آن است و برای نماینده ایده‌آل مهم هست. به امید اینکه لیاقت جای ارادت را بگیرد تا بدین‌وسیله حکمرانی شایسته محقق شود.

لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihs.ac.ir/fa/news/۲۴۶۸۱>

## موزه‌ها و علوم انسانی؛ موزه‌ها و زیبایی‌شناسی تمدن اسلامی

به مناسبت هفته پژوهش و انتخاب شعار «علوم انسانی و تمدن‌سازی»، پنجمین جلسه از سلسله نشست‌های علمی و تخصصی «موزه‌ها و علوم انسانی» با عنوان «موزه‌ها و زیبایی‌شناسی تمدن اسلامی» به همت گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران، ۱۸ آذرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست که به صورت حضوری و برخط برگزار شد، دکتر صفورا برومند، عضو هیأت علمی گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران، رضا دبیری‌نژاد، مدیر موزه ملی ملک و پژوهشگر مطالعات موزه، دکتر فؤاد نجم‌الدین، عضو هیأت علمی دانشگاه علم و فرهنگ، به بررسی مباحث مرتبط با این موضوع پرداختند. در ابتدای جلسه، دکتر الهام ملک‌زاده به عنوان مدیر نشست، به معرفی پیشینه برگزاری سلسله نشست‌های «موزه‌ها و علوم انسانی» پرداخت گزارشی در این خصوص ارائه کرد.

### پیشینه توجه به تمدن اسلامی در موزه‌های جهان



در ادامه دکتر صفورا برومند، مدیر گروه تاریخ اجتماعی و اقتصادی پژوهشکده تاریخ ایران به بررسی «پیشینه توجه به تمدن اسلامی در موزه‌های جهان» پرداخت. وی از دوره استقرار مسلمانان در اندلس و در قرون بعد، وقوع جنگ‌های صلیبی به عنوان اولین تجربیات جامعه اروپایی از دستاوردهای مسلمانان در عرصه هنر و تمدن اسلامی به‌ویژه معماری یاد کرد. برومند سپس ارتباط تجاری مداوم جامعه اسلامی با اروپا از طریق مسیر میان‌رودان و شامات و حوزه شرق دریای مدیترانه (لوانت) و نقش تاجران ونیزی و جنوایی در قرن نهم هجری/قرن پانزدهم میلادی در انتقال آثار هنری و نشانه‌های تمدن اسلامی به اروپا را م نظر قرار

داد. وی در ادامه به این موضوع پرداخت که تملک آثار هنری متعلق به تمدن اسلامی از قرن‌ها پیش در اروپا، نمادی از تفاخر فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شد. از جمله این‌که خلق تابلوهایی از اشراف‌زادگان اروپایی با پوشش شرقی، نمایش فرش‌های ایرانی و دست‌بافت‌های عثمانی در آثار نقاشی هنرمندان عصر رنسانس مبین این اهمیت در اروپاست. در قرن هفدهم و به‌ویژه قرن‌های هجدهم و نوزدهم میلادی با شروع کاوش‌های باستان‌شناختی در سرزمین‌های شرقی و همچنین تبدیل برخی از این نواحی به مناطق مستعمراتی اروپا، مجموعه درخور توجهی از این آثار به اروپا راه یافت و ابتدا توجه مجموعه‌داران اروپایی از منظر ارزش مادی و تجاری به این آثار جلب شد. با توجه به این‌که این آثار، نمادی از دستاوردهای فرهنگی و تمدنی شرق به‌شمار می‌رفتند و با مضامین هنر غرب مقایسه می‌شدند، گونه‌ای رویکرد شرق‌شناختی بر شناسایی و معرفی این آثار حاکم بوده است.

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه سخنان خود به این نکته پرداخت که بازرگانان و دلالتان نمونه‌های هنر اسلامی را به جامعه غرب معرفی کردند و در قرن نوزدهم مجموعه درخور توجهی از میراث ملموس تمدن اسلامی به بازارهای اروپا و ایالات متحده راه یافت، اما به‌مرور مجموعه‌داران که از توانایی نگهداری آنها برخوردار نبودند، درصدد فروش یا اهدای آنها به موزه‌ها برآمدند. این آثار در موزه‌ها قرار گرفتند و معرف فرهنگ مادی سرزمین‌های اسلامی بودند و با تکیه بر رویکرد غالب شرق‌شناختی توصیف و تفسیر شدند. دکتر برومند از برگزاری نمایشگاه مونیخ در سال ۱۹۱۰ به‌عنوان نقطه عطفی در شناسایی آثار هنری اسلامی یاد کرد و در این خصوص چنین گفت: در این نمایشگاه سه هزار و ششصد اثر شاخص از هنر اسلامی موجود در ۲۵۰ مجموعه و موزه با عنوان شاهکارهای هنر اسلامی به‌نمایش درآمد. آثار این نمایشگاه از منظر زیبایی‌شناختی آثار هنر اسلامی، مورد توجه بود. وی در ادامه به این نکته پرداخت که در این روایت از هنر اسلامی در موزه‌ها، تمرکز بر نمایش اشیائی واجد تزئینات زیبا و خاص و آثاری بود که با تکیه بر مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی غربی انتخاب و در موزه‌های هنرهای زیبا ارائه می‌شدند. بخش دیگری از مظاهر تمدن اسلامی مانند ظروف سفالین یا اشیاء مرتبط با زندگی روزمره در سرزمین‌های اسلامی که فاقد این ویژگی بودند، در موزه‌های مردم‌شناختی به‌نمایش درآمدند. موضوع دیگر از صحبت‌های دکتر برومند، به نقش تجزیه‌امپراتوری عثمانی و شکل‌گیری کشورهای اسلامی تازه تأسیس از جمله عراق و سوریه، تمرکز این کشورها برای توصیف و تفسیر هویت خود و نقش موزه‌ها در شکل‌گیری گفتمان هویت تاریخی آنها اختصاص داشت.

واقعه یازدهم سپتامبر و رویکرد اسلام‌هراسانه

ادامه سخنان این پژوهشگر تاریخ اجتماعی و هنر بر نقش رسانه‌های ارتباط جمعی قرن بیستم، بر اطلاع‌رسانی درخصوص هنر اسلامی و مضامین آنها متمرکز بود. رخداد تأثیرگذار دیگری که برومند در تبیین توجه به تمدن اسلامی در موزه‌های جهان به آن پرداخت، واقعه یازدهم سپتامبر و رویکرد اسلام‌هراسانه متأثر از آن در رسانه‌های غرب بود. برومند یادآور شد که برخلاف این رویکرد، در این دوران برگزاری نمایشگاه‌های مرتبط با هنر اسلامی در رأس فعالیت موزه‌ها قرار گرفت و بخش دائمی هنر و تمدن اسلامی در موزه‌ها تکمیل یا دایر شد. نمایش این آثار هنری، روایت دیگری از فرهنگ و تمدن اسلامی را به مخاطب ارائه می‌کرد که با رویکرد اسلام‌هراسی رسانه‌ها در تضاد بود. این عضو پژوهشکده تاریخ ایران، ضمن اشاره به برخی از این فعالیت‌ها، بر تأثیر انکارناپذیر ایجاد تعداد درخور توجهی از موزه‌ها در خاورمیانه و جنوب شرق آسیا از جمله موزه هنرهای اسلامی مالزی در کوالالامپور، موزه‌های هنر اسلامی و مُصحف یا هنر مدرن عرب در دوحه قطر، موزه تمدن اسلامی شارجه و موزه ملی زاید در ابوظبی امارات، طراحی مجدد موزه هنر اسلامی قاهره در مصر و تأسیس مرکز فرهنگ جهان ابو عبدالعزیز گوگنهایم عربستان، در معرفی هنر و تمدن اسلامی تأکید کرد.

دکتر برومند در نتیجه‌گیری سخنان خود، درخصوص سیر روایت هنر و تمدن اسلامی در موزه‌های جهان، چنین گفت: قالب گفتمان شرق‌شناختی و زیبایی‌شناختی غربی، تحت تأثیر رخداد‌های قرن بیستم در خاورمیانه بازنگری شد و روایتی از هنر و تمدن اسلامی در موزه‌ها شکل گرفت که با ایجاد فضایی مفهومی، جوانب و لایه‌های مختلفی از فرهنگ در برگیرنده هر اثر هنری اسلامی را شامل می‌شود. او فناوری ارتباطات و پلتفرم‌های دیجیتال را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها برای معرفی هنر اسلامی در خارج از چارچوب سنتی و فیزیکی موزه‌ها، و ابزاری برای ایجاد سپهر فرهنگی تمدن اسلامی در جامعه جهانی معرفی و آن را مقدمه‌ای برای تعامل بین‌فرهنگی و صلح پایدار قلمداد کرد.

### موزه‌ها و روایت‌گری تمدن‌سازی

دومین سخنران این نشست رضا دبیری نژاد، مدیر موزه ملی ملک، به بررسی «موزه‌ها و روایت‌گری تمدن‌سازی» پرداخت. وی ضمن اشاره به ضرورت برگزاری این نشست‌های تخصصی، به این نکته تأکید کرد که جدای بررسی درون‌ساختاری موزه‌ها، واکاوی آنها از منظر نهادهای پژوهشی و خارج از موزه، در عرصه گفت‌وگوی بینارشته‌ای و توجه به نقش علوم انسانی، نیز اهمیت بسیار دارد. این پژوهشگر مطالعات موزه، سپس به تبیین عملکرد موزه‌ها پرداخت و دو کار عمده را برای آنها توصیف کرد که عبارتند از: ۱- گردآوری و مجموعه‌سازی که موزه‌ها را به‌عنوان یک منبع مطرح می‌کند؛ ۲- چگونگی ارائه یا چیدمان موزه که عملاً روایت‌گری موزه‌ها را رقم می‌زند و مبتنی بر هدف تعیین‌شده برای موزه، شکل می‌گیرد. وی



ادامه داد: در این شرایط، چگونگی عرضه این آثار، سمت‌وسو و جهت‌گیری روایت را شکل می‌دهد. کار امروز موزه‌ها، روایت‌گری است؛ هویت‌سازی و تجلی‌گری تمدن و تاریخ در موزه‌ها، به‌واسطه انتخاب و چیدمان و شیوه روایت در موزه‌ها شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، موزه‌ها «عملاً تاریخ و تمدن برساخته‌شان را تولید می‌کنند. می‌توان از زوایای دانش‌های مختلف به آثار موزه‌ای نگاه کرد و شبکه مولکولی از آثار در موزه‌ها وجود دارد که درک‌ها و ادراکات جدید از آثار ایجاد می‌کند و تصویری تمدنی را شکل می‌دهد».

### ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و معیارهای غربی

رضا دبیری نژاد، سردبیر نشریه الکترونیکی فرهنگ موزه، با تأیید سخنان دکتر برومند درخصوص مراحل شکل‌گیری گفتمان هنر و تمدن اسلامی در موزه‌های جهان، به این نکته پرداخت که وقتی آثار هنر اسلامی بر اساس ویژگی‌های زیبایی‌شناختی و معیارهای غربی انتخاب می‌شوند، در برخی موارد، بافت زمینه‌ای اثر در مجاورت با آثار دیگر، حذف می‌شود. وی در توصیف این شرایط چنین گفت: در بیشتر موارد روایت تمدنی در موزه شکل نمی‌گیرد و روایت یک اثر است. بنابراین، عملاً در موزه‌های اسلامی، تصویر تمدنی معرفی نمی‌شود. اگر قرار است روایت تمدنی ارائه شود، فقط وجه زیبایی‌شناختی نباید مطرح شود و جنبه‌های دیگر نیز باید مد نظر قرار گیرد.

وی در ادامه بر این نکته تأکید کرد که وقتی موزه‌ای عناصر روایتی را انتخاب می‌کند، به گفتمان روایت راه می‌یابد. روایت‌گری موزه‌ها، روایت‌گری خنثی نیست. دبیری‌نژاد سپس با اشاره به سخنان دکتر برومند مبنی بر توجه به گنجینه‌های اسلامی موزه‌ها در سال‌های اخیر، چنین گفت: واقعیت این است که همچنان گفتمان مسلط بر موزه‌داری مبتنی بر شرق‌شناسی است و این گفتمان هژمونی‌شده، کار خود را انجام می‌دهد و ما تکنیک‌ها را تکرار می‌کنیم و گسترش می‌دهیم، نه نگرش‌ها و رویکردها را. هنوز به یک روایت بومی و درون‌تمدنی نرسیده‌ایم. اگر بپذیریم که خروجی موزه‌ها، روایت‌گری حاصل از ساحت گفتمانی موزه است، لازم است بیش از این که تکنیک را ابزار بدانیم، از زاویه نگرش نهفته تمدنی در این آثار، برای پاسخ‌گویی به نقدها استفاده کنیم. بازنمایی تمدنی در موزه‌ها از طریق روایت‌گری اتفاق می‌افتد و گفتمان موزه‌ها از شرایط اجتماعی و سیاسی تبعیت می‌کند.

دبیری‌نژاد که در طراحی پادکست‌های رادیو موزه نیز فعالیت دارد، در نتیجه‌گیری سخنان خود به دو موضوع اشاره کرد: ۱- حوزه‌های دانشی باید تحلیل‌هایی از آثار موزه‌ای ارائه کنند؛ ۲- باید روایت موزه‌ها را در زیر ذره‌بین این تحلیل‌ها قرار داد و در مرحله بعد، به چگونگی تحلیل انتقادی از روایت دیگران از آثار موزه‌ای تمدن اسلامی پرداخت.

### زیبایی‌شناسی روایی موزه‌های اسلامی



سخنان سومین سخنران این نشست، دکتر فؤاد نجم‌الدین، عضو هیأت علمی گروه ارتباط تصویری دانشگاه علم و فرهنگ، به «زیبایی‌شناسی روایی موزه‌های اسلامی» اختصاص داشت. وی در آغاز سخن چنین گفت: با توجه به موضوع این نشست و مؤلفه‌های سه‌گانه آن شامل موزه، تمدن و زیبایی‌شناسی، به موضوع روایت می‌پردازد. دکتر نجم‌الدین سپس به این نکته پرداخت که فهم مشخصی از موزه وجود دارد. به‌طور مثال موزه‌های گاه‌شمارانه تاریخی تا موزه‌ای با موضوع شخصیت‌های پویانمایی‌های ایرانی. وی سپس به این نکته اشاره کرد که موزه‌های ایجاد شده در قرن هجدهم، از رویکردی گاه‌شمارانه برخوردار بودند. در این ساختار، موزه

گنجینه‌ای دارد و وظیفه آن، حفاظت، عرضه و ترویج دستاوردهای هنری، فرهنگی و تمدنی است. در دهه ۱۹۷۰، آرتور دانتو، فیلسوف و منتقد هنری در حوزه نظریه‌های نهادی هنر، به گزاره‌هایی می‌پردازد که اساساً آنها را گزاره‌های تاریخی می‌نامد؛ از آنجا که تاریخ در مورد رخدادها گذشته است، بر همین اساس به فرآیندهای تاریخ‌نگاری متمرکز می‌شود. او به تاریخ به‌صورت پدیده‌های شکل گرفته در گذشته می‌نگرد که در قالب نوشتار ارائه می‌شود. او در نگاه محافظه‌کارانه تاریخی خود، اتفاق گاه‌شمارانه را می‌پذیرد و آن را ایده‌آل یا Ideal Chronicle می‌نامد. اما این پرسش مطرح می‌شود که ثبت اتفاق گاه‌شمارانه یا یک پدیده تاریخی، چگونه و تحت تأثیر چه شرایطی انجام می‌شود؟ آیا پدیده‌های تاریخی دقیق ثبت شده‌اند؟ یا با خلاء اطلاعات روبه‌رو هستیم؟ دکتر نجم‌الدین در ادامه این پرسش چنین گفت که به‌نظر می‌رسد کار تاریخ‌نگاری، اتصال فکت‌های پراکنده است. بدین معنا که مجموعه‌ای از سناریوهای تاریخی تولید می‌شود که برگرفته از تخیل است. بدین ترتیب، گاه‌شماری شخصی خلق می‌شود. دکتر نجم‌الدین، مؤلف مقالات علمی متعدد در حوزه فلسفه هنر و تاریخ هنر، در ادامه و با تکیه بر دیدگاه دانتو، به این نکته اشاره کرد، گزاره تاریخی که مکتوب می‌شود، روایی یا Narrative است. شرط روایی بودن، بحث محتوا یا Content است. بدین ترتیب، مبحث تغییر وضعیت و تجربه عاملیت انسانی در آن مطرح می‌شود. در این شرایط حداقل یک گوینده واقعی یا خیالی وجود دارد. یک امر روایت‌شده یا یک هویت موجود است که درباره آن صحبت می‌شود و نهایتاً پیوند منطقی میان رویدادهاست که به خلق روایت منجر می‌شود. نکته دیگر مرتبط با این تحلیل، خواست و اراده راوی است. بدین معنا که از رخداد یا فکت تاریخی برای سرگرم کردن، تشریح، آموزش یا غیره استفاده شود.

دکتر نجم‌الدین، سپس با تمرکز بر اجزای روایت در موزه‌ها، به وضعیت موزه گاه‌شمارانه پرداخت و گفت: این موزه‌ها فکت‌هایی را شامل می‌شوند که باید بین آنها ارتباط برقرار شود. موزه‌ها بر آبَر (روایت‌ها سوار می‌شوند که ذیل آنها جزء) روایت‌ها شکل می‌گیرند که تحت تأثیر وجه کیوریتوری (موزه‌داری) موزه قرار دارند. بحث دیگر این است که چه مواردی در موزه روایت می‌شود؟ این موارد، حوزه‌های تاریخ اجتماعی، تاریخ اقتصادی، مردم‌شناختی و... را شامل می‌شوند. نکته درخور توجه این است که در حوزه تاریخ و موزه، فرآیند تبدیل روایت در این حوزه‌ها متفاوت است. در موزه، با شیء یا مجموعه‌ای از اشیاء روبه‌رو هستیم که به جهان متن وارد می‌شوند و روایتی را بیان می‌کنند. در تاریخ، یک شکل ایده‌آل وجود دارد و بر اساس آن روایت ساخته می‌شود. در تاریخ پس از ساختن روایت، درصدد ایجاد بهترین روایت هستیم. اما در موزه چنین نیست و روایت موزه، دوباره توسط مخاطب، طراحی می‌شود. به دیگر سخن، موزه ویژگی منحصر به فردی دارد و به شکل دموکراتیک به مخاطب عام اجازه می‌دهد همانند متخصص در مواجهه برابری با محصول یا شیء موزه‌ای قرار گیرد. بدین ترتیب، ماهیت روایت‌سازی ثانویه آن بسیار حائز اهمیت است.

### جلسه پرسش و پاسخ

در گفت‌وگوی پایانی بین سخنرانان و شرکت‌کنندگان متخصصی که به‌عنوان مخاطب در این نشست حضور داشتند، دکتر سجاد باغبان ماهر، عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان، مدرس رشته مدیریت موزه و رئیس دانشکده موزه و گردشگری، بر این نکته تأکید کرد که موزه پلتفرم بزرگی است. رضا دبیری‌نژاد نیز به این نکته اشاره کرد که بر اساس صحبت‌های دکتر نجم‌الدین، در حوزه مطالعات تاریخی و مطالعات موزه، می‌توان به مباحث مشترک پرداخت داد، اما درگیر شدن در امور اجرایی، اجازه طرح این موضوعات و ضرورت طرح آنها را فراهم نمی‌کند. این امر در حالی است که برگزاری سلسله‌نشست‌هایی از این دست در حوزه تاریخ و موزه، می‌تواند فرصت مناسب برای پرداختن منسجم و علمی به مباحثی چون تک‌صدایی، چندصدایی و دموکراتیک‌شدن موزه و روایت آن را فراهم کند. در موزه مخاطب در تجربه روایتی قرار می‌گیرد و به بخشی از موزه تبدیل می‌شود. سه‌گانه تاریخ، موزه و روایت، بحث مهم و کاربردی است که متولی ندارد و این امر در حالی است که برای تحلیل موزه‌های هنری، باستان‌شناختی و... جای کار بسیار وجود دارد.

دبیری‌نژاد به عنوان پژوهشگر موزه‌شناسی، در خاتمه سخنانش گفت: درخواستی دارم که نهادهایی مانند پژوهشکده تاریخ ایران به‌صورت جدی برگزاری این نشست‌ها را دنبال کنند و به نشست‌های سالیانه اکتفا نشود. دکتر ملک‌زاده نیز در بخش پایانی جلسه ضمن تشکر از حضور و همراهی سخنرانان و شرکت‌کنندگان گفت: این‌که بتوانیم ضرورت را به وجه مطالعاتی و کاربردی تبدیل کنیم، حائز اهمیت بسیار است و با کمک دکتر برومند و حمایت پژوهشکده تاریخ ایران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، می‌توانیم وظایف ذاتی پژوهشگاه در این حوزه را به انجام برسانیم.  
لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۷۱۵>



## علوم انسانی و تمدن‌سازی

نشست تخصصی «علوم انسانی و تمدن‌سازی» به‌مناسبت هفته پژوهش و به همت پژوهشکده فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۱ آذرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست پنج نفر از استادان پژوهشکده فلسفه (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) به سخنرانی پرداختند. در ابتدای مراسم دکتر سیدمصطفی شهرآیینی ضمن خوشامدگویی به حضار و نیز تبریک هفته پژوهش، نکاتی را درمورد اهمیت پژوهش عنوان کرد و سپس به ترتیب از سخنران‌ها دعوت به‌عمل آورد تا مطالب خود را ارائه دهند:

### مهاجرت و تمدن، تأملی در آیات ۹۷ الی ۱۰۰ سوره نساء



سخنران نخست این نشست، دکتر مهدی اصفهانی، سخنانش را با عنوان «مهاجرت و تمدن، تأملی در آیات ۹۷ الی ۱۰۰ سوره نساء» ارائه داد و در این تأمل نخست آیات ۹۷ تا ۱۰۰ سوره نساء مطرح شد که در این آیات ضرورت مهاجرت و بستر تاریخی آن در زمان زندگی پیامبر اسلام (ص) که در پی آن تمدن اسلامی بنا نهاده شد، مورد توجه قرار گرفت.

در بخش دوم این تأمل، به مطالعه بستر تاریخی این آیات پرداخته شد تا با آگاهی از داستانی که سبب نزول این آیات شده است، دست‌مایه‌ای برای اندیشه‌های امروز به‌دست آید. سپس در گام بعد، جنبه‌های تأویلی این آیات ذکر شد و در این رهگذر به‌طور خاص، بخشی از تأویلات «عبدالرزاق کاشانی» مورد مطالعه قرار گرفت. وی همچنین به تأملی درباره مهاجرت و مسئله روابط قدرت پرداخت و در گام آخر، اندیشه هجرت تمدن‌ها را مطرح کرد.

وی همچنین به تأملی درباره مهاجرت و مسئله روابط قدرت پرداخت و در گام آخر، اندیشه هجرت تمدن‌ها را مطرح کرد.

### مناسبات بین تمدن و فلسفه در آراء و آثار حکمای مسلمان



سخنران دوم نشست دکتر طاهره کمالی‌زاده بود که سخنرانی خود را با موضوع «مناسبات بین تمدن و فلسفه در آراء و آثار حکمای مسلمان» ارائه کرد و مناسبات بین فلسفه و تمدن صرفاً واژگان کلیدی این ارتباط را مورد توجه قرار داد. وی گفت: بر این اساس نخست در آثار فارابی کلیدواژه «مدنی» و الفاظ مرتبط همچون حکمت مدنی، علم مدنی، مدنی بالطبع و کلیدواژه «سعادت» و کلیدواژه دیگر مرتبط به اسباب و آثار تمدن از جمله علم و هنر در ارتباط بین فلسفه و تمدن قابل بررسی است.

دکتر کمالی‌زاده شرح داد: در سهروردی و حکمت اشراق نیز کلیدواژه‌گان «احیاء»، «فرّ کیانی»، یا «کیان خره»،

«قطب»، «حُسن»، قابل توجه است. تأسیس حکمت اشراق به‌عنوان تجدید حیات حکمت ایرانشهری فرزانشان باستانی و ادغام آن در اندیشه دوره اسلامی خود از مناسبات تمدن و حکمت است. در آثار ملاصدرا اصطلاحات «مدنی»، یا «مدنی بالطبع»، «انسان مدنی» و «ولی» به‌منزله مفاهیمی استکمالی در نسبت با کمال عقلی انسان براساس نظریه اصالت و وحدت تشکیکی وجود و همچنین روش تلفیقی وی در فلسفه اسلامی در راستای این مناسبات شایسته مطالعه و بررسی است.

دکتر کمالی‌زاده یادآور شد: در دوره معاصر نیز نظریه «اعتباریات» علامه طباطبایی و کتاب «فلسفه و روش رئالیسم» به‌عنوان دو کلیدواژه اساسی قابل توجه و بررسی است.



### نقش تفکر فلسفی در تمدن‌سازی



سخنران سوم دکتر سیدمصطفی شهرآیینی، سخنرانی خود را با موضوع «نقش تفکر فلسفی در تمدن‌سازی» ارائه داد و گفت: آنچه در این زمان کوتاه قصد پرداختن بدان را داریم، نقشی است که علوم انسانی به‌طور عام و فلسفه به‌طور خاص در دوران نوزایی و در اوایل دوارن جدید در برپایی تمدن جدید غرب بر عهده داشته است تا از این رهگذر نقش محوری علوم انسانی و فلسفه را در وضع کنونی خود که پیوسته سخن از تمدن نوین اسلامی نقل محافل رسمی و دانشگاهی است، برجسته سازیم.

دکتر شهرآیینی ادامه داد: می‌دانیم که غرب جدید از دل دوارن نوزایی سربرمی‌آورد و دوران نوزایی بر پیرامون جنبش علوم انسانی یا همان اومانیزم و در واکنش به سیطره علوم الهی در سده‌های میانه شکل گرفته است. اصلی‌ترین نیروهای فعال در دوران نوزایی، اومانیزم‌ها بودند که کارشان پرداختن به علوم انسانی و در کانون آن توجه به زبان در قالب ترجمه متون کلاسیک یونانی، رومی و نگارش به زبان‌های بومی و تدوین فرهنگ لغات دوزبانه میان زبان‌های بومی یا میان زبان لاتینی و زبان‌های بومی بود. آنها با پرداختن به علوم انسانی و زبان، امکان نوزایش انسان خردمند و پرسش‌گر یونانی و رومی را دیگر بار پس از هزارسال سیطره کلیسا فراهم آوردند، اما نظر به اینکه موضوع بیشتر این ترجمه‌ها متون فلسفی بودند، اندیشه فلسفی یونانیان و حکمای روم (البته این بار در بیرون از فضای مورد تأیید کلیسا) رفته‌رفته رواج و رونق بسیار گرفت و ترجمه آثار شکاکان باستان نیز به برافروختن شعله‌های شک و تردید در جان انسان غربی در دوران نوزایی کمک کرد. غربیان این بار کوشیدند برای مدیریت دنیای خویش به علوم انسانی و در کانون آن به فلسفه پردازند و بکوشند با کندوکاو در امکانات عقل بشری، به کاشتن درخت دانایی در باغ دنیا همت گمارند و در سایه این درخت به زندگی خوب به معنای دنیوی کلمه دست یابند. آنها معتقد بودند باید ساخت آخرت را بر عهده دین مسیحیت بگذاریم و با عقل خویش و به یاری علوم انسانی به ساختن دنیا پردازیم. ما در این مختصر، از ارزش‌دآوری و ارزش‌گذاری دست نگه داشته و تنها می‌کوشیم از دریچه نگاه خویش به توصیف آنچه در آغاز برپایی تمدن غربی رخ داده است بسنده کنیم.

### جایگاه فلسفی- اجتماعی دین در نضج فرهنگ و تمدن امروز



دکتر امیر صادقی سخنرانی خود را با موضوع «جایگاه فلسفی- اجتماعی دین در نضج فرهنگ و تمدن امروز» ارائه کرد و گفت: در طب سنتی نضج به معنای فرایندی است که طی آن مواد زاید بیماری‌زا آماده دفع و خروج از بدن بیمار می‌شود. این تذکار به‌نحو استعاری برای شکل‌گیری، رشد و بسط فرهنگ و تمدن نیز قابل استفاده است. اینکه چگونه و با چه عواملی آنچه یک فرهنگ و تمدن را به سمت انحطاط سوق می‌دهند را کنار بگذاریم و به جای آن سمت و سوی انسجام و تعالی را پیش‌اروی فرهنگ ببینیم، خود به‌مثابه نضج فرهنگ در جامعه‌ای است که نشان‌گان نخستین تعامل فرهنگی را در خود نمایان می‌کند. برای آنکه با مسیر فلسفی-جامعه‌شناختی این روند آشنا

شویم، پژوهش خود را در چهار گام عرضه خواهم کرد. در گام نخست به تبیین مختصری از تفاوت روشی و ماهوی علوم فرهنگی و طبیعی می‌پردازیم و در گام دوم نگاهی اجمالی به تاریخ فرهنگ و تمدن بشری انداخته خواهد شد و نقش و عاملیت دین در فرهنگ و تمدن از این منظر توضیح داده خواهد شد. در گام سوم عوامل مؤثر بر انتخاب‌های فرهنگی انسان ذیل الگوی انتخاب‌های ارزشی چهارگانه بشر که نهایتاً منجر به نضج فرهنگ در فرایند ارتباط آن با امر متعالی می‌شود تشریح خواهند شد. نهایتاً و در گام چهارم نقش بنیادین و انفکاک‌ناپذیر دین در شکل‌گیری اجزاء مختلف فرهنگ از اقتصاد و هنر گرفته تا سیاست و مدن توضیح داده خواهد شد. در انتهای این پژوهش امید می‌رود با حرکت در مرز فلسفه و جامعه‌شناسی نشان داده شود که چطور از مسیر استدلال و با روشی فلسفی می‌توان نشان داد که نخست، در طول تاریخ، فرهنگ و تمدن بر پایه دین استوار بوده‌اند.

دوم؛ برای برساختن و به اصطلاح نضج فرهنگ و تمدن رو به آینده‌گریزی از لحاظ فلسفی جایگاه دین در مناسبات خرد و کلان اجتماعی نیست. با بازگشت به فراز آغازین، مدعا آن است که دین به‌عنوان نضج‌دهنده پیکره فرهنگ و تمدن اجتماع بشری به‌شرط ورود عقلانی به آن نقشی حیاتی در غربال فرهنگ برای برساخت تمدنی «عالی» بر عهده دارد.

### بن بست علوم انسانی

آخرین سخنران این نشست دکتر سیدمحمدتقی چاوشی بودند که سخنرانی خود را با عنوان «بن بست علوم انسانی»



ارائه کرد و گفت: متافیزیک از یونان و برسامانه (سوپرکتیویته و ایمنانت) پا گرفته است. هگل آغاز متافیزیک را پارمیندس و هایدگر، افلاطون دانسته است و می‌توان گفت، سوفسطائیان آغاز متافیزیک را با عطف توجه به انسان (در عوض فوسیس) اعلان کرده‌اند. با این حال، هر جا که متافیزیک حضور داشته باشد، بی‌تردید سوژه حاضر است، اما تا «کانت» سوژه در قالب جوهر ظهور یافته است. با کانت است که بر خلاف دُلوز، سوژه آشکار می‌شود و اما علوم انسانی در معنای متداول آن پس از هگل و سوژه تاریخ‌مند مدرنیته امکان تحقق می‌یابد. پایان متافیزیک به معنای تمامیت آن با هگل رخ داده است. همان‌گونه که کودک مدرنیته در پدیدارشناسی روح تولد یافته و آگاهی با پی‌بردن به اینکه حقیقت آن خودآگاهی است، به پایان مسیر خود رسیده است. زین سبب، «پدیدارشناسی روح» مانیفست ادب انسان مدرن است.

دکتر چاوشی ادامه داد: با تولد مدرنیته است که سیر صعودی آگاهی جای خود را به بسط عرضی معرفت می‌دهد. به زبان دیگر، امکانات (پنانسیل‌های) مدرنیته اجازه ظهور می‌یابد که هر گونه بسطی در این ساحت رشد کودک مدرنیته است و نه عبور از آن. پس از هگل و ظهور ایدئالیسم مطلق، نخستین ضربه‌ها از سوی شلینگ بر پیکر متافیزیک وارد آمده است؛ درس‌گفتارهای برلین و طرح فلسفه‌های وجودی در برابر فلسفه‌های ماهوی. قضا را کی‌یرکگور به مدت شش ماه در دروس وی حضور داشته است (و بواسطه مارکس). کی‌یرکگور با اگزیستانسیالیسم و مارکس با نقد اقتصادی-سیاسی و طرح وضعیت بی‌طبقه و حمله به جامعه مدنی و دولت، هنوز قرن نوزدهم به پایان نیامده بود که عرصه را برای ظهور مجدد پوزیتیویسم هموار و آماده می‌کنند. بماند حملات نیچه که با اعلان مرگ خدا مسیر هرگونه کوششی برای استوار نگاه داشتن متافیزیک را پرمخاطره ساخت. دیلتای پی می‌برد که از علوم انسانی یا جملاتی که به متافیزیک بمتابیه بنیاد علم کرده‌اند و پیدایی پوزیتیویست‌ها، چیزی نخواهد ماند. بدین‌سان، با طرح دو نوع روش و گسترش مباحث هرمنوتیک در ساحت حیات انسانی بمتابیه موجودی تاریخی-فرهنگی، دفاعیه‌ای از علوم انسانی فراهم آورد. لیکن او خود در سال ۱۹۰۵-۱۹۰۶ که درس‌گفتارهای مهمی از هوسرل و سپس از انتشار مجلد وزین و قویم «کاوش‌های منطقی»، ارائه شد، اذعان کرد که با هوسرل و پدیدارشناسی است که تحولی ژرف در میان جوانان فرهیخته آلمان و جامعه فلسفی-فرهنگی ما پدید آمده، در حال گسترش است. این نویدی بود که نه تنها از طرف دیلتای که به جز هایدگر و در عین ناباوری، از سوی جمع معتابهی از استادان تراز اول و محققان و فلاسفه مطرح شد.

با هوسرل به‌راستی کوشش‌های شگرفی در غلبه بر شکاف میان علوم انسانی و تجربی شکل می‌گیرد که روح این‌گونه تحقیقات را در رساله «بحران» که حاصل زحمات سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۸ (یعنی سال رحلت فیلسوف) است، می‌توانیم یافت. محور مباحث هوسرل بر خلاف آنچه اکثر شارحان مطرح کرده‌اند، بحران نیست؛ «فلسفه و تفکر» است. ممکن است به سادگی این دو را یکی بدانیم. لکن توجه داشته باشیم که ریشه بحران، تقلید بنیاد علم و معرفت از معرفت عینی مطروحه در ساحت دانش تجربی است.

لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihs.ac.ir/fa/news/۲۴۷۵۳>

## گزارش نشست «مهارت‌افزایی و ارتباط با بازارهای اقتصادی علوم انسانی»

مرکز نوآوری و توسعه فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری خانه خلاق و نوآوری علوم انسانی و فرهنگ، براساس برنامه راهبردی خود، سلسله نشست‌های اقتصاد دانش بنیان علوم انسانی را طراحی و اجرا می‌کند.



نخستین جلسه از این سلسله نشست‌ها با عنوان: «مهارت‌افزایی و ارتباط با بازارهای اقتصادی علوم انسانی؛ ارائه راهکارهای موردی رشته زبان و ادبیات فارسی» با سخنرانی دکتر مجید هوشنگی (عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء) و به دبیری دکتر زهرا حیاتی (دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، ۲۲ آذرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در ابتدای این نشست، دکتر زهرا حیاتی با اشاره به فعالیت‌های پیشین پژوهشگاه در پشتیبانی کاربردی‌سازی علوم انسانی گفت: با کاهش بودجه‌های پژوهشی دانشگاه‌ها و به سبب توجه سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان به شکاف میان تحقیقات دانشگاهی و مسئله‌ها و

دغدغه‌های آحاد جامعه، توجه به موضوع کاربردی‌سازی از سال‌های نخستین دهه نود در غرب دنبال شد و در جامعه ما نیز بیش از یک دهه است که این موضوع در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها مطرح شده است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به‌منظور گفتمان‌سازی و ترویجی‌سازی این ایده، از سال ۱۳۹۷ با راه‌اندازی پژوهشکده‌ای با عنوان «کاربردی‌سازی علوم انسانی و اجتماعی» فعالیت‌های خود را در این زمینه آغاز کرد و برای نخستین بار کتاب «درآمدی بر کاربردی‌سازی علوم انسانی در ایران؛ مجموعه نشست‌ها و گفت‌وگوها» را منتشر کرد. به‌تدریج و در پی تحولات ساختاری ابلاغ شده از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مفهوم کارآمدی علوم انسانی با مفاهیمی همچون اقتصاد دانش‌بنیان علوم انسانی، یا نوآوری و فناوری در علوم انسانی گره خورد و «مرکز نوآوری و توسعه فناوری» در پژوهشگاه راه‌اندازی شد. یکی از فعالیت‌های این مرکز، طراحی سلسله نشست‌هایی با عنوان اقتصاد دانش‌بنیان علوم انسانی است و نشست حاضر، با عنوان مهارت‌افزایی و ارتباط با بازارهای اقتصادی علوم انسانی؛ ارائه راهکارهای موردی رشته زبان و ادبیات فارسی، نخستین گفت‌وگو در این زمینه است. گفتنی است مجموعه نشست‌ها و گفت‌وگوهای اقتصاد دانش‌بنیان علوم انسانی تا پایان سال ۱۴۰۳ منتشر خواهد شد. دکتر مجید هوشنگی، سخنران این نشست در ابتدا توضیح داد که در فرصت مطالعاتی جامعه و صنعت استادان دانشگاه، طرح مشترکی بین دانشگاه الزهراء و یک بخش خصوصی طی شش ماه انجام شد که این گفت‌وگو دستاورد آن طرح است. در طرح پژوهشی مذکور، نخست به شناخت گلوگاه‌های بحران و آفت شناسی رکود شغلی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته زبان و ادبیات فارسی پرداخته شده است و به باور این پژوهش، «نقاط اثرگذار در طرح‌واره‌های این رشته»، «داده‌های متنی» و همچنین «عدم فعالیت استادان رشته زبان و ادبیات فارسی در بازارهای مالی»، می‌تواند از مهم‌ترین عوامل این ناکامی‌ها در ارتباط با بازارهای مالی شناخته شود. در بخش دوم طرح، «راهکارهای عملیاتی درآمدزایی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته زبان و ادبیات فارسی» از مسیری غیر از آموزش بررسی و در سرفصل‌های عملیاتی نشر، گردشگری، فضای مجازی، تولید محتوا، نمایش و... دسته‌بندی و نمونه‌شناسی شده است.

در ادامه، نمونه‌های عملیاتی و سوژه‌های موفق از میان دانشجویان دکتر هوشنگی که در هر یک از این حوزه‌ها زیر نظر ایشان فعالیت داشته و به استقلال مالی رسیده‌اند، به بیان گزارشی از نحوه عملکرد و روند مهارت‌افزایی و دلایل موفقیت خود پرداختند.

در پایان جلسه، پرسش و پاسخ‌هایی در خصوص ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل رشته‌های علوم انسانی و هنر، در جذب سرمایه و ارتباط با بازار طرح و تجربیات مشترک با محوریت کاربردی‌سازی علوم انسانی بررسی و بحث شد.

لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۷۷۴>

## گزارش نشست «رویکرد کشورهای عربی خلیج فارس در قبال جنگ غزه»

نشست «رویکرد کشورهای عربی خلیج فارس در قبال جنگ غزه» به همت پژوهشکده مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۱ آذر ماه برگزار شد. ابتدا مدیر نشست دکتر محمدعلی فتح‌الهی به حساسیت‌های فوق‌العاده‌ای که جنگ غزه در جهان امروزی ایجاد کرده است اشاره کرد و گفت: انتظار می‌رود جنگ غزه، تأثیرات زیادی را در مناسبات منطقه‌ای و حتی جهانی داشته باشد. کشورهای مختلف هم می‌توانند با موضع‌گیری‌های خودشان در این موضوع جایگاه خود را در نظام آتی جهت بدهند. حتی مجبور هستند که در تحولات آینده ناشی از این حوادث موضعی را داشته باشند. برای کشور ما موضع‌گیری‌های همسایگان مهم بوده و اهمیت خیلی زیادی در تأثیری که بر این مسئله دارد، خواهد گذاشت و هم در مناسباتی که ما در آینده می‌توانیم با آنها داشته باشیم. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در این عرصه فعال هستند و در این جنگ، تحلیل و بررسی رفتارها و رویکردهای آنها برای ما اهمیت بسیاری دارد.



### «طوفان الأقصی» راهبردی غافل‌گیرانه

در ادامه دکتر حسین کاملیان از سیاستمدار با سابقه وزارت امور خارجه نیز سخن خود را چنین آغاز کرد که «طوفان الأقصی» راهبردی غافل‌گیرانه بود، عملیات «طوفان الأقصی» را با هر روایتی نقل کنیم، اصل غافل‌گیری در آن غیر قابل انکار است، حقیقتی که تمامی محافل اطلاعاتی و امنیتی نیز بدان اعتراف کردند. این عملیات جهان عرب، جهان اسلام، محیط بین‌الملل و قدرت‌های جهانی و تقریباً همه را غافل‌گیر کرد و در مقابل عمل انجام شده قرار داد. جهان عرب و خصوصاً اعراب منطقه خلیج فارس از این رویداد کاملاً شوکه شدند. از همه جالب‌تر غافل‌گیری آمریکا آن هم در زمانی که مشغول تحركات سیاسی و سیاسی برای پیوند رسمی میان عربستان و اسرائیل بود. ابعاد این غافل‌گیری به حدی بود که برخی تحلیل‌گران در اظهار نظرهای خود آن را مقدمه‌ای بر خاورمیانه جدید یا تغییر چهره سیاسی منطقه دانسته‌اند. این غافل‌گیری همچنین، بر این معنا بود که این کشورها از زمان وقوع عملیات، آغاز جنگ و این‌گونه مسائل بی‌اطلاع بودند. غافل‌گیری فقط در جنبه عدم اطلاع از مسائل نظامی محدود نشده است.

### آرمان فلسطین

دکتر کاملیان در ادامه سخنانش گفت: کشورهای عربی به‌ویژه حوزه خلیج فارس از اینکه موضوع فلسطین مجدداً تبدیل به مسئله اصلی جهان اسلام و دنیای عرب شد، واقعا غافل‌گیر شدند. به گمان آنها و با اقدامات و سرمایه‌گذاری‌های سیاسی بین‌المللی، اقتصادی و... که کرده بودند، شاید هرگز در تصورشان هم نمی‌گنجید که فلسطین و اشغالگری اسرائیل مجدداً تبدیل به موضوع روز دنیا شود. فکر می‌کردند که فعلاً فلسطینی‌ها دولت خودگردان دارند بخشی در کرانه باختری و بخشی در نوار غزه هستند و با اسرائیل در حال کنار آمدن هستند. سال‌ها با وعده و وعیدهای مختلف اقتصادی و سیاسی و... تلاش کرده بودند فلسطینی‌ها را با شرایط کنونی راضی نگه‌دارند و موجودیت رژیم اسرائیل را به آنها بقبولانند (تحمیل کنند)، یا یک جریان فرسایشی ایجاد کنند که به تدریج یا تبدیل به موضوعی فرعی شده یا به کلی از دستور کار خارج شود.

البته برخی تحولات هم به این قضیه کمک کرد. پس از بهار عربی موضوع فلسطین تقریباً اهمیت خود را از دست داد و کشورهای عربی بتدریج یکی پس از دیگری وارد روابط پنهان و آشکار سیاسی و اقتصادی و امنیتی با اسرائیل شدند. اما عملیات «طوفان الأقصى» این کوشش‌ها را بی‌اثر کرد و ثابت شد که فلسطین و ملت فلسطین زنده‌اند و قابل حذف نیستند. ثابت شد که بدون حل و فصل قضیه فلسطین هیچ مسئله مهم دیگری در خاورمیانه قابل حل و فصل نیست.

### «طوفان الأقصى» غافل‌گیری راهبردی (۲)

غافل‌گیری دیگر «مواجه شدن با قدرت و پایگاه اجتماعی گروه‌های مقاومت» بود. اغلب کشورهای منطقه خلیج فارس با توجه به تبلیغاتی که علیه حماس، جهاد اسلامی و سایر گروه‌های اسلامی راه انداخته بودند، حتی دین و مذهب و حریم شریفین و... را هم در خدمت گرفته بودند و آنها را در هر مناسبتی لعن و نفرین می‌کردند. تمامی دستگاه‌های تبلیغی و کانال‌های تلویزیونی، سخنوران، امامان جمعه و... همه و همه با حمایت‌های مالی گسترده و فراوان مشغول سخن‌پراکنی علیه این گروه‌ها بودند. به گمان آنها با زدن برچسب تروریسم و... به گروه‌های مقاومت و سپس وارد کردن نام آنها در لیست گروه‌های تروریستی و بعضاً گرفتن محکومیت آنها از دیگر کشورها و تلاش برای بین‌المللی کردن این اتهامات، یا سخت‌گیری در رفت‌وآمد آنان و اعمال کنترل‌های امنیتی و بعضاً تسهیل ترور برخی از افراد شاخص این گروه‌ها، کار این گروه‌ها تمام شده است و توانی که بخواهند در مقابل دشمن بایستند را ندارند. زنده و با نشاط بودن، آمادگی نظامی و سیاسی گروه‌های مقاومت در مواجهه با دشمن و حمایت گسترده مردمی از آنان، تمامی این دولت‌ها را غافل‌گیر کرد.

### «طوفان الأقصى» غافل‌گیری راهبردی (۳)

دکتر کمالیان در بخش دیگری از سخنانش شرح داد: غافل‌گیری فقط جنبه نظامی و امنیتی نداشت. در خصوص حمایت افکار عمومی نیز این کشورها به شدت غافل‌گیر شدند و تحت تأثیر شدید افکار عمومی یا مورد شماتت قرار گرفتند یا مجبور به واکنش‌هایی در جهت تصحیح امر شدند. افکار عمومی بیانیه‌هایشان را در حد کتب درسی دوره ابتدایی و اجلاس‌های آنان را تئاترهای نمایشی و نشست‌های بی‌خاصیت تشریفاتی توصیف می‌کردند و در فضای مجازی رهبران کشورهای عرب منطقه را به باد تمسخر و ناسزا می‌گرفتند. مواضع مردمی در کشورهایی که امکان برپایی تجمع و تظاهرات داشت. (کویت و بحرین) نشان داد که نگاه مردم به فلسطین و مظلومیت و رنج این ملت، فرسنگ‌ها جلوتر از مواضع رهبران این کشورهاست. برآوردهای رسانه‌ای نشان می‌دهد که این کشورها نه تنها افکار عمومی ملت‌های خود را از دست داده‌اند، بلکه در جلب و جذب افکار عمومی برای ادامه سیاست‌هایشان در عادی‌سازی مناسبات با اسرائیل نیز در شرایط دشواری قرار گرفته‌اند.

### «طوفان الأقصى» غافل‌گیری راهبردی (۴)

#### غافل‌گیری اطلاعاتی-امنیتی

دولت‌های عرب منطقه و خصوصاً کشورهایی که مسیر عادی‌سازی را طی کرده بودند و به روابط رسمی رسیده‌اند. (بحرین و امارات) و چه آنهایی که در این مسیر قرار دارند. (عربستان و...) از شکست اطلاعاتی-امنیتی، نظامی اسرائیل به شدت غافل‌گیر شدند. فکر نمی‌کردند که اسرائیل تا این حد از ضعف امنیتی و اطلاعاتی ضربه‌پذیر باشد. آنها به کشوری که برخی به تأمین امنیت از آن دل بسته بودند، بی‌اعتماد شدند. فکر نمی‌کردند که اسرائیل از جریانی که در کنار آنها زندگی می‌کند، سرزمین‌شان در محاصره است، تمامی رفت و آمدهایشان کنترل می‌شود. تمامی تحرکاتشان رصد و پالایش می‌شود، چنین شکست بزرگ و مفتضحانه‌ای را متحمل شود. به نظر می‌رسد کشورهای منطقه از این پس در محاسبه‌هایشان در خصوص توان اطلاعاتی-امنیتی اسرائیل باید به‌نوعی تجدید نظر کنند.

#### آثار سیاسی-امنیتی منطقه‌ای

توقف یا کند شدن روند عادی‌سازی روابط کشورهای منطقه با اسرائیل: تحرکات عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای منطقه اگر نگوئیم متوقف شده، می‌شود ادعا کرد که در حال حاضر بسیار کند شده و اقدام در خصوص آنها از موضوعیت خارج شده و دچار مشکلات اساسی است. هزینه‌های عادی‌سازی روابط با اسرائیل نیز بسیار بالا رفته است، چرا که نخست، با مخالفت افکار عمومی مواجه است و هم شرایط منطقه‌ای برای چنین اقدامی مناسب نیست و فعلاً تا زمانی که آثار و تبعات «طوفان الأقصى» وجود دارد، امکان اجرایی پیدا نخواهد کرد.

امنیت منطقه که می‌رفت با طرح شکل‌گیری یک نظام امنیتی بین اسرائیل و این کشورها (هم به صورت جداگانه و هم در قالب شورای همکاری) مورد توجه و پیگیری قرار بگیرد، طبعاً از دستور کار خارج خواهد شد.

### نگاهی به مواضع (۱)

با وقوع عملیات «طوفان الأقصى» و تحولات سیاسی و بین‌المللی، کشورهای عرب منطقه همراه با سایر دولت‌ها مواضع خود را هم در چارچوب کشوری و هم در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب، سازمان همکاری‌های اسلامی و کمیته منبعث از اجلاس سران عرب و اسلامی، در قالب‌های مختلف (صدور بیانیه، مصاحبه، اعلام مواضع رسمی، بیانیه‌های پایانی اجلاس سران) اعلام کردند.

عناصر مشترک این مواضع به شرح ذیل است:

محکومیت حملات اسرائیل به غزه، (در قالب شورا)

ایستادگی در کنار ملت فلسطین

خواستار خویشتنداری طرفین

درخواست توقف فوری تنش‌ها

ضرورت حفظ جان غیرنظامیان

درخواست از جامعه جهانی برای اجرای مسئولیت خود در توقف درگیری‌ها

درخواست از مجامع بین‌المللی برای پیگیری روند صلح

محکومیت حمله زمینی اسرائیل به غزه

نگاهی به مواضع (۲)

واکنش‌های متفاوت برخی کشورها

اقدام حماس به عنوان اقدامی وحشیانه، بربری و شنیع

ابراز هم‌دردی با اسرائیل

درخواست تشکیل جلسه شورای امنیت

اسرائیل به عنوان مسئول اصلی تنش اخیر

محکومیت کوچ اجباری ساکنین غزه به عنوان جنایت جنگی

درخواست محاکمه سران صهیونیستی به دلیل ارتکاب جنایات جنگی

ارسال کمک‌های امدادی و انسان دوستانه

مخالفت با تحریم نفتی

مواضع شورای همکاری خلیج فارس

محکومیت حملات اسرائیل به غزه

ایستادگی شورا در کنار ملت فلسطین

درخواست فوری توقف جنگ

مخالفت با توجیحات اسرائیل در حمله به غزه به عنوان دفاع از خود

محکومیت حمله به زیرساخت‌های غزه

تأکید بر محوریت قضیه فلسطین و پایان اشغالگری اسرائیل

حمایت از حاکمیت ملت فلسطین بر تمامی اراضی اشغالی

کمالیان در خصوص ارزیابی مواضع کشورها تأکید کرد: بررسی این مواضع نشان می‌دهد که در مجموعه آنها علاوه بر عناصر مشترک، تفاوت‌هایی نیز در برخی موارد وجود دارد که بازتابی از اختلاف نظر اعراب در خصوص چگونگی برخورد با موضوع فلسطین و اوضاع کنونی غزه است. مواضع ملی این کشورها بعضاً با مواضع جمع‌شان در شورای همکاری فاصله دارد. در حقیقت اختلافاتی که در جریان اجلاس سران عرب و اسلامی وجود داشت در مواضع کشورهای عرب منطقه نیز دیده می‌شود. مفاد این مواضع از طیف گسترده‌ای برخوردار است و از ابراز هم‌دردی با اسرائیل (امارات)، تا درخواست محاکمه سران اسرائیل (کویت) را شامل می‌شود. نوعی پاشیدگی و از هم‌گسیختگی در رابطه با غزه میان کشورهای عضو شورای همکاری قابل مشاهده است.

بررسی مواضع اعلامی کشورهای عرب منطقه در قبال این رویداد مهم، نشان می‌دهد که هر یک از این دولت‌ها:

بنا به منافع و مصالح ملی ملاحظات منطقه‌ای و بین‌المللی و در چارچوب روند مناسبات با رژیم اسرائیل اعلام موضع کرده‌اند؛ مواضع این کشورها فاقد یکپارچگی، هم‌پوشانی و یکسانی در قبال این تحول است نتوانسته است افکار عمومی خصوصاً در شرایط کنونی را اقناع کند.

### رویکردها:

با توجه به مجموعه مواضع سیاسی و واکنش‌های دیپلماتیک و تحرکات سیاسی کشورهای عربی منطقه که با مجریان مختلف از این کشورها صورت گرفته، رویکردهای ذیل قابل توجه است و تقدم و تأخر آنها ملاک اهمیت بیشتر یا کمتر نیست.

#### ۱- رویکرد «حمایت موقتی از فلسطین»:

روند سازش در منطقه از سال‌ها قبل شروع شده است. برخی از این کشورها هم اکنون به صورت رسمی و آشکار با اسرائیل رابطه سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اطلاعاتی برقرار کرده‌اند. برخی حتی با نداشتن روابط، سالهاست با یکدیگر در زمینه‌های مختلف همکاری دارند. به هر حال در برقراری مناسبات با اسرائیل، فلسطین، اشغالگری اسرائیل، رنج و مصیبت مردم و... مانع مناسبات یا مورد تحفظشان نبوده و نیست؛ موضوع فلسطین، برای کشورهای منطقه مدتهاست که فراموش شده، یا به موضوعی درجه چندم تبدیل شده است. اما در شرایط کنونی و با وجود این روابط، حاضر به پذیرش برچسب همراهی و حمایت از اسرائیل نیستند. مایلند همچنان خود را در صف حامیان فلسطین قرار دهند. بنابر این در مواضع کشورهای منطقه خلیج فارس شاهد عباراتی در حمایت از فلسطین و محکومیت جنایات صهیونیست‌ها و... هستیم. این رویکرد در اغلب مواضع کشورها قابل مشاهده است.

#### ۲- رویکرد تلاش برای عدم گسترش درگیری‌ها:

این امر تقریباً خواست همه طرف‌های درگیر بوده و هست. در منطقه خلیج فارس، همه کشورها به دلیل نگرانی از آثار گسترش درگیری‌ها و آسیب‌پذیری آنان در مقابل حوادث امنیتی، به دنبال کنترل و عدم گسترش درگیری‌های غزه هستند. این راهبرد عام، در مجموعه فعالیت‌ها و موضع‌گیری‌های مقامات خلیج فارس به عنوان موضوعی مهم همواره مورد تأکید و پیگیری بوده است. این تلاش‌ها علاوه بر خواباندن آتش جنگ و درگیری‌ها و دستیابی به آتش‌بس فوری، کمک‌های انسان‌دوستانه را نیز دنبال می‌کند. گفتنی است، حل و فصل موضوع فلسطین در این رویکرد دیده نمی‌شود و هیچ‌گونه طرح و برنامه مشخصی نیز در این زمینه در دستور کار این کشورها نیست.



### ۳- رویکرد «حفظ و جلوگیری از آسیب دیدن روند عادی سازی روابط با اسرائیل»:

تمامی کشورهای منطقه (به استثناء کویت) رسمی یا غیر رسمی با رژیم اسرائیل رابطه پنهان و آشکار دارند. شرایط کنونی این مناسبات، حاصل یک پروسه طولانی است که سرمایه گذاری‌های سیاسی، بین‌المللی زیادی روی آن صورت گرفته که در آن؛ این کشورها از انکار یا خصومت با اسرائیل به همکاری و شناسایی با این رژیم رسیده‌اند. برخی دیگر مانند عربستان در آستانه برقراری این روابطند، که ناظرین سیاسی آن را قریب‌الوقوع می‌دانستند. برخی اخبار حاکی از قبول شروط چهارگانه عربستان برای این اقدام از سوی آمریکا بود. حتی اظهارات مقامات سعودی از جمله ولیعهد، وزیر خارجه، مشاور امنیت ملی، همه دال بر رسیدن به انتهای این مسیر را داشت که عملیات «طوفان‌الاقصی» آنرا عقیم گذاشت.

امارات در سال ۱۳۹۹ و پس از آن بحرین در قالب طرح ابراهیم روابط رسمی خود را با اسرائیل برقرار کردند و طی همین مدت کوتاه سطح همکاری‌هایشان به امور نظامی و اطلاعاتی ارتقاء یافته است. روابط قطر و عمان با رژیم اسرائیل یک بستر تاریخی دارد. باوجود مواضع اخیر این کشورها در خصوص محکومیت اسرائیل به دلیل حملات در غزه، هیچ‌گونه شواهدی از اینکه عربستان از این پروسه عقب نشسته است دیده نمی‌شود. امارات کماکان روابطش را حفظ کرده و اسرائیلی‌ها هم در کنفرانس آب و هوا حاضر شدند. مجلس بحرین (نه دولت این کشور) خواستار قطع روابط اقتصادی با اسرائیل و فراخوانی سفیر شده که معلوم نیست اجرایی شود.

عمانی‌ها و قطری‌ها کماکان در چارچوب‌های گذشته خود با اسرائیل مراودات متعدد دارند. در مجموع تحرکات و اقدامات و رفتار سیاسی این کشورها در خصوص رژیم اسرائیل نشان می‌دهد که رویکرد «حفظ روابط و جلوگیری از آسیب به مناسبات با اسرائیل و روند عادی سازی» کماکان در دستور کار کشورهای منطقه قرار دارد.

### ۴- جهت‌گیری فعالیت‌های سیاسی از جمله کمیته منبعث از اجلاس سران اسلامی و عربی در راستای سیاست‌های آمریکا در منطقه:

اگرچه با توجه به اختلافات موجود در اجلاس سران انتظار و توقع خاصی از این کمیته نمی‌رفت، اما در عین حال عربستان به‌عنوان ریاست این کمیته تلاش داشت تا تحرکات این کمیته را در چند جهت مدیریت کند: رویکرد این کمیته و تحرکات سیاسی آن به‌گونه‌ای باشد که در تعارض با جهت‌گیری‌های کلی آمریکا در منطقه درخصوص موضوع فلسطین قرار نگیرد. این کمیته پس از برخی دیدارها و ملاقات با سران برخی کشورها، تحرک دیگری نداشته و اقدامات آن دستاورد مشخصی را به‌بار نیاورد و تقریباً ناکام ماند به‌گونه‌ای که این روزها حتی خبری از نتایج آن و دستاوردهای این کمیته در اخبار مشاهده نمی‌شود.

البته عربستان تلاش داشت تا از طریق این کمیته موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی خود را نیز ارتقاء دهد که توفیق چندانی نیافت. (خصوصاً با توجه به رقابت‌های منطقه‌ای موجود این موضوع اهمیت داشت.) فعالیت دیگر کشورها نیز راه به‌جایی نبرد، اقدام امارات در شورای امنیت از طرف آمریکا و تو شد. در برآوردی کلی می‌توان گفت، کشورهای منطقه به جزء قطر و تا حدودی امارات و عربستان جایی در این پروسه نداشتند.

### ۵- تلاش برای اقناع آمریکا در کنترل اسرائیل در غزه:

اعراب منطقه با توجه به مجموعه مشکلات، آثار و پی آمدهای اوضاع غزه و ادامه درگیری‌ها و بمباران‌های وحشیانه تلاش داشتند تا به‌نوعی آمریکا را وادار به فشار به اسرائیل برای توقف این اقدامات جنایتکارانه کنند. درخواست از آمریکا در این خصوص بارها با ادبیات مختلف از سوی مقامات سیاسی منطقه به‌عنوان یک توقع و انتظار طبیعی در مناسبت‌های مختلف مطرح شد، اما آمریکا در این زمینه اقدامی نکرد و اظهارات وزیر خارجه آمریکا همچنان در مقابل اقدامات سبعانه اسرائیل یا سکوت یا تأیید آن با الفاظ دیپلماتیک بوده است.

### ۶- محکومیت حماس و جلوگیری از قدرت‌گیری گروه‌های جهادی:

این امر رویکردی بود که در تحرکات سیاسی برخی از کشورهای منطقه خلیج فارس دنبال می‌شد برخی از این کشورها (به‌صورت علنی و رسمی) اقدام حماس را وحشیانه و شنیع توصیف کردند برخی اخبار و گزارشات دال بر رضایت برخی از کشورها در نابودی حماس است تلاش سیاسیون و مقامات منطقه در عین توجه به اوضاع غزه، این بود که مجموعه فعالیت‌های آنان موجب تقویت حماس و سایر گروه‌های جهادی نشود. در هیچ یک از بیانیه‌های صادره له و علیه تحولات غزه از این گروه‌ها عمداً نامی برده نشده است. بسیاری از گزارشات حاکی است که در پنهان، سیاست حذف حماس در دستور کار است.



## ۷- برخی رویکردها دیگر نیز با درجه اهمیت کمتری مورد توجه مقامات سیاسی منطقه قرار داشت که اهم آنها به قرار ذیل است:

توجه به تشکیلات خودگردان به‌عنوان نماینده واقعی ملت فلسطین پیگیری طرح دو دولتی به‌عنوان راه حل مناسب تلاش در جهت کنترل افکار عمومی نیز از دیگر رویکردهایی بود که کشورهای عرب منطقه خلیج فارس آنرا در مراودات سیاسی خود و تحرکات دیپلماتیک و مذاکرات با دیگر طرفها مورد توجه و نظر داشته‌اند.

### ملاحظات و جمع‌بندی

دکتر کمالیان در جمع‌بندی سخنانش گفت: اگر چه این رویکردها در مجموعه اقدامات سیاسی کشورهای عرب خلیج فارس صورت می‌گرفت اما برخی از آنها مورد توجه بیشتر برخی از اعضا بود. رویکرد حمایت موقتی از فلسطین یک رویکرد عام بود که تقریباً تمامی کشورهای منطقه را شامل می‌شد. رویکرد حفظ مناسبات با اسرائیل و عدم قدرت‌گیری حماس یا حفظ موقعیت تشکیلات خودگردان بیشتر توسط امارات و بحرین مورد توجه بود. اگر چه عربستان هم با توجه به شرایط قبل از «طوفان الأقصى»، در مقابل خبرهایی مبنی بر توقف روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل سکوت اختیار کرد. عربستان با تحرکات خود در قالب یک کشوری یا به‌عنوان ریاست کمیته منبعث از اجلاس سران، کنترل اوضاع و جلوگیری از گسترش تنش‌ها و موضوع کمک‌های انسان‌دوستانه را بیش از دیگر موارد دنبال می‌کرد. کویت در این میان شدیدترین مواضع را علیه اسرائیل داشت و جزو معدود کشورهای بود که در آن تظاهرات مردمی در حمایت از مردم غزه برگزار شد و مقامات رسمی خواستار محاکمه سران اسرائیل به جرم جنایات جنگی بودند. عمان نیز رویکرد آرام و همیشگی خود را دنبال کرد و تلاش داشت تا چهره این کشور به‌عنوان یک میانجی و تسهیل‌گر لطمه نیندازد. عمان از جمله کشورهای بود که رویکرد حفظ مناسبات دیرینه با اسرائیل را همچنان در سیاست خود مدنظر داشت.

تلاش‌ها و اقدامات عربستان در کلیه ظرفیت‌هایی که داشت، منجر به نتیجه و دستاورد ملموسی نشد. تمامی فعل و انفعالات سیاسی، تحرکات دیپلماتیک، رایزنی‌ها و رفت و آمدهای متعدد این کشورها چه در قالب کشوری، چه در سطح شورای همکاری و چه در قالب اجلاس سران عرب و اسلامی منجر به نتیجه مشخصی نشد. در این میان قطر نقش مهم و برجسته‌ای ایفاء کرد و موقعیت خود نزد آمریکا و اروپا را تثبیت و ارتقاء بخشید. این کشور با توجه به روابط خوب با حماس، اخوان و برخی گروه‌های جهادی از یک‌سو و موقعیت قابل توجهی که نزد آمریکا و اسرائیل داشت، به‌خوبی توانست ایفاء نقش کند، به‌حدی که طی این مدت وزیر خارجه آمریکا دو بار به این کشور سفر کرد و «بایدن» شخصاً با امیر قطر مذاکره تلفنی و بارها از نقش این کشور در تحولات غزه و آتس‌بس و مسائل آن تشکر و قدردانی کرد. به‌نظر می‌رسد تنها برنده این میدان قطری‌ها بودند که با بازی‌گری فعال و استفاده مناسب از امکانات سیاسی و دیپلماتیک خود نظر تمامی طرف‌های این ماجرا را به خود جلب کنند. قطر در این ماجرا جلوتر از بقیه کشورها بود. موضوعی که با توجه به رقابت‌های موجود در منطقه چندان خوشایند عربستان و امارات نیست.



### رویکرد کشورهای عربی

سخنران دوم این نشست دکتر علی‌اکبر اسدی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سخنان خود را این چنین آغاز کرد و گفت: کشورهای عربی خلیج فارس با توجه به اهداف و منافع خود با وجود برخی از مواضع مشترک مانند محکوم کردن جنایت‌های اسرائیل غاصب، رویکردهای خاصی را در مورد عملیات «طوفان‌الاقصی» و جنگ اخیر غزه از هفت اکتبر ۲۰۲۳ اتخاذ کرده‌اند. عملیات «طوفان‌الاقصی» باعث سطحی از غافل‌گیری و شگفتی در عربستان شد و رهبران این کشور را در وضعیتی شوکه‌کننده و غیرمنتظره قرار داد. ریاض با وجود برخی مواضع‌گیری‌های اولیه، با تداوم جنگ تلاش کرد مواضع متعادلی در این خصوص اتخاذ کند و به حمایت از فلسطینی‌ها بپردازد. با این حال موضع محافظه‌کارانه و تا حدی خنثی از سوی سعودی‌ها تحت تأثیر متغیرها و پیشران‌های مختلفی بوده است که از جمله عبارت بودند از: مخالفت و حساسیت افکار عمومی داخلی عربستان و افکار عمومی عربی و اسلامی در مقابل جنایت‌های اسرائیل؛ سیاست پذیرش «دو دولتی» ریاض در خصوص مسئله فلسطین؛ اختلافات عربستان با حماس و جریان اخوانی در منطقه؛ شراکت راهبردی و همکاری‌های امنیتی عربستان با آمریکا و تلاش برای حفظ تعاملات با آمریکا در خصوص جنگ؛ تعاملات غیرعلنی عربستان با اسرائیل و تلاش برای حفظ بسترهای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی؛ مدیریت روابط با ایران و محور مقاومت و کوشش برای جلوگیری از وقوع تنش‌ها و اختلاف‌های جدید در مناسبات با تهران. رویکرد عراق به مسئله فلسطین از هویت عربی-اسلامی این کشور، تجارب منفی عراقی‌ها در خصوص همکاری برخی فلسطینی‌ها با صدام، ضدیت عراقی‌ها با رژیم صهیونیستی و همچنین الهام بخشی‌های الگوی انقلاب اسلامی قرار دارد. ضمن اینکه رویکردها و جهت‌گیری داخلی عراق در میان تشیع، اهل سنت و کردها در خصوص فلسطین تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد. در خصوص جنگ اخیر غزه واکنش جامعه عراق و اعتراض به جنایت‌های صهیونیست‌ها، موضع‌گیری مقامات و رهبران عراقی و واکنش‌های نظامی جریان‌های مقاومت سه وجه اصلی رویکردهای عراق در خصوص این جنگ بوده و عراق را به یکی از کشورهای تأثیرگذار در این خصوص تبدیل کرده است. دولت و جریان‌های عراقی در خصوص مسئله فلسطین و جنگ غزه از یک‌سو ظرفیت‌ها و امکانات مهمی برای ایفاء نقش و اثرگذاری دارند و از سوی دیگر با برخی محدودیت‌ها و چالش‌ها مواجه هستند.

دکتر اسدی ادامه داد: قطر به‌عنوان دولتی کوچک در حاشیه جنوبی خلیج فارس در حال ایفاء نقش‌های برجسته منطقه‌ای است و جنگ اخیر غزه یکی از مهمترین عرصه‌هایی است که ظرفیت‌های کنش‌گری این کشور را آشکار کرد. با آغاز عملیات «طوفان‌الاقصی» و جنگ هفت اکتبر غزه، قطر تلاش کرد تا با کنش‌گری در حوزه‌های سیاسی-دیپلماتیک، رسانه‌ای و مالی و اقتصادی به ایفاء نقشی برجسته در قبال جنگ پرداخته و به‌خصوص به تعدیل و کنترل بحران کمک کند. هر چند حمایت از فلسطین و غزه اولویت مهمی در سیاست خارجی قطر محسوب می‌شود، اما هدف اصلی قطری‌ها ارتقاء جایگاه منطقه‌ای خود در چهارچوب ایفاء نقش‌های ویژه به‌خصوص میانجی‌گری بین طرفین منازعه بوده است. نقش‌آفرینی و کنش‌گری قطر در جنگ غزه تحت تأثیر ظرفیت‌های مختلف و مؤلفه‌هایی است که اصلی‌ترین آنها عبارتند از: شبکه روابط سیاسی قطر و تعاملات آن با بازیگران مختلف از آمریکا و رژیم صهیونیستی تا جنبش حماس؛ شهرت بین‌المللی و قدرت نرم قطر به‌خصوص سوابق این کشور در میانجی‌گری بحران‌های منطقه‌ای؛ ظرفیت و ابزارهای رسانه‌ای قطر با محوریت شبکه الجزیره و منابع مالی و اقتصادی قطر برای ارائه کمک‌های اقتصادی و انسانی به فلسطینی‌ها.

دکتر اسدی در خاتمه سخنانش شرح داد: امارات عربی متحده به‌عنوان کشوری که به عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل مبادرت کرده است، با وجود همراهی با این رژیم در روزهای نخست جنگ و محکوم کردن عملیات «طوفان‌الاقصی» به تدریج به تعدیل مواضع خود پرداخت و اقدامات اسرائیل در مقابل غیرنظامیان را محکوم کرد. تأکید بر آتش‌بس و پایان جنگ، ارائه کمک‌های انسانی به فلسطینی‌ها و تحرکات سیاسی در شورای امنیت برای کنترل بحران از جمله کنش‌های امارات در خصوص جنگ بوده است. رویکرد امارات عربی متحده در خصوص جنگ غزه تحت تأثیر متغیرهای مختلفی مانند روابط رسمی با اسرائیل، تخاصم و ضدیت با حماس و شرایط افکار عمومی عربی و جهانی قرار داشته است.

همچنین این کشور برای اهداف خاص خود را در خصوص جنگ دنبال کرده است که از مهمترین آنها عبارتند از: حفظ روابط با اسرائیل با توجه به منافع دفاعی، تجاری-اقتصادی، تکنولوژیک و سیاسی متصور؛ تضعیف شدید حماس؛ عدم توسعه جنگ و بحران در منطقه و اعمال نقش در مدیریت غزه پس از جنگ.

لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۷۶۱>

## گزارش نهمین نشست همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی»

نهمین نشست از سلسله نشست‌های همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی؛ رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو» با سخنرانی دکتر حسین میرزایی و دکتر رضا غلامی، ۱۳ آذرماه ۱۴۰۲ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. مدیریت نشست نیز بر عهده دکتر احمد شاکری بود.

### مسئله روش در مطالعات فرهنگی



دکتر حسین میرزایی (دانشیار دانشکده علوم اجتماعی- دانشگاه تهران) سخنرانی خود را با موضوع «مسئله روش در مطالعات فرهنگی» آغاز کرد؛ روش در بحث علم (science) موضوعیت زیادی دارد. به‌ویژه، در تعریف علم در دو یا سه قرن اخیر که در علوم اجتماعی، طبیعی و فنی از نگاه پوزیتیویستی مطرح می‌شود، روش پژوهش بسیار حائز اهمیت تلقی می‌شود. در این باب سخن معروف دکارت: «رسیدن به حقیقت ممکن نیست جز از طریق روش» می‌تواند راه‌گشا باشد. وقتی علم را از دیدگاه پوزیتیویستی تعریف می‌کنند، سخن از «علم، به‌مثابه معرفتی سیستماتیک و عینی» به‌میان می‌آید. در این تعریف، سیستماتیک و عینی بودن روش بسیار مدخلیت دارد. به‌عبارت دیگر علم، معرفتی روش‌مند است، به‌گونه‌ای که روش در آن جایگاه پیدا می‌کند و در مکان اصلی خود قرار می‌گیرد.

اساساً عینیت و سیستماتیک بودن، جایگاه ویژه‌ای را برای روش فراهم می‌کنند. در حوزه مطالعات فرهنگی، اساساً این دغدغه دیگر دغدغه علم نیست و از آن عبور کرده‌اند. این به‌واقع از ویژگی‌های بین‌رشته‌ای بودن است. به‌عبارت دیگر، پژوهشگران حوزه مطالعات فرهنگی روش‌مند بودن، عینی‌بودن و سیستماتیک بودن را به‌عنوان ویژگی‌های علم مطرح نمی‌کنند و آگاهانه از آن پرهیز دارند، زیرا هیچ فضیلتی برای آن ایجاد نمی‌کند، بلکه چالش‌هایی را سبب می‌شود که پژوهشگر را دچار مشکلاتی خواهد کرد. با در نظر گرفتن روش‌مند بودن، عینی‌بودن و سیستماتیک بودن علم، مشکلاتی به‌ویژه در فهم مسئله‌ای که پژوهشگر با آن مواجهه است، ایجاد خواهند شد. به‌دلیل میان‌رشته‌ای بودن مطالعات در قلمرو فرهنگ، این مطالعات اصطلاحاً روش‌زوده هستند؛ یعنی روش‌زده نیستند. به‌عبارت دیگر اگر در یک سر پیوستار، روش‌زدگی و در سوی دیگر آن، روش‌زدودگی مطرح باشد و پژوهشگران مجبور به انتخاب از میان یکی از این دو شوند، حتماً در مطالعات فرهنگی روش‌زدودگی وجود دارد نه روش‌زدگی. این در حالی است که در علم، برای روش‌زدگی ظرفیت بیشتری وجود دارد. هیچ الزامی وجود ندارد که گفته شود علم یعنی روش‌زدگی؛ علم روش‌مندی است نه روش‌زدگی.

دکتر میرزایی افزود: در فضاهای دانشگاهی پژوهشگر با سنت‌های فکری مواجهه می‌شود که خصوصاً در حوزه مطالعات علوم اجتماعی و فرهنگی و مشخصاً در حوزه مطالعات فرهنگی، عرصه را بر کسانی که روش‌مند نیستند یا روش را حداکثری نمی‌پندارند، تنگ می‌کند. شاید این افراد از عرصه آکادمی طرد شوند و عمدتاً در بیرون از دانشگاه و آکادمی (البته آکادمی صرفاً به معنی دانشگاه نیست) مجال حضور بیابند و تأثیرگذار باشند. در شدیدترین حالت، موضوع روش تاحدی اهمیت پیدا می‌کند و شاکله‌ی ایجاد می‌کند که بر اساس آن اهلیت و غیراهلیت شخص دانشگاهی تعریف می‌شود. این در شرایطی است که ماهیت کارهای مطالعات رسانه، زنان، مطالعات اجتماعی و فرهنگی و به‌طور کلی مطالعاتی که در چهار یا پنج دهه اخیر به‌وجود آمده‌اند، ناگزیر چندرشته‌ای و بین‌رشته‌ای است. البته این موضوع را هم نمی‌توان نادیده گرفت که در بحث علوم و فلسفه روش صرفاً با یک مکتب مواجهه نیستیم و مکتب‌های متفاوتی وجود دارند که در برخی، تأکید بر آن‌چه روش را معادل منطق ریاضی تلقی می‌کند، اساساً جایگاهی ندارد و در برخی بسیار پررنگ دیده می‌شود.

پروفسور لطفی‌زاده در دهه ۱۹۶۰ منطق‌فازی را ارائه کرد و در دو دهه بعد این بحث بسیار جدی شد. نظریه او تا حدی نوآورانه بود که هیچ نشریه‌ای حاضر به چاپ مقاله او نشد و پروفسور لطفی‌زاده در نشریه‌ای که خود ویراستار آن بود، مطالبش را به چاپ رساند.

در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ ژاپن به گشایش‌های شگفت‌آوری در بخش عمده‌های از فناوری‌های خود از جمله تولید لوازم خانگی که منبعث از بسیاری از علوم فنی و مهندسی است تحت تأثیر منطق فازی و اقدامی که پروفیسور لطفی‌زاده انجام داد، دست یافت. آنچه که منطق فازی به وجود آورد، در واقع اقدامی رو به پیشرفت و سلسله تحولاتی بود که یک مجموعه صفر و یک طی می‌کند تا به مجموعه‌ای فازی تبدیل شود. این رویکرد، نزدیک به پاسخ به آن نقدهایی است که به علوم طبیعی وجود دارد. البته، پس از این نقدها، نقدهای چند لایه‌ای مطرح می‌شود که در رشته‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته‌اند و پاسخ‌هایی که به این نقدها داده می‌شود، در آن مجموعه‌های فکری گشایش‌هایی را به وجود می‌آورند. مانند میبختی که در فلسفه‌روشن وجود دارد، از بحث انقلاب علمی «توماس کوهن» و برنامه پژوهشی لاکاتوش تا روش‌شناسی فایرابند. از تصلب تا آنارشیسم در این مجموعه وجود دارد. از سنت‌های تجربی و تحلیلی تا سنت‌های فکری مرتبط به فلسفه قاره‌ای و رویکردهای انتقادی در فضای روش پیش می‌رویم، اما این نقدها عمدتاً همان نقد کلان‌روایت‌هایی است که عموماً در رویکردهای اثبات‌گرایانه وجود دارد. به هر شکل، در این سنت‌ها شکل‌هایی از روش که در آن‌ها پدیده‌ها به مثابه شیء دیده می‌شوند تا فضاهایی که پدیده‌ها را به مثابه متن تلقی می‌کنند وجود دارند. نگاه‌هایی که هیچ نسبتی با این کلان‌روایت‌ها ندارند و عملاً به صورت انفرادی فعالیت می‌کنند و بحث خود را در تقابل با آن کلان‌روایت‌ها، با خرده روایت‌هایی ادامه می‌دهد، و روش‌های دیگری که در سنت انتقادی دیده می‌شوند، در مطالعات فرهنگی بسیار جدی انگاشته می‌شوند. عملاً در این مطالعات اصالت به روش داده نمی‌شود، مسئله، روش‌مندی نیست، اساساً از چالش پرداختن به روش عبور می‌شود و مسئله در اولویت قرار می‌گیرد. پژوهش بر اساس مسئله مسیر خود را ادامه می‌دهد و چالش اصلی نیز همین است.

دکتر فاضلی در کتاب زندگی سراسر فهم مسئله است، به این موضوع اشاره دارد که مسئله، تحقیق را هدایت می‌کند، نه روش. لزوماً روش، تحقیق را هدایت نمی‌کند. البته در مورد این که مسئله، تحقیق را هدایت می‌کند هم، تردیدهایی وجود دارد؛ کلیتی از آن را می‌توان پذیرفت و نه تمام آن را. این جمله از دکتر حسن سرایی است که «روش تابعی است از بینش»؛ این رویکرد متفاوت با موضعی است که بپذیریم مسئله، تحقیق هدایت را می‌کند. بینش است که تعیین می‌کند که پژوهشگر از چه روشی استفاده کند. مسئله بر اساس این که از کدام رویکرد و کدام زاویه دید به آن نگریسته شود و چگونه صورت‌بندی شود دارای نوعی آغستگی نظری است. اتفاقاً بینش است که کمک و هدایت می‌کند از چه روشی استفاده شود. پژوهشگران، مباحث متدولوژی، اپیستمولوژی و آنتولوژی را در بحث فلسفه روش، دارای ترتیب می‌دانند. به نوعی آنتولوژی تعیین کننده است در باب اپیستمولوژی و اپیستمولوژی نیز حالت تعیین‌کنندگی دارد در حوزه متدولوژی. با تساهل می‌توان «تابع بینش بودن روش» را با این بحث مرتبط کرد که متد تابعی است از اپیستمولوژی؛ یعنی دستیابی به معرفت چگونه میسر می‌شود. اگر قائل به این موضوع باشیم که می‌توان به معرفت به شکل بی‌واسطه و آسان دست یافت، روش‌هایی خاص به کار گرفته می‌شوند و اگر چنین منظومه نظری وجود نداشته باشد، نمی‌توان آن روش‌ها را به کار بست. به دلیل نوع نگاه خاصی که در این زمینه به کار گرفته می‌شود، باید به جایگاهی که نظریه در مباحث مطالعات اجتماعی (البته به طور عام) دارد، توجه کرد. شاید به همین دلیل باشد که در مطالعات فرهنگی، اغلب نظریه روش داریم، تحلیل گفتمان انتقادی را نه می‌توان نظریه دانست و نه می‌توان آن را روش تلقی کرد؛ یعنی به نوعی یک نظریه روش است؛ معجونی است که ترکیب بُعد نظریه و بُعد روش آن خیلی به هم نزدیکند و قابل تفکیک شدن نیستند. البته در بُعد تکنیکال این مباحث از هم تفکیک می‌شوند. عملاً تئوری‌هایی مثلاً در روش تحلیل گفتمان انتقادی وجود دارد که در این سنت به کار گرفته می‌شود. برخی از شیوه‌ها درون مایه پررنگ‌تری دارند. فضاها هم بُعد تکنیکال متفاوتی دارند. آنچه که در این بحث مورد تحلیل قرار می‌گیرد، جنس مطالعات فرهنگی یا سایر مطالعاتی است که به طور حتم معادل رویکرد پسامدرن نیستند، البته خیلی با یکدیگر ممزوجند و ظرفیت‌های خاص خود را به وجود می‌آورند.

اما آیا علوم انسانی قابلیت پویایی و حل مسئله دارد و علوم انسانی در زمینه‌های مرتبط با آن پاسخگو است؟ اگر علوم انسانی را دارای نقصان بدانیم، بخشی از نقص‌هایی که در علوم انسانی است را می‌توان معطوف به روش دانست. اگر پرسیده شود در ایران چند نفر نظریه‌پرداز وجود دارند، پنجاه تا شصت درصد اسامی مشترک خواهند بود. با تمرکز بر روش، محدود نظریه‌پرداز داریم. با دیدگاه بروکراتیک، حداکثر ایده‌پرداز و شبه‌نظریه‌پرداز داریم و با اغماض می‌توان گفت در حوزه علوم انسانی، شاهد آن هستیم که این مباحث هم از سوی کسانی طرح شده که روش تاریخی و روش تطبیقی تاریخی برای آن‌ها بسیار پررنگ بوده و افرادی که موفق شدند راجع به جامعه ایران (علوم انسانی که جنس ایرانی دارد) گفتگو کنند، عمده کسانی هستند که از روش‌های تاریخی بهره برده‌اند.

ولی به هر شکل تأکیدات روشی، دستمایه‌هایی را از باب طریقت خود فراهم می‌کنند که اگر کمک کنند تمرین مفهوم‌سازی کنیم مفید خواهند بود. این مفهوم‌سازی لاجرم در گراندد تئوری بیشتر از روش‌های دیگر ظرفیت انجام دارد. برخی روش‌ها را می‌توان در فهم مسئله و شناخت مسئله به کار گرفت، اما تبعیض مثبتی هم در آموزش روش‌ها وجود دارد. مثلاً گراندد تئوری که تلاش می‌کند مفهوم‌سازی کند و در نهایت از طریق مجموعه کدینگ به گذرانداری گزینشی برسد، خروجی‌هایی حداقلی دارد که ممکن است ۲۰ تا ۳۰ سال دیگر شبه‌نظریه‌هایی از آن استخراج شود. البته روش‌های دیگر هم برای خود مصرف‌ها یا پیش‌بینی‌هایی با رویکردهای متفاوت دارند. هر روش دارای یک رسالت متفاوت است. تحلیل گفتمان، تحلیل روایت، اتوبیوگرافی و... دامنه وسیعی از روش‌هایی هستند که اقتضائات خاص خود را دارند و در حوزه‌های مختلف ظرفیت‌هایی فراهم می‌کنند. اما این که چه دغدغه‌ای وجود دارد، پاسخگویی برای هر روش فراهم می‌کند. روش گاهی شرایط سوء استفاده را هم فراهم می‌کند. در این طیف روش‌زدگی و روش‌زدودگی که در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با آن مواجهیم، باید بدانیم که معرفت نه روش‌زده است و نه روش‌زدوده. این که مسئله از چه دیدگاهی نگریسته شود، به صورت‌بندی مسئله برمی‌گردد. بینش و حوزه نظری اهمیت دارند و مهم‌تر از همه مسئله‌ای است که به آن پرداخته می‌شود.

### اصول و الزامات آزاداندیشی در علوم انسانی با تأکید بر پژوهش‌های حوزه فلسفه فرهنگی



در ادامه نشست دکتر رضا غلامی (استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) سخنانش را با موضوع «اصول و الزامات آزاداندیشی در علوم انسانی با تأکید بر پژوهش‌های حوزه فلسفه فرهنگی» ارائه داد و گفت: همواره در محیط‌های آکادمیک، با مفهوم مهمی با نام آزاداندیشی یا آزادی فکر روبه‌رو هستیم و کمتر کسی را می‌توان یافت که خود را طرفدار آزاداندیشی معرفی نکند. با این حال، دو چیز از اهمیت فراوانی برخوردار است: تعمق در مفهوم آزاداندیشی و الزامات آن، و محک میزان وفاداری خود به آزاداندیشی با شاخص‌های مرتبط. «آزاد اندیشی دیدگاهی است که معتقد است، موضع‌گیری‌های مربوط به حقیقت و آنچه وابسته به حقیقت است، باید بر اساس منطق، عقل و سطح بالایی از بی‌طرفی شکل بگیرد، به‌جای خرافات، موهومات و جانبداری‌های عاطفی، متعصبانه، منفعت‌طلبانه، سیاسی، اقتدارگرایانه یا از سر ترس و احتیاط. آزاداندیشی مولد چنان ظرفیتی است که یک اندیشمند را قادر می‌کند تا ایده‌ها و افکار خود را که ممکن است در بدو امر برای بعضی عجیب و نامتعارف جلوه کند خلق کند. در واقع، به‌دلیل آزاداندیشی است که ابداعات و نظریه‌های مهمی در فلسفه و علوم انسانی شکل می‌گیرد و اگر آزاداندیشی در میان برخی از اندیشمندان و دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی مجال ظهور و بروز نمی‌یافت، امروز خبری از جریان نوآوری‌های فکری نبود.

دکتر غلامی درخصوص الزامات آزاداندیشی بیان کرد: نقطه کانونی در بحث، این است که آزادی فکر و اندیشه، زمانی حاصل می‌شود که عالم و دانشمند بتواند ذهن و فکر خود را از یکسری امور خالی کند یا از مجموعه‌ای از رفتارها جدا کند. وی در زمینه الزامات آزاداندیشی موارد زیر را مطرح کرد:

#### ۱. کینه‌ها، نفرت‌ها و عقده‌ها

هر قدر هم که یک متفکر ادعا کند که کینه‌ها، نفرت‌ها و یا عقده‌های شخصی یا اجتماعی در کار علمی او بی‌تأثیر است، ذهن به شکل طبیعی و در مواردی خارج از اراده فرد، کینه‌ها، نفرت‌ها و عقده‌ها را در فرایند تبیین، توصیف، نقد و قضاوت علمی دخالت می‌دهد. بنابراین، این خیلی مهم است که یک اندیشمند بتواند با پالایش ذهن خود از این موارد، وارد میدان علم شود.

#### ۲. باورهای نهادینه‌شده یا پیش‌فرض‌های نامعقول

هرچند هر علمی به یکسری از پیش‌فرض‌ها تکیه دارد، اما مهم این است که محقق از عقلائی بودن این پیش‌فرض‌ها اطمینان داشته باشد. این موضوع درباره عقاید و باورها نیز به شکل دیگر قابل طرح است. اگر عقاید و باورهای یک فرد زاینده جهان‌بینی عقلی او باشد، می‌تواند در پیش‌فرض‌های مفید علمی حضور داشته باشد و به آزاداندیشی لطمه‌ای نزند.

### ۳. تعلق به زمان و مکان (تاریخ‌مندی)

برخی از متفکرین در یک زمان یا در یک مکان متوقف شده‌اند. این توقف، ناخواسته عینک خاصی را به چشم آن‌ها زده که همه چیز را از پشت آن عینک مشاهده می‌کنند و به طریق اولی درباره آن قضاوت می‌کنند. توانایی یک محقق و اندیشمند در جایی اثبات می‌شود که توانسته باشد در عین بهره‌گیری از تاریخ، هرکجا لازم بود خود را از تاریخ جدا کند و فرزند زمان خود باشد.

### ۴. نگاه‌های تک‌بعدی یا سطحی

عدم تلاش برای مشاهده جامع، همه‌جانبه و کلی یک پدیده و نگاه به یک بعد یا ضلع یک پدیده مانند داستان مثنوی در باب لمس فیل در تاریکی است که حتماً می‌تواند آزاداندیشی فرد را زیر سؤال ببرد. به‌ویژه در مطالعات فرهنگی و آنجا که پای فلسفه به میان می‌آید، یکی از شاخص‌های آزاداندیشی، همه‌جامع‌نگری و کل‌نگری است.

### ۵. حس‌گرایی رادیکال

خیلی از چیزهایی که در گذشته قابل حس نبوده و لذا به آن‌ها برچسب غیرعلمی زده شده بود، بعداً با پیشرفت فناوری‌های پیشرفته، قابل حس شده‌اند. از سوی دیگر، این ادعا که هر آنچه قابل حس نیست اما از قابلیت تعقل برخوردار است، علمی نیست، ادعایی نیست که بتوان روی آن ایستاد. از این گذشته، تمام تجربیات بدون تعقل درون‌ذهنی، از امکان تبدیل شدن به قانون علمی محرومند.

### ۶. جزم‌اندیشی

مهم‌ترین آفت‌های آزاداندیشی است به‌ویژه زمانی که جزم‌اندیشی، علم را به عقیده، ایدئولوژی و امری مقدس تبدیل کند. علم هر قدر هم که مهم باشد، نقدپذیر و ابطال‌پذیر است و از شایستگی تبدیل به عقیده، ایدئولوژی یا امر مقدس برخوردار نیست.

### ۷. شفافیت و نظم‌گرایی افراطی

برخی از دانشمندان که شفافیت، نظم و انسجام را یک اصل اجتناب‌ناپذیر در وجاهت‌مندی یک نظریه در نظر می‌گیرند، چنانچه در این عرصه دچار وسواس بشوند، به‌راحتی یکسری از نظریات را کنار می‌گذارند. این در حالی است که ممکن است یک نظریه‌ی به ظاهر غیرشفاف یا بی‌نظم، از نظر یک فیلسوف تحلیل دیگر، کاملاً شفاف یا منظم باشد یا دیگر فیلسوفانی که تعهدی به فلسفه تحلیلی ندارند، مغز این نظریه را بسیار مهم و نزدیک به حقیقت منظور کنند. با این وصف، شاید بهتر باشد، برای باز نگاه داشتن باب آزاداندیشی، تعادل در شفافیت و نظم‌گرایی را دنبال کنیم.





#### ۸. ترس‌ها و احتیاطات

ثمره ترس و احتیاط بیش از حد در کار فکری و علمی، رکود و ایستایی علمی و به تبع آن، عدم روزآمدی و نداشتن خلاقیت و ابتکار است. البته نقطه مقابل ترس و احتیاط را باید شجاعت و خطرپذیری دانست لکن گاه بعضی شجاعت را با تهور و بی‌باکی خلط می‌کنند.

#### ۹. هم‌رنگی با جمع

محققی که در کار علمی خصوصاً نقدها و قضاوت‌های خود، اسیر هم‌رنگی با جماعت است، به شدت از میدان حقیقی علم فاصله دارد. هرچند نظر جمعی در جای خود می‌تواند محل استناد باشد اما نخست، این موضوع در همه جا قابل استناد نیست دوم، هم‌رنگ جماعت شدن اغلب به معنای تابع نظر جمع بودن به خاطر بهره‌گیری از منافع آن یا ترس از تبعات آن است که در جامعه علمی نیز متأسفانه شیوع دارد.

#### ۱۰. شهرت زدگی

شهرت یک نظریه یا صدور یک نظریه از یک متفکر و نظریه پرداز مشهور، ایجادکننده نوعی اقتدار است که اگر محقق در قبال آن منفعل و تسلیم شود، عملاً قادر به عبور از آن نظریه مشهور نیست. خیلی از محققین یا جامعه علمی به صرف آنکه یک دیدگاه یا نظریه شهرت دارند، از رویارویی با آن یا عبور از آن هراس دارند و همین امر موجب می‌شود که نظریه‌های مشهور سلطه خود را تثبیت کنند و حتی در قامت یک اسطوره یا تابو خودنمایی کنند.

#### ۱۱. تمایلات و علایق و ذائقه‌ها

تمایلات، علایق و ذائقه‌ها درونی هر انسانی بر روی توصیفات، تبیین‌ها و قضاوت‌های علمی او اثر می‌گذارد. مثلاً کسی که به یک غذا بی‌علاقه است ممکن است در توصیف فوائد آن غذا مانند کسی که به آن غذا علاقه دارد عمل نکند و برعکس. نکته مهم در اینجا، تبدیل تمایلات، علایق و ذائقه‌ها به مجموعه‌ای از اصول علمی در ذهن اندیشمند است که همین امر موجب می‌شود محقق و متفکر نتواند آزادانه و بی‌طرفانه درباره یک پدیده اظهار نظر کند.

#### ۱۲. عادات ذهنی

عادات ذهنی از جمله مباحث روان‌شناختی است که تاکنون کمتر در تأملات مربوط به آزاداندیشی مورد توجه بوده است. گاه یک محقق و متفکر، به یکسری از مشاهدات و نتیجه‌گیری‌های جزئی و کلی عادت می‌کند و البته عادات مشابه در میان سایر محققین و متفکرین نیز سبب می‌شود آن مشاهدات و نتیجه‌گیری‌ها را بدون آنکه صدق‌شان را به دقت مورد بررسی قرار دهد به‌مثابه یک اصل مسلم در نظر بگیرد.

#### ۱۳. غرور و تکبر علمی

غرور و تکبر، موجب می‌شود فرد به راحتی ذهن خود را به نقطه بی‌طرفی نزدیک نکند؛ یعنی حاضر به آزاد کردن فکر خود از انواع و اقسام پیرایه‌ها نباشد و یا اگر برای او استدلال محکم شد که در اندیشه خود دچار خطا شده است، حاضر به پذیرش خطاهای علمی خود نشود.

#### ۱۴. طمع‌ورزی به دنیا

دنیازدگی و میل نامتعادل به شهوات، و طمع‌ورزی‌ها معمولاً اجازه شکل‌گیری بستر آزادی فکر را در انسان نمی‌دهد. ضمن آنکه بی‌طرفی را تقریباً ناممکن می‌کند. محقق بی‌طرف، کسی است که حامل بار کمتری است و رها کردن بازهای اضافی برای او در میدان علم، دشوار نیست.

#### ۱۵. از خود جدا نشدن

فرای خود نرفتن و فکر کردن، از خود فاصله گرفتن، یک مسئله روان‌شناختی بسیار مهم است که کمتر به‌عنوان یکی از الزامات آزاداندیشی به آن توجه می‌شود. از خود جدا نشدن شبیه در زمان و مکان خاص متوقف شدن، فرد را مغلوب ظرف شخصیتی‌ای می‌کند که پیدا کرده است.

#### ۱۶. جزئی‌نگری و کلی‌گرایی افراطی

هرچند جزئی‌نگری در جای خود مفید و لازم است و بدون آن تحقیقات با مشکل روبه‌رو می‌شود اما اسیر شدن در جزئیات و نداشتن نگاه کلی نیز می‌تواند آزاداندیشی محقق را با مانع روبه‌رو کند. نداشتن نگاه کلی، معمولاً اجازه فاصله گرفتن از یک پدیده و دیدن جمیع را از پژوهشگر سلب می‌کند.

#### لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۶۸۰>

## گزارش دهمین نشست همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی»

دهمین نشست از سلسله نشست‌های همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی؛ رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو» با سخنرانی دکتر فاطمه براتلو (استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر الهام ابراهیمی (دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، ۱۸ آذرماه ۱۴۰۲ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. مدیریت نشست نیز بر عهده دکتر مرژگان روشن‌نژاد بود.

سوگیری‌های پنهان: اثرپذیری روش‌های پژوهش از تفاوت‌های فرهنگی  
دکتر فاطمه براتلو سخنرانی خود را با تعریف سوگیری آغاز کرد و گفت: موضوع محوری سخنرانی امروز «سوگیری» است. مسئله سوگیری آنچنان مهم است که نیومن (۱۳۸۹) آن را محور و کانون هرگونه بحث و نظر درباره روایی و پایایی می‌داند. همان‌طور که می‌دانید سوگیری بیشتر معطوف به تحقیقات کیفی است، با این حال در آغاز و برای تقریب به ذهن تعریفی از سوگیری ارائه می‌شود. طبق نظریه اندازه‌گیری به‌عنوان مضمونی که به پیکره‌های از نظریه‌های ریاضیاتی و روش‌شناسانه در مورد پایایی و روایی مرتبط است، در تعریف سوگیری می‌توان گفت مشاهده ما از یک متغیر تصادفی یا یک نمونه مورد مطالعه همواره مساوی است با جمع میان سنجه واقعی و ناب با مجموع خطای نظام‌مند یا سوگیری غیرتصادفی و خطای تصادفی غیرنظام‌مند که البته ناگزیر و تصادفی است. به بیان ریاضی:  $X=T+bias$  طبق این فرمول بخشی از بایاس‌ها به خطاهای تصادفی غیرنظام‌مند و ناگزیر پژوهشگر برمی‌گردد و بخشی دیگر به خطاهای نظام‌مند غیرتصادفی. به هر حال پرواضح است که سوگیری بر نتایج پژوهش تأثیرگذار خواهد بود. در اینجا به‌طور خاص صحبت از نوعی سوگیری پنهان است که حاصل عدم توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی متفاوت در هنگام انجام مطالعاتی است که در سطوح مختلف تحلیل در سطح ملی/بین‌المللی و یا فراملی و نیز در واحدهای مختلف تحلیل از فرد تا اجتماعات متمایز و یا در سطح تحلیل سازمان به‌ویژه در مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای به انجام می‌رسد. در ادامه به این مهم می‌پردازم.

### توضیح و تبیین سوگیری پنهان

دکتر براتلو ادامه داد: مقصود از سوگیری پنهان آن دسته از سوگیری‌هایی است که ریشه در عدم توجه و یا عدم کفایت توجه به تفاوت‌های فرهنگی موجود دارد. طبق نظریه هویت سازمانی، سازمان‌ها بواسطه تأثیرپذیری از فرهنگ سازمانی دارای نوعی تشخیص سازمانی‌اند. برای مثال شخصیت سازمانی که مأموریت آن نظامی است با شخصیت سازمانی سازمان‌های آموزشی-پژوهشی یا حتی سازمان‌های بهداشتی-خدماتی متفاوت‌اند. از این رو محققانی که به‌عنوان مثال درباره تعهد حساس سازمانی و یا تعهد حرفه‌ای مطالعه می‌کنند بسته به نوع سازمان با شاخص‌ها و معیارهای متمایزی روبه‌رو خواهد بود. علاوه بر ویژگی‌های شغلی که بر تشخیص سازمان‌ها اثرگذارند، تحت تأثیر هویت‌های جنسیتی زنانه و مردانه هم ما با عوامل و متغیرهای مؤثر متمایزی که بر تعهد سازمانی اثرگذارند، مواجه هستیم. در پس تمایزاتی این چنین فرهنگ حاصل از نوع شغل و فرهنگ حاصل از تمایزات جنسیتی نهفته‌اند.





محققان بسیاری درباره تفاوت‌های فرهنگی اجتماعات، جوامع و ملت‌ها نظریه‌پردازی کرده‌اند. به بیانی نظریه‌های فرهنگی (حتی نظریه‌های هویتی) بسیاری وجود دارند که در مورد تفاوت خصایص فرهنگی صحبت می‌کنند، در عمل و به دنبال مطالعاتی که در این باره صورت پذیرفته، محققان تفاوت در عوامل اقتصادی، جغرافیایی، تاریخی، ژن، استروئیدهای فرهنگی، زبان و ... را از جمله دلایل تفاوت در فرهنگ ملی هر کشور در سطح تحلیل کلان می‌دانند. تحقیقات هافستده از شناخته‌ترین این مطالعات است. حال با توجه به ادعای حاضر در این محفل نمی‌توان به شاخص «میزان پذیرش فاصله قدرت» در جوامع مختلف به‌عنوان یک خصیصه فرهنگی بی‌اعتنا بوده و در عین حال درباره انواع تعارضات درون سازمانی اندیشید... یا بدون توجه به شاخصه فرهنگی «پرهیز از ابهام» درباره هرگونه نوگرایی و نیز درباره نوآوری و خلاقیت در سازمان پژوهش کرد. در سطح خرد نیز به همین منوال میتوان از با استفاده از مثالهایی در چارچوب‌های تئوریک موجود بحث نمود. فرض بر این، داخل سازمان می‌خواهیم در مورد تعهد سازمانی تحقیقی انجام دهیم، شاید با من هم‌منظر باشید که دشوار خواهد بود که بدون توجه به خلق حاصل از پیشینه فرهنگی فرد، درباره تعهد فرد به شغل/وظیفه و یا سازمان سخن گفته و چاره جست؛ به طبع فرد مسئولیت‌پذیر تیپ یک سختگیر و حساس به وظیفه (طبق دسته‌بندی‌های موجود در تئوری شخصیت‌های نه گانه اناگرامی)، نسبت به فرد تیپ هفتی (در همان چارچوب اناگرامی) که ماجراجو، چارچوب ستیز و تا حدی خوش‌گذران است میزان تعهد سازمانی و حرفه‌ای (یا شغلی) متفاوتی خواهند داشت. البته با افزودن عامل قومیت به‌عنوان متغیر زمینهای بحث تفاوت‌های فرهنگی پیچیده‌تر می‌شود. از آنجایی که فرهنگ ملل و فرهنگ قومیت‌ها هم در مواضع مختلف تیپ‌های اناگرامی قابل دستبندی است، به‌طور قطع و یقین ویژگی‌های فرهنگی افراد از قومیت‌های مختلف که در یک سازمان حتی در یک بخش به‌طور هم‌زمان حضور دارند متفاوت است، در حوزه سازمان بسیاری از ما تفاوت‌های موجود را طبق تجربه زیسته خود درک کرده‌ایم.

### اهمیت بحث و امکان بروز انواع مغالطه

دکتر براتلو درخصوص اهمیت بحث و امکان بروز انواع مغالطه شرح داد: صاحب‌نظران زیادی در مورد معیارهای قابل استفاده در ارزیابی تحقیق کیفی اظهار نظر کرده‌اند؛ در واقع حدوداً بیش از ۵۰ سال است که در حوزه تحقیقات کیفی نظرات و ایده‌های متعدد اینچنینی مطرح می‌شوند. درواقع جهت کاستن از سوگیری و افزودن اعتبار تحقیق رهنمودهایی چون کنترل بازنمایی، کنترل تأثیرهای محقق، زاویه‌بندی، و زنبخشی به شواهد، تقابل‌سازی و تطبیق، استفاده از موارد افراطی، تکرارشدن یک یافته، کنترل تبیین‌های رقیب را در اندیشه میلز و هابرمز (۱۹۹۴)؛ درستی، انسجام، دقت، فایده، سرزندگی، زیبایی‌شناسی در نگاه ملوی (۱۹۹۴)؛ و یا اعتبار توصیفی، اعتبار تفسیری، اعتبار نظری، اعتبار درونی کیفی ماکسول (۲۰۰۴ و ۱۹۹۷)؛ انسجام روش‌شناختی، باورپذیری بازنمایی، منطق تحلیلی، اقتدار تفسیری تورن (۱۹۹۷)؛ تعمیم طبیعی اسپیراک و همکاران (۲۰۰۰)؛ باورپذیری تبیین، سندیت ترجمه، نتایج نشان داده شده، نتایج قابل باور تدلی و تشکری و مسئله تعمیم استنباطی گویا و لینکلن (۲۰۰۵)؛ هم‌سازی درونی، هم‌سازی بیرونی، اعتبار اکولوژیک، تاریخ طبیعی، اعتبار عضو، اجرای بومی نیومن (۲۰۰۶)؛ مفهوم تعمیم بازنمایی لینکلن و گویا (۲۰۰۸)؛ و یا توجه به عینیت محقق، تغییر انتقادی، رویکرد انتقادی، عملی بودن، رعایت اصول، صحت تعادل، بررسی منظم، شایستگی ارزیاب، ترکیب/ صداقت، احترام به افراد (انصاف)، مسئولیت‌پذیری در رفاه همگانی که توسط پاتون (۲۰۰۱) مطرح شده... اما این شاخصها از آنچه که دغدغه و موضوع این سخنرانی است، فاصله دارند. فرهنگ عنصر تأثیرگذار بسیار مهمی است، کمتر در مباحث مشاهده شده است. اساساً فرهنگ خود باعث بسیاری از تفاوت‌ها در تحلیل و نتیجه‌گیری می‌شود.

در این میان کرونباخ (۱۹۷۵) که جزء دانشمندان به‌نامی است که در این باب مباحث جدی و مهمی را مطرح کرده، به عنصر زمان توجه دارد (عامل زمان یک خصیصه فرهنگی است) در نگاه او پدیده‌های اجتماعی بسیار وابسته به بستر هستند و احتمالاً مقید به فرهنگ (که به‌صورت ناخود آگاه در حافظه تاریخی مکان و زمان ثبت و ضبط است). جالب توجه این که برای اعتبار تحقیق در نگاه کرونباخ حتی باید به تاریخ انقضاء تعمیم هم توجه داشت. هم‌زمان گیرتز ضمن استفاده از عبارت یا مفهوم «توصیف پرمایه» در کتاب تفسیر فرهنگ؛ به نوعی این دغدغه را دارد که هیچ نکته‌ای نباید نادیده گرفته شود. باید مراقب این موضوع باشیم که طی بررسی چقدر به محیط پیرامون توجه داریم. عدم توجه به این مسئله موجب ظهور و بروز مغالطاتی است از جمله مغالطه عینیت ناصحیح، مغالطه بیکنی، مغالطه شناخته شده به مسئله گالتون که در مقاله‌ای به‌همین نام به آنها پرداخته شده است.

### بازتابندگی: مفهومی کلیدی در مواجهه با سوگیری در پژوهش‌های کیفی

سخنران دوم این نشست، دکتر الهام ابراهیمی با ارائه مباحث سخنرانی در چهار محور اصلی بحث را آغاز و به موارد زیر اشاره کرد:

- برخی تفاوت‌های پارادایم‌های کیفی و کمی پژوهش؛
  - برخی تفاوت‌ها در رویکردها و روش‌های پژوهش کیفی؛
  - سوگیری و مفهوم بازتابندگی؛
  - مواجهه با سوگیری در پژوهش‌های اصطلاحاً Q بزرگ مانند پدیدارشناسی و نظریه‌پردازی داده‌بنیاد.
- دکتر ابراهیمی شرح داد: دو محور ابتدایی، از موضوعاتی است که بسیار در مورد آن بحث و گفت‌وگو شده است و تازگی ندارد. تفاوت پارادایم‌های کیفی و کمی پژوهش حتماً باید در بحث سوگیری مورد توجه قرار گیرد، حتی زمانی که در مورد موضوعی مانند سوگیری و مفروضات پژوهشگر بحث می‌شود، رویکردها و روش‌های مختلف پژوهش کیفی هم باید مورد توجه باشد. در محور سوم واژه‌ای تحت عنوان Reflexivity که در ادبیات این حوزه وجود دارد را طرح می‌کنم. ترجمه‌ای که من برای آن ترجیح می‌دهم «بازتاب‌پذیری» است، از این جهت که به محتوای موضوع بسیار نزدیک است. نهایتاً به برخی از مصادیق سوگیری در روش‌های پژوهش کیفی مانند پدیدارشناسی، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و روش‌های دیگر اشاره می‌کنم تا مشخص شود منظور از مواجهه با چنین سوگیری‌هایی در روش‌های پژوهش چیست.
- از لحاظ پارادایم‌های فلسفی در پژوهش‌های علوم انسانی با پارادایم‌های متعددی روبه‌رو هستیم. اگر دو سر طیف در پارادایم‌های پژوهش در نظر گرفته شود، یک سوی آن پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی) و سوی دیگر تفسیری است (مشخصاً بین این دو پارادایم نیز پارادایم‌های متعددی وجود دارد) و این موارد از بُعد هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی تفکیک می‌شوند.

انواع اثبات‌گرایی اصالت تحصیلی

Positivism

تفسیری

Interpretivism

هستی‌شناسی

Ontology رئالیسم: واقعیت یک پدیده بیرونی قابل کشف است... واقعیت یک پدیده ذهنی و وابسته به تفاسیر و تجربه انسان است

شناخت‌شناسی

Epistemology دوگانه‌گرایی-عینیت‌گرایی... تعامل-ذهنیت‌گرایی

روش‌شناسی

Methodology کمی: دانش از طریق گردآوری تدریجی یافته‌ها، آزمون فرضیات و ساختن نظریه‌ها حاصل می‌شود... دانش از طریق ارائه تفاسیر مختلف و متعدد از واقعیت و ایجاد یک الگوی مورد توافق حاصل می‌شود



در بحث شناخت‌شناسی و تفاوتی که پارادایم‌های فلسفی در این خصوص دارند ملاحظه می‌شود که در پارادایم کمی یا پارادایم‌هایی که به پوزیتیویسم نزدیک‌تر هستند از عینیت‌گرایی (جدایی پژوهشگر و موضوع پژوهش) صحبت می‌شود. قاعدتاً در اینجا سوگیری به هیچ نحو قابل پذیرش نیست، ما تمام امکاناتمان را بسیج می‌کنیم تا از سوگیری اجتناب کنیم. ولی زمانی که وارد پارادایم‌های تفسیری می‌شویم با واژه‌هایی مانند تعامل سوژه و ابژه مواجهه می‌شویم؛ تعامل پژوهشگر، موضوع پژوهش و ذهنیت‌گرایی پژوهشگر. ما این موارد را به‌عنوان کلید واژه‌های شناخت‌شناسانه این پارادایم‌ها می‌پذیریم، البته این پذیرش به این مفهوم نیست که سوگیری پذیرفته شده، اما ناخود آگاه به این معنا است که حدی از مواجهه پژوهشگر با موضوع پژوهش مورد پذیرش قرار گرفته است.

### تفاوت‌های کلیدی میان پارادایم‌های کیفی و کمی پژوهش از نظر براون و کلارک (۲۰۲۲)

براون و کلارک به‌عنوان دو پژوهشگری که آن‌ها را به‌ویژه در حوزه روش پژوهش تحلیل تم می‌شناسیم، تفاوت پارادایم‌های کیفی و کمی پژوهش را از نقطه نظر هدف پژوهش، نقش پژوهشگر، ذهن‌انگاری پژوهشگر، جهت گیری نسبت به تأثیر ذهن‌انگاری و سهم دانش‌افزایی، به شیوه جالب توجهی مطرح می‌کنند. آن‌ها پژوهشگر را به‌عنوان شخصی که ذهن‌انگاری دارد یا «نظریه‌بار» و «موقعیت‌مند» است معرفی می‌کنند. در پارادایم‌های کیفی بازتابندگی به‌مثابه ابزاری است هم برای بازپرسی ارزش ذهن‌انگاری و هم برای مهار کردن آن.

الف- هدف پژوهش: پارادایم کیفی، به‌طور گسترده متمرکز بر معنا، از فهم معنای موقعیت‌مند گرفته تا بازپرسی معنا است و در آن هدف، تولید معرفت بافت‌مند و موقعیت‌مند است. هدف پژوهش در پارادایم کمی، ثبت و فهم حقیقت است و در آن جست‌وجوی مدل‌ها یا نظریه‌های تبیینی، اغلب توأم با فروکاست و عموماً آزمون فرضیه است.

ب- نقش پژوهشگر: نقش پژوهشگر در پارادایم کیفی، تفسیر معنای موقعیت‌مند و داستان‌گویی ذهن‌انگارانه است و در آن به ذهن‌انگاری ارزش داده می‌شود. نقش پژوهش در پارادایم کمی، ناظر بی‌طرف موضوع پژوهش است؛ به عینیت ارزش داده می‌شود و البته ذهن‌انگاری آن را تهدید می‌کند.

ج- ذهن‌انگاری پژوهشگر: این موضوع در پارادایم کیفی نه تنها مسئله ساز نیست، بلکه یک امتیاز محسوب می‌شود، البته اگر بازتابی باشد. هرچند در پارادایم کیفی باعث سوگیری می‌شود و اعتبار تحلیل را تهدید می‌کند و نیازمند سنجه‌هایی برای کنترل است.

د- جهت‌گیری نسبت به تأثیر ذهن‌انگاری: در پارادایم کیفی بازتابندگی به‌مثابه ابزاری است که هم برای بازپرسی ارزش ذهن‌انگاری و هم برای مهار کردن آن قابل استفاده است. در پارادایم کمی سنجه‌های کنترل سوگیری برای کاهش یا حذف تأثیرگذاری ذهن‌انگاری قابل استفاده هستند.

و- سهم دانش‌افزایی پژوهش: در پارادایم کیفی، گوشه‌ای از پرده پرمایه فهم را شامل می‌شود. در پارادایم کمی، پژوهش ابزاری برای رسیدن به یک فهم کامل یا بی‌نقص است.

### پیوستار تحقیقات کیفی:

روش‌های کیفی هم بر روی یک پیوستار قرار می‌گیرند. یک سوی این پیوستار روش‌های کیفی‌ای هستند که اصلاً کمی‌تر هستند. عبارتی به طیف کمی نزدیک‌تر هستند و تحت عنوان  $q$  کوچک شناخته می‌شوند مثل روش تحلیل محتوا که در آن شمارش داریم و تأکید آن‌ها بر توصیف یا Data description است. در سوی دیگر این پیوستار روش‌هایی وجود دارند که اصطلاحاً کیفی‌تر هستند، به‌عنوان  $Q$  بزرگ شناخته می‌شوند و هدف آن‌ها Data transformation یا تفسیر است. مثلاً نظریه پردازی داده بنیاد یا پدیدارشناسی تفسیری در این زمره هستند و به تناسب روش‌هایی نیز وجود دارند که در میانه این پیوستار قرار می‌گیرند. نگاه ذهن‌انگارانه و بازتابندگی در هر کدام از این روش‌ها متفاوت از یکدیگر می‌باشد.

در این زمینه لازم است تعاریف زیر مورد توجه و تأمل قرار گیرد.

#### الف- ذهن‌انگاری Subjectivity:

- آنچه که هستیم و آن چیزهایی که از ما در روند پژوهش نقش دارند (از هویت و ارزش شخصی گرفته تا دیدگاه‌های رشته ما) بخش جدایی‌ناپذیری از تحلیل است؛
- تحلیل و تفسیر داده‌ها نمی‌تواند دقیق یا عینی باشد، بلکه پژوهش می‌تواند ضعیف‌تر (برای مثال، غیرمتقاعدکننده، کمتر توسعه یافته، کم عمق، سطحی) یا قوی‌تر (برای مثال، متقاعدکننده، بخردانه، اندیشمندانه، پرمایه، پیچیده، عمیق، دارای ریزه‌کاری) باشد.

ب-بافت مندی و موقعیت مندی Contextualized, situatedness:

- درهم تنیدگی پژوهش با بافتار پژوهش مانند زمینه سیاسی، ایدئولوژیک، اجتماعی و نظایر آن و نیز درهم تنیدگی آن با موقعیت پژوهشگر، مانند موقعیت سیاسی، ایدئولوژیک، اجتماعی و دیگر موقعیت‌های او.

ج-بازاندیشی، بازتابندگی و بازپرسی Reflection, Reflexivity & Interrogation

- توان تعمق در مورد مفروضات غالب درهم تنیده در یک بافتار فرهنگی-مفسر فرهنگی بودن، در عین عضو فرهنگ بودن، پرسشگری فعال در مورد آن‌ها و بازاندیشی انتقادی در مورد نقش فرد به‌عنوان پژوهشگر. بازتابندگی و صورت‌بندی جدیدی از مواجهه با سوگیری پژوهشگر ذهن‌گرا، موقعیت‌مند، پرسشگر، یا به‌عبارتی یک پژوهشگر بازتابی، یک پژوهشگر خالی‌الذهن نیست. تولید دانش ذاتا ذهن‌انگارانه و موقعیت‌مند است. ذهن‌انگاری پژوهشگر یک مشکل نیست که بخواهد آن را مدیریت یا کنترل کند یا از دستش خلاص شود، بلکه باید آن را درک کرد و با آن به‌عنوان منبعی برای انجام تحلیل مواجه شد. مفهومی از سوگیری پژوهشگر، که دلالت بر امکان بی‌طرفانه یا عینی بودن تولید دانش دارد، و نیز امکان کنترل این سوگیری، در حوزه بازتابندگی موضوعیت چندانی ندارد.

در عین حال با انواعی از بازتابندگی مواجهیم:

الف-بازتابندگی شخصی: ارزش‌های پژوهشگر چگونه به پژوهش او و دانش تولید شده شکل می‌دهند؟

ب-بازتابندگی کارکردی: روش‌ها و دیگر جنبه‌های طراحی چگونه به پژوهش و دانش تولید شده شکل می‌دهند؟

ج-بازتابندگی رشته‌ای: رشته‌های دانشگاهی چگونه به دانش تولید شده شکل می‌دهند؟

بازتابندگی فردی

زمانی که ویلکینسون موضوع بازتابندگی (۱۹۸۸) را طرح کرد، مثال‌هایی برای این‌که به‌عنوان پژوهشگر در مورد آن‌ها تأمل و بازاندیشی شود را مطرح کرد:

این موضوع با موضوع‌یابی اجتماعی هم‌بُرش پژوهشگر-مانند جنس/جنسیت/گرایش جنسی، طبقه اجتماعی/وضعیت اجتماعی-اقتصادی، نژاد و قومیت، توانایی، سن، عقاید، تعهدات سیاسی و ایدئولوژیک (پیدا و پنهان) و

همچنین وضعیت مهاجرتی پژوهشگر چه ارتباطی دارد؟

• در انتخابات چگونه رأی داده‌اید یا رأی خواهید داد؟

• کدام منابع خبری را دنبال می‌کنید یا مورد اعتمادتان هستند؟

• مذهب شما چیست؟

• در مورد مسائلی که اغلب بحث‌برانگیزند یا مسائل وجدانی مانند رفاه حیوانات، سقط جنین، اتانازی چه موضعی دارید؟

ن عضو چه سازمان‌هایی هستید؟ از کدام مؤسسات خیریه حمایت می‌کنید؟ آیا در حیطه خاصی کنشگر هستید؟

بازاندیشی در مورد چنین پرسش‌هایی به پژوهشگر کمک خواهد کرد تا بتواند تعهدات شخصی، سیاسی و ایدئولوژیک خود و حدود و ثغور آن‌ها را مشخص کند.

بازتابندگی کارکردی و بازتابندگی رشته‌ای

آموزش‌ها و تجربه‌های پژوهشگر در زمینه پژوهش است که بر ذهن‌انگاری او اثر دارند.

• در زمینه پژوهش چه تجربه‌های عملی‌ای دارید؟

• با توجه به آنچه آموخته‌اید، به نظر شما چه چیزی باعث می‌شود که یک پژوهش، «خوب» محسوب شود؟

در چنین پژوهشی از چه روش‌هایی استفاده می‌شود؟

و آموزش‌ها و بافتار رشته‌ای‌تان چگونه به پرسش‌های مورد علاقه‌تان شکل داده‌اند- شیوه «نگرش شما به دنیای پژوهش» به‌عنوان یک مثلاً روانشناس، یا جغرافی‌دان یا جامعه‌شناس چگونه به کاربست پژوهستان شکل

می‌دهند؟

• برای چه نوع مؤسسه‌ای کار می‌کنید؟

• پژوهشگر یا عضو هیأت علمی تازه‌کار هستید یا مجرب؟

• با چه فشارهای داخلی و خارجی مانند اجبار به نشر، انتشار مقاله در مجلات دارای رتبه بالا، کسب بودجه

پژوهشی از بیرون، تلاش برای ارتقاء روبه‌رو هستید؟

• روش‌ها یا رویکردهایی که به آن‌ها علاقه دارید چیست؟ روش‌های مورد استفاده‌تان چگونه می‌توانند به فرایند

پژوهش و دانش تولیدشده شکل بدهند؟

بنابراین مشخصاً، بازتابندگی یعنی انعکاس بازاندیشیانه موضع پژوهشگر در پژوهش‌های کیفی که لزوماً نباید به مثابه اجتناب از سوگیر تفسیر شود.

### برخی مناقشات و پرسش‌های متداول در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد

دکتر ابراهیمی در خاتمه سخنانش گفت: آیا نباید از ادبیات پژوهش موجود در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استفاده کرد چون باعث سوگیری می‌شود؟ این مناقشه به پیشنهاد گلیرز و اشتراوس بازمی‌گردد: «یک راهبرد اثربخش آن است که در ابتدا، ادبیات پژوهشی نظری و شواهد مربوط به حوزه مورد مطالعه نادیده گرفته شود». برایانت و چارمز (۲۰۰۷) نشان داده‌اند که این مناقشه از آن زمان تا کنون در جریان است. برای مثال، گلیرز (۱۹۹۸)، تأکید دارد که هنگام شروع یک مطالعه نظریه‌پردازی داده‌بنیاد از مرور ادبیات پژوهشی مربوط به نظریه‌ها و پژوهش‌های موجود خودداری شود و این کار تا نزدیک شدن به تکمیل نظریه داده‌بنیاد مورد نظر به تعویق بیفتد. هولتون (۲۰۰۷) نیز به شیوه مشابهی معتقد است مرور ادبیات پژوهشی که در دیگر ساحت‌های پژوهش نهفته است، می‌تواند گشودگی پژوهشگران نسبت به حوزه مطالعه خود را محدود کند.

ممکن است این سؤال طرح شود که نقش داده‌ها و پژوهشگر در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد چیست؟ در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد اولیه نقش اصلی پژوهشگران، گشودگی و گمراه نشدن توسط پیش‌دوری‌ها، خواندن دیگر نظریه‌ها و مطالعات و تأثیر روش‌های جمع‌آوری داده‌ها و قوانینشان بود. آن‌ها در ابتدا می‌بایست مانند «لوح سفید» می‌بودند و سپس استنتاجات استقرایی انجام می‌دادند، اما پس از آن پژوهشگران اجماع فزاینده‌ای در این زمینه داشتند که پژوهشگر بدون پیش‌فرض، نقشی به جامانده از کتاب اولیه گلیرز و اشتراوس است و همچنان محرک رویکردی است که گلیرز با جدیت برای آن می‌جنگد. در بافتار فهم سازاگرای چارمز و مفهوم موقعیت‌گرا/پسامدرن کلارک از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، این استقراگرایی خام کنار گذاشته شده و آگاهی از نقش پژوهشگر در فرایند تکوین (به جای کشف) نظریه‌های داده‌بنیاد جای آن را گرفته است. اکنون دیگر در این بافتار نیز پذیرفته شده که (مانند تمامی انواع دیگر پژوهش‌های اجتماعی) تأثیرات پژوهشگر و شیوه‌ای که پژوهش از طریق آن انجام می‌شود را نمی‌توان نادیده گرفت.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۷۳۰>

گروه مدیریت  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
به مناسبت هفته پژوهش برگزار می‌کند:  
(نشست دهم)

**روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی:  
رونکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو**

**دکتر فاطمه براتلو**  
سوگیری‌های پنهان: اثرپذیری روش‌های پژوهش از تفاوت‌های فرهنگی

**دکتر الهام ابراهیمی**  
بازتابندگی: مفهومی کلیدی در مواجهه با سوگیری در پژوهش‌های کیفی  
مدیر جلسه:

**دکتر مزگان روشن‌نژاد**  
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۲ ساعت ۱۰:۰۰ تا ۱۲:۰۰  
مکان: پژوهشکده دانش‌انگاری، طبقه ۴، سالن جلسات  
لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-wq1-ex6-f3m>

پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی و اجتماعی  
روشن‌بینی و تفکر انتقادی  
فرایند پژوهش و تولید دانش  
پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی و اجتماعی

## گزارش یازدهمین نشست همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی»

یازدهمین نشست از سلسله نشست‌های همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی؛ رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو» با سخنرانی دکتر الهام ابراهیمی و دکتر مژگان روشن‌نژاد (اعضای هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)، ۱۹ آذرماه ۱۴۰۲ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. مدیریت این نشست نیز بر عهده دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی بود.

### تحلیل‌گری به‌عنوان روشی داده‌محور برای تصمیم‌گیری در حوزه منابع انسانی

در ابتدای نشست دکتر ابراهیمی (دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) بحث خود را با عنوان «تحلیل‌گری به‌عنوان روشی داده‌محور برای تصمیم‌گیری در حوزه منابع انسانی» آغاز کرد و گفت: بحث امروز دارای دو وجه است: نخست، موضوع تحلیل‌گری (Analytics) و دوم، بحث مدیریت منابع انسانی. هدف از برگزاری این نشست این بود که این دو وجه را به یکدیگر نزدیک و مرتبط کنم. موضوع نشست در سه حوزه پیگیری می‌شود: ۱. تعریف تحلیل‌گری به‌صورت عام و نیز به‌صورت خاص‌تر در سازمان مورد بحث قرار می‌گیرد (به‌عنوان مثال در حوزه بازاریابی، مالی، آی‌تی و نظایر آن) و سپس موضوع تحلیل‌گری در حوزه منابع انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ ۲. رویکردهای مختلف در زمینه تحلیل‌گری منابع انسانی وجود دارد که یکی از رویکردها، که یک رویکرد هشت مرحله‌ای و رویکردی جامع و کامل است، معرفی می‌شود و ۳. بخشی از طرح مؤظف من در پژوهشگاه علوم انسانی که به موضوع نشست (امروز) مرتبط است طرح خواهد شد؛ این که اصولاً پژوهش‌های حوزه تحلیل‌گری منابع انسانی چه روندی را طی کرده‌اند، از کجا شروع شده و به کجا رسیده‌اند، به کدام حوزه‌ها بیشتر پرداخته شده و شکاف در چه جاهایی است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### تحلیل‌گری داده در سطوح مختلف

دکتر ابراهیمی تعریف تحلیل‌گری داده را به این صورت بیان کرد: «استفاده از روش‌های آماری برای تحلیل کلان‌داده‌ها و اتخاذ تصمیمات مبتنی بر شواهد». وی در ادامه انواع مختلف تحلیل‌گری را این‌چنین نام برد: تحلیل‌گری در سازمان: جایگزینی تصمیمات ابتکاری-اکتشافی و تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر شهود با تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر داده که با تأکید بر انتخاب‌های عینی (در برابر انتخاب‌های ذهنی)، مقوم نتایج سازمانی است. در سازمان‌ها در برخی موارد، تصمیمات مبتنی بر آزمون و خطا یا تجربه‌های سازمان‌های دیگر است، اما رویکردی که تحلیل‌گری در سازمان‌ها پیگیری می‌کند، جایگزینی تصمیمات ابتکاری-اکتشافی و مبتنی بر آزمون و خطا با تصمیم‌گیری مبتنی بر داده است، به‌طور کلی هدف از تحلیل‌گری در سازمان این است که سازمان به نتایج بهتری نایل شود.



تحلیل‌گری منابع انسانی: استفاده از روش‌های آماری برای تحلیل کلان داده‌ها که ترکیبی از اطلاعات به دست آمده از پایگاه‌های اطلاعاتی منابع انسانی، صورت‌های مالی شرکت‌ها، پیمایش‌های کارکنان و دیگر منابع اطلاعاتی هستند و از آن‌ها برای اتخاذ تصمیمات منابع انسانی مبتنی بر شواهد و نشان دادن تأثیر فعالیت‌های منابع انسانی بر نتایج نهایی کسب و کار نظیر سود و هزینه استفاده می‌شود. از دیرباز رویکرد منابع انسانی با حوزه اداری، پشتیبانی و کارکردهای اجرایی یکسان دیده شده است. با این حال در کشورهای مختلف، همین‌طور کشورمان (ایران) سازمان‌هایی هستند که در حوزه منابع انسانی پیشرفت‌های زیادی داشته‌اند. این‌گونه از سازمان‌ها عمدتاً سطح بلوغ بالاتری نسبت به سازمان‌هایی دارند که به عملکردهای روتین منابع انسانی از جمله حقوق و دستمزد بسنده کرده‌اند.

### فلسفه ایکیگای و تحلیل‌گری منابع انسانی

فلسفه ایکیگای، فلسفه ژاپنی است و در حوزه‌های مختلفی نیز مطرح می‌شود. مفهوم آن به معنی دلیلی برای زندگی (بودن) است این مفهوم به شخص کمک می‌کند تا مشخص کند که دوست دارد چه کاری را انجام دهد تا صبح‌ها با انرژی و شوق فراوان بیدار شود. مطابق این فلسفه، حوزه‌های مختلفی از زندگی وجود دارد که به آن علاقه‌مندیم یا در آن مهارت داریم، موضوعاتی وجود دارد که فارغ از علاقه و مهارت می‌توانیم از طریق آن درآمد کسب کنیم، محل تقاطع این موارد است که فلسفه بودن را ایجاد می‌کند. تصویر سمت چپ از آن الهام گرفته شده و از آن به‌عنوان استعاره‌ای برای شرح الزامات تحلیل‌گری منابع انسانی استفاده شده است.

### ترکیب منحصر به فرد مهارت‌های تحلیل‌گری منابع انسانی (استعاره سرآشپز)

در سال ۲۰۲۱ روزلت و هاگرتی استعاره‌ی جالبی با عنوان سرآشپز را برای تبیین مهارت‌های موردنیاز تحلیل‌گری منابع انسانی طرح کردند.

مجموعه مهارت‌های اول: محاسبات، داده برای سرآشپز مانند آشپزخانه او و همه ابزارهای درون آن است؛ محاسبات، بوم پایه‌ای است که تمام تحلیل‌های منابع انسانی روی آن نقش داده شده است، از سخت‌افزار تا نرم‌افزار. مجموعه مهارت‌های دوم: رفتار، درک رفتار برای متخصص تحلیل‌گر داده‌های منابع انسانی مانند درک مواد تشکیل‌دهنده غذا برای سرآشپز است. محیط کار و بروندهای کاری، همه و همه توسط افراد ایجاد می‌شوند.

مجموعه مهارت‌های سوم: آمار و روش تحقیق، برای سرآشپز داده، آمار و روش‌های تحقیق، فنون آشپزی هستند. جوشاندن یا پختن؟ خرد کردن یا چرخ کردن؟ مشابه رفتار، در اینجا هم سرآشپز در مورد مواد تشکیل‌دهنده صحبت نمی‌کند، بلکه در مورد اینکه چگونه آن‌ها را کنار هم قرار دهد تا غذای خوشمزه درست شود فکر می‌کند. قبل از جمع‌آوری داده‌ها و انتخاب شیوه تحلیل شکل‌های مختلف داده، ملاحظات زیادی باید در نظر گرفته شود. آمار و روش‌های تحقیق به ما کمک می‌کنند تا نحوه انجام این کار را به خوبی درک کنیم.

مجموعه مهارت‌های چهارم: شم کسب و کار. رکن نهایی در تشبیه سرآشپز، شم کسب و کار است. این مسأله است با فهم افرادی که قرار است غذا را بخورند و اینکه کجا و چه زمانی آن را می‌خورند. نیازهای کسب و کار مهم است، بافتار صنعت مهم است، انتظارات، ملاحظات، مطالبات و تمایل کاربران نهایی نیز مهم است.

گونه‌های تحلیل‌گری منابع انسانی

دکتر ابراهیمی درباره گونه‌های تحلیل‌گری منابع انسانی شرح داد: سه گونه تحلیل‌گری منابع انسانی معرفی می‌شوند (البته در برخی منابع چهار گونه عنوان شده است)؛

### دکتر ابراهیمی در توصیف هر یک از گونه‌ها می‌پردازیم؛ موارد زیر را مطرح کرد:

تحلیل‌گری توصیفی Descriptive Analytics: نقطه شروع تحلیل‌های پیچیده‌تر است و به این سؤال پاسخ می‌دهد «چه اتفاقی افتاده است؟». این نوع تحلیل داده‌های خام را به شکل داده‌های تاریخی و گذشته‌نگر تلخیص کرده و به کشف الگوهای کمک می‌کند که می‌توانند بینشی برای توضیح دلایل وقوع یک رخداد ارائه دهند.

تحلیل‌گری پیش‌بین Predictive Analytics: به این سؤال پاسخ می‌دهد: «احتمال دارد چه اتفاقی بیفتد؟» تحلیل‌گری پیش‌بین، تلاش برای پیش‌بینی رخدادها قبل از وقوع آن‌هاست. در حالی که تحلیل‌گری توصیفی به آنچه هست و آنچه بوده، مربوط می‌شود، تحلیل‌گری پیش‌بین به آنچه خواهد بود، می‌پردازد.

تحلیل‌گری تشخیصی Diagnostic Analytics: در این تحلیل‌گری به این سؤال پاسخ داده می‌شود که «چرا این اتفاق افتاد؟». تحلیل‌گری توصیفی و پیش‌بین در مورد حالات بودن (چه «بود»، چه «هست» و چه «خواهد بود»)، اطلاعات می‌دهند، در صورتی که تحلیل‌گری تشخیصی به «چرایی» می‌پردازد.

تحلیل‌گری تجویزی Prescriptive Analytic: برخی منابع، تفاوتی میان دو گونه تحلیل‌گری تشخیصی و تحلیل‌گری تجویزی قائل نیستند و معتقدند تشخیص می‌تواند به تجویز منتهی شود. «چه باید بکنیم؟». هرچند به گمان من این دو لازم است جدای از یکدیگر مورد توجه قرار گیرند، چون تشخیص، لزوماً و مستقیماً به تجویز منتهی نمی‌شود.

### رویکرد هشت مرحله‌ای جامع‌نگر دیز (۲۰۲۰) برای تحلیل‌گری به شکل زیر است:

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هریک از این هشت مرحله برای انجام تحلیل‌گری منابع انسانی لازم و ضروری هستند. من در نهایت نتایج بخشی از طرح پژوهشی موظف خود (در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) را که در حوزه تحلیل‌گری منابع انسانی انجام شده ارائه می‌دهم تا مشخص شود در این حوزه چه فرآیندی طی شده و چه جاهایی شکاف وجود دارد؛ کاری که انجام شده، تحلیل کتاب سنجی بوده و پایگاه داده از وب آو ساینس انتخاب شده است. البته اگر از پایگاه‌های داده‌ای همانند اسکوپوس که تعداد مقالات بیشتری را شامل می‌شود را جست‌وجو می‌کردم نتایج گسترده‌تری (با کیفیت پایین‌تر) حاصل می‌شد. اولین بار این موضوع سال ۲۰۰۸ در یک مقاله معرفی شد.

از آن زمان با توجه به شیب نمودار که به شدت صعودی بوده تا سال‌های ۲۰۲۲ تعداد مقالات منتشر شده در این حوزه روند صعودی داشته است. تحلیل هم استنادی که انجام داده‌ام و مقاله‌ای با عنوان «سیر تحول و بنیان‌های فکری-مفهومی پژوهش‌های حوزه تحلیل‌گری منابع انسانی» در فصل‌نامه پژوهشی مطالعات منابع انسانی هم چاپ شده است، نشان می‌دهد مقالات حوزه تحلیل‌گری منابع انسانی در چهار خوشه قابل دسته‌بندی هستند که در این شکل نشان داده شده است.

خوشه نخست (قرمز رنگ): سه ویژگی جالب توجه دارد. نخست؛ عمدتاً شامل پژوهش‌هایی مرتبط با چپستی، کارکردها و نتایج به‌کارگیری تحلیل‌گری منابع انسانی برای کسب مزیت رقابتی در سازمان‌هاست. دوم؛ پژوهش‌های این خوشه عمدتاً مروری بوده یا با هدف برجسته کردن موضوع از دیدگاه صرفاً مدیریتی منابع انسانی (و نه دیدگاه فنی-آماري-روشی) به مسئله توجه کرده‌اند. سوم؛ بخش عمده پژوهش‌های انجام شده در زمینه تحلیل‌گری منابع انسانی در این خوشه قرار دارند.

خوشه دوم (سبز رنگ): دو شباهت و دو تفاوت عمده با خوشه نخست دارد. شباهت از این جهت که تقریباً هم‌تعداد با خوشه نخست توسعه یافته و مانند خوشه نخست متمرکز بر مقالات مروری است. پژوهش‌های این حوزه واجد دو ویژگی متمایزکننده هستند. نخست؛ در سطح نظر به تأثیر به‌کارگیری فن‌آوری در حوزه منابع انسانی-البته در سطوح کمتر فنی (مانند مباحث آماری، سنجها و سیستم‌های اطلاعاتی منابع انسانی) بر نتایج سازمان (مانند نرخ بازگشت سرمایه) ورود کرده‌اند و دوم؛ در سطح کاربرد از تحلیل‌های توصیفی و در موارد معدود تشخیصی فراتر نرفته‌اند.

خوشه سوم (زرد رنگ): نخست آنکه برخلاف دو خوشه پیشین مروری نیست. دوم؛ عملاً از روش‌های پیچیده‌تر علم داده برای تحلیل‌گری منابع انسانی استفاده کرده است. سوم؛ عموماً نویسندگان حوزه‌های فنی مهندسی به نگارش مقالات این خوشه مبادرت کرده‌اند و در نهایت؛ تحلیل‌های پیچیده‌تر پیش‌بین یا تشخیصی در حوزه تحلیل‌گری منابع انسانی را مدنظر قرار داده‌اند.

خوشه دوم (سبز رنگ): دو شباهت و دو تفاوت عمده با خوشه نخست دارد. شباهت از این جهت که تقریباً هم‌تعداد با خوشه نخست توسعه یافته و مانند خوشه نخست متمرکز بر مقالات مروری است. پژوهش‌های این حوزه واجد دو ویژگی متمایزکننده هستند. نخست؛ در سطح نظر به تأثیر به‌کارگیری فن‌آوری در حوزه منابع انسانی-البته در سطوح کمتر فنی (مانند مباحث آماری، سنجها و سیستم‌های اطلاعاتی منابع انسانی) بر نتایج سازمان (مانند نرخ بازگشت سرمایه) ورود کرده‌اند و دوم؛ در سطح کاربرد از تحلیل‌های توصیفی و در موارد معدود تشخیصی فراتر نرفته‌اند.

### روش‌های نوین گردآوری داده در حوزه منابع انسانی

سخنران دوم نشست، دکتر مژگان روشن‌نژاد (استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) بحث خود را با موضوع «روش‌های نوین گردآوری داده در حوزه منابع انسانی» شروع کرد و گفت: تحلیل‌گری بر پایه داده‌هایی که جمع‌آوری می‌شوند، صورت می‌گیرد. داده اولین خشت بنای دانایی است. تحلیل‌گری فرآیندی مبتنی بر داده است و با پردازش داده‌ها به دانشی می‌رسد که به تصمیم‌گیری در حوزه مدیریت و اینجا مشخصاً حوزه مدیریت منابع انسانی کمک می‌کند. تحلیل‌گری نوعی فهم و درک است.



فهمیدن پیوستاری است که از گردآوری داده (داده‌های دریافتی از محیط پیرامون، شامل افراد یا هر آنچه که موضوع مورد مطالعه باشد) شروع می‌شود و به دریافت اطلاعات، دانش و در نهایت به دانایی ختم می‌شود. داده‌ها وقتی پردازش شوند به اطلاعات تبدیل می‌شوند. یعنی با یافتن روابط میان داده‌ها می‌توان به اطلاعات رسید. برای این که اطلاعاتی را داشته باشیم که نهایتاً به دانش و دانایی منجر شود به ترکیبی از منابع مختلف نیازمند خواهیم بود. به عبارت دیگر چهار منبع برای اطلاعات داریم: فکت‌ها یا واقعیت‌ها (که از طریق مشاهده، ثبت، داده‌ها و تحقیق بدست می‌آیند)؛ تمها (که مرتبط با افراد، مکان‌ها و فرآیندهاست)؛ دیدگاه‌ها یا نظرات (که توسط کارشناسان یا خبرگان بیان شده، یا در بازخوردها و حکایت‌ها منعکس می‌شود)؛ و فناوری‌ها (همانند مصاحبه‌ها، گروه‌های کانونی و بینش‌های بیرونی). از ترکیب این منابع چهارگانه می‌توان به اطلاعات دست یافت. تمرکز این بحث روی فکت‌ها، آن‌هم از نوع داده است که کوچکترین جزء در پیوستار دانایی و همین‌طور تحلیل‌گری است. در شرایط امروز با توجه به پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و استفاده فراگیر از دستگاه‌های هوشمند که به شبکه جهانی (اینترنت) متصل می‌شوند، مباحث داده و کاربرد آن در تحلیل‌گری داده برای بهبود تصمیم‌گیری‌ها از جمله در حوزه مدیریت منابع انسانی مطرح شده است. این مباحث نوپدید و البته بسیار مهم هستند و می‌توانند تأثیرات شگرفی در حوزه مدیریت منابع انسانی در پی داشته باشند.

### انواع داده در منابع انسانی

دکتر روشن‌نژاد در ادامه بیان کرد: داده‌ها در سازمان به صورت کلی به دو دسته داده داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. داده داخلی عموماً از درون سازمان جمع‌آوری می‌شود و در اختیار سازمان و حوزه منابع انسانی است؛ داده خارجی، از محیط پیرامون و سایت‌های مرتبط جمع‌آوری می‌شود و به‌عبارتی مستقیماً در دسترس سازمان و مدیریت منابع انسانی سازمان قرار ندارد؛ این داده‌ها چه از منبع داخلی باشد یا خارجی، می‌تواند به صورت ساختاریافته، نیمه‌ساختاریافته یا ساختار نیافته باشند. داده‌های ساختار یافته، داده‌هایی هستند که می‌توان آن‌ها را در یک قالب مشخص و منظم قرار داد، به‌عنوان مثال می‌توان آن‌ها در یک جدول در اکسل گنجانید، نمونه این داده‌ها

داده‌های مربوط به سن پرسنل و یا میزان حقوق و دستمزد است. عمدتاً این داده‌ها کمی هستند. داده‌های ساختار نیافته، داده‌هایی هستند که در یک قالب جای نمی‌گیرند و عمدتاً به صورت متن، تصویر و ویدئو هستند. نوع ثبت و ضبط آن‌ها متفاوت است. این داده‌ها کیفی هستند. نیمه ساختار یافته نیز بین این دو قرار می‌گیرد؛ یعنی بخشی از آن‌ها ساختار یافته و بخش دیگر ساختار نیافته است. مثل کامنت‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی گذاشته می‌شود. این کامنت‌ها را می‌توان بر اساس تاریخ، زمان ارسال یا تعداد کلمات در قالب قرار داد (ساختار یافته) در حالی که براساس محتوای متنی، ساختار نیافته بوده و می‌توانند شامل متن و ایموجی باشند.

### چالش‌های داده در حوزه منابع انسانی

دکتر روشن‌نژاد توضیح داد که محقق در حوزه منابع انسانی ممکن است با چالش‌های زیر در رابطه با گردآوری داده‌ها روبه‌رو شود:

- دریافت داده‌های نادرست؛
- دریافت حجم زیادی داده بی‌فایده؛
- داده‌هایی که بر گذشته تمرکز دارند؛
- عدم دریافت داده از بخش‌های دیگر؛
- مشکل بودن ترکیب داده‌های سیستم‌های مختلف یا اشکال مختلف؛
- جمع‌آوری داده‌هایی که منابع انسانی به جمع‌آوری آنها عادت دارند؛

گروه مدیریت  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
به مناسبت هفته پژوهش برگزار می‌کند:  
(نست یازدهم)

**علوم انسانی و تمدن‌سازی**

**روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی:  
رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو**

دکتر الهام ابراهیمی  
تحلیلی‌گری به عنوان روشی دامن‌محور برای تصمیم‌گیری در حوزه منابع انسانی

دکتر مژگان روشن‌نژاد  
رویکردهای نوین گردآوری داده در حوزه منابع انسانی  
مدیر جلسه:

دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی  
(عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

یکشنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۲ ساعت ۱۰ تا ۱۲  
مکان: پژوهشگاه دانش‌بنیان‌نگاری، طبقه ۴، سالن جلسات

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.ihs.ac.ir/b/ihs-kvy-jn7-xcl>

QR Code

تولید و انتشار: مرکز نشر و ارتباطات علمی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- تأکید روی اعداد ناخالص (میانگین ممکن است گمراه کننده باشد)؛
- عدم درک نحوه اتصال داده‌های منابع انسانی به داده‌های تجاری؛
- عدم شناسایی همبستگی‌ها و علیت داده‌ها؛
- شناسایی داده‌های مرتبط.

### عصر انفجار داده

در عصر جدید با پدیده‌های تحت عنوان انفجار داده (داده‌های انبوه یا کلان داده) روبه‌رو هستیم. وقتی صحبت از داده می‌شود منظور ردی است که در فضای مجازی از خود باقی می‌گذاریم. امروزه به علت پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و استفاده فراگیر از گوشی‌های هوشمند و ابزارهای هوشمندی که به شبکه جهانی (اینترنت) متصل می‌شوند؛ حجم تولید داده به‌شدت افزایش یافته است. زیرا با هر اقدامی که با دستگاه هوشمند انجام می‌دهیم، داده تولید می‌کنیم. مثلاً تماس گرفتن، کامنت دادن در شبکه‌های مجازی، دریافت پول از عابر بانک، و حتی کلیک کردن بر صفحه کیبورد کامپیوتر. در هر لحظه در دنیا انبوهی از داده تولید می‌شود. مدیر اجرایی شرکت آلفابت (هلدینگ اصلی گوگل) می‌گوید: حجم داده تولید شده در طول دو روز، به اندازه حجم کل داده‌ای است که بشر از ابتدای خلقت تا سال ۲۰۰۳ میلادی تولید کرده است. این حجم از داده ما را با وضعیت کلان داده یا داده‌های انبوه و به تعبیری انفجار داده مواجهه کرده‌است.

#### ماهیت داده‌ها

داده‌هایی که امروزه توسط دستگاه‌های هوشمند ایجاد می‌شوند، از نظر ماهیت به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند:

- داده‌های مربوط به فعالیت‌های منابع انسانی؛
- داده‌های مربوط به مکالمات بین افراد؛
- داده‌های تصویری و ویدئو؛
- داده‌های مربوط به حس‌گرها.

#### داده‌های مربوط به فعالیت‌ها:

داده‌های مربوط به فعالیت‌ها می‌توانند به‌صورت آنلاین (برخط) یا آفلاین باشند و دارای اهمیت زیادی هستند. هدف از داده‌هایی که جمع‌آوری می‌شود سنجش فعالیت‌های واقعی کارکنان است نه آنچه قرار است انجام دهند یا آنچه فرض می‌شود انجام می‌دهند. برای مثال تعداد ضربه‌هایی که یک تایپیست به صفحه کلیک رایانه می‌زند؛ یا شناسایی نحوه ارتباط کارکنان با مشتری به‌طور واقعی با استفاده از فناوری‌هایی که امکان ردیابی نحوه ارتباط را می‌دهد.

#### داده‌های مربوط به مکالمه:

این داده‌ها صرفاً شامل مکالمات تلفنی نمی‌شود، بلکه انواع ارتباط و مکالمه از طریق هر آنچه که موجبات ارتباط و مکالمه بین افراد را فراهم می‌کند، شامل می‌شود. این داده‌ها شامل یک مکالمه ساده با مشتری، ارسال یک پیام از راه تلفن یا رایانه، ارسال رایانامه (ایمیل)، پاسخ‌گویی به سؤالات یک نظرسنجی و حتی پست‌های به اشتراک گذاشته در شبکه‌های اجتماعی می‌شود.

#### داده‌های تصویری و ویدئو:

اکنون با گسترش استفاده از گوشی‌های هوشمند، حجم تولید این داده به شدت بالاست. این داده‌ها انواع تصویر و ویدئو را در برمی‌گیرد. برای مثال، سازمان‌هایی که خوش‌رویی کارکنان در برخورد با مشتریان برایشان اهمیت دارد، مثلاً در مورد مهمانداران شرکت‌های هواپیمایی یا فروشندگان کالاها، می‌توان با استفاده از این داده‌ها، و تحلیل حالات چهره کارکنان (داشتن لبخند) در مورد نحوه رفتار آنان با مشتریان تحلیل انجام داد.

#### داده‌های مربوط به حس‌گرها:

داده‌هایی هستند که حس‌گرها در یک زمان مشخص ذخیره می‌کنند. این داده‌ها اطلاعاتی در مورد موقعیت و زمینه‌ای که این داده‌ها در آن خلق شده، نمی‌دهند. استفاده از پوشش‌افزارها در حوزه HSE (حوزه ایمنی و بهداشت) برای سنجش دمای بدن، تعداد ضربان قلب، یا تعداد تنفس از آن جمله است.

#### نوآوری در روش‌های کیفی

شاید بتوان گفت که به‌صورت سنتی، داده‌های کمی بیشتر مورد توجه مدیریت و همین‌طور مدیریت منابع انسانی بوده است؛ هرچند روش‌های تحقیق کیفی از اوایل شکل‌گیری مدیریت در دهه ۱۹۳۰ با مطالعات هائورن کاملاً در حوزه مدیریت شناخته شده و مرسوم است. مشاهده و مصاحبه از روش‌های معمول گردآوری داده‌های کیفی در حوزه مدیریت منابع انسانی است؛ اما در سال‌های اخیر، اشتیاق بیشتری برای گردآوری داده‌های کیفی از روش‌هایی که

کمتر در این حوزه استفاده شده‌اند، به‌وجود آمده است. برخی از این روش‌ها در اینجا آمده است:

- استنباط تصویری photo-elicitation
- خاطرات روزانه qualitative diaries
- یادداشت‌های خودقوم‌نگاری autoethnographic vignettes
- پرسش از معجزه the miracle question
- تداعی کلامی آزاد free verbal associations

### استنباط تصویری

اخیراً استفاده از روش‌های بصری در علوم اجتماعی از جمله مدیریت و حوزه مدیریت منابع انسانی افزایش یافته است. استفاده از روش تحلیل عکس در مدیریت منابع انسانی (HRM) چندان فراگیر نیست. با این حال، فرصت تولید داده‌های کیفی غنی با استفاده از عکس وجود دارد. محققان می‌توانند از عکس‌هایی که در وبگاه‌های تحقیقاتی وجود دارند، استفاده کنند یا عکس‌های موجود در اسناد سازمان را تجزیه و تحلیل کنند، و از مشارکت کنندگان بخواهند که عکس‌های خود را در اختیار محقق قرار دهند.

### خاطرات روزانه

یک دفترچه خاطرات را می‌توان به‌عنوان «گزارش مکرر، اغلب روزانه، از تجربیات و مشاهدات شخصی که در آن افکار، احساسات و ایده‌های جاری بیان می‌شود» نامبرده درحالی‌که یادداشت‌های روزانه موضوعاتی است که همه ما از نظر ثبت رویدادها و تجربیات روزانه خود با آن آشنا هستیم، اما به ندرت به‌عنوان یک استراتژی جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند باوجود این واقعیت که یادداشت‌های روزانه به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان یک روش ارزشمند در مطالعه سازمان و مدیریت شناخته می‌شوند.

### یادداشت‌های خود قوم‌نگاری

داستان‌هایی از زندگی کاری افراد، یا تجربه زیسته زندگی کاری، یکی از منابع غنی داده است. با این حال، این تجربه نسبتاً دست نخورده باقی مانده است. افراد می‌توانند داستان‌های شخصی درباره جنبه‌هایی از زندگی کاری خود ارائه کنند که برای مخاطبان غیر آکادمیک جالب است. همچنین افراد می‌توانند گزارش‌های خود را در چارچوب آکادمیک به‌طور انتقادی تحلیل کنند.

### پرسش از معجزه

گاهی اوقات مشکل تحقیقات متمرکز بر منابع انسانی این است که می‌تواند بیش از حد به سازمان توجه داشته باشد و نظرات و تجربیات کارمندان را نادیده بگیرد یا برعکس، بیش از حد به ویژگی‌های فردی کارکنان توجه داشته باشد بدون اینکه عوامل زمینه‌ای مهم در داخل و خارج از محل کار در نظر گرفته شود. «درخواست معجزه» منشأ روان‌پزشکی دارد. افراد به‌دلیل وجود مشکلاتی در زندگی خود به مشاور مراجعه می‌کنند، اما مشکلی که مراجعه کننده مطرح می‌کند، خود مشکل است. پاسخ به سؤال معجزه، کمی تخیل لازم دارد. تصور کنید اینجا را ترک کنید و به خانه بروید. تمام فعالیت‌های معمول خود را انجام می‌دهید، سپس خسته می‌شوید و در نهایت به خواب می‌روید. در حالی که شما خواب هستید معجزه‌ای رخ می‌دهد و شما از آن خبر نداشتید. همه مشکلات زندگی شما به‌دلیل این معجزه حل شده است. چه چیزهایی متفاوت خواهد بود؟ چگونه می‌توانید بگویید که یک معجزه رخ داده است؟

### تداعی‌های کلامی آزاد

چگونه می‌توانیم نگرش یک فرد را نسبت به یک موضوع خاص بسنجیم و بفهمیم که در مورد آن چه فکر می‌کند و چگونه برای آن ارزش قائل است؟ (اندازه‌گیری معنا). این سؤال ارتباط عملی زیادی با تحقیقات مدیریت منابع انسانی (HRM) دارد. به‌عنوان مثال، اندازه‌گیری رفتار شهروندی سازمانی (OCB)، رضایت شغلی و انگیزه، سبک رهبری یا سیستم‌های انگیزشی. تداعی‌های کلامی آزاد (مکتوب یا شفاهی) که برای یک فرد در پاسخ به یک کلمه محرک رخ می‌دهد به ما امکان می‌دهد نگرش پاسخ‌دهنده را نسبت به موضوعی که توسط کلمه محرک توصیف می‌شود، اندازه‌گیری کنیم. ابتدا، مجموعه‌ای از کلمات یا تصاویر، یا شیء (محرک) به‌صورت شفاهی یا کتبی به آزمودنی ارائه می‌شوند. از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود که تداعی‌های (پاسخ‌های) خود را بیان کنند، یعنی هر آنچه در آن لحظه به ذهن‌شان می‌رسد.

لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihs.ac.ir/fa/news/۲۴۷۴۰>

## گزارش دوازدهمین نشست همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی»

دوازدهمین نشست از سلسله نشست‌های همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی: رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو» با سخنرانی دکتر فرهاد نظری‌زاده و دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی ۲۱ آذرماه ۱۴۰۲ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد، مدیریت این نشست نیز بر عهده دکتر مژگان روشن‌نژاد بود.

### آینده‌پژوهی؛ از تزئین بدون کاربرد تا دانش نافع



دکتر فرهاد نظری‌زاد (استادیار دانشگاه مالک اشتر)، سخنرانی خود را با موضوع «آینده‌پژوهی؛ از تزئین بدون کاربرد تا دانش نافع» آغاز کرد و گفت: زمانی‌که در مورد آینده بحث می‌شود، حقایق مشخص و عینی برای آن وجود ندارد و این موضوع پیچیدگی مضاعفی در پژوهش ایجاد می‌کند. پژوهشگر با یک‌سری ابهام، ریسک، بی‌ثباتی و عدم قطعیت مواجه خواهد بود و در عین حال محقق علاقه‌مند است اطلاعات، آگاهی و اشرافی از آینده کسب کند و گاهی نیز این تمایل وجود دارد که آینده را به سمت وضعیت مطلوب سوق داد، بنابراین پژوهش دچار کمی پیچیدگی‌های مرکب (مضاعف) خواهد داشت.

طبق تعریف، آینده‌پژوهی تلاشی نظام‌مند برای شناخت، تحلیل یا خلق آینده‌های بلندمدت در عرصه‌های مختلف

زندگی اعم از علم، فناوری، اقتصاد، سیاست و... به‌منظور تعریف و تعیین حوزه‌های اساسی برنامه‌ریزی، تحقیقات، اقدام و سایر موضوعاتی است که احتمالاً بیشترین منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را برای انسان‌ها در پی خواهند داشت.

آگاهی از آینده و تسلط بر آن، نیازی مهم و مورد توجه همه انسان‌ها در طول تاریخ بوده است و این نیاز به شکل‌های گوناگون در تمدن‌های مختلف بشری ظهور و بروز یافته مانند جادوگری، فال‌گیری، ستاره‌شناسی، روشن‌بینی، پیش‌گویی... اگر در فرهنگ‌های مختلف جست‌وجوی انجام شود ملاحظه می‌شود که کاهنان مصر نوعی از پیش‌گویی را به اجراء می‌گذاشتند؛ نیايشگاه دلفی یونان از نقاط عطفی است، که در فرهنگ یونانی معروف است. در آنجا به‌نوعی انسان‌های مختلف تلاش می‌کردند به پیش‌گویی بپردازند؛ در فرهنگ ایران نیز سمیت به‌عنوان یک پیش‌گوی معرفی شده است. در عصر جدید با یک دنیای بی‌ثبات که پیچیدگی‌های مختلف و تغییرات سریع دارد مواجه خواهیم بود، دنیای بی‌ثبات که ناپیوستگی و رفتارهای ناموزون در آن دیده می‌شود، این بی‌ثباتی به مفهوم افزایش بی‌ثباتی نسبت به گذشته است.. ویژگی دیگر دنیای کنونی، عدم قطعیت است به‌گونه‌ای می‌توان گفت، عدم قطعیت به‌دلیل فقدان الگوهای تکرار شونده و نتایج نامعلوم است از این‌رو پژوهشگر قادر نیست پیش‌بینی واضحی انجام دهد و عواملی تأثیرگذار بر وضعیت را اولویت‌بندی کند. ویژگی دیگر پیچیدگی است، پیچیدگی به علت تعدد عوامل روابط غیرخطی و عوامل تعیین‌کننده فرایند توسعه می‌باشد که به طرز قابل توجهی ناشناخته است. ویژگی دیگر ابهام است که می‌توان گفت، شرایط گنگ و سردرگمی که پژوهشگر با آن مواجه است به‌دلیل تعدد ناشناخته‌های پنهان و شفاف نبودن اطلاعات است و تجربه‌های گذشته در مواجهه با پدیده‌های نوظهور ممکن است کارایی نداشته باشد. البته انسان‌ها در هر دورانی نسبت به گذشته، زمان خود را مبهم‌تر و پیچیده‌تر می‌دانند. در این دوره قابلیت دسترسی به اطلاعات نسبت به دوره‌های پیشین بسیار بیشتر است، بعضاً روش‌های تحلیل نیز پیشرفت کرده‌اند و بر مبنای روش‌های انسان‌محور است تا شیوه‌های هوش مصنوعی.

دلایلی که موجب شد طرح آینده‌پژوهی به‌عنوان یک دانش معرفی شود:

از قرن ۱۶ یا ۱۷ برخی ریاضی‌دانان به استفاده از روش‌ها و تکنیک‌هایی برای پیش‌بینی وضع هوا روی آوردند و آن را در عرصه‌های اجتماعی و زندگی بشر تعمیم دادند؛ تلاش‌های آینده‌پژوهی در قالب مطالعه علمی آینده، طی قرن بیستم شکل گرفت و نقطه عطف مباحث آینده‌پژوهی در دوره‌های پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم بود. چرایی آینده‌پژوهی



تلاش‌های آینده‌پژوهی در قالب مطالعه علمی آینده، طی قرن بیستم شکل گرفت؛ اما نقطه عطف مباحث آینده‌پژوهی در دوره‌های پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم بود:

شکل‌گیری آینده‌پژوهی (Futures Studies) در آمریکا:

\* آماده بودن فضای جهانی بعد از جنگ جهانی دوم برای تسلط فزاینده آمریکا؛

\* مسیر چند بعدی توسعه ارکان سلطه (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی ...)

\* محوریت توسعه قدرت نظامی بر پایه فناوری

\* آینده‌پژوهی و سیاست‌گذاری کلان، پیش‌بینی و آینده‌نگاری فناوری (دولت، کنگره ...)

\* مؤسسه رند (هرمان کان، تئودور گوردون)

\* جلوگیری از غافلگیری نیروهای مسلح در برابر پیشرفت‌های فناوری رقبا و دشمنان (مؤسسه دارپا)

توجه به آینده‌نگاری (Foresight) با محوریت فناوری در اروپا به‌خصوص انگلیس و اروپای غربی

\* شبکه آینده‌نگاری اروپا

\* آینده‌نگاری فناوری

\* مطالعات روی کشورهای عضو ائی‌سی‌دی

جریان بازسازی و توجه به برنامه بلندمدت، جنبش پراسپکتیو (Prospective) و فتوریبل (Futurible) یا آینده‌نگری در فرانسه

\* شکست فرانسه در جنگ جهانی دوم و ضرورت برنامه‌ریزی برای آینده فرانسه

\* پراسپکتیو و دو ژوونیل (انجمن بین‌المللی آینده‌پژوهان: پیش‌بینی اجتماعی و سیاسی)

اهداف آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی به دنبال سه رویکرد شناخت آینده‌های محتمل، ارزیابی تصاویر آینده‌های ممکن (فارغ از این‌که بدانیم آینده چه چیزی به وقوع خواهد پیوست) و ساختن آینده مطلوب می‌باشد که ذیل آن این اهداف تعریف می‌شود:

\* مواجهه با آینده‌های مبهم؛

\* پرهیز از غافل‌گیری؛

\* تصمیم‌گیری پیش‌دستانه؛

\* تصویرهای بزرگ از آینده؛

\* ترسیم آینده مطلوب؛

\* شکل بخشیدن به آینده؛

هدف راهبردی آینده‌پژوهی

حفظ و ارتقاء سطح رفاه انسان‌ها و ظرفیت‌های تداوم‌بخش زندگی انسان در جهان است. به‌نوعی باید گفت که ظرفیت آینده‌پژوهی چیستو به‌کاربردن آینده‌پژوهی چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد؟ انتظار می‌رود با پرداختن به آینده از جهت علمی و پژوهشی به انسان‌ها کمک کند تا برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را پایدار سازند و در مسیر آینده منسوخ نشوند؛ به‌عنوان مثال اگر کتابی نگاشته می‌شود عمر آن دو سال نباشد و حداقل تا ۲۰ سال (مرجع) باشد و اگر برنامه توسعه ملی تدوین می‌شود ظرف پنج‌سال منسوخ نشود، با توجه به تحولات آتی تا ۵۰ سال اعتبار داشته باشد. یکی از ارزش‌افزوده‌های آینده‌پژوهی می‌تواند، افزایش ارتقاء پابرجایی باشد. ارزش‌افزوده دیگری که ما انتظار داریم آینده به ما اضافه کند این است که مطالعات و پژوهش‌ها با آینده‌پژوهی و بدون آن باید تفاوت داشته باشد؛ ارتقاء اثربخشی به این‌گونه می‌توان بیان کرد که آینده‌پژوهی به پژوهشگر یاری می‌رساند تا طرح‌ها و اقدامات (محقق) در آینده اثربخش‌تر باشند.

اهداف حرفه‌ای آینده‌پژوهی

۱) بررسی بنیان‌های معرفتی آینده‌پژوهی

۲) بررسی بنیان‌های اخلاقی آینده‌پژوهی

۳) تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال نسبت به آینده

۳) تلفیق دانش و ارزش برای طراحی حرکت اجتماعی

۴) افزایش مشارکت در تصویرسازی و طراحی آینده

- ۵) ترویج تصویری خاص از آینده و حمایت از آن اهداف عملی و دستاوردهای آینده‌پژوهی
- ۱- بازنگری راهبردی و مواجهه مؤثر با عدم قطعیت:
- \* به چالش کشیدن مفروضات اساسی و منطق غالب فعلی
  - \* هشدار پیش‌دستانه
  - \* اخذ تصمیمات راهبردی
  - \* توسعه‌های مفاهیم و کسب و کارهای جدید
- ۲- توقف اقدامات و پروژه‌های بدآتیه:
- \* ارزیابی اقدامات جاری
  - \* متوقف ساختن فعالیت‌های بی‌اثر و کم‌اثر برای آینده
- ۳- آغاز اقدامات خوش‌آتیه و نوآورانه
- \* آغاز پروژه‌های خوش‌آتیه نوآوری و پژوهشی
  - \* بازنگری و تغییر مجموعه محصولات و خدمات
  - \* بازنگری مدل‌های کسب‌وکار
- ۴- تحریک دیگران به اقدام:
- \* تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها و سیاست‌ها؛
  - \* تأثیرگذاری بر سازمان‌های دیگر.
- ۵- سایر منافع:
- \* بهبود وجهه و تصویر سازمان
  - \* ارتقاء روابط و تعاملات با جامعه
  - \* یادگیری اجتماعی
  - \* یادگیری سازمانی

باید در طراحی آینده بررسی شود که به چه صورت اغناء و اجماع سازی صورت می‌گیرد و چگونه همدلی و همراهی مخاطب را می‌توانیم به دست آوریم و در مسیر تحقق آینده پیشرفت کنیم؛ گاهی نیز به دنبال ترویج یک تصویر خاص از آینده هستیم. دانش آینده‌پژوهی یک دانش تلفیقی، چند رشته‌ای و فرارشته‌ای نیز محسوب شود و به همین تناسب و میزان روش‌ها و شیوه‌های پژوهش متنوع و معمولاً آمیخته و ترکیبی است؛ بنابراین میدان نیرو آینده در نظر گرفته شود موقعیت ما (زمان حالی که در آن قرار داریم) **(Insight)** بصیرت و بینش ترجمه می‌شود که در آینده‌پژوهی به مفهوم اینک‌نگری است، موقعیت حال، در پشت سر خود نیز گذشته‌ای دارد که باید مورد توجه قرار گیرد و از طرف دیگر آینده‌نگری **(forsight)** که فضای پیش‌روست و به آینده محتمل می‌پردازد و فضای مطالعه آینده‌پژوهی را تشکیل می‌دهد زمانی که در مورد آینده‌های ممکن بحث می‌شود و رویکرد اکتشافی به آینده دارد یا زمانی که ممکن است نسبت به آینده تصویرسازی انجام شود و جایی که در مورد آینده‌های محتمل گفت‌وگو صورت می‌گیرد؛ ارزیابی تصویر... وقتی در مورد آینده مرجح صحبت می‌شود، آینده مطلوب (چشم‌انداز) مدنظر است.

دکتر فرهاد نظری‌زاد درباره مؤلفه‌هایی که به آینده شکل می‌دهند، بیان کرد:

### مؤلفه‌هایی که موجب شکل دهی و تأثیرگذاری در آینده می‌شوند، مؤلفه‌های مختلفی هستند

- ۱- پیشران‌ها و روندهای آینده: پیشران‌ها دارای مسیر و گذشته‌ی هستند و تداومی به سمت آینده دارند مانند پیشران فرهنگ، اقتصاد، فناوری و... همه دارای عقبه‌ای هستند و در آینده نیز ظهور خواهند کرد و همه پیشران‌ها دارای این ویژگی‌ها هستند، پیشران‌ها اولین و اصلی‌ترین مؤلفه آینده است که مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ روندهای و نیروهای شکل دهنده آینده که ممکن است تلفیق چندین روند باشند که به آن پیشران گویند. ۲- رویدادها پدیده‌هایی هستند که فضای موجود را دگرگون می‌سازند. همه این موارد پدیده‌های محیطی هستند؛ از طرف دیگر پدیده‌های ذهنی نیز وجود دارد، تصاویری که از آینده در ذهن خود می‌پرورانیم یا دورنمایی که ترسیم یا اهدافی که برنامه‌ریزی کرده‌ایم، این مسائل بیشتر از اینکه واقعی باشند در ذهن شکل گرفته‌اند، فعالیت‌های ما را به سمت خود جذب می‌کنند.
- ۳- اقدامات عملی نیز وجود دارد که بنا بر فشارهای موجود، موقعیت و دلایل مختلف اقدام عملی صورت می‌گیرد که این اقدام ممکن است با چشم‌اندازی که برای خود مشخص کرده‌ایم تطبیق نداشته باشد.

### فرآیند عملی آینده‌پژوهی

جهت انجام یک اقدام آینده‌پژوهی باید پنج گام را طی کرد:

\* گام اول: شناسایی و پایش تغییرات (دیده‌بانی و رصد): شامل فعالیت‌هایی از جمله روش‌هایی همچون پویش محیطی، شناسایی علایم ضعیف (تکنیک‌های مثل پازل...)، تشخیص موضوعات نوظهور و... هفتم آن شناسایی و پایش تغییرات خیلی مهم هستند. همچنین روش‌های مذکور می‌تواند نقطه شروعی برای نقد و تحلیل باشد؛

\* گام دوم: نقد و تحلیل تغییرات (پیش‌بینی، تحلیل روند، عدم قطعیت...): روش‌های نظیر پیش‌بینی (مانند رگرسیون و برون‌یابی...)، روندپژوهی، تحلیل اثرات متقابل، ترازبایی، معنابخشی و... برای نقد و تحلیل کاربردهای مهمی دارند؛ مانند هوش مصنوعی که از حدود ۶۰ سال پیش مطرح شد و بعد از چند دهه افول هم‌اکنون با طرح فناوری‌های از جمله **Chat gpt** دوباره خود را مطرح کرده است؛

\* گام سوم: به‌تصویر کشیدن آینده‌های بدیل/جایگزین/سناریوها: سناریوها و روش‌های مرتبط با آن (روش‌های جی.بی.ان، شوارتز، تاس،...) در تصویرسازی از آینده‌های بدیل نقش بسیار برجسته دارند؛ به‌عنوان مثال، در مورد دنیای آینده چندین سناریو مطرح است که هر کدام ممکن است مطلوب کشوری باشد. البته اقدام آینده‌پژوهی می‌تواند در گام سوم ختم و بیان شود که هدف تولید سناریو بوده است؛

\* گام چهارم: تجسم آینده‌های مرجح/مطلوب: روش‌های آینده‌نگاری، چشم‌اندازپردازی، پس‌نگری هدف آن‌ها برای تجسم آینده‌های مطلوب و مرجح است؛

\* گام پنجم: طرح‌ریزی و پیاده‌سازی مراحل تحقق آینده مرجح/مطلوب: روش‌های برنامه‌ریزی راهبردی، برنامه‌ریزی بلند مدت، برنامه‌ریزی سناریومحور، برنامه‌ریزی پابرجا، برنامه‌ریزی مبتنی بر ارزش، نقشه‌راه و... فونونی هستند که در طرح‌ریزی و پیاده‌سازی (تحقق) آینده، ابزارهایی کلیدی تلقی می‌شوند؛ برنامه‌ریزی راهبردی و برنامه‌ریزی بلند مدت به‌نوعی رقیب آینده‌پژوهی محسوب نمی‌شوند به‌گونه‌ای مکمل هم تلقی می‌شوند. نکته‌ای که می‌تواند مفاهیم مطرح شده را به عمل نزدیک کند، روش‌ها و ابزارهای آینده‌پژوهی است. تحلیلی بر پروژه‌های آینده‌پژوهی انجام شده‌است و آن‌ها را از بُعد کیفی و کمی مورد بررسی قرار می‌گیرند و بر اساس آینده کوتاه یا بلند مدت تفکیک کنیم برخی از روش‌های رایج در آینده‌پژوهی مانند تکنیک دلفی یا سناریوپردازی جزء روش‌های کیفی و معطوف به آینده بلند مدت هستند؛ روش دلفی یکسری گزاره است که امتیازدهی می‌شود، تحلیل آماری می‌شود سپس نظرسنجی چند مرحله‌ای انجام می‌شود؛ مسئله مهم در دلفی تحلیل آماری نیست بلکه گزاره‌هایی است که برای آینده ترسیم شده‌اند. روش‌هایی مانند پس‌نگری و نقشه راه کیفی هستند (البته در این دو روش تحلیل روند نیز وجود دارد) خلاقیت و نوآوری در آن‌ها وجود دارد و در سناریوپردازی بخش تخیل آن خیلی مهم است؛ انواع روش‌های پیش‌بینی و پیش‌نگری که تکنیکال و شاخص‌محور هستند و عمدتاً در آینده کوتاه مدت می‌توانند روندها را مطرح کنند ولی تغییرات پارادایمی را انتظار نداریم که از این طریق حاصل شود و تغییرات پارادایمی را در چارچوب سناریو محور برای چند دهه ترسیم شود. جعبه ابزاری (روش‌هایی) که برای آینده‌پژوهی استفاده می‌شود به شکل اقتضایی (با توجه به مسائل، شرایط و امکانات) تکنیک و روش لازم برای آن انتخاب و رویکرد مورد نیاز تعیین شود.

دکتر نظری‌زاد شرح داد: به‌عنوان مثال یکی از تجربه‌های موفق آینده‌پژوهی مطرح می‌شود، شرکت رویال داچ شل در دهه ۷۰ میلادی تجربه مفیدی در زمینه آینده‌پژوهی داشته است، به‌گونه‌ای که در این زمینه کتابی تدوین شده است. در دهه ۶۰ میلادی این شرکت توسعه یافته و مدل توسعه آن به‌صورت ایجاد کسب و کارهای مستقل (در کشورهای مختلف) بوده است؛ در دهه ۶۰ حضور قوی در خاورمیانه به همراه اکتشافاتی داشته است و علاوه بر نفت و گاز در زمینه محصولات پتروشیمی صاحب نام است، در سال ۱۹۷۱ شرکت مذکور با یک شرکت ایتالیایی موفق شدند میدان گازی جهان را کشف کنند که بین قطر و ایران (پارس جنوبی) است که بعد از مدتی قطر با افزایش سهم خود آن منطقه به‌طور کل مالکیت خود را قطعی می‌کند، در سال ۱۹۷۳ بحران نفتی به دلیل جنگ اعراب و اسرائیل رخ می‌دهد و اعراب از نفت به‌عنوان سلاح استفاده می‌کنند و با صادر نکردن نفت قیمت آن افزایش می‌یابد، با رصد کردن این اتفاقات از همان زمان بر روی انرژی‌های تجدید شونده (مانند انرژی خورشیدی) متمرکز شدند،

موضوع مهم این است که قبل از رُخ دادن این حوادث پیش‌بینی‌ها انجام شده بود، در آن وهله زمانی پیرواک و پیتتر شوارتز که از سناریونویسان به‌نام است در آن زمان در واحد برنامه‌ریزی شرکت رویال داچ حضور داشت؛ با بررسی دیده‌بانی رصد که در کسب و کار شرکت صورت گرفت ذخائر نفت و منابع آن مشخص شد که به چه میزان است؛ از این رو دو سناریو تدوین شد، اول این‌که قیمت نفت تغییر زیادی نخواهد کرد، سناریو دوم پیش‌بینی افزایش نفت اسپیک بود و این اقدام موجب شد زمانی‌که قیمت نفت افزایش یافت از بین هفت شرکت رقیب تنها شرکت شل آمادگی لازم را جهت اقدام و واکنش سریع (در مواجهه با افزایش قیمت نفت، نسبت به بقیه شرکت‌ها) از خود نشان دهد.

### تجربیات موفق آینده‌پژوهی-آینده‌نگاری فناوری ژاپن

دکتر نظری‌زاد بحث را با مثالی از ژاپن ادامه داد، ژاپنی‌ها مطرح می‌کنند به اندازه‌ای که فناوری و قدرت صنعتی آن‌ها پیشرفت کرده، جامعه ژاپن پیشرفت نکرده است و چالش‌هایی در جامعه به‌وجود آمده و جامعه نسل پنج تعریف می‌شود؛ ژاپنی‌ها در دهه ۷۰ با یک نگاه تحولی برنامه توسعه ملی را طراحی کردند و در مورد موضوع فناوری نوظهور متمرکز شدند، دلیل این‌که روی این موضوع تلاش کردند به‌خاطر تعامل خوب آن موقع ژاپن با آمریکا بود، از سال ۷۱ مطالعات پیش‌بینی علم و فناوری، ابعاد وسیعی از مطالعه تعریف شد که هر پنج‌سال یک‌بار در ژاپن صورت می‌گیرد، در دهه ۸۰ ژاپن یکی از موفق‌ترین کشورها در زمینه اقتصاد جهانی بود، یکی از عوامل موفقیت ژاپن استفاده از آینده‌نگاری فناوری بود که منجر به پیش‌بینی‌های صحیح شده بود مانند: نیمه رسانا، الکترونیک، میکرو الکترونیک و ارتباطات که محصولات آن را در اطراف ملاحظه می‌شود حاصل این اقدام است. در دهه ۷۰ محور اصلی هم‌پایی و دنباله‌روی خلاقانه با کشورهای پیش‌رو بود، در دهه ۹۰ یک دوره گذار برای خود تعریف کردند، در سال ۲۰۰۰ برای این‌که اقدامات (زیرا توسعه علم و فناوری دفعاً رُخ نمی‌دهد) به نتیجه برسد باید اولویت‌بندی انجام شود تا تصمیم‌گیری‌های صحیح‌تری (تصمیماتی که حاکمیت تعریف کند) را منجر شود، در سال ۲۰۱۰ به سمت رویکرد حل مسئله و رویکردی که تصویری از آینده ترسیم می‌شود به این صورت که چه چیزی باید توسعه داده شود تا تصویر (خیالی) محقق شود، از ۲۰۱۵ به سمت یکپارچه‌سازی سیاست‌گذاری علم و فناوری و سیاست‌های نوآوری را به یکدیگر نزدیک کردند، بعد از ۲۰۱۵ به دنبال ترسیمی از جامعه آینده هستند در دهه‌های ابتدایی تکنولوژی موضوع مهم و مورد بحث بوده است، بعد از آن به سمت نیازمحوری و سپس به سمت مسائل کلیدی حرکت کردند و اکنون کشور ژاپن برای افق ۲۰۵۰ آینده‌نگاری انجام می‌دهد. توسعه علم و فناوری در خدمت جامعه ۲۰۵۰ (جامعه نسل ۵)، این موارد سناریوهای مفهومی است و تصویر نزدیک‌تری از حوزه‌های علم و فناوری ایجاد می‌کنند.

حوزه‌های دلفی:

ناحیه A: سیستم‌های پیشرفته برای توزیع و استفاده از داده

ناحیه B: فناوری رباتیک که به منظور جامعه مخلوط می‌شود تا از فعالیت انسانی مختلف حمایت می‌کند

ناحیه C: ارتباطات پیشرفته و فناوری رمزگشایی

ناحیه D: فناوری برای اجتناب از خطای انسانی در حمل و نقل





ناحیه G: فناوری‌های مرتبط با انرژی و جامعه پایدار

ناحیه E: پیشگیری از مصدومیت و تهدیدشناسی برای کل طول زندگی

ناحیه H: علوم بنیادی برای کشف منشاء فضا و انسان

ناحیه F: سیستم‌های کشاورزی پایدار، جنگل‌داری، ماهیگیری که با زیست‌بوم هماهنگ است

دکتر نظری‌زاد در خاتمه سخنانش یادآور شد: عوامل متعددی در شکل‌گیری آینده متأثر خواهند بود، آینده‌پژوهی آگاهی هر فرد را نسب به آینده افزایش می‌دهد و پیشنهادهای سناریومحور نیز ارائه می‌کند، اما جایگزین همه چیز نیست؛ مثلاً اگر منابع کافی برای سرمایه‌گذاری نداشته باشیم هر چقدر اطلاعات شخص نسبت به آینده بیشتر باشد، محصل آن استرس و نگرانی بیشتر خواهد بود. آینده‌پژوهی نیز همانند خیلی گرایش‌های دیگر در حوزه مدیریت تا درصدی می‌تواند موفق باشد اما در عین حال مدارک و شواهدی موجود است که نشان‌دهنده این است که آینده‌پژوهی‌های موفق بوده و توجه دیگران به سمت علت موفقیت خود جلب می‌کنند به‌عنوان مثال چه چیزی موجب موفقیت دلفی ژاپن شده است یا سناریو نویسی شرکت «شل» چرا همانند سال‌های گذشته تداوم (برنامه‌ریزی) دارد؟ البته تجارب آینده‌پژوهی ناموفق (مانند لرد کلونین) نیز وجود دارد و کتاب‌هایی در این زمینه نوشته شده است و می‌توان دلایل ناموفق بودن آن‌ها را نیز بررسی کرد.

دلایل موفقیت آینده‌پژوهی: تعیین درست قلمرو آینده‌پژوهی، الزامات آینده‌پژوهی، مشخص کردن مسئله (که قرار است به آن پرداخته شود)، منابع انجام کار (منابع انسانی، علمی و...)، گردآوری اطلاعات (معتبر بودن داده‌ها)، روش‌مندی در آینده‌پژوهی، داشتن دانش و تجربه آینده‌پژوهی، استفاده از تیم متخصص آینده‌پژوهی، مشارکت بین‌رشته‌ای، ارائه مناسب برای خروجی آینده‌پژوهی، بازخوردگیری، حمایت مدیران، فرهنگ عمومی و پذیرنده آینده‌پژوهی.

### آسیب‌شناسی مبتنی بر تحولات رویکردی

دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی (استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) سخنران دوم بحث خود را با عنوان «آسیب‌شناسی مبتنی بر تحولات رویکردی» با سؤال اصلی نشست آغاز کرد: نافع بودن یا نبودن دانش آینده‌پژوهی و بررسی آفاتی است که این حوزه را تهدید می‌کند. روریک (اندیشمندی که خدمات ارزنده‌ای در زمینه آینده‌پژوهی انجام داد) و هگر در پژوهشی نشان دادند ۶٪ از شرکت‌ها بلند مدت می‌اندیشند و ۸۵٪ از این ۶٪ موفق هستند، در حالی که ۹۴٪ مابقی افق دیدی کمتر دارند. از این گروه، آن‌هایی که افق زمانی پنج‌ساله را هدف قرار می‌دهند، ۵۳٪ موفق هستند و آن‌هایی که تفکر رو به آینده موقت دارند، صرفاً ۴۶٪ موفق هستند. بنابراین جواب سؤالی که آیا آینده‌پژوهی دانش مفیدی است؟ با همین آمار پاسخ داده شد اما مسائلی است که دغدغه ذهنی بسیاری از پژوهشگران آینده‌پژوهی شده است، از جمله افزایش متقاضیان شرکت در آینده‌پژوهی و افزایش تواتر واژه آینده‌پژوهی در ویرتین پژوهشی سازمان‌های دولتی؛ به‌عنوان مثال در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی فراخوان‌هایی که از طرق مختلف (دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مؤسسات) دریافت می‌شود، کلمه آینده‌پژوهی را به همراه دارند، همانند کلمه «حکمرانی»؛ این خود آفتی برای حوزه آینده‌پژوهی خواهد بود. یکی از آفت‌های بسیار بزرگ نسبت به آینده‌پژوهی این است که به دید پیش‌بینی (پیش‌گویی) به آن نگریسته شود. شاهد روندی در پروژه‌های در دست اقدام داخل کشور هستیم و آن «روند کلی‌گویی و تشابه در نتایج پروژه‌های پژوهشی» است؛ این اتفاق برای پژوهشگران آینده‌پژوهی رقم خورده است که در انتها پروژه‌های آینده‌پژوهی به هیچ نتیجه ملموس و عملیاتی ختم نخواهد شد.

### تغییر و تحولات آینده‌پژوهی

ابتدا از پارادایم تفکری (پیش‌بینی) شروع و رفته‌رفته به تفکرات مدیریتی، سپس به تفکرات سیستمی و در نهایت تفکر دیالکتیک منتهی می‌شود، از امکانات آینده‌پژوهی این است که پژوهشگر تفکر دیالکتیک داشته باشد. یکی از بزرگ‌ترین برداشته‌ها از رشته آینده‌پژوهی این است که محقق بتواند به‌خوبی پیش‌بینی کند، در صورتی که این تفکر اشتباه است.

### نقاط کانونی آینده‌پژوهی

دکتر میرشاه‌ولایتی سخنرانی خود را با پرداختن به نقاط کانونی آینده‌پژوهی در هر نسل ادامه داد، اگر نظری داشته باشیم به سیر تکامل آینده‌پژوهی، می‌توان آن را به پنج دوره تقسیم کرد. دوره نخست که بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۵ اتفاق افتاد و تمرکز آن بر پیش‌بینی فناوری بود.

چالش اصلی این دوره، رشد اقتصادی و بحران اقتصادی و ماهیت این حوزه، چندرشته‌ای بود. بیشتر از روش‌های کمی استفاده می‌شد و نوع آینده، آینده‌های محتمل بود. در دوره دوم و در خلال سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۵، آینده‌نگاری فناوری فناوری موضوع اصلی آینده‌پژوهی شد و رشد جمعیت و آلودگی‌های زیست محیطی چالش اصلی و البته در این دوران، آینده‌پژوهی به یک حوزه‌ی بین‌رشته‌ای تبدیل شد؛ روش‌های کیفی چاشنی کار شد. آینده‌های ممکن در این دوره در کانون توجه قرار گرفت.

در سومین دوره و در فاصله‌های زمانی ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰، آینده‌نگاری اجتماعی با چالش پدیده جهانی شدن و با ماهیت حوزه‌های مشارکتی رخ نمود. در این دوره، روش‌های کارگاهی در کانون توجه آینده‌پژوهان قرار گرفت و هدف شناسایی آینده مطلوب بود.

دوره چهارم، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ با چالش حملات تروریستی، آینده‌پژوهی، دانشی فرارشته‌ای شد که با روش‌های بالا به پایین به دنبال آینده‌های شکل‌پذیر بود و در نهایت، در آخرین موج که از سال ۲۰۱۰ شروع شد، چالش عصر دیجیتال و محیط به شدت متلاطم، آینده‌پژوهی رو به حوزه‌ای تعاملی و مبتنی بر روش‌های پایین به بالا کرد.

دکتر میرشاه‌ولایتی در خاتمه سخنانش شرح داد: شاید مهم‌ترین نکته‌ای که باید به آن پرداخت، همین تبدیل شدن آینده‌پژوهی به حوزه‌ای تعاملی است. تفاوت بین حوزه تعاملی با حوزه میان‌رشته‌ای چیست؟ در پاسخ باید گفت که حوزه‌های میان‌رشته‌ای بیشتر متمرکز بر یکپارچه‌سازی دانش و روش از رشته‌های مختلف برای حل مسائل پیچیده هستند و حال آن که حوزه‌های تعاملی بر توانایی فرایند یا سیستم بر معنابخشی تأکید دارند. کانون تمرکز میان‌رشته بر تعامل رشته‌ها، ایده‌ها و رویکردهاست و در مقابل آینده‌پژوهی تعاملی بر تعامل بین سیستم و کاربر تأکید دارد. هدف میان‌رشته خلق دانش جدید است و هدف دومی درگیر کردن کاربر و اخذ بازخورد است.

با این توصیف لازم است چهار مهارت

۱- داشتن تفکر انتقادی و تفکر تحلیلی‌گری؛

۲- داشتن اطلاعات بیش از سطح عمومی؛

۳- داشتن توانایی جهت به اشتراک گذاشتن ایده‌ها به شکل اثربخش با دیگران؛

۴- داشتن مشکل حل مسئله.

چهار مهارتی است که در دوران حاضر یک آینده‌پژوه باید داشته باشد. این موضوع به دو دسته تقسیم می‌شود: آینده پژوهان آکادمیک و آینده‌پژوهان حرفه‌ای. هدف آینده‌پژوهان آکادمیک تولید ابزار و مدل‌سازی است در حالی که تقاضای بازار کاربردی کردن آن ابزار است؛ و برای آن‌ها سناریوپردازی و... انجام خواهند داد و هدف این است در دنیای واقعی رفتار صحیح آموزش داده شود تا در مقابل حوادث غافل‌گیر نشوند، حال این اقدام با سناریونویسی انجام شود یا دیده‌بانی فرقی نمی‌کند، قصد رُخ دادن این اتفاق در دنیای واقعی است.

وقتی قصد گفت‌وگو در مورد دانش آینده‌پژوهی در ایران را داریم و این که آینده‌پژوهی دانش نافع است یا خیر؟ باید در مورد مدل‌سازی بحث‌های تحلیلی و تئوریکال انجام شود، در حالی که وقتی بحث کاربرد (عملیاتی کردن) می‌شود، نیاز است که اقدام‌گرا باشیم و مخاطب سازمان‌ها (کسانی که تصمیم‌گیری می‌کنند) هستند و خروجی اقدام باید گزارش مشاوره‌ای یا سناریوپردازی اقدامی باشد که به شخص تصمیم‌گیرنده راهنمایی لازم را برساند.

**گروه مدیریت**  
**پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**  
**به مناسبت هفته پژوهش برگزار می‌کند**  
**(فصل دوازدهم)**

**موضوع: آینده‌نگاری و تمدن‌سازی**

**روش‌های پژوهشی در علوم انسانی و اجتماعی؛**  
**رویکردهای نوین و چالش‌های پیش رو**

آینده پژوهی از اولین بدون کاربرد تا دانش نافع  
**دکتر فرزانه میرشاه‌ولایتی**  
**عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**

**دکتر فرهاد نظریزاده**  
**عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی شاهرخ**  
**مدیر جلسه**

**دکتر مهران روشن‌نژاد**  
**عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**

مخاطب: **۲۳ تا ۲۴ آذر ۱۴۰۲** ساعت: **۹ تا ۱۱**  
 مکان: **پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طبقه ۲ سالن جلسات**

ثبت‌نام: **https://www.niis.ac.ir/niis**  
**https://www.niis.ac.ir/niis**

QR Code

## گزارش سیزدهمین نشست از همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی»

سیزدهمین نشست از سلسله نشست‌های همایش «روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی؛ رویکردهای نوپدید و چالش‌های پیش‌رو» با سخنرانی دکتر محمدرحیم عیوضی و دکتر یحیی فوزی، ۲۷ آذرماه ۱۴۰۲ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. مدیریت نشست نیز بر عهده دکتر الهام ابراهیمی بود.

### بحث‌های اصلی در حوزه علوم سیاسی

دکتر عیوضی (استاد دانشگاه تهران) سخنرانی خود را با عنوان «نظریه‌پردازی در علوم سیاسی» را با آشنایی مفاهیم بنیادین (مفاهیمی که به‌صورت برخط در حال پوست‌اندازی و نو شدن است) آغاز کرد: به‌لحاظ ارتباطی که با موضوعات پیچیده دارد، به‌طور دائم حوزه مطالعاتی که از توسعه و رشد پدیده‌های مطرح خود عقب می‌ماند، مخصوصاً در جامعه ما که نیاز به هم‌گامی و هم‌سویی در آن وجود دارد و در قالب تولید نظریه (به معنای نوعی اقدام انباشتی) و نظریه‌پردازی است. از بحث‌های عمده مفهوم‌شناسی نظریه‌پردازی، اهمیت و ضرورت نظریه‌پردازی در علوم سیاسی، چالش‌ها و موانع پیش‌روی نظریه‌پردازی در علوم سیاسی (بررسی چالش‌هایی در درون و بیرون علوم سیاسی)، شناسایی پیش‌ران‌های تأثیرگذار در نظریه‌پردازی علوم سیاسی، راهبردهای مؤثر در تولید نظریه‌ها در علم سیاست است.

در واقع نظریه در چارچوب ذهن‌اندیشی و ذهن‌گرایی دیده می‌شود و باید مبتنی بر اصول و قواعدی باشد؛ نظریه‌پردازی باید مبتنی بر مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، رویکرد واقع‌گرایانه نسبت به فرد، جامعه و روابط بین آن‌ها باشد و همچنین هدایت‌گر و آینده‌نگر باشد و زمینه‌ها و بسترهای فرهنگی مستعد و مناسبی را برای مختصات و ممیزات بسیار جدی نظریه‌پردازی ایجاد کند و از این حیث باید مورد توجه قرار گیرد.



### نظریه و نظریه‌پردازی در علوم سیاسی

دکتر عیوضی بیان کرد: علم سیاست از علوم بسیار پیچیده‌ای است، علم سیاست هم در علمی بودن آن و هم در منظر مخاطبان و پژوهشگران این علم و جامعه‌ای که این علم در آن بیان می‌شود، علم پُرمناقشه‌ای است و به تعبیر اندیشمندان، علمی است که حتی چالش‌های عمده خود را در روش‌شناسی و مفهوم‌شناسی دارد و مفاهیم در علوم سیاسی هنوز با یکدیگر مناظره و مشاجره دارند به‌عنوان مثال، مفهوم قدرت در علم سیاست تفسیر و تعبیر گوناگونی دارد؛ این‌ها مفاهیم پُرمناقشه‌ای هستند و از طرف دیگر در عرصه پیش‌ران‌های کلیدی که در عرصه سیاست تولید نظریه می‌کنند، کاملاً قطب‌بندی‌ها و مشاجرات را مشاهده می‌کنند یا به تعبیری نظریه‌های علوم سیاسی، سیاسی هستند و در ماهیت آن، این دیدگاه‌ها تبدیل به نظریه می‌شود و اعتبار آن نظریه اقدام به سیاست تهاجمی و رفتارهای چالش‌برانگیز می‌کند. از این منظر نظریه‌ها بررسی می‌شوند و در نظریه‌پردازی تعیین هدف می‌شود، نظریه یکسری معیارهایی را برای محقق تعریف می‌کند تا بر اساس آن روابط و معیارها این امکان ایجاد شود و روابط و مسائل اجتماعی را شناسایی و برقرار کنیم. نظریه‌ها یک نوع هدفمندی را تعریف و تبیین می‌کنند و در همین رابطه نکته بسیار مهم این است که نظریه‌های علوم سیاسی در محیط‌هایی انعطاف‌پذیر رُخ می‌دهد پدیده‌های سیاسی، پدیده‌های راحتی نیستند که با چند قاعده به حکم کلی منتهی شود. در یک فضای پیچیده بحث نظریه‌های علوم سیاسی مطرح می‌شوند. موضوعات در بسترهایی مطرح می‌شود که قرار است نظریه‌های علوم سیاسی را مورد تحلیل قرار دهند، نظریه‌ها به پژوهشگر کمک می‌کند پدیده‌های سیاسی را درک و شناسایی کنند و پدیده‌های سیاسی در قالب الگوها و مدل‌های رفتاری پیاده شوند و بر اساس آن نظام تصمیم‌گیری را معرفی کنند و در نهایت نظام تصمیم‌گیری تبدیل به نظام سیاسی می‌شود. پایه و اساس نظریه‌ها فرآیندی است که آن فرآیند از تولید مفاهیم آغاز می‌شود و تبدیل به شکل‌گیری یک نظام سیاسی می‌شود، نظام سیاسی که مدیریت راهبردی را بر جوامع مختلف اعمال کند. با بررسی نظریه قراردادهای اجتماعی متوجه می‌شویم این نظریه‌ها بر مردم حکومت می‌کنند. به‌عنوان مثال، نظریه حق طبیعی، که در آن مطرح می‌شود چرا مردم از حقوق طبیعی برخوردار هستند که جریان اندیشه و نظام‌های سیاسی را بر اساس نظریه‌ها شکل داده و امروز ما شاهد حضور این نظام‌ها هستیم. به‌عنوان مثال؛ پست مدرن، رابطه بین دانش و قدرت یا دانش و واقعیت را بیان می‌کند یا مارکسیسم به چگونگی شکل‌گیری طبقات اجتماعی می‌پردازد و هر کدام از این موارد داشته‌های نظام سیاسی که امروز پیش‌رو داریم، در قالب نظریه مطرح می‌کنند و امروز با آن که موضوعات سیاست با نظام سایبری و مجازی در هم آمیخته شده سخن از نظریه‌های علوم سیاسی در شرایطی پُرچالش هنوز حضور دارد.

### چالش‌های نظریه‌پردازی در علوم سیاسی

عیوضی درباره بحث پیش‌ران‌های مؤثر در نظریه‌پردازی علوم سیاسی تأکید کرد: پیش‌ران‌ها را به مفهوم عواملی معرفی کرد که قدرت تغییر دارند، بازیگران، نهادها و قدرت‌های بزرگ، شرایط و مقتضیات و... همه این موارد می‌تواند پیش‌ران باشد. این موارد همه در تجربه فرآیند نظریه‌پردازی در علوم سیاسی مورد توجه قرار گرفته و نقش کلیدی در شکل‌گیری بسیاری از نظریه‌ها خواهند داشت.

پیش‌ران‌ها به دو دسته، داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند؛ پیش‌ران‌های داخلی، مثل تحولات سیاسی و اجتماعی که عامل شکل‌گیری برخی نظریه‌ها هستند؛ کشورهایی که قومیت و مذاهب مختلفی را در خود جای داده‌اند، بستر مناسبی برای تولید نظریه‌پردازی سیاسی مبتنی بر این پیش‌ران‌ها هستند. تحولات علمی و فناوری، شرایط اجتماعی و اقتصادی نیز در شکل‌گیری نظریه‌های سیاسی بسیار با اهمیت هستند. این پیش‌ران‌ها می‌تواند در عرصه رقابت برای تولید نظریه بسیار حائز اهمیت باشند.

پیش‌ران‌های خارجی، مثل نظریه‌های سیاسی، تحولات سیاسی و اقتصادی در سطح جهان را شامل می‌شود؛ تغییراتی مانند فروپاشی شوروی، تحولات خاورمیانه و غزه به‌عنوان پیش‌ران مهم خارجی محسوب می‌شوند. در علوم سیاسی تصویر کلانی از سیاست در سطح کشور وجود ندارد، در نتیجه می‌توان گفت، سیاست در سطح کشور پیاده‌سازی نشده‌است؛ در نتیجه سیاست که یک امر هدایت‌کننده و نیازمند یک امر راهبردی است را نخواهیم داشت. از طرفی در آینده نظریه‌های علوم سیاسی، نقش کلیدی دارند، اگر در آینده موفق به تولید نظریه‌های سیاسی برای کشورمان نشویم، بدون شک از بیرون کشور این اقدام اجرائی خواهد شد. در چارچوب نظریه‌های انقلاب اسلامی، ۷۰٪ از نظریه‌ها، نظریه‌هایی است که پژوهشگران غربی موفق به تولید آن شده‌اند. این یعنی تعامل نظری در علوم سیاسی بین مردم و دانشگاه‌ها، حاکمیت و مردم وجود ندارد؛ یعنی صحبت‌های انتزاعی در حال انجام است، اما مردم با ادبیات علوم سیاسی آشنا نیستند و علاقه‌ای نیز ندارند. عدم تعامل بین مردم و ساختار نظام آموزشی در حوزه نظریه‌ای نیز به چشم می‌خورد.

بومی‌سازی (به معنای شکل‌گیری حرکتی که نیازهای یک کشور را با در نظر گرفتن ملاحظات در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و تاریخی آن کشور بتواند برطرف کند) نیز از مصادیق بسیار مهم و در زمره پیش‌رانمایی است که در نظریه‌پردازی علوم سیاسی نقش کلیدی دارد. غرب در یک دوره اقدام به بومی‌سازی کرد، بومی‌سازی یعنی اقدام به رفع نیازهای داخلی هر کشور و بین‌المللی کردن آن. امروزه از لیبرالیسم استقبال می‌شود، لیبرالیسم فرآیند بومی‌سازی در غرب بوده و امروزه جهانی شده است این ارتباطات و مناسبات بسیار کلیدی است. ولی این مورد نیز در جامعه ایران هنوز حل نشده است.

مهم‌ترین علت توسعه نیافتگی علم در کشورمان، نادیده گرفتن اندیشمندان توسط اندیشمندان دیگر است. نظریه‌پردازی در علوم سیاسی نیاز به شالوده‌شکنی دارد؛ محققان علوم انسانی نباید همانند محققان علوم طبیعی باشند که با یک فرضیه و آزمون اقدام پژوهشی آن‌ها به پایان برسد و به سرنوشت یک نگرش پایان دهند. باید به این موضوع واقف باشیم که پدیده‌های سیاسی رشد طولی و عرضی دارند و مسائل پیچیده‌ای که باید در نظریه‌پردازی علوم سیاسی دیده شود، بسیار هستند. پدیده‌های سیاسی برخی از اوقات مسئله محور و گاهی اوقات نیز پیامد محور، تکامل محور، کارکرد محور، زمان محور و مکان محور است. هر کدام از این موارد قواعد خاص خود را دارد، به‌عنوان مثال، راه‌کار مسئله بی‌حجابی، مقتضی زمان (زمان‌محور) است. آینده علم سیاست، در کشورمان بسیار تعیین کننده خواهد بود. علم سیاست در آینده شگفتی‌های را می‌تواند متولد کند و این بر پایه نظام ساختاری و یک نظام فرهنگی باید مدیریت شود.

### روش فراترکیب و نظریه‌پردازی در علوم سیاسی

دکتر یحیی فوزی (استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) سخنرانی خود را با عنوان «روش فراترکیب و نظریه‌پردازی در علوم سیاسی» آغاز کرد و گفت: موضوع این نشست روش‌های نظریه‌پردازی سیاسی است که در این ارتباط باید گفت روش‌های مختلفی برای نظریه‌پردازی مطرح که یکی از آن‌ها روش فراترکیب است. ضرورت استفاده از روش فراترکیب

رشد تعداد پژوهشگران و افزایش چشم‌گیر تحقیقات پژوهش‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی در حوزه‌های متنوع علمی و همچنین دسترسی آسان و کم‌هزینه به انبوهی از مقالات و مطالعات در موضوعات موردعلاقه محققان، که به کمک فناوری ارتباطات و اطلاعات میسر شد، موجب شد تا اندیشمندان با انفجار اطلاعات و حجم انبوهی از یافته‌های پژوهشی مواجه شوند. و بهره‌برداری مناسب از این انبوه اطلاعات تولیدشده به چالشی بزرگ برای آن‌ها تبدیل شده است و نیاز به روش‌های علمی برای بررسی این حجم انبوه از ادبیات مربوطه در پژوهش‌ها آشکار شد. یکی از روش‌هایی که به‌منظور بررسی، ترکیب و آسیب‌شناسی پژوهش‌های گذشته معرفی شده روش فرامطالعه نام دارد. این روش مطالعه تاکنون بیشتر در حوزه‌های پژوهش پزشکی، مدیریت، جامعه‌شناسی و... مورد استفاده قرار گرفته است. فرامطالعه یک تحلیل عمیق از کارهای پژوهشی انجام شده است. فرامطالعه شامل «فرانظریه»، «فراروش»، «فراترکیب» و «فراتحلیل» است و کلیه این مفاهیم را دربرمی‌گیرد. در توضیح این بحث باید گفت که اگر فرامطالعه فقط در حوزه روش‌شناسی کارهای گذشته باشد، به نام فراروش معروف است. فراروش صحت و تناسب روش‌های پژوهش در پژوهش‌های قبلی را بررسی می‌کند و شامل مباحث مربوط به روش‌شناسی مانند تجزیه و تحلیل رویکرد، روش‌های نمونه‌گیری، روش نوشتن فرضیه‌ها، متغیرها، جامعه و نمونه است. اما اگر فرامطالعه فقط در حوزه الگوها و چهارچوب‌های پژوهش‌های گذشته باشد، فرانظریه نامیده می‌شود.



فرانظریه به تجزیه و تحلیل تمایلات نظری فرضیه‌ها و نظریه‌های ایجادشده در مطالعات اولیه می‌پردازد. فراتحلیل نیز نوعی فرامطالعه است که تمرکز آن بر تحلیل یافته‌های پژوهش‌های گذشته و اغلب به شکل کمی است؛ به عبارت دیگر، فراتحلیل یکی از روش‌های توصیفی است که به ارزیابی پژوهش‌های انجام‌شده یا برنامه‌های خاص می‌پردازد. تحلیل آماری مجموعه بزرگی از نتایج مطالعات منفرد یا هدف یکی‌کردن و ادغام یافته‌هاست. دکتر فوزی شرح داد: روش فراترکیب نوع دیگری از فرامطالعه است که اغلب به صورت کیفی به شیوه کدگذاری متداول در پژوهش‌های کیفی مانند نظریه داده‌بنیاد و بر روی مفاهیم و نتایج مورد استفاده در مطالعه‌های گذشته انجام می‌شود. در دو دهه گذشته، تلاش‌های بسیاری برای معرفی ماهیت، ویژگی‌ها، کاربردها، چالش‌ها و مهم‌تر از همه امکان‌پذیری عمل «فراترکیب» در نتایج واکاوی‌های کیفی صورت گرفته است. آثار ساندلوسکی (۱۹۹۶)، پترسون و همکاران (۲۰۰۱)، دوویل (۲۰۰۳)، باروسو و همکاران (۲۰۰۳)، جونز (۲۰۰۴)، والش و داون (۲۰۰۵)، زیمر (۲۰۰۶)، ساندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷)، کوپر، هدگاس و والتین (۲۰۰۹)، بارنت پیچ و توماس (۲۰۰۹)، فینفگلدکانیت (۲۰۱۰)، توماس، اومارواس و برانتون (۲۰۱۴) را می‌توان در زمره مهم‌ترین این تلاش‌ها و تأملات قلمداد کرد. در بررسی سوابق این نوع روش در پژوهش‌های علوم انسانی در ایران نیز، پرتال جامع علوم انسانی نشان‌دهنده بیش از ۴۳ مورد پژوهش با استفاده از این روش است.

### ویژگی‌های روش فراترکیب

پژوهش‌های کیفی کار خود را با این پیش‌فرض آغاز می‌کنند که دسترسی به واقعیت فقط از طریق سازه‌های اجتماعی نظیر زبان و معانی مشترک میسر است، لذا تلاش می‌کنند تا از طریق شناسایی مضامین مستخرج از زبان یا فهم معانی که افراد به پدیده‌ها می‌دهند آن‌ها را درک کنند. پژوهش‌های فراترکیب نیز با استخراج این مضامین مشترک و کدگذاری آن‌ها تلاش می‌کنند به معانی مورد نظر نویسندگان نزدیک شوند و پژوهش خود را بر این نوع عینیت از معانی ذهنی مورد نظر پژوهشگران بنیان‌گذاری کنند.

در فراترکیب، که برخی آن را «فراتحلیل کیفی» نیز می‌نامند، هدف بررسی آثار مداخله با روابط علی و معلولی نیست، بلکه هدف توسعه نظریه‌های متوسط یا بزرگ و یا توسعه توصیف نظری است. اصطلاح «فراتحلیل کیفی» را نخستین بار استرن و هاریس (۱۹۸۵) به کار گرفت. داده‌هایی که در این روش تحلیل می‌شوند، یافته‌های مطالعات طبیعت‌گرایانه‌ای هستند که قبلاً انجام شده‌اند. پژوهشگر به اصل اطلاعات مربوط به هر مطالعه دسترسی ندارد، زیرا فراتحلیل معمولاً توسط پژوهشگری غیر از پژوهشگران مطالعات تحت بررسی انجام می‌شود.



همچنین فراترکیب تحلیل یافته‌های مطالعات کیفی است و به‌جای خلاصه‌ای جامع از یافته‌ها، ترکیب تفسیری از یافته‌ها را ایجاد می‌کند. فراترکیب با فراهم کردن نگرشی نظام‌مند برای پژوهشگران از روش ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف به کشف موضوع‌ها و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد. با این روش، دانش جاری را ارتقاء می‌دهد و دیدی جامع و گسترده به مسائل به وجود می‌آورد.

### سه کاربرد روش فراترکیب

دکتر فوزی در ادامه به سه کاربرد روش فراترکیب اشاره کرد و شرح داد: سه کاربرد مهم فراترکیب عبارتند از: گردآوری و توصیف جامعی از یافته‌های پژوهشی موجود، تفسیر و ترکیب یافته‌ها و خلق نظریه، که در ادامه به این موارد اشاره می‌کنم:

#### ۱. کسب درک وسیع‌تر، عمیق‌تر و جامع‌تر از پدیده از طریق تحلیل جامع یافته‌های پژوهشی موجود

فراترکیب با یکپارچه‌سازی یافته‌های مطالعات منتخب انجام‌شده در پدیده‌ای خاص به‌منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری موجب می‌شود تا درک وسیع‌تر، عمیق‌تر و جامع‌تر از آن پدیده حاصل شود به‌عبارت دیگر این نوع تحقیقات کیفی با شناسایی موضوعات مشترک یا مقایسه یافته‌ها می‌تواند بینش عمیق‌تری را ایجاد کند و اجازه دهد تا بینش جدیدتری فراتر از آنچه از مطالعات فردی حاصل می‌شود، ایجاد کند.

#### ۲. ترکیب یافته‌های پژوهشی و ایجاد خروجی‌های جدید

یکی از اهداف این پژوهش ترکیب یافته‌های پژوهشی موجود است که این روش در مطالعات کیفی در مورد یک پدیده این امکان را فراهم آورده تا سنتز آن‌ها خروجی‌های جدیدی ایجاد کند. از این‌رو، روش‌های متعددی برای سنتز جمعی از مطالعات در حال گسترش است. این تفاسیر در حقیقت برداشت‌ها و استنتاج‌هایی هستند که از بررسی تمام آثار منتخب مرتبط با پدیده خاص مشتق شده‌اند و بنابراین یافته‌ها و تفاسیر جدیدی را که از مطالعه فراترکیب به‌دست می‌آید در هیچ‌یک از متون اولیه نمی‌توان یافت به‌عبارت دیگر، این رویکرد صرفاً بررسی‌ای جامع یا خلاصه‌ای از ادبیات موجود نیست، بلکه سنتز و تحلیلی پیچیده از تحقیقات کیفی برای گسترش افق دید و ایجاد دانش جدید نتیجه تلفیق ممکن است شامل ایجاد نظریه‌های جدید، ایجاد مدل‌های مفهومی، شناسایی شکاف در تحقیقات، افزودن وسعت درک به دانش موجود، ارائه مدرک برای ارزیابی یا پیاده‌سازی یک خدمت و کمک به تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد باشد.

#### ۳. خلق نظریه

محققان ساخت نظریه را یکی از اهداف فراترکیب دانسته‌اند. این روش راه‌حل مناسبی برای استفاده از یافته‌های کیفی موجود جهت پردازش نظریه جدید است. به بیان دیگر، روش فراترکیب یکی از روش‌های جدید سنتز در حوزه مطالعات کیفی است که می‌تواند در گسترش و خلق تئوری‌ها محققان علوم اجتماعی را یاری رساند و از طریق آن بتوان سنتز و ترکیب یافته‌های مطالعات کیفی با هدف ارائه تفسیر جدیدی از پدیده تلاش کرد. نظریه‌ها دانش علمی در توصیف و تبیین واقعیت‌ها در جهان‌اند. مقصود اصلی یک نظریه فهم یک پدیده یا رویداد و همچنین تبیین علل آن و نوع ارتباط آن با پدیده‌های دیگر است.

دکتر فوزی در ادامه بیان کرد: سه راهبرد اصلی برای نظریه‌سازی یا بسط نظریات وجود دارد: اول، استنتاج نظریه از پژوهش تجربی (نظریه‌ی پسینی یا پژوهش آن‌گاه نظریه) که می‌توان آن را نوعی نظریه استقرایی نامید؛ دوم، ابداع یک نظریه و سپس آزمایش آن براساس پژوهش تجربی که می‌توان آن را نظریه قیاسی دانست؛ سوم، ترکیبی از دو استراتژی نخست است.

به عبارت دیگر سه نوع نظریه‌پردازی را در مطالعات فراترکیب دیده می‌شود روش فراترکیب می‌تواند نظریه(جدید) را ایجاد کند این نظریه می‌تواند تفصیلی یا تبیینی باشد یا می‌تواند نظریه‌های پیشین را روشن سازد و بسط دهد و نظریه پیشین را گسترش دهد. از این بحث‌ها می‌توان در روش فراترکیب استفاده کرد. از این جهت روش فراترکیب به نظریه‌پردازی در علوم انسانی بسیار می‌تواند کمک کند.

استراتژی‌های مختلفی برای نظریه‌پردازی وجود دارد. در این زمینه سه نوع استراتژی کاربرد دارد: نوع اول، استراتژی پسینی (که در آن ابتدا پژوهش انجام می‌شود و از درون آن نظریه استخراج می‌شود) شکل استقرایی نظریه است؛ نوع دوم، شکل قیاسی نظریه (ابتدا نظریه و سپس پژوهش)؛ نظریه مدنظر قرار داده می‌شود و بر اساس این نظریه داده‌ها جمع‌آوری و آنگاه مشخص می‌شود که نظریه تأیید می‌کند یا خیر. نوع سوم به‌صورت ترکیبی (رویکرد ابدکتیو که بین استقرایی و قیاسی است)، به این صورت است که پژوهشگر یک نظریه به‌صورت ابتدایی ارائه می‌دهد، داده‌هایی که جمع می‌کند نظریه تکمیل می‌کند و بهبود می‌بخشد، بنابراین شکل ترکیبی استفاده می‌شود

اگر بخواهیم با این هدف به استراتژی‌ها نگرسته شود، استفاده از روش فراترکیب هر سه نوع آن را می‌تواند شامل شود و در مطالعات فراترکیب می‌توان برای هر سه نوع از استراتژی‌ها استفاده کرد و لذا در روش‌های فراترکیب شاهد این هستیم که محقق ابتدا نظریه‌ای دارد و مبتنی بر آن نظریه فراترکیب را انجام می‌دهد و هم شاهد این خواهیم بود که محقق در نهایت بعد از داده‌ها به نظریه می‌رسد و گاهی اوقات نیز شاهد ترکیب این موارد خواهیم بود.

### گزارش کاربردی روش فراترکیب در نظریه‌پردازی در خصوص الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

دکتر فوزی در پژوهشی که دو سال قبل انجام شد تلاش کردیم تا با استفاده از این روش، به نظریه برای فهم و تبیین مفهوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دست یابیم که نتیجه آن منتشر شد در این کار پژوهشی به منظور ارائه فهمی جامع از الگوی اسلامی ایرانی و یکپارچه‌سازی یافته‌های پژوهشی در این موضوع و تلاش برای دستیابی به فهمی مشترک چرایی و چیستی و چگونگی این الگو، به تحلیل آثار انبوهی که در سال‌های بعد از انقلاب و به‌صورت خاص در چهار دهه گذشته در ایران درباره الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و در قالب‌هایی همچون مقاله، کتاب و رساله منتشر شده است پرداختیم و تلاش شده تا با تحلیل و ترکیب آن‌ها تبیین جامعی از این الگو در پژوهش‌ها و اندیشه محققان علوم انسانی در ایران را استخراج کنیم.

دومین سطح یافته‌ها کشف مقولات فراگیرتری است که از ترکیب مفاهیم مشترک قبلی، که به‌عنوان عصاره هر پژوهش استخراج شده بود، به‌دست آمده است. برای ترکیب یافته‌ها دو راهکار متداول وجود دارد: نخست، تحلیل داده‌ها با بازخوانی یافته بدون در نظر گرفتن چهارچوب مفهومی. دوم، راهکار مطالعه تحلیل یافته‌ها براساس چهارچوبی از پیش تعیین شده است. در این راهکار، مقولات از پیش تعیین شده‌ای برای تجزیه و ترکیب مفاهیم و ارتباطات بین آن‌ها وجود دارد در این پژوهش از راهکار دوم استفاده خواهد شد که به این منظور از چهارچوب فهم منطق درونی نظریه‌های توماس ای. اسپریگنز استفاده می‌شود. در این رویکرد برای استنباط منطق درونی نظریه محقق در جست‌وجوی چند سؤال مشخص است که عبارتند از چه مشکلاتی در جامعه موجب طرح این الگو شده است؟ الگوهای توسعه پیشین چه ایراداتی دارند؟ چگونه و مبتنی بر چه دستگاه فکری مشکلات موجود تحلیل شده است؟ چه ایدئال تایپ و نمونه آرمانی وجود دارد؟ مبتنی بر این موارد چه راه‌حلی در قالب الگوی جدید پیشنهاد شده است؟ این چهارچوب نظری برای فهم ضرورت‌ها و بنیان‌های نظری الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌عنوان نظریه‌ای هنجاری نیز بسیار مفید است و به‌خوبی می‌تواند از یک‌سو ابعاد سلبی طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را معطوف به بحران‌های چند دهه گذشته در ایران و پیامدهای برنامه‌ها و الگوهای توسعه در کشور توضیح دهد و از سوی دیگر تبیین‌کننده ابعاد ایجابی طرح مذکور و توضیح چرایی اهداف و راهبردهای این الگو با توجه به آرمان‌شهر و بنیادهای تفکر شیعی در ایران باشد، لذا مبتنی بر این چهارچوب مقولات به‌دست آمده در پژوهش‌ها حول چند فرامقوله با عنوان مشکل‌شناسی، علت‌شناسی، آرمان‌شناسی و راه‌حل‌شناسی طبقه‌بندی شد. دکتر فوزی در مورد آخرین یافته‌های این پژوهش نیز توضیح داد: آخرین یافته‌ها را می‌توان در خلق نظریه‌ای برای تبیین چرایی، چیستی و چگونگی الگوی اسلامی ایرانی منتج از یافته‌های پژوهش‌های محققان علوم انسانی ایران دانست که به‌عنوان یک مدل تبیینی بتواند چگونگی فهم پدیده‌ای به نام الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را از دید محققان علوم انسانی در سال‌های بعد از انقلاب توضیح دهد و رویکرد آن‌ها به این الگوی بومی را مشخص کند. در این مرحله پایه‌های مفهوم‌سازی و مقوله‌ای کردن و به‌ویژه با تشکیل خوشه‌های مقوله‌ای و بالاحص با کشف پدیده به‌تدریج متوجه مفصل‌های یک نظریه می‌شود و با تکمیل داده‌ها به‌طور تجمعی و تحولی ارتباط این مفصل‌ها را بازنمایی می‌کند، به سطح نظریه‌پردازی ارتقاء می‌گیرد و در نهایت اشباع داده‌ها و خلاقیت لازم نظریه‌ای درباره‌ی موقعیت موردتحقق خویش می‌پروراند. و این اتفاق در زمانی است که محقق کار هم‌خانواده‌سازی معانی و مفاهیم را به کمال رسانده است و مقولات اصلی اندیشه‌ی خود در باب موقعیت و مسئله را به دست آورده است کم‌وکسری داده‌ها را ترمیم و تأمین کرده و به اشباع رسانده است؛ یعنی می‌داند که موقعیت با چه مقولات خوشه‌ای اصلی قابل توضیح است. می‌داند که پدیده هسته‌ای و مرکز قضایا چیست و محورها و مفصل‌ها را دریافته است. اینجا انتخاب نهایی جهش خلاق او را به نظریه‌پردازی منتقل می‌کند و با توجه به یافته‌های پژوهش در مرحله‌ی اول و دوم، که استخراج مفاهیم محوری و مقولات فراگیر بود، به‌تدریج می‌توان شاهد یک نظریه در خصوص الگوی اسلامی ایرانی مستخرج از داده باشیم که مفصل‌های مهم این نظریه در پژوهش مذکور توضیح داده شده که این نظریه توضیح‌دهنده‌ی ابعاد پدیده است.

لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۷۸۸>



## گزارش نشست «بررسی انتقادی کارنامه شیعه‌پژوهی ویلفرد مادلونگ»

سیزدهمین نشست از سلسله نشست‌های ماهانه مرکز تحقیقات امام علی (ع) با عنوان «بررسی انتقادی کارنامه شیعه‌پژوهی ویلفرد مادلونگ» با حضور مالک شجاعی، رئیس مرکز و سعید طاووسی‌مسرور، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۸ آذرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



دکتر شجاعی در آغاز جلسه درخصوص کتاب «مسئله تقصیر» کارل یاسپرس گفت: یاسپرس می‌گوید، ما انواع گناه و تقصیر داریم، گناه سیاسی، اخلاقی و مابعدالطبیعی. اگر دیدید که ظلمی می‌شود و شما سکوت کرده‌اید شما هم گناه‌آلود هستید، چرا که رضا دادید در محضر خداوند ظلمی صورت بگیرد. زمانی از تقصیر آلمانی صحبت می‌شد اما مسئله امروز، تقصیر همه ماست. یاسپرس در نامه‌ای که به هایدگر می‌نویسد به این موضوع اشاره می‌کند که صحبت کردن از وجدان، برای بعضی‌ها خوشایند نیست. در هر صورت امیدواریم خداوند ما را به خاطر گناهان سیاسی و اخلاقی و مابعدالطبیعی ببخشد.

او ضمن اشاره به سومین روز شهادت حضرت زهرا (س) به این موضوع پرداخت که باید در سیره ائمه اطهار، مطالعات بیشتری صورت بگیرد. جلساتی که درباره شیعه‌شناسان غربی و آثارشان و در مسیر بررسی کارنامه شیعه‌پژوهی غربی‌ها به‌ویژه «مادلونگ» برگزار شده است، از این جهت اهمیت دارد که سعی شده در مسیر دغدغه شورای پژوهشی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برنامه راهبردی ارائه شود که همه پژوهشکده‌ها نیز ذیل این برنامه باید فعالیت‌های خود از جمله تألیف، ترجمه، آموزش و پژوهش، تربیت دانشجو و... سازمان‌دهی کنند.

دکتر شجاعی به فعالیت مرکز تحقیقات امام علی (ع) از سال ۱۳۷۹ تاکنون اشاره کرد و گفت: در این مرکز سعی شده در کنار کار گذشتگان، فصل جدیدی با مشورت استادان در مناسبات سیره‌پژوهی و علوم انسانی، محور اصلی برنامه راهبردی مرکز باشد. ما در پژوهشگاه علوم انسانی نیز این انتظار را داریم که در مباحث سیره‌پژوهی دیالوگ و گفت‌وگوهایی روش‌مند شکل بگیرد.

دکتر شجاعی در نقد خلاء گفت‌وگو میان مطالعات سیره‌پژوهی و علوم آکادمیک، بیان کرد: آنچه در کشور ما اتفاق می‌افتد علاوه بر توسعه کمی مطالعات سیره‌پژوهی، این موضوع است که انگار این مطالعات دارد یک مسیری را جلو می‌رود و آکادمی علوم انسانی مسیری دیگر دارد. کمتر در کنار هم گفت‌وگو کرده‌اند. متأسفانه کسانی هستند که بیش از ۳۰ سال مطالعات تاریخی دارند، اما مبانی اساسی روش‌شناسی را نمی‌شناسند. با این حال، درباره مادلونگ خوشبختانه در زبان فارسی پایان‌نامه‌های خوبی کار شده است؛ کارهایی بسیار خواندنی.

وی در ادامه ضمن اشاره به کتاب «جان‌شینی حضرت محمد(ص) پژوهشی پیرامون خلافت نخستین»، این کتاب را به علاقه‌مندان به سیره‌پژوهی به‌عنوان یک منبع مطالعاتی مفید معرفی کرد.

طاووسی‌مسرور دیگر سخنران این نشست ضمن اشاره به اینکه درباره «مادلونگ» می‌شود از منظرهای مختلفی سخن گفت، به نشریه «باور» اشاره کرد که در شماره آخرش، به‌صورت اختصاصی مقالاتی را درباره مادلونگ منتشر کرده است. او به ماجرای برگزاری بزرگ‌داشتی درباره مادلونگ اشاره کرد و گفت: متأسفانه به این دلیل اینکه گفته شده بود اشکالاتی به او وارد است، بزرگداشت برگزار نشد و در چاپ کتابی با مقالات او نیز موانعی پدید آمد و چند مقاله در رد آراء و نظریات او در کتاب گنجانده شد که بیشتر از بزرگداشت، به‌نظر می‌رسد طعنه‌داشت او بود.

طاووسی‌مسرور با اشاره به اینکه در بسیاری از منابع اهل سنت، روش‌های غلط فراوانی برای تحلیل تاریخ وجود دارد، به این نکته پرداخت که مادلونگ این چنین نبود و بسیار دقیق و روش‌مند به سیره‌پژوهی می‌پرداخت. او به این مسئله پرداخت که در بررسی آثار و نظرات مادلونگ، نه باید با طعنه سخن گفت و نه باید او را خورشید عالم‌تاب دانست بلکه باید روش‌مند و دقیق درباره او مطالعه کرد. طاووسی‌مسرور گفت: جا دارد علاوه بر کارهایی که تا امروز درباره مادلونگ صورت گرفته رساله‌های دکترای جدی نیز درباره او و روش‌شناسی‌اش نوشته شود.

او ادامه داد: من عنوان «برگ زرین» را برای مادلونگ انتخاب می‌کنم. مطالعات او بزرگترین مطالعات شیعه‌پژوهی در غرب و یک نقطه عطف و سرفصل در مطالعات شیعه‌پژوهی غربی است. رابرت گلیو از مادلونگ به‌عنوان پدر مطالعه شیعه‌شناسی نوین تعبیر کرده است. ما وقتی به سابقه شیعه‌پژوهی در غرب اشاره می‌کنیم به تفاوت کار مادلونگ با دیگران پی می‌بریم.

نکته دیگر این است که توجه مادلونگ به مطالعه شیعه اعم از زیدی و اسماعیلی و امامی تحت تأثیر انقلاب اسلامی نبوده است و از سال‌ها قبل ایشان در این زمینه مطالعه داشته است. با این حال یکی از اصلی‌ترین دلایلی که مادلونگ مطالعات شیعه‌پژوهی را آغاز می‌کند شروع همکاری‌اش با سفارت آلمان در بغداد است.

طاووسی مسرور به‌صورت خلاصه به زندگی مادلونگ پرداخت و گفت: او در سال ۱۹۳۰، دقیق‌تر بگوییم ۵ دی ۱۳۰۹ در اشتوتگارت به دنیا آمد. در سال ۱۹۴۷ به آمریکا رفت و سپس در سال ۱۹۵۱ به مصر رفت و در قاهره مشغول به تحصیل شد. در سال ۱۹۵۳ لیسانس ادب و تاریخ اسلام از مصر می‌گیرد و در سال ۱۹۵۷ از دانشگاه هامبورگ دکترایش را دریافت می‌کند. در سال ۱۹۵۸ وابسته فرهنگی سفارت آلمان در بغداد می‌شود و در سال ۱۹۶۰ به همکاری با سفارت، پایان می‌دهد. بدون شک حضور در مصر و بغداد در فعالیت‌های اسلام‌شناسی و شیعه‌پژوهی او مؤثر بوده است. او در دانشگاه‌های تگزاس، شیکاگو و آکسفورد تدریس کرده است. سال ۱۹۸۸ نیز بازنشست شده است اما همکاری‌اش را با مراکز علمی ادامه داده و حتی با مرکز دایره‌المعارف ایران نیز دیدار کرده است. آخرین حضور او در ایران در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی» در سال ۲۰۱۷ بوده است. مادلونگ به دعوت آیت‌الله مکارم در این کنگره حضور پیدا می‌کند.



او اضافه کرد: آثار شیعه‌پژوهی مادلونگ بسیار متنوع است. او در حوزه غیر از شیعیان امامی نیز کارهای جدی‌ای داشته است. او ویراستار ترجمه انگلیسی تفسیر طبری بوده و در حوزه مطالعات زیدی یکی از شخصیت‌های برجسته جهان در زیدی‌پژوهی به شمار می‌رود. برخی به آثار او این اشکال را وارد می‌کنند که مثلاً فلان نوشته او با فلان عقیده کلامی شیعه جور در نمی‌آید؛ اصلاً قرار نیست جور در بیاید. ما باید مادلونگ را در کانتکس خودش و به‌عنوان متفکر غربی و بر اساس مستندات تاریخی مورد بررسی قرار دهیم و اگر نقدی هم داریم در همان چارچوب، ارائه دهیم.

طاووسی مسرور به مستشرقان پیشامادلونگ اشاره کرد و گفت: مادلونگ به حدیث به‌مثابه یک گزارش تاریخی نگاه می‌کند در حالی که مستشرقان پیشامادلونگ، حدیث را کنار گذاشته بودند و می‌گفتند، حدیث قابل استناد نیست. مسئله دیگر مواجهه مادلونگ با قرآن است. او به قرآن به‌مثابه یک سند نگاه می‌کند؛ به‌عنوان قدیمی‌ترین متن اسلامی. مادلونگ می‌گوید، حتی ترتیب و چینش قرآن و تقسیم‌بندی آیات نیز موضوعیت دارد. در حالی که مستشرقان، آیه‌ای از یک سوره را در کنار آیه‌ای از سوره‌ای دیگر می‌گذاشتند و نتیجه سومی می‌گرفتند و دخل و تصرف در آیات را جایز می‌شمردند برای اینکه برداشت خودشان را به کرسی بنشانند. اما مادلونگ این‌طور نیست. طاووسی مسرور به این نکته پرداخت که مادلونگ، برای اثبات خلافت حضرت علی (ع) به آیه «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» اشاره نمی‌کند، یا به آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» نمی‌پردازد با اینکه همه ما شیعیان برای خلافت حضرت علی (ع) به چنین آیاتی رجوع می‌کنیم. مادلونگ به مجموعه‌ای از آیاتی که درباره مسئله خاندان پیامبران بوده که در قرآن فراوان آمده اشاره می‌کند.

به گزارش این‌ها، طاووسی مسرور گفت: هیچ نبی‌ای دوست نداشته بچه نداشته باشد و هیچ موردی نبوده که جانشین نبی غیر از اهلش بوده باشد. مادلونگ حتی به دعای حضرت زکریا نیز اشاره می‌کند و می‌پرسد به‌نظر شما چرا قرآن در این حجم، به جانشینی انبیاء توجه داشته است؟ غیر از این است که حضرت محمد (ص) نیز خودش را نبی معرفی کرده و خواسته تا به‌طور غیرمستقیم از طریق آیات قرآن بگوید که جانشینی من هم

باید از اهل من باشد؟ طاووسی مسرور به این موضوع پرداخت که نه در قدیم و نه حالا کسی چنین برداشتی که مادلونگ از مجموعه آیات جانشینی پیامبران داشته، ارائه نکرده است. در پایان طاووسی مسرور ضمن اشاره به این نکته که تاکنون هیچ کس چنین برداشتی که مادلونگ از مجموعه آیات جانشینی پیامبران ارائه کرده، نداشته است بر لزوم انجام تحقیقات و پایان‌نامه‌هایی در خصوص ایشان و روشش تأکید کرد.

لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۷۹۷>



## گزارش نشست «نقش عهد جدید در فهم عروج عیسی در قرآن»

به مناسبت هفته پژوهش، نشست «نقش عهد جدید در فهم عروج عیسی در قرآن»، ۱۸ آذرماه توسط گروه مطالعات تاریخی و فرهنگی پژوهشکده مطالعات قرآنی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار شد.



این نشست از «سلسله نشست‌های انتقادی اسلام و باستان متأخر» با دبیری دکتر زهرا محقیان؛ مدیر گروه مطالعات تاریخی و فرهنگی قرآن و سخنرانی دکتر روح‌الله نجفی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی برگزار شد.

در ابتدای نشست دکتر محقیان به ارائه توضیحات کوتاهی درباره این سلسله نشست‌ها و موضوع سخنرانی پیش‌رو پرداخت و گفت: بحث در خصوص ارتباط اسلام و باستان متأخر یکی از مباحث ضروری در حوزه قرآن‌پژوهی معاصر است که واکاوی ابعاد و زوایای مختلف آن می‌تواند ما را در شناخت هرچه بهتر قرآن یاری رساند.

### شناخت پیشینه صعود و نزول حضرت عیسی (ع)



در ادامه، دکتر نجفی سخنان خود را آغاز کرد و گفت: شناخت پیشینه صعود و نزول حضرت عیسی (ع) با تفسیر پنج آیه قرآن (آل عمران/۵۵، نساء/۱۵۸، نساء/۱۵۹، مائده/۱۱۷ و زخرف/۶۱) به نحو مستقیم رابطه دارد. در مقام فهم این آیات، دو دیدگاه مختلف با یکدیگر رقابت دارند که یکی، بر وفق پذیرش صعود و نزول عیسی (ع) شکل گرفته است، اما دیگری زنده به آسمان شدن عیسی (ع) را در قرآن منکر است؛ و به تبع آن نزول وی را هم منتفی می‌داند. می‌توان گفت، فهم شایع از عبارت قرآنی «بل رفعه الله الیه»، زنده بالا برده شدن عیسی به آسمان نزد خداوند است. اما برخی از نواندیشان معاصر ادعا کرده‌اند که قرآن بر زنده بودن عیسی در آسمان دلالت ندارد؛ بلکه مراد از رفع عیسی، بالا بردن روح وی یا منزلت و درجه اوست.

از دیگر سو بر وفق عهد جدید، عیسی (ع) سه روز پس از مرگ بر صلیب به پاخاست و زنده شد و چهل روز بر زمین بود و بعد به آسمان برده شد و بر سمت راست خدا نشست. بدین‌سان عیسی (ع)، زنده در آسمان است و قرار است به زمین بازگردد تا حکومتی آسمانی را بر زمین برقرار کند. حال پرسش آن است که نسبت پیشینه صعود و نزول عیسی با فهم آیات قرآن به چه‌سان است؟ و آیا شناخت پیشینه مسیحی این موضوع بر تفسیر آیات قرآن اثرگذار است؟

دکتر نجفی در پاسخ به این سؤالات گفت: پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که ادعای وفات عیسی (ع) و نفی صعود او به آسمان، با قطع نظر از پیشینه مسیحی قصه می‌تواند موجه باشد، زیرا در دو موضع قرآن، از «توفی» عیسی سخن رفته است. به آسمان شدن عیسی و نشستن وی بر سمت راست خدا از آموزه‌های مهم مسیحیت است و به شاگردان عیسی مژده داده‌اند که وی بازمی‌گردد. به دلیل ذکر صعود و نزول عیسی در مصادر مسیحی، این قصه در فضای نزول قرآن شناخته شده و معهود ذهن‌ها بوده است. بنابراین مخاطبان قرآن به سبب آن سابقه، رفع عیسی (ع) را زنده بالا برده شدن وی به آسمان می‌فهمیدند و اگر مقصود قرآن امضای آن عهد ذهنی نبود، با تعبیری واضح شبهه مزبور را برطرف می‌کرد، نه آنکه با تعبیر «بل رفعه الله الیه» آن را تشدید کند. بدین‌سان، استنباط صعود و نزول عیسی از قرآن بر پیشینه مسیحی قصه اتکاء دارد.

وی در پایان خاطر نشان کرد: اثرگذاری پیشینه این موضوع بر فهم از قرآن را در چند محور می‌توان خلاصه کرد. یکی آنکه قرآن در دو موضع از رفع عیسی (ع) از جانب خدا و به سوی خدا سخن گفته است که یکی «وما قتلوه یقینا بل رفعه الله الیه» و دیگری «إنی متوفیک ورافعک الی» است و درباره رفع عیسی (ع)، دو دیدگاه با یکدیگر رقابت دارند که یکی رفع را بالا بردن جسمانی به آسمان می‌داند اما دیگری رفع را به بالا بردن روح یا به بالا بردن منزلت و درجه تأویل می‌کند. دوم آنکه بر وفق پیشینه مسیحی قصه، عیسی (ع) به آسمان بالا برده شد و در سمت راست خدا نشست. بنابراین پیشینه قرینه‌ای فراهم می‌آورد که مقصود از رفع عیسی (ع) در قرآن، بالا بردن شدن جسمانی او به آسمان باشد. مورد سوم آن است که در دو موضع از قرآن از «توفی» عیسی (ع) سخن رفته است که یکی «فلما توفیتنی کنت أنت الرقیب علیهم» و دیگری «إنی متوفیک ورافعک الی» است. در توضیح «توفی» عیسی (ع)، دو وجه با یکدیگر رقابت دارند که یکی مراد از «توفی» را زنده برگرفتن عیسی می‌داند، اما دیگری آن را به قبض روح و میراندن وی معنا می‌کند. بر وفق پیشینه مسیحی، عیسی (ع) زنده به آسمان رفت. بنابراین پیشینه تقویت کننده معنا شدن «توفی» به زنده برگرفتن عیسی است.

لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۷۱۶>



## گزارش هم‌اندیشی «تمدن‌پژوهی به مثابه دیسپلین میان‌دار در علوم انسانی»

هم‌اندیشی «تمدن‌پژوهی به مثابه دیسپلین میان‌دار در علوم انسانی» توسط پژوهشگاه تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۵ آذرماه ۱۴۰۲ برگزار شد. در این هم‌اندیشی دکتر مرتضی یوسفی‌راد، دکتر شریف لک‌زایی، دکتر عبدالمجید مبلغی، دکتر هادی گرامی و دکتر محمد هاتفی (دبیر علمی هم‌اندیشی) حضور داشتند.

در ابتدای نشست علمی دکتر مرتضی یوسفی‌راد (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) به مبحث مدنیت و تمدن در رویکرد فلاسفه عقل‌گرای اسلامی پرداخت. وی مدنیت را پذیرش زیست با دیگران دانست و به جایگاه آن نزد فلاسفه اسلامی (مخصوصاً نزد فلاسفه عقل‌گرای اسلامی) اشاره کرد. به باور وی از لوازم پذیرش زیست با دیگران، این است که همه مردم از اصناف مختلف، در عدالت، حق حیات، مشارکت همگانی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، خردورزی و امثالهم سهیم باشند و به میزان این مشارکت، مدنیت، ظهور و بروز تمدنی بیشتری پیدا کند.

دکتر یوسفی‌راد توضیح داد: مطابق مدنیت عدالت‌ورزی برای همه افراد، گروه‌ها و اقشار به اعتبار ذی‌حق شدنشان (در معنای اعطای کل ذی‌حق حقه در مدیریت‌ها، سیاست‌ها و بر دولت و حکومت) واجب می‌شود. در این صورت اعتبار دولت و حکومت به اعتبار رعایت این نوع عدالت می‌شود. به باور وی این فلاسفه کسانی هستند که مسئله آنها هم‌بستگی بشر جهت بهره بردن از ارزش‌های انسانی و الهی و تبلور آن در جامعه است. نتیجه بحث این است که فلاسفه عقل‌گرای اسلامی در رویکرد تمدنی خود به شکوفایی استعدادها تعادل‌یافته انسانی در قلمرو همه بشر می‌اندیشند و رویکرد فکری آنها انسان‌محور است نه قدرت‌محور و هدف آنها برپایی نظم بر اساس حق و عدالت است.

هم‌چنین دکتر شریف لک‌زایی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) طی این نشست به جوانب مختلف و وجوه گوناگون تمدنی اندیشه امام موسی صدر پرداخت.

دکتر لک‌زایی تأکید کرد: با وجود دشواری‌های سیاسی و اجتماعی لبنان، امام موسی صدر موفق به ارائه رویکردی تمدنی شد. در مباحث امام موسی صدر نقش اراده انسانی در تمدن‌سازی پراهمیت است. وی به این رویکرد امام موسی صدر اشاره کرد که مطابق نگاه ایشان اسلام قرآنی، اسلام تمدنی است. اسلام هم در گذشته موجب ایجاد تمدن‌هایی شده است و هم در آینده این اتفاق می‌تواند بیفتد.

در ادامه نشست دکتر عبدالمجید مبلغی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) به سیر تحول در گفتمان‌های الهیاتی تمدن اسلامی پرداخت. وی از گفتمان نخستین اسلام، گفتمان سده‌های میانه اسلام و گفتمان عصر جدید در جهان اسلام سخن به میان آورد.

در خاتمه نشست نیز دکتر هادی گرامی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) نیز در ارائه خود، ذیل عنوان درنگی در مطالعات قرآنی تمدن‌محور، به وجوه مختلف رویکردهای تمدنی به قرآن پرداخت. دکتر گرامی بحثی آسیب‌شناسانه از سخنانش ارائه داد و طی آن ناتوانی و نارسایی برخی از این رویکردها را به بحث گذاشت. وی هم‌چنین به ظرفیت‌های مطالعات تمدنی مبتنی بر قرآن پرداخت.

لینک فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۵۱۱۱>



## گزارش نشست «پرورش تفکر کودکان و نوجوانان؛ راه بنیادین تمدن‌سازی»

به مناسبت هفته پژوهش نشست «پرورش تفکر کودکان و نوجوانان؛ راه بنیادین تمدن‌سازی» با معرفی کتاب «آموزش تفکر به کودکان»، ۱۹ آذرماه ۱۴۰۲ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

### تفکر خلاق، تفکر نقادانه و تفکر توأم با مراقبت



در ابتدای نشست دکتر سعید ناجبی طی سخنانی گفت: در فرهنگ ما بیشترین تأکید برای تفکر وجود دارد در حالی که به لحاظ آموزشی و تربیتی ما کمترین توجه را به تفکر کرده‌ایم. می‌توان گفت، آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم/ یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم. البته همین تفکر که ما در خانه داریم مؤلفه اصلی تشکیل و تداوم تمدن‌هاست. البته عناصر دیگری هم در تشکیل تمدن‌ها وجود دارد ولی سه نوع تفکر اصلی یعنی تفکر خلاق، تفکر نقادانه و تفکر توأم با مراقبت به وضوح در تمام دوران تاریخ به‌عنوان عناصر اصلی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها قابل ملاحظه است و به واسطه تاریخ‌نویسان مورد تأکید قرار گرفته‌اند. اما عده‌ای در ایران با آموزش تفکر مخالفت می‌کنند و می‌گویند «روش‌های آموزش تفکر را خارجی‌ها به ما یاد داده‌اند و ما نمی‌خواهیم به کودکان تفکر یاد بدهیم» آیا این دلیلی می‌شود تا ما آموزش تفکر را کنار بگذاریم؟ مسلماً خیر! اما تفکر خود ماهیتی دارد و آموزشش هم روش خاصی را می‌طلبد. نمی‌توان با کتک زدن تفکر را یاد داد نمی‌توان با مجبور کردن به حفظیات تفکر را یاد داد. ما نه می‌توانیم آموزش تفکر را کنار بگذاریم و نه می‌توانیم راهی از من درآوردی برای آن پیشنهاد کنیم. این راه باید علمی و در تجربه جواب‌گو باشد. بنابراین ما چاره‌ای نداریم برای تقویت تمدن‌هایمان به آموزش تفکر با بررسی‌های دقیق‌تری می‌پردازیم.

### تفکر در روان‌شناسی ذیل مفهوم شناخت



دکتر اسماعیل ناصری با اشاره به اینکه تفکر در روان‌شناسی ذیل مفهوم شناخت مورد بررسی قرار می‌گیرد، گفت: موضوع شناخت انسان همواره مورد توجه روان‌شناسان بوده است، هر چند از اواسط قرن بیستم این توجه رو به گسترش یافت و در حال حاضر جایگاه پژوهشی بسیار چشم‌گیری را به خود اختصاص داده است. توجه به شناخت انسان در حوزه‌های هوش و یادگیری، انگیزش و هیجان، روان‌شناسی اجتماعی، و آسیب‌شناسی روانی بسیار چشم‌گیر بوده است. در این بین آلبرت آلیس، موضوع شناخت را در مرکز توجه نظریه خود تحت عنوان «رفتار درمانی عقلانی هیجانی» قرار داد. از نظر آلیس بخش چشم‌گیری از ناراحتی‌های هر انسان به نظام شناختی یا به عبارت دقیق‌تر باورهای نامعقول فرد بر می‌گردد. باورهای نامعقول انعطاف‌ناپذیر، سخت و نامتناسب با واقعیت دنیای بیرون هستند. این باورها در اثر تجارب

زیسته در نظام شناختی ما شکل می‌گیرند و تعبیر و تفسیر ما را از خودمان، دیگران و دنیا مخدوش می‌کنند. باورهای نامعقول منجر به هیجانات منفی ناسالم مثل افسردگی، اضطراب و خشم می‌شوند. از نظر ایس باورهای نامعقول قابلیت شناسایی، اصلاح و تبدیل شدن به باورهای معقول را دارند. هر فردی از توجه به کیفیت و کمیت تجارب هیجانی خود می‌تواند درباره وجود باورهای نامعقول در نظام شناختی خود حدس‌های مطلوبی بزند. از نظر ایس زندگی شادمانه در نتیجه عقلانی کردن نظام باوری خود است. امری که با آموزش امکان پذیر است.

### کودکان نیز هم‌چون دانشمندان باید به‌صورت گروهی کار تحقیقی انجام دهند



دکتر سیدنورالدین محمودی سومین سخنران این نشست بود که در آغاز سخنانش گفت: نظام آموزشی کشورهای مختلف بر مبنای نوع نگاه و نگرش خود نسبت به انسان و توانایی‌های وی و میزان انعطاف‌پذیری و پاسخ‌گویی به نیازهای جدید و تحولات پیرامونی، تأکیدات متفاوتی را نسبت به حوزه‌های مختلف آموزشی مبدول می‌دارند. در واقع آن دسته از نظام‌های آموزشی که نگرش و برداشت محدودی نسبت به ابعاد مختلف دانش‌آموزان و استعدادهاى آنها داشته، پاسخ‌گوی نیازهای علم امروز نیستند. این نوع نظام‌های آموزشی عمدتاً تلاش و وجهه همت خود را محدود و مصروف رشد و آموزش حوزه‌های شناختی و ذهنی دانش‌آموزان می‌کنند و از توجه و پرورش سایر ابعاد وجودی آنان که در تکوین یک شخصیت متوازن تأثیر فراوانی دارند، عملاً باز می‌مانند. بدین ترتیب نتایج و محصولات این نظام آموزشی عموماً در شکل شهروندانی نمود می‌یابد، که در غالب مواقع فاقد خلاقیت می‌باشند و به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی تقید و پایبندی نشان نمی‌دهند، مظاهر و آثار هنری و فرهنگی جامعه ملی و بین‌المللی را نمی‌شناسند، طبعاً در این شرایط، اثربخشی و کارایی نظام آموزشی به‌ویژه از منظر انسان‌های کامل رشدیافته و فرهیخته به‌طور چشم‌گیری تنزل می‌یابد.

دکتر محمودی ادامه داد: تفکر خلاق را می‌توان با روش‌های مختلفی تعریف کرد، که شامل فرآیندهای شناختی، ویژگی‌های شخصیتی و متغیرهای محیطی و همچنین تعامل بین این مؤلفه‌ها می‌شود. در زمینه پرداختن به ماهیت تفکر، رویکردهای متعددی مانند نوع‌گرایی، وجودگرایی و سازه‌گرایی بعد از عمل‌گرایان ظهور کرده است، ولی هنوز فلسفه عمل‌گرایی یک دستگاه فلسفی معروف برای درک و تعریف مفهوم تجربه است. در مکتب عمل‌گرایی مریانی همچون جان دیویی، ساختن الگوی تأملی جدید را در دستور کار خود قرار دادند، دیویی تعلیم صرف دانش مبتنی بر آخرین اطلاعات درباره واقعات جهان هستی را کافی نمی‌دانست و معتقد بود که کودکان نیز هم‌چون دانشمندان باید به‌صورت گروهی کار تحقیقی انجام دهند؛ چرا که کندوکاو و کارهای پژوهشی کلاً مبتنی بر مشارکت و همکاری افراد با هم است. در شیوه سنتی آموزش و پرورش، معلمان در فرایند تدریس از روش آموزش تعلیمی استفاده می‌کنند زیرا در انتقال اطلاعات به دانش‌آموزان ظاهراً شیوه‌ای عملی و نیز کارآمد است. در این نوع از روش تدریس، معلمان کانون و محور اصلی کلاس محسوب می‌شوند و دانش‌آموزان در ردیف‌هایی منظم در کلاس مقابل معلم خود می‌نشینند و تمام اختیارات در دست معلم قرار دارد. کم‌توجهی نظام آموزشی به آموختن راه‌ورسم اندیشه‌ورزی و تقویت ویژگی تأمل و دقت در کودکان و جوانان، لزوم توجه به تلاش‌ها و تجربیات موفق در این زمینه را ضروری می‌سازد. براساس پیش‌فرض‌های پارادایم تأملی آموزش حاصل مشارکت کودک در حلقه کندوکاو با راهنمایی مربی است و از دانش‌آموزان انتظار می‌رود متفکر و ژرف‌اندیش باشند. در این راستا فلسفه به‌عنوان روشی برای برانگیختن تفکر در نظریات متیو لیپمن مورد توجه قرار گرفت. نقطه پیوند فلسفه و تعلیم و تربیت، انسان است.

لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۷۲۰>

## نگاهی به کتاب امرمطلق، مطالعه‌ای در فلسفه اخلاق کانت

نشست «نگاهی به کتاب امرمطلق، مطالعه‌ای در فلسفه اخلاق کانت» ۲۲ آذرماه ۱۴۰۲ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در ابتدای جلسه در معرفی کتاب امر مطلق، عنوان شد: مطالعه‌ای است دقیق درباره مهمترین اثر کانت در فلسفه اخلاق، یعنی بنیاد متافیزیک اخلاق. اما این کتاب فقط برای محققان کانت نوشته نشده است (هرچند در پیوست‌های کتاب به نیاز این گروه پرداخته شده)، بلکه برای همه کسانی نوشته شده که به مسائل اخلاقی توجه دارند، به‌ویژه کسانی که از نظریه‌های نسبی‌انگاره‌ای جدید که می‌خواهند تمایز میان خوب و بد را ملغی کنند، ناخرسندند. این کتاب با زبانی تا حد امکان روشن و ساده استدلال می‌کند که کانت، چنانکه خودش ادعا کرده، در صورت‌بندی اصول بنیادینی که حیات اخلاقی بر آنها استوار است، موفق بوده است. این کتاب می‌کوشد کاربرد عقل در عمل انسان، و به‌ویژه در عمل اخلاقی (کاربردی که امروز نادیده گرفته یا تمسخر می‌شود) را مورد توصیف و دفاع قرار دهد. این کتاب صرفاً تحقیقی تاریخی نیست، بلکه اثری در راستای تفکر اخلاقی است و در دوره‌ای که بی‌قانونی در عمل در آشفتنگی فکری بازتاب می‌یابد، تفکر اخلاقی ضروری است.

در ادامه بیان شد: در جریان این مطالعه، بسیاری از کژفهمی‌های گذشته از بین می‌روند. به‌عنوان نمونه، معمولاً تصور می‌شود که در نظریه‌ی کانت عملی که فاعل میلی طبیعی به آن داشته باشد یا از انجام آن لذت ببرد، نمی‌تواند خوب باشد؛ انسان خوب به پیامدها توجه نمی‌کند بلکه تنها به حالت ذهنی خودش اهمیت می‌دهد و حتی بدون هیچ توجهی به شرایط، وظایف مختلف خود را از مفهوم صرف قانون کلی استنتاج می‌کند. با نشان دادن بی‌پایگی این سخنان نامعقول، راه برای تفسیری جدید از آراء کانت و شاید برای پیشرفتی جدید در فلسفه اخلاق، باز می‌شود. لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۷۷۳>

پژوهشکده اخلاق و تربیت  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
به مناسبت هفته پژوهش برگزار می‌کند:

دانشگاه علامه طباطبائی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### نگاهی به کتاب علم تربیت در ایران

سخنرانان:

**دکتر نورالدین محمودی**  
(عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

**دکتر رمضان برخورداری**  
(عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی)

**دکتر روح‌الله شهبابی**  
(عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و مؤلف کتاب)

زمان: ۱۵ آذرماه ۱۴۰۲ ساعت: ۱۰ تا ۱۲  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن حکمت

لینک ورود به نشست:  
<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-ori-fyu-m4>

تهران - بزرگراه ولیعصر  
لینک: <https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-ori-fyu-m4>  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



## کاربرد پیکره‌های زبان فارسی و اهمیت آن در پژوهش‌های ایران‌شناسی و جهان ایرانی

نشست «کاربرد پیکره‌های زبان فارسی و اهمیت آن در پژوهش‌های ایران‌شناسی و جهان ایرانی» به همت پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، برگزار شد. در این نشست که ۲۸ آذر ماه ۱۴۰۲ برگزار شد، چهار سخنران حضور داشتند که با موضوع «تهیه پیکره زبان فارسی و اهمیت آن در ایران‌شناسی» نظرات و ایده‌های خود را ارائه کردند. دکتر مصطفی عاصی، دکتر مسعود قیومی، دکتر اتوسا رستم‌بیک و دکتر نادیا حاجی‌پور سخنرانان این نشست بودند ضمن اینکه مدیریت جلسه نیز برعهده دکتر فرزانه گشتاسب بود.

### تهیه پیکره زبان فارسی و اهمیت آن در ایران‌شناسی



نخستین سخنران دکتر عاصی بود که در آغاز سخنانش گفت: با نگاهی به پیشینه پیدایش زبان‌شناسی نوین به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین علوم امروزی که تنها در یک‌صد سال گذشته مجهز به نظریه‌های عام و تخصصی زبانی، روش‌شناسی و ابزارهای نوین علمی، رشته‌های دانشگاهی در همه مقاطع، مجامع و انجمن‌های علمی تخصصی، نشریه‌های معتبر علمی و نوشتگان بسیار زیاد شده است، درمی‌یابیم که شاخه‌های کاربردی و میان‌رشته‌های گوناگون آن و نیز به‌عنوان رکن اصلی رایاسپهر و هوش مصنوعی کم‌وبیش در همه عرصه‌های زندگی حضور یافته است.

وی ادامه داد: در ایران نیز هم‌گام و هم‌زمان با پیشرفت‌های زبان‌شناسی در جهان، دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، فرهنگستان‌ها، بنیادها و سازمان‌های علمی، فرهنگی و فناوری بسیاری با همکاری استادان، دانشوران، پژوهشگران و متخصصان پرشماری دانش زبان‌شناسی را به‌پیش می‌برند. یکی از شاخه‌های بسیار جدید زبان‌شناسی کاربردی که میان‌رشته‌ای رایانشی نیز به‌شمار می‌آید، زبان‌شناسی پیکره‌ای است که خوشبختانه در ایران به‌خوبی آغاز شده و هم‌گام با پیشرفت‌های جهانی به‌پیش می‌رود.

دکتر عاصی ادامه داد: پس از تعریف‌های کوتاهی از پیکره و زبان‌شناسی پیکره‌ای به مهم‌ترین حوزه‌های کاربرد آن اشاره‌ای می‌شود و آنگاه به یکی از این زمینه‌ها یعنی فرهنگ‌نگاری با بررسی یک نمونه انجام یافته می‌پردازیم. دو رویکرد پیکره‌ای: بررسی‌های پیکره‌بنیاد (corpus-based) و پیکره‌محور (corpus-driven) کاربردهای پیکره و زبان‌شناسی پیکره‌ای

- ۱- می‌توان گفت که امروز دیگر در همه شاخه‌های نظری و کاربردی زبان‌شناسی با بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای زبان‌شناسی پیکره‌ای، پژوهش با دقت و سرعت بسیار بیشتری انجام می‌گیرد.
- ۲- با ورود سه عامل زبان‌شناسی، رایانه و پیکره، دوران فرهنگ‌نگاری نوین فرارسیده است.
- ۳- نقش پیکره‌ها در آموزش زبان و تدوین منابع آموزشی آن بسیار اهمیت یافته است.
- ۴- کاربرد پیکره‌های زبانی در اصطلاح‌شناسی و واژه‌گزینی نیز آغاز شده است.
- ۵- امروز بررسی‌های گویشی و تدوین اطلس‌های زبان‌ها و گویش‌ها با فراهم آوردن پیکره‌های بزرگ گویشی و ایجاد بانک‌های دادگان گویشی بسیار کارآمدتر و سریع‌تر شده است.
- ۶- با مطرح‌شدن کاربرد پیکره‌های موازی در طرح‌های ترجمه ماشینی، یک‌باره تحول و جهشی بزرگ در این رشته بوجود آمد.
- ۷- بررسی‌های ادبی و سبک‌شناختی، تصحیح متون و تحلیل محتوا نیز با کمک زبان‌شناسی پیکره‌ای وارد دوران تازه‌ای شده است.

فرهنگ‌نگاری نوین

- \* فرهنگ‌نگاری و فناوری اطلاعات (IT)
- \* فرهنگ‌نگاری رایانشی
- \* فرهنگ‌نگاری و زبان‌شناسی پیکره‌ای
- \* فرهنگ‌های پیکره‌بنیاد

یک نمونه از فرهنگ‌های پیکره‌بنیاد: فرهنگ زبان‌آموز پیشرفته فارسی ویژگی‌ها و نوآوری‌های فرهنگ زبان‌آموز فارسی در یک نگاه:

- \* نخستین فرهنگ پیکره‌بنیاد زبان‌آموز پیشرفته فارسی
- \* بیش از ۳۱۰۰۰ سرواژه و مدخل اصلی
- \* نشانه‌های تصویری نماینده بسامد نسبی سرواژه‌ها
- \* نزدیک به ۶۰۰۰ عبارت اصطلاحی
- \* نزدیک به ۲۰۰۰ نکته کاربردی
- \* ۸۹۶ صفحه بزرگ (قطع رحلی)
- \* بیش از ۱۵۶۰۰ شاهد مثال از کاربرد واقعی زبان برگرفته از پیکره ۵۰ میلیون واژه‌ای پایگاه دادگان زبان فارسی
- \* تعریف ساده و روشن سرواژه‌ها با واژگان محدود تعریف ۲۸۰۰ واژه‌ای
- \* آوانگاری تلفظ رسمی و گفتاری سرواژه‌ها
- \* بیش از ۶۰۰ تصویر درون متن و ۱۷ صفحه تصویرهای رنگی جداگانه برای روشن‌تر کردن معنی
- \* دستور زبان و قواعد ساخت‌واژی فشرده فارسی در پیشگفتار
- \* پیوست‌ها و فهرست‌های موضوعی گوناگون

### کاربرد پیکره‌زبانی در ارتباطات بین فرهنگی

دومین سخنرانی توسط دکتر مسعود قیومی انجام شد که عنوان آن «کاربرد پیکره‌زبانی در ارتباطات بین فرهنگی» بود. دکتر قیومی گفت: ارتباطات بین فرهنگی به مطالعه ارتباطات میان فرهنگ‌ها و گروه‌های اجتماعی مختلف یا چگونگی تأثیر فرهنگ بر ارتباطات و همچنین چگونگی ارتباط مردم متعلق به کشورهای و فرهنگ‌های گوناگون با یکدیگر و درک از جهان پیرامون خود می‌پردازد. این موضوع ذیل موضوعات انسان‌شناسی، مطالعات فرهنگی، زبان‌شناسی، روان‌شناسی و ارتباطات مطرح و اساساً یک موضوع بین‌رشته‌ای تلقی می‌شود. موضوعاتی از قبیل هویت و فرهنگ در چارچوب رشته ارتباطات برای تحلیل چگونگی تأثیر جهانی شدن بر شیوه تفکر، اعتقادات و ارزش‌ها مطرح می‌شود که خارج از موضوع بحث این سطور است.



دکتر قیومی ادامه داد: در حوزه ارتباطات بین فرهنگی، دو موضوع فرهنگ و ارتباطات در تعامل با یکدیگر است. هدف از این تعامل تلاش بر تعیین چارچوب و تئوریزه‌سازی فرهنگ و ارتباطات است. از آنجاکه فرهنگ و ارتباطات به موازات تغییرات اجتماعی دچار تحول می‌شود و فرهنگ سنجش‌پذیر نیست و خصلت جهانی ندارد، نظریه‌ها باید تحولات دائمی و جنبه‌های مختلف یک جامعه مشخص را در نظر بگیرد و از تلقین دیدگاه‌هایی که از مطالعه یک جامعه به دست می‌آورد بر جامعه دیگر پرهیز کند. توجه به این نکته موجب توجه به ویژگی پویایی در نظریه‌پردازی می‌شود. زبان یک ابزار و مؤلفه فرهنگی مهم برای برقراری ارتباط و تعامل میان افراد یک جامعه و همچنین گویشوران دیگر زبان‌ها است. براساس نظریه جبر زبانی معرفی شده توسط سایپر و وورف (اوتنهايمر، ۲۰۰۹: ۳۳-۳۴)، زبان تفکر را شکل می‌دهد و بر شناخت افراد تأثیرگذار است؛ بنابراین، افراد با فرهنگ‌های مختلف به دلیل تفاوت در زبان‌هایشان متفاوت فکر می‌کنند. براساس همین رویکرد، «نظریه معنای معانی» (گریفین، ۲۰۰۰) در حوزه سوءتفاهم میان افراد با فرهنگ‌های مختلف مطرح می‌شود. هدف از پژوهش حاضر یافتن راه‌کاری برای مطالعه ارتباطات بین فرهنگی از دریچه زبان با کمک فناوری‌های روز از جمله پیکره‌زبانی، زبان‌شناسی رایانشی و هوش مصنوعی است.

قیومی تأکید کرد: یافتن درک متقابل و ایجاد تفاهم زبانی در مطالعات ارتباطات بین فرهنگی در کشورهای مختلف از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به دلیل محدودیت‌های زمانی و مکانی، امکان دسترسی به داده‌های زبانی زنده در جوامع دیگر وجود ندارد. بنابراین، رویکرد داده‌محور یا پیکره‌محور در مطالعات مربوط به ارتباطات بین فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد و این امر موجب گردآوری داده‌های زبانی در قالب پیکره‌زبانی و تحلیل آنها برای فهم زبانی در جوامع مختلف می‌شود.

ویژگی ارتباطی زبان سبب شده است مطالعات معناشناسی از اهمیت شایانی برخوردار گردد. مفهوم یک عبارت یا جمله از کنارهم قرار گرفتن معانی واژه‌های تشکیل‌دهنده آن عبارت یا جمله در محور هم‌نشینی درک می‌شود. گاهی ممکن است به دلیل ساخت زبانی یا ویژگی چندمعنایی واژه‌ها، مفهوم درک‌شده توسط شنونده از مقصود گوینده متفاوت باشد. در این صورت با پدیده‌ای به نام ابهام مواجه می‌شویم. ابهام عامل متمایزکننده میان زبان طبیعی و زبان‌های برنامه‌نویسی و صوری است. به عبارتی دیگر، ابهام بیانگر وجود تردید ناخواسته در معنا است که می‌تواند برخواسته از ساخت زبانی یا ویژگی معنایی خود واژه باشد. استعاره یک پدیده دیگر زبانی است که می‌تواند ذیل ابهام مطرح گردد. تفاوت ابهام و استعاره در این است که استعاره بیانگر وجود یک روش خلاقانه ایجاد تردید آگاهانه و هدفمند در ابهام‌آژگانی است (گیلز، ۱۹۹۱). سوء تفاهم تغییری است که از ابهام یا استعاره ناشی می‌شود و خود عامل سوء برداشت نیست، بلکه نتیجه آن است.

دکتر قیومی در خاتمه سخنانش یادآور شد: محدودیت زمانی و مکانی سبب تهیه پیکره‌های زبانی و مطالعه شواهد متعلق به یک زبانی توسط افراد خبره در جوامع دیگر برای مطالعه یک جامعه شده است. استفاده از فناوری می‌تواند مطالعات بین فرهنگی را دست‌خوش تغییر کند و ضمن افزایش سرعت و دقت و همچنین کاهش زمان در تحلیل داده‌ها و رسیدن به جمع‌بندی، به دستیابی به اطلاعات جدیدی منجر شود که پیش از آن با صرف زمان زیادی میسر بود. امروزه می‌توان از توانمندی‌های زبان‌شناسی رایانشی و هوش مصنوعی در حوزه پردازش معنایی واژه‌ها استفاده نمود و از نتایج آن برای اهداف مورد نظر در مطالعات ارتباطات بین فرهنگی بهره برد. در این راستا به دو شیوه می‌توان عمل کرد. یک شیوه، تعیین معانی یک واژه به صورت استنتاجی استقرایی با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشینی بی نظارت و پیکره زبانی عاری از هرگونه نشانه‌گذاری است. شیوه دوم، ابهام‌زدایی معنایی واژه است که در این حوزه باید با کمک الگوریتم‌های یادگیری ماشینی با نظارت و پیکره برچسب‌گذاری شده معنایی واژه‌ها، معنای واژه‌ها را براساس بافت زبانی از یک جدول مشخص معانی متعلق به واژه هدف تعیین کرد.

### پیکره‌های زبانی و بازنمایی و انتقال فرهنگ

سومین سخنران نشست دکتر آتوسا رستم‌بیک مطالبش را با عنوان «پیکره‌های زبانی و بازنمایی و انتقال فرهنگ» ارائه کرد و گفت: یکی از شاخه‌های نسبتاً تازه بنیاد در رشته زبان‌شناسی که متأثر از پیشرفت تکنولوژی شکل گرفت و هم‌راستا با آن متحول می‌شود، زبان‌شناسی پیکره‌ای است. دیجیتالی شدن داده زبانی امکان گردآوری و نگهداری حجم زیادی از داده را فراهم آورد. داده‌ای که همان ابزارهای رایانشی و دیجیتالی امکان تحلیلش در زمان اندک را نیز فراهم می‌آورد. با گسترده شدن ابعاد کاربردی زبان‌شناسی پیکره‌ای، انواع پیکره‌های زبانی تعریف و گردآوری شدند. کاربرد و نقش این پیکره‌های زبانی، جدا از کاربرد و نقش خود زبان نیست. همان‌گونه که یکی از کارکردهای زبان انعکاس



شخصیت فرد و تاریخچه فرهنگی او و نیز انتقال فرهنگ است، پیکره‌های زبانی نیز در بازنمایی و انتقال فرهنگی نقش مهمی دارند؛ به‌ویژه با این نقش با توجه به کاربردشان در سه حوزه زبان‌شناسی فرهنگی، آموزش زبان و ترجمه برجسته‌تر می‌شود. پیکره‌های زبانی یکی از ابزارهایی است که در زبان‌شناسی فرهنگی که به رابطه بین مفهوم‌سازی فرهنگی و زبان می‌پردازد، کاربرد دارد و می‌تواند مسیر ما را در دستیابی به طرح‌واره‌ها، مقوله‌ها و استعاره‌های فرهنگی جوامع هموار سازد. پیکره‌های زبانی در یادگیری و آموزش زبان نیز نقش به‌سزایی دارند و در تدوین فرهنگ‌های لغت، دستور زبان، آزمون‌سازی، طراحی درسی و تدوین کتاب‌های درسی به‌کار می‌روند. علاوه بر این، پیکره‌های زبانی در ترجمه نیز کاربرد بسیار دارند. انواع پیکره‌های زبانی موازی، دو یا چندزبانه و قابل مقایسه به مترجم در آموزش ترجمه یا انجام پژوهش‌هایی در حوزه ترجمه یا دستیابی به معادل اصطلاحات خاص کمک می‌کنند. در ایران، با وجود اینکه در سال‌های اخیر، تهیه پیکره‌های زبانی مورد توجه قرار گرفته است، همچنان خلاء پیکره‌های زبانی تخصصی احساس می‌شود.»

### درباره پایگاه دادگان پارسیک



چهارمین سخنرانی نشت توسط دکتر نادیا حاجی‌پور با عنوان «درباره پایگاه دادگان پارسیک و چند نمونه از پژوهش‌های آماری» ارائه شد. دکتر حاجی‌پور سخنانش را درباره پایگاه داده‌های زبان فارسی میانه آغاز کرد و گفت: این پایگاه شامل تمام متون فارسی میانه خواهد بود. واژه‌های این پایگاه برچسب‌دهی شده است که شامل املاهای پهلوی، واژه، آوانویسی، حرف‌نویسی، معنای فارسی، بن‌واژه، برچسب دستوری، ارجاع به فصل و بند کتاب و ارجاع به نسخه انتقادی است. چهار نوع جست‌وجو در این پایگاه امکان‌پذیر است، جست‌وجوی متن، واژه، برچسب دستوری، باهمایی. در جست‌وجوی متن، نتیجه جست‌وجو شامل دو بخش است: الف) آوانویسی و ترجمه یا ترجمه‌های متن همراه

با یادداشت‌هایی است که گاه بر متن نوشته شده است؛ ب) نمایش متن پهلوی (شامل متن انتقادی و دستنویس‌های که در دسترس داشتیم). در جست‌وجوی واژه، پنج روش وجود دارد: واژه به پهلوی، آوانویسی واژه، حرف‌نویسی واژه، معنای آن و بن واژه. نتیجه جست‌وجو در این بخش در دو خروجی دارد: «فهرست واژگان» که شامل همه واژه‌های مورد جست‌وجو است و «تنوع و بسامد واژه» که فقط شامل خود واژه است. در هر یک از انواع جست‌وجوی واژه می‌توان متن مورد نظر و فصل آن را انتخاب کرد. در جست‌وجوی برچسب دستوری نخست مقوله اصلی انتخاب، سپس مقولات ریزتر ظاهر انتخاب می‌شود.

۲- تحلیل‌های صورت گرفته در این پایگاه عبارت است از: الف- تهیه اطلاعات آماری؛ ب- تحلیل آماری هزوارش در چند متن فارسی میانه؛ ج- تحلیل آماری افعال جعلی در متون فارسی میانه.

### تهیه اطلاعات آماری

در پژوهش نخست، هشت متن با حدود ۷۰۰۰ واژه در نظر گرفته شد. اطلاعات شامل تعداد بندها، واژه تکراری، واژه بدون تکرار، بن واژه، واژه با بسامد ۱، تعداد واژه محتوایی و دستوری، تعداد هزوارش و تعداد هزوارش محتوایی بود. برخی از نتایج عبارت است از: به‌طورکلی، نسبت واژه‌های بدون تکرار به واژه‌های با تکرار که تنوع واژگانی (غنای واژگانی) نامیده می‌شود ۳۸/۴۰ درصد است. «بهرام ورجاوند» غنای واژگانی نسبتاً بالایی با ۶۳/۴۶ درصد را دارد. این تنوع واژگانی موجب دشواری درک مطلب می‌شود. واژه‌های محتوایی عبارت است از فعل، اسم، صفت، قید، ضمیر و شبه جمله؛ و واژه‌های نقشی عبارت است از حرف ربط، حرف اضافه و حرف تعریف. از میان واژه‌های متون، ۴۷۱۷ واژه محتوایی است که ۶۵/۶۳ درصد کل واژه را شامل می‌شود. تعداد کل هزوارش‌ها در داده‌های تحلیل‌شده ۳۹۶۸ واژه است که این تعداد بیانگر این است که ۵۵/۲۱ درصد از کل واژه‌ها هزوارش است.



### تحلیل آماری هزوارش در چند متن فارسی میانه

در برجسب گذاری دستوری واژه‌ها، ۱۲ مقوله دستوری اصلی تعریف شده است که شامل فعل، اسم، صفت، قید، عدد، ضمیر، حرف تعریف، پیش‌افزافه، پس‌افزافه، حرف ربط، ادات و افزافه است. در مقاله‌ای وجود هزوارش، بسامد آن و چگونگی کاربرد آن در هر واژه بر اساس این ۱۲ مقوله استخراج و مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های این پژوهش شامل ۳۱۰۴۶ واژه فارسی میانه است که از سه منبع گردآوری شده‌است. ۱- ۳۱ متن کوتاه و بلند از کتاب متون پهلوی (Pahlavi Texts) است، ۲- مینوی خرد، و ۳- اندرز اوشنر دانا. شمارش هزوارش‌ها در این متون نشان می‌دهد که حدود ۵۳ درصد از این واژه‌ها به صورت هزوارش و حدود ۴۷ درصد به صورت پهلوی نوشته شده‌اند. نگارش حدود نیمی از یک متن پهلوی با هزوارش به خوبی نقش این نوع نگارش خاص واژه‌های پهلوی را نشان می‌دهد. بیش از ۹۰ درصد واژه‌های دستوری به صورت هزوارش نوشته می‌شوند. در واژه‌های محتوایی، نقش هزوارش در اسم، صفت، قید و عدد بسیار کمتر از فعل و ضمیر است. ضمائر فارسی میانه نیز مانند واژه‌های دستوری تقریباً همیشه به صورت هزوارش نوشته می‌شوند. در فعل‌ها نیز هزوارش نویسی نقش مهمی دارد، حدود ۱۶ درصد افعال با هر دو املائی هزوارش و پهلوی، حدود ۱۳ درصد فقط هزوارش و حدود ۷۱ درصد فقط پهلوی نوشته شده‌اند.

### تحلیل آماری افعال جعلی در متون فارسی میانه

فعل جعلی فعلی است که بر پایه اسم، صفت، قید، حروف افزافه و غیره ساخته می‌شوند. بیکره این مقاله مشتمل بر ۶۶۵۷۰ واژه است. افعال جعلی را از نظر ساخت، صرف و بسامد آنها در متون گوناگون بررسی شده است. بیکره این پژوهش شامل گزیده‌های زادسپرم، زند بهمن یسن، شهرستان‌های ایران، مینوی خرد، و ۸ متن کوتاه و بلند اندرزی. در فارسی میانه ساخت فعل جعلی دو صورت متعدی و لازم دارد. برای ساخت فعل متعدی پسوند **-en** و برای ساخت فعل لازم پسوند **-ih** به انتهای اسم، صفت، قید و... افزافه می‌شود. در بیکره این پژوهش تعداد ۵۰ ستاک فعل جعلی فهرست شد که در مجموع ۱۳۷ بار در صرف‌ها و ساخت‌های مختلف به کار رفته است. این ۵۰ فعل شامل ۳۲ فعل متعدی و ۱۸ فعل لازم است. پایه ساخت آنها، اسم، صفت، ضمیر و قید بوده است. بیشترین ساختی که در مجموع از افعال جعلی در این متون به کار رفته است، ۶۶ فعل از ۱۳۷ فعل ساخت ماضی، ۳۹ فعل مضارع، ۱۶ مصدر و ۱۶ مشتق

(همگی از افعال متعدی) به کار رفته‌اند. بیشترین تعداد افعال جعلی در متن گزیده‌های زادسپرم به کار رفته است. از ۱۳۷ فعل جعلی صرف‌شده، ۹۷ مورد در گزیده‌های زادسپرم، ۲۶ مورد در مینوی خرد به کار رفته است و تعداد افعال جعلی بقیه متون ۳ مورد یا کمتر است. نسبت ستاک‌های افعال جعلی (۵۰ فعل)، نسبت به کل ستاک افعال شمارش شده در بیکره این پژوهش که ۴۰۸ مورد است، ۱۳ درصد است که نسبت قابل توجهی است. بالاترین نسبت در متن گزیده‌های زادسپرم مشاهده می‌شود که از ۳۰۳ ستاک فعلی که در این متن به کار رفته ۳۸ فعل جعلی است یعنی ۱۲/۵ درصد است. این تفاوت واضح در تعداد ساخت و کاربرد افعال جعلی نشان‌دهنده ویژگی زبانی متن گزیده‌های زادسپرم است که از متون تالیف شده بر اساس زند اوستا است و محتوای اصلی آن اساطیر و حوادث آغاز و پایان جهان است. /پایان  
تنظیم گزارش نادیا حاجی پور  
کارشناس پژوهشی پژوهشکده زبان‌شناسی

پژوهشکده زبان‌شناسی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
موسسه تحقیقات زبان‌شناسی پژوهشی ایران

مجموعه واژه‌شناسی و لغت‌شناسی

**کاربردیترین واژه‌های زبان فارسی**  
واحدیت آن در پژوهش‌های ایران‌شناسی و جهان‌ایرانی

سایر آنان:  
دکتر سعید قاسبی  
دکتر مصطفی خامی  
دکتر آرمنا رستم‌بیگ  
دکتر نادیا حاجی پور

مترجم: سعید قاسبی  
دکتر سعید سعید زاده

زبان: ۲۸ آذرماه ۱۴۰۲ | سال پنجم | ۱۰ | ۱۲ | ۱۳  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن حکمت  
آیة الیه پروانه ثبت:  
https://webdms.iifsc.ac.ir/

پژوهشکده زبان‌شناسی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
موسسه تحقیقات زبان‌شناسی پژوهشی ایران

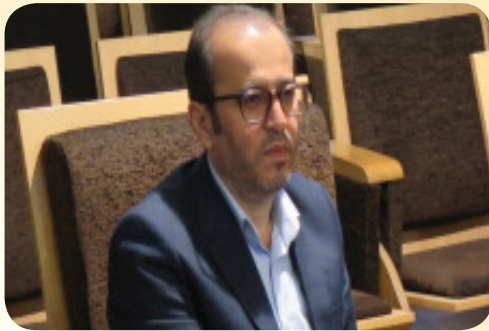
لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.iifsc.ac.ir/fa/news/۲۴۸۳۹>

## گزارش نشست «نگاهی به کتاب علم تربیت در ایران»

نشست نگاهی به کتاب علم تربیت در ایران، در اولین روز هفته پژوهش، در تاریخ ۱۵ آذر با حضور روح‌الله شهابی نویسنده کتاب، رمضان برخورداری، دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی و دکتر نورالدین محمودی عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. دبیر علمی نشست، دکتر اسماعیل ناصری عضو هیأت علمی گروه روان‌شناسی پژوهشگاه بود.

د ر



ابتدای این نشست، دکتر روح‌الله شهابی، به معرفی مختصر کتاب پرداخت و گفت: کتاب چند تأکید اصلی دارد؛ نخست آنکه علوم تربیتی به‌عنوان یک رشته دانشگاهی بر چه بستری از تحولات تاریخی و فرهنگی در کشور ما شکل گرفته است. وی مهم دانستن این بستر را از این جهت دانسته است که تأسیس علوم تربیتی به‌صورت یک رونوشت و کپی از آنچه در دانشگاه‌های خارج از کشور تدریس می‌شد، نبود بلکه محصول مجموعه‌ای از تحولات و رویدادهای تاریخی و فرهنگی و در پاسخ به یک تقاضای اجتماعی بوده است. دکتر شهابی تأسیس دارالفنون و پیامدهای تربیتی آن، رویدادهای حد فاصل تأسیس دارالفنون تا مشروطیت و خود مشروطیت به‌عنوان یک تحول اجتماعی عظیم را از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی-اجتماعی زمینه‌ساز شکل‌گیری علوم تربیتی به‌عنوان یک رشته دانشگاهی دانست و در مورد نقش هر یک سخنانی ایراد کرد. پدیدایی و تحول رشته، معرفی پیشگامان و اقدامات آنها، مبانی فلسفی، آثار و پژوهش‌های منتشر شده و نهادهای مرتبط دیگر تأکیدی بوده که در کتاب به آنها اشاره شده است.

در ادامه دکتر رمضان برخورداری، دانشیار دانشگاه خوارزمی سخنانش را آغاز کرد و گفت: در فصل اول این کتاب به این منازعه پرداخته شده است که آیا ما با «علم تربیت» به‌عنوان یک دیسپلین یا یک علم مستقل مواجه هستیم یا با «علوم تربیتی» و مجموعه‌ای از علوم به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی؟ وی معتقد بود این منازعه‌گویی در عنوان کتاب نیز بازتاب داشته است به‌گونه‌ای که در عنوان اصلی علم تربیت و در عنوان فرعی از «بازخوانی علوم تربیتی» سخن گفته شده است.

دکتر برخورداری تأکید کرد: به‌نظر می‌رسد در کتاب نگاه میالاره و تقسیم‌بندی او از علوم تربیتی به‌عنوان مبنا مد نظر نویسنده بوده است از این‌رو بهتر بود در عنوان نیز به جای علم تربیت از علوم تربیتی استفاده می‌شد. نقد دیگری که دکتر برخورداری به کتاب وارد دانستند نگاه وقایع‌نگارانه مؤلف به جای نگاه تحلیلی بوده است. وی معتقد بود کتاب در بسیاری از بخش‌ها به وقایع‌نگاری تأسیس و توسعه علوم تربیتی به‌عنوان یک رشته دانشگاهی در کشور پرداخت و به جز فصل دوم که به بررسی زمینه‌ها پرداخته است، کمتر نگاه تحلیلی و تبیینی مشاهده می‌شود. برای مثال نویسنده آغاز آموزش علوم تربیتی در ایران را قبل از شروع آموزش این رشته در فرانسه می‌داند اما این تقدم را معنا نکرده است یا تناظر زمینه‌های فلسفی با دوره‌های تاریخی به خوبی مورد بحث قرار نگرفته است. ضمن آنکه تقسیم‌بندی دوره‌های تحولی نیز به‌نظر می‌رسد به شکل تحمیلی انجام شده است و حرکت از نگاه پوزیتیویستی به نگاه تفسیری به خوبی تبیین نشده است. این نگاه وقایع‌نگارانه در فصل چهره‌ها نیز دیده می‌شود و بیشتر به شرح حال اقدامات افراد مؤثر پرداخته شده است نه نقد آراء و نظریه‌های آنان. در این فصل ضعف دیگری که قابل مشاهده است نپرداختن به برخی افراد مهم بوده است که در بنیان‌گذاری علوم تربیتی نقش داشتند که از جمله این افراد می‌توان به دکتر علی اصغر حکمت اشاره کرد. در پایان این نشست نیز دکتر نورالدین محمودی به مرور تأسیس علوم تربیتی به‌عنوان یک رشته دانشگاهی در ایران و انطباق آن با مطالب ذکر شده در کتاب پرداخت. لینک (پیوند) فایل صوتی نشست:

<https://www.ihcs.ac.ir/fa/news/۲۴۶۸۷>

## «استعمارشناسی در جهان عرب» و خوانش منویات و مقاصد استعمارگران در جامعه عربی



### یادداشت دکتر مریم هاشمی (۱) عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این مطالب که در ادامه می‌خوانید، ثمره و دستاورد نُه‌ماه مجالست و مؤانست با ستمدیدگان و ستمگران تاریخ بشری است.

نگارنده عضو هیأت علمی پژوهشکده تمدن اسلامی پژوهشگاه، از شُرب بستر اندیشگان ناب، مبدع و نوآور ریاست محترم پژوهشگاه، استاد گران‌قدر، دکتر موسی نجفی، در وادی ناشناخته‌ای برای من آن‌چنان لایتناهی و بحری عمیق، آن‌چنان لاتنتهی از معرفت و دانشی جدید گام نهادم که حرکت نون والقلم را بر اوراق سپید دفترم، صبغه و حال و هوایی دیگر داد. حال و هوایی کاملاً متمایز از پیشین ایام گذشته‌ام در امر پژوهش و سیر در اندیشه‌های سَلَف خویش.

نام این وادی جدید و ناشناخته البته برای نویسنده جوانی چون من، «استعمارشناسی در جهان عرب» و خوانش منویات و مقاصد استعمارگران در جامعه عربی، چه در پوشش تخاصم و درگیری تن‌به‌تن و چه در پوشش فرهنگی و نامحسوس «شرق‌شناسی» بود. سرّ پنهان و وجه تمایز آشکار و بهی نُه‌ماه جویش من در این وادی بکر، آه، ناله و افغان‌هایی بود که هر روز از نهاد سینه‌ام برمی‌خاست و اشک‌هایی که هر لحظه حین نگارش و حرکت قلم و پرده‌برداری از این جرائم و جنایت‌های وصف‌ناپذیر ددان و درندگان آدم‌نمای انسان‌نگر بر گونه‌ام جاری بود. مرطوب شدن چشمان و تالی آن، غرقاب آن‌ها در کورانی از غم و اندوه و شرم از انسانیتی که داشتم، بیان‌گر احوالات خون‌شده و مُلَطَخ قلبی بود که در جوانح من می‌تپید و مابه‌ازای خارجی‌اش را در قالب سایه‌سار سوگ، پدیدار می‌کرد.

آری کدامین دست است که احوال و روایات انسان‌های ستمدیده و دشمنان استعمارگر را در درازنای تاریخ بشری و آن هم دور از آتش اجحاف و ظلم لمس کند و نلرزد؟ کدامین دیدگان است که حرص و طمع استعمار و طلاپرستی استعمارگران را این چنین عجیب و نفرت‌انگیز ببیند و مرطوب نشود؟ کدامین گوش است که اخبار و لغ و سیری‌ناپذیری ناخدایان هلندی درنده‌خو، در مچ بریدن کارگران کنگویی آفریقا، به گناه کم‌کاری یا برداشت محصول کم را بشنود و آب‌از‌آب در کران بیکران انسانیتش تکان نخورد؟ کدامین وجدان بشری است که در دالان‌های مخوف و دهشتناک تاریخ استعمار قدم نهد و از درد به خود نیچد و تا مغز استخوانش نسوزد؟ کدامین مرد آزاداندیشی است که آشنا شود با ابرمردان تاریخ، کسان بسیاری، بسان انور الجندی مصری (متوفای ۲۰۰۲ م.) و آلبر مَمّی یهودی و فرانسوی (متوفای ۲۰۲۰ م.) و بر احوالات انسانی ایشان غبطه نخورد؟ کدامین زن بیداردلی است که بشناسد شیرزنان تاریخ، کسان بسیاری، بسان نیتله ابراهیم راشد (متوفای ۲۰۱۲ م.)،

نویسنده و روزنامه‌نگار مصری را و بر مکنونات اندیشه‌های ناب او در آزادی از یوغ استعمار چه فرهنگی و چه غیر فرهنگی، اعلان «هیئات منّا الذله» را سر ندهد. این مردان و زنان، جان و مال و نفس خویش را با سلاح قلم و یراع و در طریق اسلام اصیل، با هدف روشنگری و ایضاح از حقایق نهفته و رحمت‌آفرین آن صرف کردند و در پایان عمر، در هاله‌ای از حرمان و دیده نشدن، در گوشه‌ای از عزلت و تنهایی خویشان با قلم و قلم با او، ندا و ناموس لایتغیر حیات را که مرگ است، پاسخ دادند.

طوبی بدنان که در مواجهه با مرگ و ناموس حیات، این دعوت را لبیک گفتند، اما حقیقتاً نمرند. طوبی بدنان که سال‌ها بعد از مرگشان، رستاخیز ایشان فرا می‌رسد، اما نه این بار در قالب یک کالبد انسانی که از خاک، سر بیرون می‌آورد بلکه در قالب روح حاکم بر قلم و نمود اندیشه‌های ایشان پر فضای گفتمانی و پویا و زنده قرون و اعصار است که پیوسته ارشاد می‌کند و درس می‌دهد. آثاری بسان «الیقظة الإسلامية فی مواجهة الاستعمار» و «تاریخ العزو الفکری والتغریب خلال ما بین الحربین العالمیین» (۱۹۲۰-۱۹۴۰) در سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۸۸ میلادی به وجدان جامعه بشری و عدالت‌پروری و مبارزه با نژادپرستی پیش کش شده است، اما آیا ما فرزندان عصر حاضر پس از گذران نیم قرن از انتشار این آثار، از انداز و تبشیرهای آنان آگاهی داریم؟ کیست که اگر از نزدیک به احوال استعمار و استعمارگران بنگرد، درنیابد که ورای این شکوه و جلال ظاهری و پشت این غرور استعمارگران، جز مردانی کوچک نیستند. سیاستمدارانی که عهده‌دار شکل‌دادن به تاریخند اما بهره آن‌چنانی از معلومات تاریخی برده‌اند.

آری این چنین است استماع این واقیعت اسفناک دردافزون از استمتاع بی‌پایان استعمارطلبان. آنانی که از دو راه می‌کوشند تا به غصب و نهب سرزمین‌های مستعمره جنبه قانونی ببخشند. یکی با نمایان‌ساختن شایستگی‌های بزرگ شخصیت غاصب و ناهب، آن‌چنان بزرگ که درخور این چنین پاداشی باشد و دیگری با نمایان‌ساختن ناشایستگی‌های ژرف شخصیت غاصب شده، آن‌چنان ژرف که چنین عقوبتی را شاید و این دو راه از یکدیگر جدا نیستند. نگرانی‌های غاصب و کوشش‌های او به‌منظور توجیه خویش ایجاب می‌کند که او خویشان را بلندتر از عرش برین ببیند و غصب شده را پست‌تر از خاک!

این واژگان و کلمات، روایت‌گر حال اصلی و نمود عینی واقیعت‌ها، عملکردها، رفتارها، فکت‌ها، کنش‌ها و واکنش‌های استعمارگران در مقابل دول عربی مشرق‌زمین است. اقدامات و عملکردهایی که گذشته این ددیت کهن را در جهان عرب، به‌صورت مواجهه مستقیم و چهره‌به‌چهره نشان می‌داد با نژاد عربی؛ با اعمال سلطه و اتکا به زور می‌تاخت اما امروز، داب(عادت) دیگری یافته و رنگ فکر و اندیشه فرهنگی را به خود گرفته است. رویکرد قیّم‌مآبانه انسان غربی و اصالت‌نگری نژاد اروپایی، هنوز هم به قوت خود باقی است. اما این بار مودیان، زیرکانه، غیرمستقیم و با چهره‌ای کاملاً جدید، نقشه‌های استعمار گذشته را پی می‌گیرد. بدیهی است که «تعددت الأسباب و الموت واحد» دلایل و عوامل مرگ و نیستی متعدد است، اما نتیجه همواره یکی است و تغییرناپذیر در ناموس حیات؛ همان مرگ و نیستی.

استعمارگران، این پیشوایان متعصب و مستکبران پیشرو، این پایه‌گذاران عصبیت، متجاوزان به حقوق بشر، صاحبان روح تعدی، ستمگران تاریخ، که برای حرص و ولع به خاک بیشتر جغرافیایی و گسترش اقلیم خود، سفک دماء کردند. طشت‌های خون پر کردند و با نابودی حیات عربی، اقلیم جغرافیایی آنان را به مالکیت و سلطه خویش درآوردند. ممارست چنین رفتارهای ددمشانه و نابخردانه، به خیال واهی، نجات نژاد عربی بوده است و عین عقلانیت؛ و این چنین با توجیحات به‌ظاهر سازنده، بیشترین بهره را از قدرت، رفاه، و منابع غنی کشورهای عربی بردند و بر اکتاف ملت‌های مستضعف عرب نشستند با داعیه دروغین آزادی، دموکراسی و حقوق بشر؛ اما آنچه در نهایت عاید این نژاد شد، تلی از ویرانگری، تاراج ثروت‌ها، و منابع زیرزمینی سرزمین مادری فرزندان عرب بود و یغمای مخازن غنی آن.

روایت‌ها و حکایت‌های من و استعمار تازه شروع شده است. نقطه آغاز آن نه‌ماه مجالست و مؤانست با ستمدیدگان و انزجار از ستمگران است و نقطه پایان آن شاید به وسعت عمرم.



## تئودور هرتسل، پیامبر یهودیت معاصر



یادداشت دکتر مریم هاشمی (۲)  
عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حسن محمد توفیق ظاظا (۱۹۱۹-۱۹۹۹ م.) نویسنده مصری در کتاب خود «اندیشه دینی اسرائیل، مراحل و آموزه های آن»، که توسط انتشارات مرکز پژوهش‌های عربی در سال ۱۹۷۱ به چاپ رسیده است، شرح می‌دهد؛ دین یهود ستون فقرات نژادپرستی یهودی است. دین یهود، دینی است که از نظر ماهیت، خاستگاه و تاریخچه آن با اکثر ادیان که ما مسلمانان می‌شناسیم تفاوت چشم‌گیری دارد. این دین، مجموعه‌ای از باورها، آیین‌ها، قوانین رفتاری و اخلاقی است که در طی هزاران سال بر روی هم انباشته و متبلور شده و نضج یافته و جالب این‌که تنها بر یک مرد نازل نشده است. تاریخ نبوت در اسرائیل از زمان ناشناخته‌ها و مجهولات تاریخ بشریت تا آغاز قرن چهارم قبل از میلاد، با تاریخ اجتماعی و تاریخ سیاسی این گروه از یهودیان همزمان است و در نزد متفکران و پژوهشگران یهودی چه متعهدین فرقه یهودی فریسی (که ما آنها را ربانیان (۱) می‌نامیم) و چه غیر متعهدین آنان به متون مقدس، کاهنان و خاخام‌هایی که پیرو آخرین پیامبران بنی‌اسرائیل و یهود از جمله دانیال، استر، عزرا، نحمیا و ملاکی هستند، هنوز هم ادعای تداوم و استمرار وحی و پیامبری را در جامعه یهودی پویا نگه داشته و ادعای آن را در اندیشگان می‌پرورانند. یهودیان، میشنا (۲) را با نام پرطنین «تورات شفاهی» همان مجموعه اجتهادات، فقه، فتواها، قوانین و تفاسیری می‌دانند که توسط خاخام‌های یهودی پس از پایان عصر نبوت بر تورات نوشته شده است و به اعتقاد آنان پس از پایان عصر نبوت، هنوز هم این باب (یعنی نبوت) به روی مورخان اندیشه اسرائیل جهت ورود پیامبرانی که یهودیان تکذیب کرده و به آنان کافر شدند، نیز باز می‌گذارد. به بیان دیگر بسیاری از یهودیان سکولار، که روحشان در آتش صهیونیسم مدرن شعله‌ور است، حتی باب نبوت را تا قرن بیستم باز نگه می‌دارند تا تئودور هرتسل (۱۸۶۰-۱۹۰۴ م.) نیز از آن وارد شود.

اگر صهیونیسم معاصر، که پایه‌پای پروژه استعمار در خاورمیانه جان گرفت و در فلسطین کاشته شد، تاکنون توانسته است به این موفقیت دست یابد که افکار عمومی جهانی را فریب دهد و خود را در نظر مردم زودباور، به‌عنوان قوم برگزیده خدا و دولتی معرفی کند که در سرزمین فلسطین برخاسته است تا عصر دموکراسی، پیشرفت، فناوری، همکاری و برادری را تقدیس کند، همه مربوط به اعماق، ثنایا و منحنی‌های تاریخ کهنی است که جامعه یهودی از طریق مفاهیم اعتقادی، متافیزیکی، بدیهیات، تفاسیر صوفیانه و فولکلور که در میراث دینی آنان پر است، خود را شناسانده است. شکل‌گیری بخش اعظم این اندیشه‌ها (اگر چه نگوییم همه آن) اما ناشی از تفکر واقعی صهیونیستی است که در پس این آراستگی و جلوه خوب، وجود دارد.

در این نشانه‌ها و شاخصه‌های فرهنگی یهود از این نظر که از یک‌سو، به لحاظ ادبی، میراثی ارزشمند و لذت‌بخش پنهان است و از سوی دیگر مملو از شگفتی‌ها و کاوش‌هایی است که یهودیان در طول تاریخ طولانی خود، چه از ورای تجربیات اجتماعی شخصی خود، و چه از ورای تجربیات اقوام ملل دیگر که در میان آنها زیستند، شکی نیست. اما آنچه واقعیت دارد این است که یهودیان در ثبت تاریخ خود، در طول حیات زیسته، به میراث اقوام ملل دیگر هجوم بردند و با تصاحب هر آنچه از فرهنگ دیگر ملل می‌پسندیدند، برای خود ادعای اصالت آن را مطرح کردند. «یهودی سرگردان» تنها این شخص مفلوک و بیچاره‌ای نیست که هر چند هم سرگردان بماند، اما در این توهم پوشالی است که از نسل حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب، وارث موسی و هارون و جانشین سلیمان و داود است خواه مفلوک، مفلوج و ترسان باشد و با عصا در دست و سر در گریبان در اطراف و جای‌جای زمین پرسه زند و خواه نباشد.

این یهودی سرگردان و پریشان‌حال، همان تکه‌ها و ترکش‌های باقی مانده از بمب اجتماعی اسرائیل است که در هر مکانی پراکنده شده و هر آنچه را که خواسته از تجربیات بشری و سنت‌های مردمی غصب کرده و سپس با ترکیب همین سنت‌ها و تجربیات بشری، آن‌هم با منشأ و خاستگاه‌های چندگانه و متعدد، و نقل قول‌های مختلف، طرحی برای خود در بوته ذوق فکری یهود در انداخته است اما برای محقق با بصیرت که نه فریب خورده است و نه تعصب می‌ورزد، در کنه ادبیات یهودیت، صهیونیسمی را مشاهده می‌کند که در آن اسرائیل، برخی از ارزشمندترین، اصیل‌ترین و عزیزترین عقاید ملل دیگر را غصب کرده و مدعی آنها برای خود شده است، دقیقاً همان‌گونه که فلسطین را اشغال و غصب کرده است.

با این حال، پدیده یهودیت، شمشیری دولبه است، همان‌طور که به تحکیم پیوندهای تعصب یهودی کمک می‌کند، باعث اختلاف در آموزه‌ها، نظرات، عقاید و دیدگاه‌های یهودیان با یکدیگر نیز می‌شود. یهودیان، ملتی هستند مبتلا به بیماری اختلاف، درگیری و نزاع؛ که شاید دلیل آن به تفاوت ریشه‌ها و اصولی برگردد که در منابع و سرچشمه‌های اولیه میراث فکری و تشکلات اجتماعی یهود وجود دارد؛ با این حال اگر پدیده یهودیت با عمق و دقت لازم مطالعه و بررسی شود، از یک‌سو راه را برای درک عمیق‌تر اندیشه اسرائیل هموارتر می‌کند و از سوی دیگر بسیاری از حقایق و واقعیات گرایش‌های مختلف صهیونیستی را که اکنون در سیاست اسرائیل معاصر مشاهده می‌شود، توضیح خواهد داد.

## منابع

۱. یهودیت خاخامی یا یهودیت ربانی، یکی از شاخه‌های اصلی یهودیت است که از زمان تدوین تلمود تا سده ششم میلادی وجود داشت. یهودیت خاخامی در میان یهودیان آواره میان سده‌های دوم تا ششم میلادی با تدوین تلمود و میشنا و در نبود نیاپیشگاه‌های مقدس جریان غالب مذهبی بود.
۲. تلمود دارای دو بخش اصلی است. اولین «قسمت میشنا» نام دارد که در حدود سال ۲۰۰ میلادی تکمیل شده است و شامل تفسیر خاخام‌های یهودی بر تورات است و دومین قسمت «گمارا» نام دارد که در سال ۵۰۰ میلادی تکمیل شد و شامل نوشتارهای خاخام‌های یهودی در مسائلی فراتر از آنچه در تورات اشاره شده است، می‌پردازد. تلمود، منبع اصلی قوانین یهودی در یهودیت ربانی است.

## سایر نشست‌های برگزار شده در آذرماه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
گروه اقتصاد شهری و روستایی و کسب و کارهای شهری و روستایی

### نشست نقد و بررسی کتاب

# اخلاق و بازار

کفتگو می‌درمبارزه دین، علم اقتصاد و عدالت

دکتر سید محسن حسینی، مدیر گروه اقتصاد شهری و روستایی و کسب و کارهای شهری و روستایی  
دکتر علی حسینی، مدیر گروه اقتصاد شهری و روستایی و کسب و کارهای شهری و روستایی  
دکتر علی حسینی، مدیر گروه اقتصاد شهری و روستایی و کسب و کارهای شهری و روستایی  
دکتر علی حسینی، مدیر گروه اقتصاد شهری و روستایی و کسب و کارهای شهری و روستایی

زمان: چهارشنبه ۸ آذر ۱۴۰۲ ساعت ۱۰  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سالن ادب  
لینک حضور مجازی در نشست: <https://webinar.iu.ac.ir/b/ihc-v70-wtl-odq>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تاسیس

### شاخص‌های تمدن‌سازی فلسفه برای کودکان:

## مبارزه با جریان‌های جعلی فلسفه برای کودکان

با معرفی کتاب دانشگاه کنتوگا و محور سخنرانان:

دکتر سعید ناجی (موضوعات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)  
دکتر روح‌الله کریمی (موضوعات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)  
دکتر نورالدین محمودی (موضوعات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

زمان: ۲۰ آذرماه ۱۴۰۲ ساعت ۱۳ تا ۱۵  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سالن حکمت

لینک ورود به نشست: <https://webinar.iu.ac.ir/b/ihc-ord-fyu-erv4>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه اخلاق و تربیت  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

### نگاهی به کتاب

## «فرهنگ توصیفی روان‌شناسی تربیتی»

این کتاب تقدیم به تمامی کسانی است که به نام ایران تلاش می‌کنند، می‌نویسند، پژوهش می‌کنند و در یک کلام به سرفرازی ایران در صحنه علم جهان می‌اندیشند.

سخنرانان:

دکتر حسن احدی  
دکتر ملوک خادمی  
دکتر هادی کرامتی  
دکتر ژانست صلیبی  
دکتر روح‌الله شهبازی

دبیر علمی نشست: دکتر نورالدین محمودی

زمان: شنبه ۴ آذر ۱۴۰۲ ساعت ۱۰ تا ۱۲  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب  
لینک حضور مجازی در نشست: <https://webinar.iu.ac.ir/b/ihc-v70-wtl-odq>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
به مناسبت هفتاد و پنجمین سالگرد تاسیس

### مدنیت در پرتو مراقبت

دکتر مهرنوش هدایتی

## تعلیم و تربیت مراقبتی

دکتر روح‌الله کریمی

با نگاهی به کتاب مراقب تفکر صرفاً منطقی پائسیم

زمان: ۱۸ آذرماه ۱۴۰۲ ساعت ۱۰ تا ۱۲  
مکان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن حکمت

لینک ورود به نشست: <https://webinar.iu.ac.ir/b/ihc-ord-fyu-erv4>



ژپو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





آرشیو خبرنامه در وبگاه پژوهشگاه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی  
گروه پژوهش و نشر

## نخستین همایش ملی روش‌های پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی: رویکردهای نوین و چالش‌های پیش‌رو

### Research Methods in Humanities and Social Sciences: Emerging Approaches and Upcoming Challenges

محورهای همایش

- بازنشانی نقش روش‌های پژوهش علوم انسانی و اجتماعی در نظریه‌پردازی و تحول نظری علوم
- تحلیل کاربست روش‌های پژوهش علوم انسانی و اجتماعی
- تبارشناسی روش‌های پژوهش علوم انسانی و اجتماعی
- ظرفیت‌های میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای روش‌های پژوهش در علوم انسانی، اجتماعی، تجربی و هنر
- رویکردها، مفاهیم و روش‌های پژوهش نوین در علوم انسانی و اجتماعی
- ظرفیت‌ها، کاربردها و چالش‌های روش‌های پژوهش دیجیتال در علوم انسانی و اجتماعی
- بررسی ظرفیت‌های فناوری‌های پژوهش علوم انسانی و اجتماعی در راستای سیاستگذاری عمومی




۲۹ بهمن ماه ۱۴۰۲  
ساعت ۱۸:۳۰ تا ۱۵:۰۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی  
تالار ندن و سائن ادب

آخرین مهلت ارسال چکیده مقالات  
۱۵ آبان ماه ۱۴۰۲

زمان اعلام چکیده مقالات برگزیده  
۳۰ آبان ماه ۱۴۰۲

آخرین مهلت ارسال مقالات کامل  
۱۰ دی ماه ۱۴۰۲ (تجدید شد)

رئیس همایش: دکتر یحیی فوزی  
دبیر علمی: دکتر الهام ابراهیمی  
دبیر اجرایی: دکتر فرزانه میرشادلوایی










ارسال چکیده و مقالات کامل از طریق تارنمای همایش

لینک همایش: <https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-d71-kw0-afr>  
وبگاه همایش: <https://www.ihcs.ac.ir/rmconference/fa>  
پست الکترونیکی همایش: [rm\\_conference@ihcs.ac.ir](mailto:rm_conference@ihcs.ac.ir)

آدرس دبیرخانه همایش: تهران - بزرگراه کرمانشاه - خیابان ۲۴ غربی دکتر الوند  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طبقه اول، اتاق ۱۱۰  
شماره‌های تماس دبیرخانه همایش: (داخل ۱۷۷) ۲۳۸۳۲۲۲ / ۸۸-۲۳۸۳۱۱۷



سرمدبیر: حوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، هلیا عباسی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام‌رسان‌ها: @ihcss, @pajoheshgah